

موافقتنامه صلح بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان و دسترسی مستقیم به نخجوان





مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

موافقتنامه صلح بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان و دسترسی مستقیم به نخجوان

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی

تهیه و تدوین: ولی کالچی

ناظران: آیدا ابونبی، مسعود موسوی شفاءئی

تاریخ انتشار: آبان ۱۴۰۴

واژگان کلیدی: آذربایجان، ارمنستان، آتش بس، توافقنامه صلح، نخجوان، جنگ دوم قره‌باغ، کریدور زنگه‌زور، کریدور لاجین، کریدور ارس، چهارراه صلح، پل ترامپ

شناسه گزارش: RC-1404-MEF-E2-PP-1143

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

مرکز پژوهش‌های شبکه‌های اجتماعی:

Instagram: @rc.iccima.ir

Telegram: @rc_iccima

Twitter: @rc_iccima

فهرست مطالب

۵	خلاصه مدیریتی
۱۸	مقدمه
۲۰	سیر تحول تاریخی دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان
۲۱	۱- دسترسی بدون مانع جمهوری آذربایجان به نخجوان در دوره شوروی
۲۳	۲- جنگ اول قره‌باغ و قطع دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان پس از فروپاشی شوروی
۲۹	۳- جنگ دوم قره‌باغ و مطرح شدن دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان
۳۷	۴- جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی
۴۳	۵- ایجاد «منطقه اقتصادی زنگه‌زور شرقی» و توسعه زیرساخت‌های «کریدور زنگه‌زور» در مناطق پیرامونی قره‌باغ کوهستانی
۵۳	۶- تلاش ناموفق برای احیای مسیرهای ریلی دوره شوروی
۵۶	مذاکرات صلح ارمنستان و آذربایجان
۶۳	مفاد توافق‌نامه ۱۷ ماده‌ای صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان
۷۵	توافق‌نامه «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» برای دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان
۸۱	سه پیش شرط نهایی شدن توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان
۹۲	رویکردها و اقدامات احتمالی جمهوری آذربایجان پس از نهایی شدن توافقنامه صلح با ارمنستان
۱۰۸	رویکردها و اقدامات احتمالی ارمنستان پس از نهایی شدن توافقنامه صلح با جمهوری آذربایجان
۱۲۵	ملاحظات و رویکردهای سایر بازیگران به توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان
۱۴۱	ایران و توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان
۱۸۲	سخن پایانی

چکیده مدیریتی

۱- توافقنامه صلحی که بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان، رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ به امضاء رسید، دو کشور برای نخستین بار پس از ۳۵ سال تجربه «جنگ» و «آتش بس»، وارد مرحله انعقاد «توافقنامه صلح» شدند. هرچند این توافقنامه صلح هنوز نهایی نیست و تحقق آن نیازمند برآورده شدن پیش شرط‌های مختلفی است.

۲- در متن توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان، هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان نشده است و در بندهای ۳ و ۴ اعلامیه مشترک ۷ ماده‌ای که توسط رئیس‌جمهور الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان پس از دیدار با دونالد ترامپ منتشر شد، به این موضوع پرداخته شده است. براین اساس، دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان به جای نام مورد نظر باکو یعنی «کریدور زنگه‌زور» یا نام مورد نظر ایروان یعنی «چهارراه صلح»، با نام و عنوان جدیدی یعنی «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه جهانی» یا به طور خلاصه «پل ترامپ» مورد توافق قرار گرفت.

۳- دسترسی جمهوری آذربایجان به منطقه برونگانِ نخجوان که ارمنستان در میانه آن واقع شده است، موضوعی تاریخی است و از ۱۹۲۴ میلادی / ۱۳۰۲ هجری شمسی تاکنون (۲۰۲۵ میلادی / ۱۴۰۴) از یک سابقه بسیار طولانی ۱۰۰ ساله برخوردار است. دسترسی بدون مانع جمهوری آذربایجان به نخجوان در دوره شوروی (۱۹۲۴-۱۹۹۱ میلادی / ۱۳۰۲-۱۳۷۰) که مسیر ریلی تبریز- جلفا نیز به مسیر ریلی جلفا (نخجوان)- مَقری- زَنگیلان- باکو- مسکو و همچنین مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان متصل بود؛ جنگ اول قره‌باغ و قطع دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان پس از فروپاشی شوروی (۱۹۹۱ / ۱۳۷۰ تا کنون) که قطع ارتباط ریلی ایران با قفقاز جنوبی و روسیه را نیز به دنبال داشت و مسیر پایانه مرزی بیله سوار در شمال اردبیل و مناطق شمالی استان آذربایجان شرقی به منطقه اُردوباد در نخجوان به عنوان مسیر جایگزین تعریف شد؛ جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ و مطرح شدن دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان از طریق «کریدور زنگه‌زور» در حالی که در متن توافقنامه

آتش‌بس قره‌باغ تنها به «کریدور لاجین» برای دسترسی ارمنستان به منطقه قره باغ کوهستانی تحت کنترل ارامنه اشاره شده بود؛ جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی/ شهریور ۱۴۰۲، تشدید فشارها برای تحقق کریدور زنگه‌زور و طرح‌های جایگزین «کریدور ارس» و «چهار راه صلح» از سوی ایران و ارمنستان، ایجاد «منطقه اقتصادی زنگه‌زور شرقی» و توسعه زیرساخت‌های «کریدور زنگه‌زور» در مناطق پیرامونی قره‌باغ کوهستانی از سوی دولت اذربایجان و تلاش ناموفق برای احیای مسیرهای ریلی دوره شوروی در جنوب منطقه قفقاز یعنی مسیر ریلی جلفای ایران- نخجوان- ارمنستان- آذربایجان، سرفصل‌های مهم تاریخ پر فراز و نشیب دسترسی جمهوری آذربایجان به منطقه برونگانِ نخجوان در ۱۰۰ سال گذشته به ویژه در ۳۵ سال اخیر و پس از فروپاشی شوروی است.

۴- مذاکرات صلح ارمنستان و آذربایجان: فرایند عبور از وضعیت «جنگ» و «آتش‌بس» به «صلح پایدار» (۱۹۹۱-۲۰۲۵ میلادی/ ۱۳۷۰-۱۴۰۴) نیز فرایند بسیار پر فراز و نشیبی را طی کرده است. دو دهه میانجی‌گری ناموفق پس از پایان جنگ اول قره‌باغ توسط گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا به رهبری مشترک فرانسه، آمریکا و روسیه (۱۹۹۲-۲۰۲۰)، نقش پر رنگ روسیه به عنوان میانجی پس از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰ میلادی)، تشدید اختلافات بین ارمنستان با روسیه و برجسته‌تر شدن نقش میانجی‌گری اروپا، توافق اولیه آذربایجان و ارمنستان بر سر متن ۱۷ ماده‌ای توافقنامه صلح در ۱۳ مارس ۲۰۲۵ میلادی/ ۲۳ اسفند ۱۴۰۳، دیدار مهم دوجانبه الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی/ ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی و در نهایت، امضاء توافقنامه صلح بین رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی/ ۱۷ مرداد ۱۴۰۴، سرفصل‌های مهم تاریخ پر فراز و نشیب مذاکرات صلح بین دو کشور در ۳۵ سال گذشته است. هرچند این توافقنامه صلح نیز هنوز نهایی و قطعی نیست.

۵- تحلیل مفاد توافقنامه ۱۷ ماده‌ای صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان گویای دو نکته مهم و کلیدی است. نخست، کاربرد واژه Agreement برای این توافقنامه به جای استفاده از واژگانی مانند Treaty یا Pact یکی از موارد مهمی است که نشان می‌دهد توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان هنوز یک پیمان صلح قطعی و نهایی نیست. اگرچه این توافق شامل مفادی برای پایان دادن

به خصوصت‌ها، احترام به تمامیت ارضی و لغو ادعاهای سرزمینی است، اما در واقع یک «نقشه راه» برای توافق نهایی دو کشور محسوب می‌شود. دوم، اشاره به «اعلامیه آلمانی» که چند روز پیش از فروپاشی شوروی در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی / ۵ دی ۱۳۷۰ به امضاء رسید و یکی از نکات مهم و کلیدی در اعلامیه آلمانی، «تأکید بر به رسمیت شناختن مرزهای موجود جمهوری‌ها به عنوان مرزهای بین‌المللی بود» و همچنین اشاره به «سند نهایی کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا» (۱۹۷۵) از نظر پذیرش مرزهای دوره شوروی، شناسایی متقابل تمامیت ارضی و منع متقابل تجاوز بسیار مهم است و این امر برای ارمنستان که طی پنج سال گذشته همواره نگران حمله نظامی جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه به استان سیونیک برای تحقق کریدور زنگه‌زور بود، می‌تواند یک پشتوانه حقوقی مناسب را برای حفظ تمامیت ارضی این کشور پس از امضاء توافقنامه نهایی صلح فراهم نماید.

۶- در رابطه ملاحظات فنی و اجرایی «مسیر ترامپ» برای دسترسی آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، چند نکته مهم و کلیدی وجود دارد. نخست، یک شرکت مشترک ارمنی-آمریکایی به ثبت خواهد رسید که از نظر حقوقی، اختیارات دو طرف یکسان خواهد بود و هرکدام از طرفین برای انتخاب طرف سوم، از حق وتو برای عدم پذیرش و رد همکاری و مشارکت برخوردار خواهند بود. این شرکت مشترک ارمنی-آمریکایی مسئولیت ساخت و بهره‌برداری از این مسیر تقریباً ۴۳ کیلومتری و نیز ساخت خط راه‌آهن، خطوط نفت و گاز، فیبر نوری و انتقال برق را در طول این مسیر برعهده خواهند گرفت. دوم، در رابطه با اجاره طولانی مدت ۹۹ ساله بهره‌برداری، کنترل و نظارت از مسیر آذربایجان به نخجوان در خاک ارمنستان، مواضع متناقض و مبهمی وجود دارد. در حالی که طرف امریکایی به صراحت و قطعیت از آن صحبت می‌کند، دولت ارمنستان آن را قطعی و نهایی نمی‌داند. لذا به نظر می‌رسد تا زمانی که سندی رسمی، قطعی و مکتوب در این زمینه منتشر نشود، نمی‌توان با اطمینان از صحت یا عدم صحت و اعتبار بحث واگذاری و اجاره ۹۹ ساله مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان توسط شرکت‌های امریکایی اظهار نظر نمود. سوم، تعریف و اجرایی شدن عرض ۵ کیلومتری (چند برابر عرض معمول و متداول بزرگراه‌ها و کریدورهای ترانزیتی) برای این مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان از این جهت بسیار محتمل است که این مسیر

تنها برای تردد شهروندان و یا ترانزیت نیست و قرار است پروژه‌های دیگری مانند خط راه‌آهن، خطوط نفت و گاز، فیبر نوری و خطوط انتقال برق نیز در طول این مسیر اجرایی شود. به احتمال بسیار زیاد، مسیر ریلی زودتر از مسیر جاده‌ای آماده بهره برداری خواهد شد که البته ساخت و بهره برداری از مسیر ریلی نیز حداقل دو سال زمان خواهد برد. چهارم، با توجه به نگرانی‌های بسیار جدی امنیتی آذربایجان و همچنین ترکیه برای عبور این مسیر از داخل خاک ارمنستان، احتمالاً تدابیر امنیتی و حفاظتی ویژه‌ای پیش‌بینی خواهد شد و این احتمال وجود دارد که از نظر فنی و مهندسی، با هدف جلوگیری از تداخل یا تقابل شهروندان ارمنی و آذری، این مسیر ۴۳ کیلومتری در تقاطع با جاده‌ها و مسیر عبوری در استان سیونیک ارمنستان به صورت روگذر طراحی و اجرا شود و یا این‌که برای جلوگیری از هرگونه حمله تروریستی یا خرابکاری احتمالی، بزرگراه مورد نظر با دیوارهای بلند بتنی از دو طرف محصور شود. هرچند یک شرکت مشترک ارمنی-آمریکایی مسئولیت امنیت عبور و تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و نخجوان و نیز کنترل گذرنامه‌های بیومتریک، اظهارنامه آنالین، اسکن محموله‌ها و دریافت حق ترانزیت را طبق قوانین و مقررات ارمنستان را در دو سوی مسیرهای ورودی و خروجی برعهده خواهند گرفت.

۷- سه پیش شرط اصلی برای نهایی‌شدن توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان وجود دارد. نخست، تعیین حدود مرزها، علامت‌گذاری و میله‌گذاری مرزهای مشترک ارمنستان و جمهوری آذربایجان که از چند سال قبل در دست اقدام است. دوم، انحلال گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا (به رهبری مشترک روسیه، فرانسه و آمریکا) که در سال ۱۹۹۲ میلادی برای حل و فصل مناقشه قره‌باغ کوهستانی تشکیل شد. به استناد نامه مشترک وزرای خارجه آذربایجان و ارمنستان، شورای وزرای سازمان امنیت و همکاری اروپا در تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی با تصویب مصوبه‌ای پس از ۳۳ سال «روند مینسک» و نهادهای مرتبط آن را رسماً منحل کرد و بدین ترتیب، یکی از پیش شرط‌های امضاء توافق نهایی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان محقق شده است. سوم، اصلاح قانون اساسی ارمنستان و حذف ارجاع به «اعلامیه استقلال ارمنستان» که در آن به اتحاد ارمنستان و قره‌باغ (به تعبیر ارامنه آرتساخ) اشاره شده است. تحقق این پیش شرط که نیازمند برگزاری رفراندوم

اصلاح قانون اساسی ارمنستان است، به شدت با انتقاد و اعتراض احزاب و جناح‌های سیاسی مخالف دولت نیکول پاشینیان مواجه شده است. احتمالاً اصلاح قانون اساسی ارمنستان دو سال دیگر در سال ۲۰۲۷ میلادی انجام خواهد شد؛ البته مشروط به این که حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان بتواند در انتخابات سال ۲۰۲۶ میلادی / خرداد ۱۴۰۵ به پیروزی برسد. بنابراین تا آن زمان، نمی‌توان انتظار امضاء توافق‌نامه نهایی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان را داشت.

۸- پس از نهایی شدن توافقنامه صلح بین دو کشور و همچنین اجرایی شدن دسترسی زمینی و مستقیم این کشور به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، رویکردها و اقدامات احتمالی جمهوری آذربایجان را می‌توان این موارد دانست: لغو خودمختاری جمهوری نخجوان با هدف تقویت تمرکز سیاسی و یکپارچگی سرزمینی جمهوری آذربایجان، تقویت زیرساخت‌های «کریدور میانی» از مسیر نخجوان به موازات حفظ مسیرهای شمالی (گرجستان) و جنوبی (ایران)، تسریع در روند اجرای پروژه کابل فیبر نوری ترانس خزر از بندر آکئائو قزاقستان به بندر باکو جمهوری آذربایجان با هدف انتقال ترافیک دیتا در مسیر شرقی- غربی، افزایش احتمال اجرایی شدن پروژه انتقال انرژی ترانس خزر با هدف انتقال گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان به آذربایجان، ترکیه و اروپا، واگرایی و استقلال عمل بیشتر جمهوری آذربایجان از روسیه و نزدیکی بیشتر به ترکیه و جهان غرب، تقویت نقش و جایگاه جمهوری آذربایجان در نظم در حال شکل‌گیری در شامات (سوریه و اسرائیل) متعاقب سقوط بشار اسد با هدف ایجاد پیوند میان آذربایجان، ترکیه، سوریه و اسرائیل.

۹- رویکردها و اقدامات احتمالی ارمنستان پس از نهایی شدن توافقنامه صلح با جمهوری آذربایجان و همچنین اجرایی شدن دسترسی زمینی و مستقیم این کشور به منطقه نخجوان، این موارد خواهد بود: عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه و بازگشایی مرزهای دو کشور، فاصله بیشتر ارمنستان از روسیه و نزدیکی بیشتر به جهان غرب، تخلیه پایگاه‌های نظامی روسی و خروج ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی و احتمال عضویت ارمنستان در پیمان ناتو، پایان انحصار و مالکیت روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی ارمنستان در حوزه گاز، برق، مخابرات و راه‌آهن، و در نهایت احتمال خروج ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و طرح عضویت در اتحادیه اروپا.

۱۰- یکی از مهم‌ترین متغیرها و فاکتورهایی که می‌تواند توافقنامه صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان، اجرایی شدن دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان موسوم به «پل ترامپ»، عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه و سایر معادلات و پیش‌بینی‌ها را به طور کامل برهم بزند، تحولات سیاسی در ارمنستان به ویژه سقوط دولت نیکول پاشینیان است که از دو طریق ممکن است روی دهد: نخست به صورت خشونت‌آمیز از طریق شورش، اعتراض و کودتای مخالفان و دوم، به صورت مسالمت‌آمیز و سیاسی از طریق شکست در انتخابات پارلمانی در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵. هر دو حالت نیز محتمل است. در صورتی که هر یک از جریان‌های سیاسی مخالف از جمله حزب جمهوری‌خواه، جنبش ملی ارامنه، طیف سیاسی قره‌باغی و چهره‌هایی مانند روبرت کوچاریان و سرژ سارگسیان (روسای جمهور سابق)، اسقف باگرات گالستانیان و سامول کاراپتیان به قدرت برسند، توافقنامه صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان و نیز توافق اجرایی‌شدن مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان و عادی‌سازی مناسبات ارمنستان و ترکیه متوقف خواهد شد و سیاست خارجی ارمنستان همانند قبل از به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در ماه می ۲۰۱۸ میلادی، با فاصله گرفتن از غرب، مجدداً به سمت روسیه و نیز ایران نزدیک خواهد شد.

۱۱- گرجستان یکی از کشورهایی است که از اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان، متضرر خواهد شد. طی دو دهه گذشته، مسیر ریلی باکو- تفلیس- قارص، خط لوله نفت باکو- تفلیس- جیحان و دو خط لوله گاز یعنی خط لوله باکو- تفلیس- ارزروم با اتصال به خط لوله گاز ترانس آدریاتیک (تاناپ)، نقش بسیار مهمی در ترانزیت و انتقال انرژی از منطقه قفقاز جنوبی به ترکیه و اروپا داشته است. با این وجود، طی پنج سال گذشته یعنی پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، گرجستان موضعی بسیار مبهم، دو پهلوی و محافظه‌کارانه در رابطه با «کریدور زنگه‌زور» اتخاذ کرده است و نه مانند ایران و ارمنستان به مخالفت آشکار با این کریدور ترانزیتی پرداخت و نه مانند ترکیه به حمایت آشکار از آن روی آورد.

۱۲- ترکیه یکی از ذی‌نفعان و برندگان توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان و به ویژه اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان است که به این کشور



اجازه خواهد داد از طریق مرز کوتاه صدرک با نخجوان، بتواند ۳۵ سال پس از فروپاشی شوروی، بدون عبور از مسیر گرجستان، با جمهوری آذربایجان، ارتباط مستقیم برقرار کند. به ویژه این که پس از سقوط بشار اسد در سوریه، ترکیه دست بالا را در تحولات سوریه و منطقه شامات پیدا کرده است و لذا با اعتماد به نفس بیشتری اقدام به نقش آفرینی و تاثیرگذاری بیشتری در معادلات قفقاز جنوبی خواهد نمود. از نظر فرهنگی و هویتی نیز دسترسی مستقیم ترکیه به جمهوری آذربایجان از طریق منطقه نخجوان و با عبور از خاک ارمنستان، به معنی پیوستگی سرزمینی و جغرافیایی «جهان ترک» مورد نظر ترکیه است که تا کشورهای ترک آسیای مرکزی و حتی استان سین کیانگ چین (با اکثریت ترک‌های اویغور) را در بر می‌گیرد. از نظر اقتصادی، تجاری و ترانزیتی و انتقال انرژی نیز دسترسی مستقیم ترکیه به جمهوری آذربایجان از طریق منطقه نخجوان، نقش و جایگاه ترکیه در «کریدور میانی» برای ارتباط با دریای خزر، منطقه آسیای مرکزی و نیز چین تقویت خواهد شد.

۱۳- انعقاد توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجی‌گری دونالد ترامپ در آمریکا در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۴، نشانه دیگری از کاهش نفوذ و جایگاه سنتی روسیه در قفقاز جنوبی است که پیامد مهم و مستقیم درگیری نظامی این کشور در جنگ اوکراین و تحریم‌های گسترده غرب علیه این کشور است. در واقع به نظر می‌رسد روس‌ها تاوان جنگ اوکراین را در قفقاز می‌پردازند. روسیه تحت تحریم گسترده غرب به دلیل نیازهای ترانزیتی، تجاری، بانکی و مالی و نیز واردات محصولات کشاورزی و غذایی، انعطاف‌هایی در مقابل محور جمهوری آذربایجان و ترکیه در قفقاز جنوبی نشان داد که در نهایت از نظر ژئوپلیتیکی به ضرر روس‌ها تمام شد. جایگزینی نیروهای امنیتی خصوصی آمریکایی (طبق توافق صلح اخیر) با نیروهای مرزبانی روسی (طبق امه آتش‌بس قره باغ در سال ۲۰۲۰) در مسیر دسترسی آذربایجان به نخجوان در خاک ارمنستان به روشنی نشان می‌دهد که چگونه روند تحولات در منطقه قفقاز در پنج سال گذشته به ضرر روس‌ها پیش رفته است. خروج احتمالی ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی نیز باعث خواهد شد که این سازمان تحت رهبری روسیه دیگر در منطقه قفقاز جنوبی، هیچ‌گونه حضوری و فعالیتی نداشته باشد که این امر ضربه بسیار بزرگی به جایگاه و نفوذ روسیه در این منطقه خواهد بود. در حوزه اقتصادی نیز دولت ارمنستان با

ملی کردن شبکه برق این کشور در اوایل مرداد ۱۴۰۴ نخستین گام را برای خارج شدن از انحصار و سلطه اقتصادی روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی ارمنستان برداشت. در صورتی که دولت پاشینیان موفق به ادامه این روند در حوزه مخابرات، راه‌آهن و به ویژه گاز شود که فرایندی بسیار سخت و پرچالش است، روسیه یکی از مهم ترین اهرم های نفوذ و فشار خود را در ارمنستان از دست خواهد داد. در حوزه ترانزیت و تجارت نیز روند اوضاع به نفع روس‌ها نیست. جنگ اوکراین و تحریم گسترده روسیه از سوی غرب، تقویت قابل توجه «کریدور میانی» را به دنبال داشته است که این امر باعث تقویت هر چه بیشتر جمهوری آذربایجان و ترکیه به عنوان مسیر ترانزیت و تجارت بین چین و آسیای مرکزی با اروپا شده است. در حوزه انرژی نیز هدفگذاری اروپا برای کاهش واردات گاز طبیعی از روسیه موجب تقویت قابل توجه جمهوری آذربایجان در کریدور جنوبی انتقال انرژی به اروپا شده است. در این بین، اجرایی شدن احتمالی مسیر انتقال انرژی ترانس خزر برای انتقال گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان به جمهوری آذربایجان و عبور آن از مسیر آذربایجان-ارمنستان-نخجوان به ترکیه و اروپا، ضربه دیگری به جایگاه و نقش روسیه در صادرات انرژی به اروپا خواهد بود.

۱۴- اتحادیه اروپا یکی از یکی از ذی‌نفعان و برندگان توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان و به ویژه اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان است که به اروپا اجازه می‌دهد با عبور «کریدور میانی» از این مسیر، دسترسی سریع‌تر و کم هزینه‌تری به قفقاز جنوبی، دریای خزر، آسیای مرکزی و چین پیدا کند که در میانه تنش و درگیری اروپا با روسیه در جنگ اوکراین از اهمیت بسیار بالایی برای اروپایی‌ها از نظر ترانزیت و تجارت برخوردار است.

۱۵- امضاء توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجی‌گری دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی/ ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ یک نقطه عطف در سیاست خارجی آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی پس از فروپاشی شوروی محسوب می‌شود. نکته بسیار مهم این است که طی ۳۵ سال که از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های قفقاز جنوبی می‌گذرد، فقط یک رئیس جمهور آمریکا- جرج بوش پسر- در سال ۲۰۰۵ میلادی به گرجستان سفر کرد و هنوز هیچ رئیس جمهوری چه

دموکرات و چه جمهوری خواه به ارمنستان و جمهوری آذربایجان سفر نکرده است. اگر «مسیر ترامپ» بین جمهوری آذربایجان و نخجوان با عبور از خاک ارمنستان توسط شرکت های آمریکایی ساخته و اجرایی شود و شرکت های خصوصی امنیتی آمریکایی نیز مسئولیت تامین امنیت، نظارت و کنترل بر این مسیر (تحت قوانین ارمنستان) را برعهده بگیرند، این امر به موازات خروج نیروهای مرزبانی روسی از مرزهای مشترک ارمنستان با جمهوری آذربایجان، ایران و ترکیه، گام بسیار مهمی در افزایش ضریب نفوذ آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی به شمار می رود.

۱۶- اسرائیل در کنار ترکیه یکی دیگر از ذی نفعان و برندگان توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان و به ویژه اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان است که اجازه می دهد اسرائیل از طریق ترکیه ارتباط و دسترسی سریع تری (در مقایسه با مسیر گرجستان) با متحد نزدیک خود یعنی جمهوری آذربایجان برقرار نماید. مسیر کنونی انتقال نفت آذربایجان به اسرائیل از مسیر خط لوله باکو - تقلیس - جیهان است که می تواند با حذف مسیر گرجستان، مسیر نخجوان جایگزین آن شود. علاوه بر این، مسیر نخجوان می تواند از نظر تجاری، ترانزیتی و به ویژه انتقال تجهیزات نظامی و دفاعی که بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد نیازهای دفاعی جمهوری آذربایجان را شامل می شود، از مسیر نخجوان منتقل شود. ضمن این که این روند به افزایش ضریب نفوذ سیاسی، اقتصادی و به ویژه نظامی - اطلاعاتی اسرائیل در مجاورت مرزهای شمال غربی ایران نیز کمک شایانی خواهد نمود.

۱۷- سوریه پس از بشار اسد نیز در این تحولات بسیار مهم است. اگر توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان زمانی روی می داد که نظام سیاسی بشار اسد در قدرت بود، به دلیل روابط بسیار نزدیک سوریه با ارمنستان و نیز روابط سرد و پرتنش سوریه با ترکیه و جمهوری آذربایجان، این توافقنامه عملاً تاثیر چندانی بر معادلات بین قفقاز جنوبی و منطقه شامات نداشت. اما تحولات پس از ۷ اکتبر در خاورمیانه و به ویژه در سوریه پس از سقوط بشار اسد، شرایط و معادلات بسیار تغییر کرده است. سفر رسمی احمد الشرع (جولانی) در ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵ میلادی به باکو و دیدار با الهام علی اف و به ویژه توافق دو طرف برای صادرات سالانه ۱/۲ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از میدان شاه دنیز به سوریه

به روشنی گویای تغییر و تحولات جدیدی است که در روابط باکو و دمشق در یک سال اخیر روی داده است. در چنین شرایطی، سوریه می‌تواند از طریق ترکیه و مسیر نخجوان-ارمنستان (در صورتی که اجرایی شود)، دسترسی مستقیمی به جمهوری آذربایجان پیدا کند که از نظر ترانزیت، تجارت و انتقال انرژی برای هر دو طرف بسیار حائز اهمیت است و به افزایش ضریب نفوذ جمهوری آذربایجان در کنار ترکیه در سوریه پس از بشار اسد نیز کمک شایانی خواهد نمود.

۱۸- چین و آسیای مرکزی نیز در کنار اروپا و آمریکا، ترکیه و اسرائیل، از ذی‌نفعان و برندگان توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان و به ویژه اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان محسوب می‌شوند که بخشی از «کریدور میانی» خواهد بود. هرچند در حالی که بین کشورهای ترک آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان) با جمهوری آذربایجان و ترکیه در قالب «سازمان کشورهای ترک» نوعی همسویی و همبستگی وجود دارد و به همین دلیل است که کشورهای آسیای مرکزی پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، صراحتاً به حمایت از پروژه «کریدور زنگه‌زور» مدنظر جمهوری آذربایجان و ترکیه برخاستند، اما رویکرد چین متأثر از سبک و نوع رفتار و سیاست خارجی این کشور- از همان ابتدا به پروژه «کریدور زنگه‌زور» با احتیاط و ملاحظه همراه بود و ترکیبی از حمایت ضمنی از اهداف آذربایجان در حوزه اتصال منطقه‌ای، و تأکید بر احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی ارمنستان را در بر می‌گرفت.

۱۹- از نظر جغرافیایی، ایران در موقعیتی در جنوب منطقه قفقاز قرار گرفته است که آن را کاملاً متمایز از سایر کشورها و بازیگران ساخته است. ایران تنها کشوری است که با هر دو بخش جمهوری آذربایجان یعنی سرزمین اصلی این کشور و منطقه نخجوان همسایه است. لذا نکات و ملاحظات مهمی در رابطه با آثار و پیامدهای توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و به ویژه دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان موسوم به «پل ترامپ» وجود دارد که آگاهی از آن به طور مشخص برای اتاق بازرگانی ایران حائز اهمیت است. این نکات و ملاحظات عبارتند از: قطعی نبودن توافقنامه صلح بین ارمنستان و آذربایجان، پیروزی مجدد حزب حاکم «پیمان شهروندی» به

رهبری نیکول پاشینیان در انتخابات پارلمانی ارمنستان در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ به عنوان عامل تعیین‌کننده و حفظ توافقنامه صلح، مشارکت شرکت‌های آمریکایی در ساخت، بهره‌برداری، نظارت و تامین امنیت مسیر آذربایجان به نخجوان در استان سیونیک ارمنستان، تلاقی و تداخل مسیر آذربایجان به نخجوان با مسیر ترانزیتی ایران- ارمنستان در استان سیونیک به ویژه جاده اصلی از مرز (نوردوز- مِقری) تا ایروان (۳۷۰ کیلومتر) که از شهرهای آگاراک، مِقری، کاجاران و کاپان در استان سیونیک عبور می‌کند و به پایتخت ارمنستان می‌رسد، نگرانی از تهدید، انسداد و یا تهدید مرز مشترک ایران و ارمنستان، کاهش اهمیت و ضرورت مسیر عبوری و ترانزیتی از پایانه مرزی بیله‌سوار در شمال اردبیل و کریدور ارس برای ارتباط جمهوری آذربایجان و نخجوان، تشدید رقابت «کریدور میانی» در مسیر شرقی- غربی با «کریدور شمال- جنوب» در مسیر شمالی- جنوبی، اجرایی شدن طرح انتقال انرژی ترانس خزر و انتقال گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان به آذربایجان، ترکیه و اروپا، پایان وابستگی نخجوان به گاز وارداتی از ایران، فرصت‌های اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران در فرایند ملی شدن زیرساخت‌های اقتصادی تحت کنترل روسیه در ارمنستان در حوزه‌های گاز، برق، راه آهن و مخابرات و خروج احتمالی ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نزدیکی این کشور به اتحادیه اروپا.

۲۰- نفس تحولات کنونی در قفقاز جنوبی بسیار مهم است و نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت و صرفاً بر احتمالات تکیه نمود. لذا در رابطه با تحولی که در مجاورت مرزهای شمال غربی ایران در حال شکل‌گیری است، ضرورت دارد در یک رویکرد واقع‌بینانه، جامع و عمل‌گرایانه، از هرگونه «اغراق‌گویی» و «بزرگ‌نمایی» و یا در مقابل «کوچک‌انگاری» و «ساده‌سازی» پرهیز نمود. آنچه ضرورت توجه به این تحولات را مضاعف می‌کند، شرایط خاص کشور پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و همچنین فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تمامی قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل متحد پیش از توافق برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی است که به موازات تحریم‌های یک جانبه و فراگیر آمریکا، فشار سنگینی را به اقتصاد، تجارت خارجی و شبکه مالی، پولی و بانکی کشور وارد ساخته است. در چنین شرایطی، همسایگان و مناطق پیرامونی ایران از جمله قفقاز جنوبی، از اهمیت بسیار بالایی در حفظ و تداوم ترانزیت و تجارت خارجی ایران و افزایش تاب‌آوری کشور در مقابله با فشارهای تحریمی

برخوردار است.

۲۱- با عنایت به کلیه ملاحظات و نکات یاد شده، توصیه‌ها و راهکارهای پیشنهادی زیر می‌تواند از سوی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و زیرمجموعه آن در ساسر کشور و همچنین نهادها و دستگاه‌های متولی در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و ترانزیتی قرار گیرد: تمرکز بر فرایند طراحی، اجرایی و مختصات فنی- مهندسی احداث مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در استان سیونیک در جنوب ارمنستان، تسریع در فرایند تکمیل و عملیاتی‌شدن بزرگراه شمال- جنوب ارمنستان که شرکت‌های مهندسی ایرانی نیز در ساخت برخی از قطعات آن مشارکت دارند، تکمیل و بهره‌برداری از پل دوم روگذر در ارس در مرز مشترک ایران و ارمنستان، ساخت و تکمیل بزرگراه ورزقان- نوردوز در استان آذربایجان شرقی، توسعه متوازن و هماهنگ پایانه مرزی نوردوز (ایران) و مِقری (ارمنستان)، تقویت همکاری‌های مشترک منطقه آزاد اقتصادی ارس (ایران) و منطقه آزاد مِقری (ارمنستان)، ضرورت ادامه ساخت و تکمیل «کریدورس ارس» بین آذربایجان و نخجوان با عبور از استان آذربایجان شرقی، ضرورت احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان/ جلفا- نخجوان- مِقری- زنگیلان- باکو- مسکو و در نهایت ضرورت رویکرد متوازن ایران به «کریدور شمال- جنوب» و «کریدور خلیج فارس- دریای سیاه» در قفقاز جنوبی.

۲۲- ایران می‌تواند حداقل سه انتظار و درخواست مهم از دو کشور آذربایجان و ارمنستان داشته باشد که در راستای سیاست اصولی، ثابت و منطقی ایران در سه دهه گذشته در رابطه با عدم تغییر مرزهای بین‌المللی و احترام به استقلال و حاکمیت کشورهای منطقه است. این سه انتظار و درخواست مهم عبارتند از:

* نخستین انتظار ایران این است که برای حفظ حریم و امنیت مرز مشترک ایران و ارمنستان، مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در استان سیونیک در جنوب ارمنستان، تا جایی که امکان دارد از مرز ایران فاصله داشته باشد و در مناطقی بالاتر از مرز مشترک ایران و ارمنستان طراحی و احداث شود. جنوب استان سیونیک در ارمنستان از نظر جغرافیایی و وجود مناطق خالی از جمعیت، از نظر فنی و مهندسی کاملاً این امکان را دارد که مسیرهای ریلی و جاده‌ای، خطوط انتقال نفت و گاز، فیبرنوری و انتقال برق،



کیلومترها بالاتر و دورتر از مرز مشترک ایران و ارمنستان احداث شود که نفس این امر به عنوان یک اقدام اعتمادساز، می‌تواند در عمل - نه در لفظ و اعلام مواضع - نشان دهد که این مسیر ترانزیتی و ارتباطی تهدیدی برای مرز مشترک ایران و ارمنستان نخواهد بود.

* دومین انتظار و درخواست مهم ایران این است که طراحی و مختصات فنی - مهندسی این مسیر به گونه‌ای باشد که جاده و مسیر ترانزیتی ایران به ارمنستان را قطع و یا دچار انسداد و اختلال نکند. در این راستا، شاید ساخت «روگذر» و یا «پل» در نقطه تلاقی مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان با مسیر ترانزیتی ایران و ارمنستان می‌تواند تا حد زیادی نگرانی‌های فعلی را کاهش دهد. با توجه به کوهستانی بودن منطقه، شرایط خاک و نزدیکی منطقه به رود ارس، احتمال ساخت «زیرگذر» بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد و لذا به نظر می‌رسد محتمل‌ترین گزینه همان ساخت «روگذر» و یا «پل» در نقطه تلاقی مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان با مسیر ترانزیتی ایران و ارمنستان باشد.

* سومین انتظار و درخواست مهم ایران این است که دامنه فعالیت و اختیارات شرکت‌های آمریکایی که مسئولیت نظارت، کنترل و تامین امنیت مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان را طبق قوانین و مقررات حاکمیتی ارمنستان برعهده دارند، باید محدود به همین مسیر باشد و نباید دامنه آن به مسیر ارتباطی و ترانزیتی ایران و ارمنستان به ویژه در نقطه تلاقی دو مسیر تعمیم و گسترش پیدا کند تا هیچ‌گونه مزاحمت، محدودیت و کنترلی از سوی شرکت‌های آمریکایی مستقر در این مسیر بر روی عبور و رفت و آمد شهروندان ایرانی و همچنین کامیون‌ها و ترانزیت ایران به ارمنستان در مرز نوردوز - موری در استان سیونیک تا ایروان و نیز سایر نقاط این کشور ایجاد نشود.

مقدمه

با توافقنامه صلحی که بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان، رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ به امضاء رسید، دو کشور برای نخستین بار پس از ۳۵ سال تجربه «جنگ» و «آتش بس»، وارد مرحله انعقاد «توافق‌نامه صلح» شدند. هرچند این توافقنامه صلح هنوز نهایی نیست و تحقق آن نیازمند برآورده شدن پیش شرط‌های مختلفی است. در حالی که در متن توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان، هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان نشده است، در بندهای ۳ و ۴ اعلامیه مشترک ۷ ماده‌ای که توسط رئیس‌جمهور الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان پس از دیدار با دونالد ترامپ منتشر شد، به این موضوع پرداخته شده است. براین اساس، دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان به جای نام مورد نظر باکو یعنی «کریدور زنگه‌زور»^۱ یا نام مورد نظر ایروان یعنی «چهارراه صلح»^۲ بلکه با نام و عنوان جدیدی یعنی «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه جهانی»^۳ یا به طور خلاصه «پل ترامپ»^۴ مورد توافق قرار گرفت. در حالی که ایران از روند صلح و پایان تنش و درگیری بین دو کشور همسایه استقبال می‌کند، دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان که قرار است ساخت، کنترل و نظارت آن به شرکت‌های آمریکایی واگذار شود، از نظر تهدیدات و چالش‌هایی که ممکن است برای مرز مشترک ایران و ارمنستان و نیز روند ترانزیت، تجارت و عبور شهروندان دو کشور به دنبال داشته باشد، باعث بروز حساسیت‌ها، مخالفت‌ها و انتقادات نسبتاً گسترده‌ای در داخل کشور شده است.

واقعیت این است که در صورت توافق نهایی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز اجرایی شدن دسترسی زمینی و مستقیم به منطقه نخجوان، تنها یک توافق صلح بین دو کشور و یا

1. Zangezur Corridor

2. Crossroads of Peace

3. Trump Route for International Peace and Prosperity (TRIPP)

4. Trump Bridge

یک مسیر عبوری و ترانزیتی نیست و پیامدها و نتایج بسیار مهم سیاسی، اقتصادی و ژئوپولیتیکی به دنبال خواهد داشت و همین امر انجام یک پژوهش مستقل و جامع مطابق با اهداف، دغدغه‌ها و نیازهای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران را ضروری می‌سازد که در برگیرنده تحلیلی ژئواکونومیک از این کریدور (پل ترامپ) و توصیه‌های سیاستی برای کاهش آثار منفی و راهکارهای نقش آفرینی ایران در این طرح باشد. در این راستا، پرسش‌های مختلف و مهمی مطرح است که این پژوهش درصدد پاسخ به آن برآمده است. از جمله؛

* مسیر ترامپ برای صلح و رفاه جهانی چه آثار و پیامدهایی بر روابط ایران با کشورهای منطقه قفقاز خواهد داشت؟

* این کریدور تا چه میزان اتصالات اقتصادی میان ترکیه و جهان تُرک در قفقاز و آسیای مرکزی را تغییر خواهد داد؟

* پیامدهای ژئواکونومیک این کریدور برای ایران را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

* در حوزه دیپلماسی اقتصادی، ایران به چه نکاتی در مدیریت این بحران باید توجه نماید؟

* ایران چگونه می‌تواند در این طرح نقش آفرینی و مشارکت کند؟

به منظور پاسخ به پرسش‌های یادشده، این پژوهش به شیوه «توصیفی-تبیینی» درصدد است پیشینه و سیر تحول تاریخی دسترسی و قطع ارتباط جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان، ماهیت و ابعاد حقوقی توافق اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، فرایند اجرایی‌شدن مسیر دسترسی زمینی و مستقیم به منطقه نخجوان، سیاست‌ها و رویکردهای بازیگران و کشورهای مختل و آثار و پیامدهای این تحولات به ویژه بر ایران را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در پایان این پژوهش نیز مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی و توصیه‌های مشورتی که می‌تواند در دستور کار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران قرار گیرد، ارائه خواهد شد.



سیر تحول تاریخی دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان (۱۹۲۴-۲۰۲۵ میلادی / ۱۳۰۲-۱۴۰۴)

اساساً شناخت و درک هر پدیده‌ای بدون آشنایی، شناخت و درک صحیح از سیر تحول تاریخی آن امکان‌پذیر نیست. دسترسی جمهوری آذربایجان به منطقه برونگانِ نخجوان نیز از این قاعده مستثنی نیست و از ۱۹۲۴ میلادی / ۱۳۰۲ هجری شمسی تاکنون از یک سابقه بسیار طولانی ۱۰۰ ساله برخوردار است. در این فرایند تاریخی به ویژه پس از فروپاشی شوروی، دسترسی مستقیم جاده‌ای و ریلی جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان، تحت تاثیر عوامل و متغیرهای مختلفی از جمله جنگ اول قره‌باغ، سه دهه مذاکرات صلح ارمنستان و آذربایجان، سیاست‌ها و رویکردهای بازیگران مختلف از جمله روسیه و ترکیه، به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در ارمنستان، شکست ارامنه و پیروزی جمهوری آذربایجان و متعاقب آن تغییر موازنه قوا در قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ، پیامدهای جنگ اوکراین و افزایش حجم تجارت و ترانزیت در کریدور میانی بوده است. بنابراین، ضرورت دارد ابتدا مروری اجمالی و تحلیلی بر روی پیشینه و سیر تحول تاریخی دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان صورت گیرد تا این شناخت و درک حاصل شود که چالش دسترسی جمهوری آذربایجان به منطقه برونگانِ نخجوان از چه نقطه‌ای و چگونه آغاز شده است، چه سیر تحولی را طی کرده است، چه متغیرهایی در آن دخیل بوده است و در نهایت چگونه به توافقنامه اخیر صلح اخیر بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان رسید که در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ امضاء شد و قرار است مسیر ارتباطی و ترانزیتی بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان با نام و عنوان «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه جهانی»^۱ یا به طور خلاصه «پل ترامپ»^۲ شکل بگیرد.

1. Trump Route for International Peace and Prosperity (TRIPP)

2. Trump Bridge



۱- دسترسی بدون مانع جمهوری آذربایجان به نخجوان در دوره شوروی (۱۹۲۴-۱۹۹۱ میلادی / ۱۳۰۲-۱۳۷۰)

پس از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که منجر به سقوط امپراطوری روسیه تزاری و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی شد، «جمهوری سوسیالیستی خودمختار نخجوان شوروی»^۱ در ۱۶ مارس ۱۹۲۱ میلادی / ۲۵ اسفند ۱۲۹۹ تشکیل شد. اما پس از تشکیل «جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی»^۲ در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ میلادی / ۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ و نیز تحولات سیاسی که در آن مقطع از جمله تصمیم برای تبدیل نخجوان به عنوان بخشی از جمهوری آذربایجان در ۱۶ مارس ۱۹۲۱ میلادی / ۲۵ اسفند ۱۲۹۹ در «معاهده مسکو» بین روسیه بلشویستی و ترکیه، اتحاد جماهیر شوروی به طور رسمی منطقه نخجوان را در ۹ فوریه ۱۹۲۴ میلادی / ۱۹ بهمن ۱۳۰۲ تحت صلاحیت جمهوری آذربایجان شوروی قرار داد. با توجه به قرار گرفتن «جمهوری سوسیالیستی ارمنستان شوروی»^۳ بین «جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی» و «جمهوری سوسیالیستی خودمختار نخجوان شوروی»، در عمل نوعی دوپارگی و جدایی بین این بخش از تقسیمات سیاسی دوره شوروی به وجود آمد که پس از ۱۰۰ سال همچنان این وضعیت ادامه دارد. نقشه زیر گویای این وضعیت است.

1. Nakhichevan Autonomous Soviet Socialist Republic (Nakhichevan ASSR)

2. Azerbaijan Soviet Socialist Republic (Azerbaijan SSR)

3. Armenian Soviet Socialist Republic (Armenia SSR)



نقشه شماره ۱: موقعیت جمهوری سوسیالیستی آذربایجان و منطقه نخجوان در دوره اتحاد جماهیر شوروی
(۱۹۲۴-۱۹۹۱ میلادی / ۱۳۰۲-۱۳۷۰)

این وضعیت از نظر تاریخی مشابه وضعیتی است که پاکستان پس از استقلال از هند برای ارتباط با پاکستان شرقی (بنگال شرقی) در سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۱ میلادی / ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۰ داشت که دسترسی و ارتباط آن‌ها از طریق هند میسر بود. بنابراین، ایالت پاکستان شرقی (بنگال شرقی) از خاک اصلی پاکستان جدا افتاده بود و برون‌بوم حساب می‌شد و در نهایت پاکستان شرقی در جریان جنگ آزادی‌بخش بنگلادش در سال ۱۹۷۱ میلادی / ۱۳۵۰ از پاکستان جدا شد و به صورت کشوری مستقل به نام بنگلادش درآمد. اما در رابطه با نخجوان و جمهوری آذربایجان در دوره حاکمیت شوروی، مشکل و مانعی برای دسترسی وجود نداشت و در چهارچوب تقسیمات سیاسی داخلی شوروی، ترانزیت و عبور شهروندان بدون هیچ مشکل و مانعی با عبور از ارمنستان صورت می‌گرفت.

علاوه بر ارتباط جاده‌ای، با آغاز جنگ جنگ جهانی دوم، شبکه ریلی در جنوب قفقاز در سال ۱۹۴۱ میلادی / ۱۳۲۰ از باکو به هورادیز^۱ و مین سیوان^۲ (شهری در منطقه زنگیلان) در جمهوری آذربایجان،

1. Horadiz

2. Mincivan

به سمت کاپان^۱ (مرکز استان سیونیک ارمنستان) و از آنجا به جلفا در منطقه برونگان نخجوان جمهوری آذربایجان شوروی ساخته شد. در همین مقطع، شبکه ریلی جمهوری آذربایجان از باکو به آستارا در مجاورت مرز نیز ایجاد شد. بعد از پایان جنگ و دوره پهلوی دوم، مسیر ریلی جلفا- تبریز- صوفیان- شرفخانه در سال ۱۹۵۸ میلادی از تبریز به تهران به طول ۷۴۸ کیلومتر گسترش پیدا کرد. لذا در دوره اتحاد جماهیر شوروی، مسیر ریلی تبریز- جلفا که به مسیر ریلی جلفا (نخجوان)- مَقری- زَنگیلان- باکو- مسکو و همچنین مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان متصل می‌شد، یکی از مسیرهای اصلی ترانزیتی ایران با شوروی محسوب می‌شد و تا قبل از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، سالانه بیش از ۴ میلیون تن بار و کالا از این مسیر ریلی منتقل می‌شد^۲ و در دوره جنگ تحمیلی هشت ساله نیز این مسیر ریلی یکی از مهم‌ترین مسیرهای واردات کشور و تامین کالاها و نیازهای اساسی محسوب می‌شد.

۲- جنگ اول قره‌باغ و قطع دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان پس از فروپاشی شوروی (۱۹۹۱/۱۳۷۰ تا کنون)

آتش جنگ اول قره‌باغ در فوریه ۱۹۸۸ میلادی / ۲۰ بهمن ۱۳۶۶ و در سال‌های پایانی شوروی و به دنبال مطالبه ارامنه «اُبلاست» (استان) خودمختار قره‌باغ کوهستانی^۳ برای جدایی و استقلال از جمهوری آذربایجان شعله‌ور شد. هرچند این جنگ در ابتدا جنبه محلی و محدودی داشت و تاثیری بر وضعیت دسترسی جاده‌ای و ریلی جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان نداشت، اما پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان و ارمنستان، تبدیل به یک جنگ فراگیر و گسترده بین دو کشور بر سر منطقه قره‌باغ کوهستانی و نیز مناطق پیرامونی آن شد. جنگ اول قره‌باغ که بیش از ۶ سال (از فوریه ۱۹۸۸ تا می ۱۹۹۴ میلادی / ۲۰ بهمن ۱۳۶۶ تا اردیبهشت ۱۳۷۳) به طول انجامید و هزاران کشته، مجروح و آواره و مهاجر جنگی از هر دو طرف ارمنی و آذری را به دنبال داشت، با پیروزی نظامی

1. Kapan

2. Vali Kaleji, "Strategic Rail Connectivity., Time to Reconnect Iran and the South Caucasus", Journal of Baku Dialogues, Vol. 6, No. 1, Fall 2022, pp 103- 104.

3. Nagorno-Karabakh Autonomous Oblast (NKAO)

ارامنه به پایان رسید و در نتیجه آن ارامنه نه تنها قره‌باغ کوهستانی (به تعبیر ارامنه آرتساخ) را در اختیار گرفتند، بلکه هفت منطقه پیرامون آن یعنی مناطق جبرائیل، فیضولی، زنگیلان، قبادلی، لاجین، آغدام و کلبیجر را نیز به تصرف درآوردند. متعاقب آن، جمهوری قره‌باغ (به تعبیر ارامنه جمهوری آرتساخ) تشکیل شد که هرچند فاقد شناسایی رسمی بین‌المللی به صورت «دو ژور»^۱ بود و حتی دولت ارمنستان نیز آن را به رسمیت نشناخت، اما به صورت عملی و «دوفاکتو»^۲ تحت حمایت ارمنستان قرار داشت. کریدور ارتباطی لاجین نیز به عنوان مسیر ارتباطی ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی شکل گرفت. در چنین شرایطی، با قطع روابط ارمنستان و انسداد مرزهای زمینی ارمنستان با جمهوری آذربایجان و نیز ترکیه، دسترسی مستقیم و جاده‌ای جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان نیز قطع شد.



نقشه شماره ۲: موقعیت جمهوری آذربایجان و منطقه برونگانِ نخجوان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

همچنین با تصرف مناطق فیضولی، جبرائیل و زنگیلان توسط نیروهای ارمنی در جنگ اول قره‌باغ، عملاً ۲۴۰ کیلومتر از مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب قفقاز تحت کنترل ارامنه قرار گرفت. در چنین شرایطی، چنانچه در نقشه زیر قابل مشاهده است، ارمنستان خط ریلی جنوبی خود را که نخجوان را به جمهوری آذربایجان متصل می‌کرد و در جریان جنگ اول قره‌باغ آسیب دیده بود، به‌طور کامل برچید.

۱ . de jure

۲ . de facto

(بخش A در نقشه) در ادامه این مسیر، خط ریلی متعلق به جمهوری آذربایجان تا شهر «هوردایز» نیز به مرور زمان فرسوده و غیرقابل استفاده شد؛ مسیری که ایران را به باکو و سپس به روسیه متصل می‌کرد. (بخش B در نقشه). ارتباط ریلی غربی نخجوان با ارمنستان نیز در پی جنگ از کار افتاد و تخریب شد؛ مسیری که پیش‌تر ایران را به ایروان، پایتخت ارمنستان، و از آنجا به گرجستان متصل می‌کرد (بخش C در نقشه). همچنین از ایروان خط ریلی دیگری به جمهوری آذربایجان امتداد داشت که بخش عمده‌ای از ریل‌های آن جمع‌آوری شد. (بخش D در نقشه). از سوی دیگر، اتصال ریلی ارمنستان به راه‌آهن ترکیه نیز به دلیل حمایت آنکارا از باکو در جریان جنگ اول قره‌باغ، از سوی دولت ترکیه مسدود شد (بخش E در نقشه).^۱



نقشه شماره ۳: قطع مسیرهای ریلی در جنوب قفقاز پس از جنگ اول قره‌باغ^۲

در نتیجه این تحولات، نه تنها ارتباط ریلی جمهوری آذربایجان با منطقه نخجوان و نیز ارمنستان با جمهوری آذربایجان قطع شد، بلکه ارتباط ریلی ایران با منطقه قفقاز نیز پس از هفتاد سال قطع شد. در حالی که در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، حجم تبادل کالا از طریق مرز جلفا به ترتیب ۲/۶۹ و ۲/۳۷

۱. «راه‌آهن قفقاز؛ برگ برنده ایران برای خنثی‌سازی تهدید کریدور زنگرور»، مشرق نیوز، ۹ مهر ۱۴۰۴.

۲. همان.

میلیون تن بود که بیش از ۱۰ درصد از واردات ایران را در آن مقطع تشکیل می‌داد که به ویژه در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، نقش بسیار مهم و حیاتی در واردات کشور داشت. اما متأسفانه ایران تنها کشوری بود که در نتیجه جنگ اول قره‌باغ، ارتباط ریلی آن با قفقاز قطع شد، چرا که ارمنستان، جمهوری آذربایجان، روسیه و گرجستان می‌توانستند همچنان از مسیر شمالی شبکه ریلی قفقاز استفاده کنند و تنها ایران بود که در جنوب قفقاز، ارتباط ریلی تاریخی خود با منطقه را از دست داد که پس از گذشت سه دهه هنوز تغییری در این وضعیت ایجاد نشده است.

در چنین شرایطی، با قطع ارتباط مستقیم جاده و ریلی بین جمهوری آذربایجان و نخجوان، دو اتفاق و تحول مهم روی داد. نخست، در سمت جنوب، مسیر دسترسی جاده‌ای بین جمهوری آذربایجان و نخجوان به شمال غربی ایران منتقل شد و مسیر پایانه مرزی «بيله سوار» در شمال اردبیل و مناطق شمالی استان آذربایجان شرقی به منطقه اردوباد در نخجوان، تبدیل به مسیر عبور شهروندان و ترانزیت کامیون‌ها بین جمهوری آذربایجان و نخجوان شد که این وضعیت طی ۳۵ سال گذشته، بدون تغییر باقی مانده است. نقشه زیر گویای مسیر عبوری و ترانزیتی از بيله سوار به منطقه نخجوان است.



نقشه شماره ۴: مسیر عبوری و ترانزیتی جمهوری آذربایجان به منطقه اردوباد در نخجوان از پایانه مرزی «بيله سوار» در شمال اردبیل و مناطق شمالی استان آذربایجان شرقی

همچنین علی‌رغم برخورداری جمهوری آذربایجان از منابع غنی انرژی، به دلیل قطع ارتباط و دسترسی مستقیم با نخجوان، امکان انتقال گاز و برق به این منطقه را نیز از دست داد و ایران با صادرات برق و نیز صادرات گاز به منطقه نخجوان، نقشی مهم و حیاتی در تامین انرژی این منطقه برعهده گرفت. در واقع، یکی از پیامدهای مهم جنگ اول قره‌باغ، وابستگی شدید منطقه نخجوان به ایران از نظر ترانزیتی و انرژی بود که تبدیل به عاملی مهم در روابط ایران و جمهوری آذربایجان شد.

اما در سمت شمال منطقه قفقاز، اتفاقات مهم‌تری روی داد. با قطع ارتباط مستقیم جاده و ریلی بین جمهوری آذربایجان و نخجوان از طریق ارمنستان، مسیرهای ترانزیت و انتقال انرژی بین جمهوری آذربایجان و ترکیه به گرجستان منتقل شد. ساخت و عملیاتی شدن خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان، خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزروم (خط لوله قفقاز جنوبی) و اتصال آن به خط لوله ترانس آناتولی (تاناپ)^۱ و خط لوله ترانس آدریاتیک (تاپ)^۲، نقش بسیار مهمی در انتقال و صادرات منابع نفتی جمهوری آذربایجان در دریای خزر و نیز منابع گازی میدان «شاه‌دنیز» به ترکیه، کشورهای اروپایی و نیز اسرائیل ایفا نمود و منابع درآمدی حاصل از فروش و صادرات را نصیب باکو و منابع درآمدی حاصل از ترانزیت را نصیب گرجستان و ترکیه ساخت. همچنین ساخت مسیر ریلی باکو-تفلیس-قارص به طول ۸۲۶ کیلومتر که در اکتبر ۲۰۱۷ میلادی/آبان ۱۳۹۶ افتتاح شد، در کنار مسیرهای جاده‌ای و نیز بنادر گرجستان در دریای سیاه، ظرفیت مهم دیگری را نیز برای تجارت و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکیه و اروپا ایجاد کرد. ضمن این‌که توسعه تجارت و ترانزیت بین چین و آسیای مرکزی از طریق دریای خزر به قفقاز باعث شکل‌گیری «مسیر بین‌المللی ترانزیتی ترانس خزر»^۳ و یا «کریدور میانی»^۴ شد که این امر افزایش قابل توجه ترانزیت و تجارت در مسیرهای جاده‌ای، ریلی و نیز دریایی (دریای سیاه) بین جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه شد. بنابراین، یکی از پیامدهای بسیار مهم جنگ اول قره‌باغ و قطع ارتباط مستقیم جاده و ریلی بین جمهوری

1 . Trans-Anatolian Natural Gas Pipeline (TANAP)

2 . Trans Adriatic Pipeline (TAP)

3 . Trans-Caspian International Transport Route

4 . Middle Corridor

آذربایجان و نخجوان از طریق ارمنستان، تقویت جایگاه گرجستان در هر دو عرصه ترانزیت و انتقال انرژی در منطقه قفقاز جنوبی بود. در حالی که ارمنستان به دلیل قطع روابط دیپلماتیک و انسداد مرزهای زمینی در شرق با جمهوری آذربایجان و در غرب با ترکیه، در انزوای اقتصادی و ژئوپلیتیکی قرار گرفت و از مزایای ترانزیت و انتقال انرژی در سطح منطقه محروم ماند که این امر نقش بسیار مهمی در عدم توسعه اقتصادی ارمنستان در مقایسه با گرجستان و جمهوری آذربایجان و نیز وابستگی شدید ارمنستان به روسیه ایفا نمود.



نقشه شماره ۵: مسیرهای ترانزیت و انتقال انرژی از جمهوری آذربایجان به گرجستان و ترکیه به موازات انزوای اقتصادی و ژئوپلیتیکی ارمنستان

از سویی دیگر، پس از پایان جنگ اول قره‌باغ (۱۹۸۸-۱۹۹۴)، با میانجی‌گری گروه مینسک سازمان و امنیت همکاری اروپا به رهبری روسیه، فرانسه و آمریکا، مذاکرات صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان آغاز شد و طی تقریباً سه دهه، مذاکرات متعددی صورت گرفت و راه حل‌های مختلفی نیز پیشنهاد شد، اما هیچ یک به نتیجه نرسید که در نهایت این ناکامی و مذاکرات طولانی و فرسایشی بی‌نتیجه به جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی/ ۱۳۹۹ منجر شد. در این مقطع زمانی ۲۶ ساله یعنی پس از پایان جنگ اول قره‌باغ در سال ۱۹۹۴ میلادی تا آغاز جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی،

در چهارچوب مذاکرات صلح، کوشش‌های متعددی صورت گرفت تا در ازای اعطای امتیازاتی به ارامنه در قره‌باغ کوهستانی، به آذربایجان دسترسی زمینی به نخجوان داده شود. یکی از مهم‌ترین طرح‌هایی که در این زمینه مطرح شد، طرح «مبادله یا معاوضه سرزمینی» موسوم به «طرح گوبل» بود که برگرفته از نام پاول گوبل، از اعضای وزارت امور خارجه آمریکا بود. مطابق این طرح، سرزمین‌های جنوب ارمنستان از جمله منطقه مِقری در مرز با ایران به جمهوری آذربایجان واگذار می‌شد تا این کشور به نخجوان وصل شود و در مقابل منطقه قره‌باغ کوهستانی نیز به ارمنستان واگذار می‌شد. با این وجود، هیچ یک از این طرح‌ها به نتیجه نرسید و جمهوری آذربایجان نتوانست امکان دسترسی مستقیم به منطقه نخجوان را پیدا کند و چنانچه اشاره شد مسیر پایانه مرزی بیله‌سوار در شمال اردبیل و مناطق شمالی استان آذربایجان شرقی به منطقه اردوباد در نخجوان، تبدیل به مسیر عبور شهروندان و ترانزیت کامیون‌ها بین جمهوری آذربایجان و نخجوان شد.

۳- جنگ دوم قره‌باغ و مطرح شدن دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان: کریدور زنگه‌زور در مقابل کریدور لاجین

جنگ دوم قره‌باغ که به جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ (۲۷ سپتامبر تا ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی) نیز معروف است، یک «نقطه عطف»^۱ در تاریخ تحولات منطقه قفقاز جنوبی پس از فروپاشی شوروی محسوب می‌شود که بسیاری از معادلات ژئوپلیتیکی منطقه را پس از سه دهه به کلی تغییر داد. بازگشت مناطق پیرامونی منطقه قره‌باغ کوهستانی یعنی فیضولی، جبرائیل، زنگیلان، قبادلی، آق‌دام، لاجین و کلبیجر و نیز شهر استراتژیک شوشا (شوشی) به حاکمیت جمهوری آذربایجان در جریان جنگ دوم قره‌باغ موجب شد بزرگ‌ترین ناکامی سیاسی و نظامی ارمنستان پس از استقلال رقم بخورد و در نقطه مقابل، جمهوری آذربایجان به عنوان پیروز این جنگ از اعتماد به نفس قابل توجهی برخوردار شود. پیروزی سیاسی و نظامی جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ که با حمایت سیاسی، اطلاعاتی و نظامی ترکیه، پاکستان و اسرائیل و البته عدم حمایت موثر فدراسیون روسیه از متحد سنتی (ارمنستان) بدست آمد، آرایش سیاسی و موازنه قوا در منطقه قفقاز را پس از سه دهه به کلی تغییر داد و باعث

شده است محور جمهوری آذربایجان- ترکیه دست بالا را در سطح منطقه پیدا کند. با این وجود، جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ موفق به تصرف کامل منطقه قره‌باغ کوهستانی نشد و «خان‌کندی» (به تعبیر ارامنه استپاناکرت)، مرکز منطقه قره‌باغ کوهستانی و نیز مناطقی مانند خوجالی، خوجاوند، آغدره و عسگران با جمعیتی حدوداً بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر همچنان تحت کنترل ارامنه (جمهوری خودخوانده قره‌باغ یا به تعبیر ارامنه جمهوری آرتساخ) باقی ماند. هرچند با بازگشت مناطق پیرامونی منطقه قره‌باغ کوهستانی به حاکمیت جمهوری آذربایجان، ارامنه ساکن در قره‌باغ کوهستانی عملاً به صورت «جزیره‌ای» در داخل جمعیت تقریباً ۱۰ میلیون نفری جمهوری آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ درآمدند.

جنگ دوم قره‌باغ با موافقتنامه ۹ ماده‌ای آتش‌بس در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی / ۲۰ آبان ۱۳۹۹ بین رهبران سه کشور ارمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه به پایان رسید که مفاد آن بدین شرح بود: آتش‌بس کامل و پایان دادن به همه درگیری‌ها (بند ۱)، بازگشت ناحیه آغدام به جمهوری آذربایجان (بند ۲)، استقرار نیروهای حافظ صلح روسی در کریدور لاجین (بند ۳)، خروج نیروهای مسلح ارمنستان از قره‌باغ کوهستانی و استقرار نیروهای حافظ صلح روسی در کریدور لاجین به مدت پنج سال (بند ۴)، ایجاد یک پست فرماندهی صلح به منظور اجرای آتش‌بس (بند ۵)، بازگشت مناطق کلبجر و لاجین به جمهوری آذربایجان و تعریف مشخصات کریدور لاجین (بند ۶) و بازگشت آوارگان و پناهندگان داخلی به مناطق قره‌باغ و مناطق مجاور تحت کنترل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (بند ۷)، تبادل اسرای جنگی، گروگان‌ها و سایر زندانیان و همچنین بقایای تلفات (بند ۸) و فراهم ساختن امکان ارتباطات حمل و نقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان (بند ۹).

با این وجود، اجرایی شدن بند ۹ توافقنامه آتش‌بس یعنی دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان با طرح موضوع «کریدور زنگه‌زور» از سوی الهام علی‌اف تبدیل به یک چالش مهم ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز جنوبی شد. در واقع، «کریدور زنگه‌زور»، اصطلاحی بود که توسط الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان مطرح شد و در متن توافقنامه آتش‌بس قره‌باغ اساساً چنین واژه‌ای و اصطلاحی وجود

نداشت. در بند ۹ توافقنامه آتش بس قره‌باغ تصریح شده بود که «کلیه فعالیت‌های اقتصادی و حمل و نقل در منطقه بلامانع است. جمهوری ارمنستان ایمنی ارتباطات حمل و نقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به منظور سازماندهی حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت تضمین می‌کند. کنترل حمل و نقل توسط ارگان‌های سرویس مرزی روسیه انجام می‌شود. با توافق طرفین، ساخت زیرساخت‌های جدیدی که جمهوری خودمختار نخجوان را با مناطق آذربایجان پیوند می‌دهد، انجام می‌شود».



نقشه شماره ۶: مسیر کریدور زنگه‌زور مورد نظر جمهوری آذربایجان

در واقع، در موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ، تنها در یک مورد از واژه «کریدور» برای اشاره به «کریدور لاجین» اشاره شده است. در بند ۶ موافقتنامه آتش‌بس تصریح شده بود که «جمهوری ارمنستان تا ۱۵ نوامبر ۲۰۲۰ به منطقه آذربایجان و کلبجر و تا ۱ دسامبر به منطقه لاجین باز می‌گردد. کریدور لاجین (۵ کیلومتر عرض ۳/۱ مایل) که دسترسی از قره‌باغ به ارمنستان را فراهم می‌کند، همچنان تحت کنترل نیروهای صلح فدراسیون روسیه است. شهر شوشی واقع در داخل راهرو در اختیار آذری‌ها خواهد بود. با توافق طرفین، در سه سال آینده یک برنامه ساخت برای یک مسیر حرکت جدید در امتداد کریدور

لاچین تعیین می‌شود، که ارتباط بین قره‌باغ و ارمنستان را با انتقال مجدد نیروهای حفاظت از صلح روسیه برای محافظت از این مسیر فراهم می‌کند. جمهوری آذربایجان ایمنی تردد در طول گذرگاه لاچین از شهروندان، وسایل نقلیه و کالاها را در هر دو جهت تضمین می‌کند». چنانچه در این بند از توافقنامه مشاهده می‌شود صراحتاً به واژه «کریدور» اشاره شده است، عرض کریدور (۵ کیلومتر) کاملاً مشخص شده است، مدت زمان (سه ساله) ساخت یک مسیر حرکت جدید در امتداد کریدور لاچین مشخص شده است و به تعداد دقیق نیروها و تجهیزات نظامی روسیه برای حفاظت و تامین امنیت کریدور لاچین و نیز مدت زمان حضور نیروهای حافظ صلح روسی (۵ سال) اشاره شده است. نقشه زیر گویای مسیر کریدور لاچین است.



نقشه شماره ۷: مسیر کریدور لاچین برای ارتباط و دسترسی ارمنستان به قره‌باغ کوهستانی

اما چنین مختصات و جزئیاتی در بند ۹ موافقتنامه برای دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان پیش‌بینی نشده بود و همین ابهامات و طرح کلیات بدون اشاره مستقیم و صریح به جزئیات و مختصات دسترسی و موقعیت جغرافیایی مسیری که قرار است از استان سیونیک ارمنستان عبور کند و همچنین فرایند کنترل و نظارت بر مسیر، داخلی یا بین‌المللی بودن این



مسیر و همچنین نظامی یا غیر نظامی بودن مسیر دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان، زمینه اختلاف و تنش را بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ فراهم نمود. به همین دلیل در حالی که ارمنستان و نیز ایران مخالفی با اصل دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان طبق بند ۹ موافقتنامه آتش قره‌باغ نداشتند و به واسطه ابهامات کریدور زنگه‌زور با آن به شدت مخالف بودند، جمهوری آذربایجان بر تحقق و اجرایی شدن کریدور زنگه‌زور حتی از طریق قوه قهریه تاکید داشت و در این روند از حمایت قاطع متحد نزدیک خود یعنی ترکیه نیز برخوردار بود.

در چنین شرایطی، دو تفسیر متعارض در رابطه با بند نهم موافقتنامه آتش بس قره‌باغ بین طرف‌های ارمنی (تفسیر مضیق و حداقلی) و آذری (تفسیر موسع و حداکثری) شکل گرفت. طرف ارمنی، با یک «تفسیر مضیق و حداقلی» معتقد بود لفظ «کریدور» تنها در بند سوم موافقتنامه آتش بس آن هم برای دسترسی منطقه ناگورنو-قره‌باغ به ارمنستان از طریق «کریدور لاجین» آمده است^۱ و لذا به دلیل عدم صراحت و اشاره مستقیم در بند نهم موافقتنامه به واژگانی مانند کریدور یا دالان، قائل به تعمیم چنین مفهومی به مسیر ارتباطی نخجوان به جمهوری آذربایجان از داخل خاک ارمنستان نیست. ضمن این که ارمنستان، نظارت و کنترل بر این مسیر ارتباطی را حق حاکمیتی خود می‌داند. اما در مقابل، تفسیر و استدلال طرف آذری با یک «تفسیر موسع و حداکثری» معتقد بود که مراد از «ارتباطات بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان»، یک دالان و گذرگاه ارتباطی است که از آن با نام «کریدور زنگه‌زور» یاد می‌کند. ضمن این که طرف آذری با استناد به این بخش از بند نهم موافقتنامه آتش بس قره‌باغ که بیان می‌کند «کنترل حمل و نقل توسط ارگان‌های سرویس مرزی روسیه انجام می‌شود»، قائل به نظارت و کنترل دولت ارمنستان بر کریدور زنگه‌زور نبود.

از سویی دیگر، طرح ادعاهای سرزمینی و تاریخی مبتنی بر یکپارچگی سرزمینی «زنگه‌زور شرقی» (مناطق غرب قره‌باغ) و «زنگه‌زور غربی» (استان سیونیک ارمنستان) از سوی جمهوری آذربایجان نیز نقش بسیار مهمی در تشدید فضای تنش و سوء ظن در منطقه ایفا نمود. در واقع، مشکل از جایی شروع

۱. در بند سوم موافقتنامه آتش بس قره‌باغ آمده است: «در امتداد خط مقدم در قره‌باغ و در امتداد گذرگاه لاجین یک گروه صلح‌بان فدراسیون روسیه با ۱۹۶۰ پرسنل نظامی با سلاح‌های سبک، ۹۰ نفر بر زره‌پوش، ۳۸۰ خودروی نظامی و سایر تجهیزات ویژه وجود خواهد داشت».

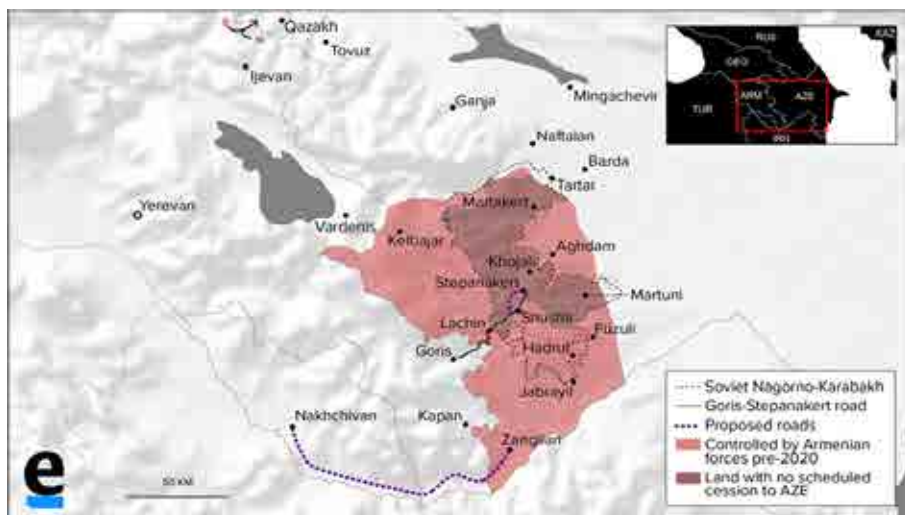
شد که جمهوری آذربایجان بخش جنوبی ارمنستان یعنی «استان سیونیک» و به طور مشخص شهرها و مناطق «گوریس»، «سیسیان»، «کاپان» و «مقری» را نیز از نظر تاریخی «زنگه‌زور غربی» می‌خواند و بر این اساس، بحث مالکیت تاریخی جمهوری آذربایجان بر «زنگه‌زور غربی» و پیوستگی سرزمینی این منطقه با «زنگه‌زور شرقی»، نقش بسیار مهمی در افزایش سوء ظن و تنش در موضوع کریدور زنگه‌زور، نقض حاکمیت ارمنستان، تهاجم احتمالی جمهوری آذربایجان به استان سیونیک، تغییر مرزهای بین‌المللی و تهدید یا انسداد مرز مشترک ایران و ارمنستان ایفا نموده است و باعث تقویت این نگرش و برداشت در ارمنستان و نیز ایران شد که موضوع کریدور زنگه‌زور بسیار فراتر از مفاد بند نهم موافقتنامه آتش بس قره‌باغ و رفع انسداد مسیرهای ارتباطی و مواصلاتی است. چنانچه در نقشه زیر پیدا است، یکپارچگی سرزمینی زنگه‌زور شرقی و غربی مدنظر جمهوری آذربایجان در عمل موجب حذف بخش جنوبی ارمنستان (استان سیونیک در مجاورت مرز ایران) و پیوستگی سرزمینی جمهوری آذربایجان با منطقه خودمختار نخجوان و همچنین ترکیه می‌شود.



نقشه شماره ۸: یکپارچگی سرزمینی «زنگه‌زور شرقی» (مناطق غرب قره‌باغ) و «زنگه‌زور غربی» (استان سیونیک ارمنستان)



در این بین، به واسطه مقاومت و مخالفت ارمنستان با موضوع «کریدور زنگه‌زور»، این گزاره در محافل سیاسی و رسانه‌ای جمهوری آذربایجان مطرح شد که تا زمانی که ارمنستان اجازه عبور و اتصال زمینی جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان را ندهد، باکو باید به عنوان «اقدامی متقابل» اقدام به انسداد «کریدور لاپچین» برای طرف ارمنی نماید. بدین ترتیب، در فضای سیاسی و رسانه‌ای جمهوری آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ، موضوع قرار گرفتن «کریدور زنگه‌زور» در مقابل «کریدور لاپچین» در سطح گسترده‌ای با این استدلال مطرح شد که اگر آذربایجان به ارمنستان اجازه دسترسی به قره‌باغ کوهستانی را از طریق «کریدور لاپچین» می‌دهد، ارمنستان نیز باید اجازه دسترسی آذربایجان به نخجوان را از طریق «کریدور زنگه‌زور» بدهد. نقشه زیر گویای تقابل این دو کریدور ارتباطی است.



نقشه شماره ۹: موقعیت جغرافیایی و مسیرهای «کریدور لاپچین» و «کریدور زنگه‌زور»

در این میان، اتفاق بسیار مهمی که پس از جنگ دوم قره‌باغ در سطح بین‌المللی روی داد، آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ میلادی (۵ اسفند ۱۴۰۰) بود که موجب کاهش نسبی توجه و تمرکز روسیه به سایر مناطق پیرامونی از جمله منطقه قفقاز شد و نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری در افزایش تنش بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان ایفا کرده است. در واقع، جمهوری آذربایجان،

درگیری روسیه در جنگ اوکراین را به منزله فرصت بسیار مناسبی برای تشدید فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی علیه قره باغ کوهستانی و نیز ارمنستان می‌دانست تا از این رهگذر حداکثر امتیازات سیاسی ممکن به ویژه ادغام کامل قره باغ کوهستانی در حاکمیت آذربایجان و تحقق کریدور زنگه‌زور برای اتصال مستقیم زمینی به منطقه نخجوان را به دست آورد. وقوع درگیری‌های نظامی که در روستاهای «خارموت» و «ناخچیچانیک» در منطقه عسگران (آسکران) و خان اوبا (خنوشیناک) در منطقه خوجاوند (مارتونی) در اطراف قره‌باغ کوهستانی پس از آغاز جنگ اوکراین در اواخر اسفند ۱۴۰۰ روی داد، و نیز درگیری‌های خونین و سنگین بین ارتش ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی (شهریور ۱۴۰۱) در مناطق مرزی داشکسن، کلیمجر و لاجین در جمهوری آذربایجان و شهرهای گوریس، سُنک و جِرموک در غرب ارمنستان که با تلفات بسیار بالای انسانی از هر دو طرف همراه بود (حدود ۱۰۰ نفر)، به روشنی گویای این واقعیت بود که دولت آذربایجان از همان ابتدای جنگ اوکراین، در صدد تحت فشار قراردادن ارامنه قره‌باغ کوهستانی و ارمنستان برآمده است.

برآیند همه تحولات و اوج فشارها بر ارامنه قره‌باغ کوهستانی، انسداد کریدور لاجین در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲ میلادی (۲۱ آذر ۱۴۰۱) بود که طی آن گروهی از مردم آذربایجان که توسط باکو به عنوان فعالان محیط زیستی معرفی شده بودند در اعتراض به استخراج غیرقانونی معادن ارمنستان در منطقه، اقدام به انسداد مسیر ارتباطی لاجین کردند و روند رفت و آمد ارامنه و به ویژه کامیون‌های حامل سوخت، غذا و دارو از ارمنستان به منطقه قره‌باغ کوهستانی از جمله واردات روزانه حدود ۴۰۰ تن کالاهای اساسی مورد نیاز از ارمنستان به منطقه قره‌باغ با اختلال جدی مواجه شد. در حالی که جمهوری آذربایجان این حرکت را نوعی حرکت خودجوش و غیردولتی توسط فعالان محیط زیست می‌دانست، مقامات ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی با رد این موضوع، آن را اقدامی هدفمند با حمایت دولت آذربایجان برای تحت فشار قراردادن ارامنه قره‌باغ کوهستانی ارزیابی می‌کردند. اختلافات و تنش‌ها بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در رابطه با کریدور لاجین زمانی به اوج خود رسید که دولت آذربایجان در ۲۲ آوریل ۲۰۲۳ میلادی (۴ اردیبهشت ۱۴۰۲) اقدام به ایجاد یک پست ایست و بازرسی در ورودی جاده لاجین به خان‌کندی (مرکز قره‌باغ کوهستانی) نمود. هرچند پیش از این اقدام، ارتش آذربایجان در ۵

فروردین ۱۴۰۲ با پیشروی در منطقه لاجین، کنترل جاده‌های شمالی کریدور را به دست گرفت و اعلام نمود که این اقدام با این هدف صورت گرفته است که ارمنستان سعی دارد از کریدور لاجین برای انتقال سلاح به قره‌باغ استفاده کند. در واقع این اقدام، زمینه و بستر مناسب را برای ایجاد یک پست ایست و بازرسی در ورودی جاده لاجین به خان‌کندی (مرکز قره‌باغ کوهستانی) فراهم نمود. در شرایطی که نیروهای حافظ صلح روسی مستقر در کریدور لاجین رویکرد منفعلانه‌ای نسبت به این تحولات داشت که پس از عدم حمایت موثر روسیه از ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ، باعث تشدید اختلافات ارامنه و روس‌ها شد، تداوم انسداد و محدودیت شدید در کریدور لاجین که عملاً ارامنه قره‌باغ کوهستانی را با قطع ارتباط با ارمنستان در یک وضعیت محاصره غذایی، دارویی و سوخت قرار داد، زمینه تصرف کامل این منطقه توسط ارتش آذربایجان در جنگ سوم قره‌باغ در ۱۹ تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی/ ۲۸-۲۹ شهریور ۱۴۰۲ را فراهم آورد و با خروج اجباری و پناهندگی بیش از ۱۲۰ هزار ارمنی ساکن قره‌باغ کوهستانی به ارمنستان، عملاً کریدور لاجین نیز موجودیت خود را از دست داد و متعاقب آن موضوع تقابل «کریدور لاجین» در مقابل «کریدور زنگه‌زور» نیز در فضای سیاسی و رسانه‌ای جمهوری آذربایجان نیز پایان یافت.

۴- جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی: تشدید فشارها برای تحقق کریدور زنگه‌زور و طرح‌های جایگزین «کریدور ارس» و «چهار راه صلح»^۱ از سوی ایران و ارمنستان

جنگ سوم قره‌باغ در ۱۹ تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی/ ۲۸-۲۹ شهریور ۱۴۰۲ که جمهوری آذربایجان از آن با عنوان «عملیات ضد تروریستی» یاد می‌کند، باعث شد باقیمانده مناطقی که تحت کنترل ارامنه بود یعنی «خان‌کندی» (به تعبیر ارامنه استپاناکرت)، مرکز منطقه قره‌باغ کوهستانی و نیز مناطقی مانند خوجالی، خوجاوند، آغدره و عسگران به تصرف جمهوری آذربایجان در بیاید. بدین ترتیب پس از ۳۳ سال، جمهوری قره‌باغ (به تعبیر ارامنه جمهوری آرتساخ) منحل شد، رهبران ارمنی سابق منطقه قره‌باغ از جمله آرکادی گوکاسیان، باکو ساهاکیان و آراتیک آروتیونیان توسط ارتش و نیروهای امنیتی

آذربایجان بازداشت و به اتهام تجزیه‌طلبی به زندان‌های باکو منتقل شدند و بیش از ۱۲۰ هزار ارمنی ساکن قره‌باغ کوهستانی نیز با خروج اجباری به ارمنستان پناهنده شدند.^۱ متعاقب این تحولات، نیروهای حافظ صلح روسی مستقر در قره‌باغ کوهستانی و نیز کریدور لاجین، این مناطق را ترک کردند. در نتیجه این تحولات، موقعیت، جایگاه و اعتماد به نفس جمهوری آذربایجان بسیار افزایش یافت و با حمایت ترکیه، موضوع کریدور زنگه‌زور و نیز ساخت و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی از جمله مسیرهای جاده‌ای و ریلی، فرودگاه، مجتمع‌های مسکونی و... در قره‌باغ کوهستانی و مناطق پیرامونی آن از شتاب بیشتری برخوردار شد.

در چنین شرایطی، دو طرح «کریدور ارس» و «چهار راه صلح» از سوی ایران و ارمنستان به عنوان «جایگزینی» (آلترناتیوی) برای «کریدور زنگه‌زور» مطرح شد. مسیر موسوم به «کریدور ارس» از این جهت مطرح شد که پس از جنگ دوم قره‌باغ و تصرف مناطق جبرائیل، فیضولی و زنگیلان از سوی جمهوری آذربایجان در مجاورت مرز با ایران، این امکان فراهم شد که تردد شهروندان و ترانزیت از این کشور به منطقه نخجوان به جای پایانه مرزی «بیله‌سوار» در شمال استان اردبیل، از فاصله‌ای نزدیک‌تر صورت گیرد. در این راستا، ایران و جمهوری آذربایجان در ۱۱ مارس ۲۰۲۲ میلادی / ۲۰ اسفند ۱۴۰۰ به توافقی دست یافتند که به موجب آن مقرر شد یک بزرگراه و مسیر ریلی، از روستای «آغ‌بند» در منطقه زنگیلان در مجاورت مرز ایران با آذربایجان با عبور از استان آذربایجان شرقی ایران به شهر «اردوباد» در منطقه نخجوان احداث شود. این مسیر ارتباطی در واقع در امتداد «بزرگراه هورادیز- جبرائیل- زنگیلان- آغ‌بند» خواهد بود که در صورت ساخت و بهره‌برداری، ارتباط زمینی و ریلی مناطق جبرائیل و فیضولی در جنوب منطقه قره‌باغ را به منطقه نخجوان با عبور از خاک ایران فراهم خواهد ساخت. با این وجود، توافق دو کشور برای ساخت «کریدور ارس» به دلیل تنش بین تهران و باکو بر سر مانورهای نظامی، مخالفت و حساست ایران به حضور اطلاعاتی و نظامی اسرائیل، کریدور

۱. در حالی که دولت آذربایجان اعلام کرده بود به جز رهبران و مقامات سابق جمهوری قره‌باغ و برخی فرماندهان نظامی این منطقه که به اتهام تجزیه‌طلبی بازداشت و محاکمه می‌شوند، حقوق و امنیت ارامنه منطقه قره‌باغ به عنوان شهروندان جمهوری آذربایجان تضمین خواهد شد، به دلیل سابقه طولانی و عمیق اختلافات و جنگ و درگیری، بیش از ۱۲۰ هزار ارمنی ساکن قره‌باغ کوهستانی تصمیم به ترک اجباری این منطقه گرفتند و به ارمنستان پناهنده شدند.



زنگه زور و حمله به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران، عملیاتی نشد. اما پس از تصرف قره‌باغ کوهستانی توسط نیروهای آذربایجان در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی/ شهریور ۱۴۰۲ و کاهش نسبی تنش‌ها و اختلافات تهران و باکو، دو طرف به توافق جدیدی دست یافتند و در ۹ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی/ ۱۷ مهر ۱۴۰۲ شاهین مصطفی‌اف، معاون نخست‌وزیر آذربایجان و مهرداد بذریاش وزیر وقت راه و شهرسازی ایران، در مراسم کلنگ‌زنی پل ارتباطی دو کشور بر روی رودخانه ارس شرکت کردند. مسیر ترانزیتی توافق شده بین تهران و باکو، «کریدور ارس» نامیده شد و ایران امیدوار بود با عملیاتی شدن آن به عنوان جایگزین «کریدور زنگرور»، بتواند نگرانی‌ها و تهدیدات در مورد بی‌ثباتی در امتداد مرز مشترک خود با ارمنستان را کاهش دهد. نقشه زیر گویای مسیر کریدور زنگه‌زور (رنگ قرمز) و کریدور ارس (رنگ سبز) در دو سوی روخانه ارس (رنگ آبی) است.



نقشه شماره ۱۰: مسیر کریدور زنگه‌زور (رنگ قرمز) و کریدور ارس (رنگ سبز) در دو سوی روخانه ارس (رنگ آبی)

اما از همان زمان نیز بسیار بعید به نظر می‌رسید که علی‌رغم برخی اظهارات و مواضع مقامات آذربایجان

و ترکیه در زمینه کاهش انگیزه برای ساخت کریدور زنگه‌زور به دلیل مخالفت‌های ارمنستان،^۱ جمهوری آذربایجان با مشارکت در «کریدور ارس»، پروژه مهم و استراتژیک «کریدور زنگه‌زور» را کنار بگذارد که از حمایت قاطعانه ترکیه نیز برخوردار بود. ضمن این‌که تردیدی وجود نداشت که در صورت امضای معاهده صلح دو کشور و به رسمیت شناختن متقابل تمامیت ارضی و همچنین برقراری روابط دیپلماتیک بین ارمنستان، آذربایجان و ترکیه، از مزایای «کریدور ارس» به شدت کاسته خواهد شد. اما ورای مسایل یاد شده، نکته بسیار مهم، عدم حمایت آشکار روسیه از طرح کریدور ریلی - جاده‌ای ارس بین جمهوری آذربایجان و منطقه برونگان نخجوان با عبور از خاک ایران بود که به روشنی گویای نگرش و رویکرد متفاوت تهران و مسکو به کریدور زنگه‌زور نیز بود. در واقع، روسیه ترجیح می‌داد کریدور یا مسیر ترانزیتی زنگه‌زور به نحوی از ارمنستان عبور کند که نیروهای مرزبانی روسی طبق بند نهم موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی بتوانند بر آن نظارت کنند. اما طبیعی بود که در یک مسیر ترانزیتی مانند کریدور ارس در خاک ایران، روس‌ها چنین امکان و ظرفیتی را برای کنترل و نظارت نداشتند.

به موازات طرح «کریدور ارس» به عنوان آلترناتیوی برای «کریدور زنگه‌زور»، دولت ارمنستان نیز با پیشنهاد طرح جدیدی موسوم به «چهار راه یا تقاطع صلح» کوشید آلترناتیو مورد نظر خود را برای اجرای بند نهم موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ، بدون تعهدی در رابطه با «کریدور زنگه‌زور» مطرح و اجرایی کند. اظهارات نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان که در ۲۶ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی / ۴ آبان ۱۴۰۲ در «مجمع راه ابریشم» در تفلیس گرجستان، برای اولین بار پیشنهاد پروژه «تقاطع صلح» را به صورت رسمی مطرح کرد، به روشنی گویای این ملاحظات است: «هدف اصلی این پروژه ایجاد ارتباط میان ارمنستان، ترکیه، جمهوری آذربایجان و ایران، از طریق بازسازی، ساختن و راه انداختن جاده‌ها، خطوط راه‌آهن، خط لوله، کابل کشی و خطوط انتقالی است. شیوه عملکرد تمام زیرساخت‌ها

۱. به عنوان مثال، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه یک روز پس از سفر به نخجوان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی اعلام کرد که «ما تمام تلاش خود را برای باز کردن کریدور زنگه‌زور انجام می‌دهیم. سیگنال‌های مثبتی هم از ایران وجود دارد. اگر ارمنستان از باز شدن کریدور زنگه‌زور جلوگیری کند، امکان عبور این کریدور از ایران وجود دارد». حکمت حاجی اف، دستیار رئیس‌جمهور آذربایجان نیز در ۲۵ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی به پولیتیکو گفت که «کریدور موسوم به زنگه‌زور جذابیت خود را از دست داده است: ما می‌توانیم در عوض با ایران این کار را انجام دهیم».



شامل جاده و خط آهن و مسیرهای هوایی و خط لوله، در حوزه اختیارات و حاکمیت کشورهای تعریف می‌شود که خاک آنها در مسیر این پروژه قرار می‌گیرد.^۱

در راستای طرح «چهار راه صلح»، اعلام شد که ارمنستان آماده ایجاد سه دروازه ورودی برای زیرساخت‌های جاده‌ای در مرز ارمنستان و آذربایجان، از جمله در کایان، سوتک و کاراهونج و دو دروازه در مرز ارمنستان و نخجوان از جمله انگخاکوت و یراسخ است. همچنین دولت ارمنستان زیرساخت‌های دو گیت ورودی آخوریک و مارگارا را در مرز این کشور با ترکیه پیش‌بینی کرده است. دولت پاشینیان در اجرای این طرح تعهد داد که خط ریلی موجود مابین نوردوز (تقاطع مرز ایران-ارمنستان-جمهوری آذربایجان)-آگاراکی (ایران-نخجوان-ارمنستان) را احیاء و چند پست بازرسی مرزی در این مناطق را فعال کند. همچنین به منظور تکمیل دسترسی ریلی ترکیه به خاک جمهوری آذربایجان، بخش راه آهن یراسخ تا مرز نخجوان را احیا کرده و بخش‌های فرسوده راه آهن از گیومری تا مرز ترکیه را تعمیر و بازسازی کند. ارمنستان همچنین اعلام آمادگی کرده تا قسمت‌های فرسوده راه آهن از هرازدان تا کاپان (مرز آذربایجان) را بازسازی کرده که به گفته دولت پاشینیان این امر باعث ایجاد ارتباطات جدید بین همه کشورهای منطقه خواهد شد.^۲ نقشه زیر گویای طرح موسوم به «چهار راه یا تقاطع صلح» مد نظر دولت ارمنستان است.

۱. «نام ایران در پروژه «تقاطع صلح» ارمنستان چه جایگزینی برای «دالان زنگزور» پیشنهاد کرد؟»، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، ۱۰ آبان ۱۴۰۲.

۲. «نگاهی به طرح «تقاطع صلح» ارمنستان؛ آیا پروژه ایروان عملیاتی خواهد شد؟»، خبرگزاری تسنیم، ۲۳ دی ۱۴۰۲.



نقشه شماره ۱۱: طرح «چهار راه صلح» مد نظر دولت ارمنستان

با این وجود، همچنان که «کریدور ارس» با واکنش سرد و یا دست کم سکوت روس‌ها مواجه شد، طرح «چهار راه صلح» نیز از سوی روسیه و همچنین جمهوری آذربایجان و ترکیه، مورد استقبال نگرفت. چرا که مطلوب مسکو، باکو و آنکارا از نظر دسترسی مستقیم و کنترل و نظارت، «کریدور زنگه‌زور» بود که کنترل و نظارت آن در اختیار آن‌ها و خارج از نظارت و حاکمیت دولت ارمنستان است. به همین دلیل، «مساوات»، سایت و جریان رسانه‌ای نزدیک به دولت آذربایجان درباره طرح پیشنهادی پاشینیان ابراز تردید کرد و معتقد بود که نخست‌وزیر ارمنستان همواره در حال تغییر مواضعش بوده است. «او فقط حرف می‌زند، اما عمل نمی‌کند. جمهوری آذربایجان نمی‌خواهد زمان را به خاطر دمدمی مزاج بودن ارمنستان از دست بدهد. باکو همین الان هم تصمیمش را برای پیاده‌سازی تمام پروژه‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک در جنوب قفقاز بدون حضور ارمنستان گرفته است».^۱

۱. «نام ایران در پروژه «تقاطع صلح»؛ ارمنستان چه جایگزینی برای «دالان زنگه‌زور» پیشنهاد کرد؟»، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، ۱۰ آبان ۱۴۰۲.



۵- ایجاد «منطقه اقتصادی زنگه زور شرقی» و توسعه زیرساخت‌های «کریدور زنگه زور» در مناطق پیرامونی قره‌باغ کوهستانی

پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ که به بازگشت مناطق پیرامونی منطقه قره‌باغ کوهستانی یعنی فیضولی، جبرائیل، زنگیلان، قُبادلی، آقدام، لاجین و کَلبِیجَر و نیز شهر استراتژیک شوشا (شوشی) به حاکمیت جمهوری آذربایجان منجر شد، دولت این کشور برنامه وسیع و گسترده‌ای را برای ساخت و توسعه زیرساخت‌های این مناطق در دستور کار قرار داد. در حالی که تا قبل از سال ۲۰۲۰ میلادی، دولت آذربایجان بخش‌های مختلف این کشور را به ۱۰ «ناحیه اقتصادی»^۱ تقسیم کرده بود، پس از جنگ دوم قره‌باغ که منجر به تسلط مجدد جمهوری آذربایجان بر مناطق جبرائیل، فیضولی، زنگیلان، قُبادلی، لاجین، آقدام، فیضولی و نیز منطقه شوشا (شوشی) انجامید، در ۷ جولای ۲۰۲۱ میلادی، الهام علی اف با صدور فرمانی تحت عنوان «تقسیم‌بندی جدید مناطق اقتصادی جمهوری آذربایجان»^۲، ۱۴ منطقه اقتصادی جدید ایجاد نمود که «منطقه اقتصادی قره باغ» و «منطقه اقتصادی زنگه زور شرقی» از آن جمله اند. نقشه زیر گویای مناطق ۱۴ گانه اقتصادی جمهوری آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی است.

1 . Economic Districts

2 . On the new division of economic regions in the Republic of Azerbaijan



نقشه شماره ۱۲: موقعیت جغرافیایی مناطق اقتصادی «قره‌باغ» و «زنگه زور شرقی»
در مناطق ۱۴ گانه اقتصادی جمهوری آذربایجان

«منطقه اقتصادی قره‌باغ»^۱ به وسعت ۸۹۹۹ کیلومتر مربع شامل مناطق آغجا بدیع،^۲ آق‌دام، بردع،^۳ فیضولی، خوجالی، خوجاوند، شوشا (شوشی)، ترتر و نیز شهر خان‌کندی (مرکز این منطقه) است. نکته قابل تامل در این نامگذاری، عدم استفاده از اصطلاح «قره‌باغ کوهستانی» از سوی دولت آذربایجان است. چرا که پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، الهام علی‌اف، طی بخشنامه ای استفاده از عنوان «ناگورنو- قره باغ» (ناگورنو در زبان روسی به معنی کوهستانی) یا «قره‌باغ کوهستانی» را ممنوع کرد و با این استدلال که این واژه یک اصطلاح (ترم) روسی مربوط به دوره اتحاد جماهیر شوروی است، تاکید کرد که واحدی سیاسی تحت چنین نامی در ساختار سیاسی و تقسیمات کشوری و اداری جمهوری آذربایجان وجود ندارد و باکو تنها واحدی به نام «قره باغ» را به رسمیت می‌شناسد. اما «منطقه اقتصادی زنگه زور شرقی»^۴ نیز به وسعت ۷۴۷۰ کیلومتر مربع،

۱ . Karabakh Economic Region

۲ . Agjabadi

۳ . Barda

۴ . East Zangezur Economic Region

شامل مناطق جبرائیل، کلیمجَر، قُبادلی، لَچین و زَنگیلان است که از سمت شمال به «منطقه اقتصادی گنجه- داش کسن»^۱ از سمت جنوب و از طریق رودخانه ارس به کشور ایران، از سمت شرق به منطقه اقتصادی قره‌باغ و از سمت غرب به کشور ارمنستان محدود شده است و چنانچه اشاره شد وسعتی حدود ۷ هزار کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد.

علاوه بر این، برای هر یک از مناطق نیز «نماینده ویژه»^۲ از سوی رئیس جمهور آذربایجان تعیین شد تا روند مدیریت و نظارت بر فرایند اجرای طرح‌های بازسازی و توسعه زیر ساخت‌ها را برعهده بگیرند. در این بین، جنگ سوم قره‌باغ در ۱۹ تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی/ ۲۸-۲۹ شهریور ۱۴۰۲ که باعث شد باقیمانده مناطقی که تحت کنترل ارمنه بود یعنی «خان‌کندی» (به تعبیر ارمنه اِستپاناکرت)، مرکز منطقه قره‌باغ کوهستانی و نیز مناطقی مانند خوجالی، خوجاوند، آغدره و عَسگران به تصرف جمهوری آذربایجان در بیاید، باعث شتاب بیشتر طرح‌های بازسازی قره‌باغ کوهستانی و مناطق پیرامونی آن شد. دولت آذربایجان برای بازسازی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در این مناطق طرح‌های جامعی را تهیه کرده است که برنامه‌های مختلفی را شامل می‌شود از جمله پاکسازی مین‌ها و مواد منفجره باقیمانده از جنگ، زیرساخت حمل و نقل و جاده‌ها از جمله ساخت بزرگراه‌ها، راه‌های اصلی بین شهرها، تونل‌ها و نیز شبکه ریلی، ساخت سه فرودگاه در فیضولی،^۳ لَچین^۴ و

1 . Ganja-Dashkasan Economic Region

2 . special representative

۳ . فرودگاه فیضولی نخستین فرودگاه در مناطق پیرامونی منطقه قره‌باغ است که در جنگ دوم قره‌باغ به حاکمیت جمهوری آذربایجان بازگشت. ساخت فرودگاه فیضولی به فاصله تقریباً دو ماه پس از جنگ، در ۱۴ ژانویه ۲۰۲۱ (دی ماه ۱۳۹۹) طی مراسمی با حضور علی‌اف آغاز شد و با مشارکت ترکیه طی ۸ ماه ساخته شد و افتتاح رسمی آن نیز توسط الهام علی‌اف و رجب طیب اردوغان در ۲۶ نوامبر ۲۰۲۱ میلادی (۴ آبان ۱۴۰۰) صورت گرفت. باند فرودگاه ۳ هزار متر طول و ۶۰ متر عرض دارد و ترمینال آن ظرفیت ارائه خدمات به ۲۰۰ مسافر در ساعت و قابلیت فرود هواپیماهای پهن پیکر را دارد. در جریان سفر رستم قاسمی، وزیر وقت راه و شهرسازی ایران، مهدی صفری (معاون وقت اقتصادی وزیر امور خارجه) و استاندار وقت اردبیل در بهمن ۱۴۰۰، هواپیمای هیئت ایرانی، نخستین پرواز خارجی بود که در فرودگاه فیضولی بر زمین نشست و این هیئت اقتصادی که «شاهین مصطفی‌اف»، معاون نخست‌وزیر و رئیس آذری کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان نیز آن را همراهی می‌کرد، بازدیدهای میدانی متعددی به ویژه در بزرگراه در حال احداث «فیضولی - زنگیلان - هورادیز» داشتند.

۴ . فرودگاه بین‌المللی لَچین در فاصله ۳۰ کیلومتری مرکز شهرستان لَچین و به ترتیب در ۷۰ و ۶۰ کیلومتری شهرهای شوشا (شوشی) و کلیمجَر قرار دارد. این فرودگاه دارای باندهای به طول ۳۰۰۰ متر و عرض ۶۰ متر، امکان پذیرش انواع هواپیماها، از جمله هواپیماهای باری بزرگ را دارد و ترمینال آن نیز از ظرفیت پذیرش ۲۰۰ مسافر در ساعت برخوردار

زنگیلان،^۱ زیرساخت انرژی، احداث نیروگاه‌های برق آبی و بازسازی ایستگاه‌های انتقال برق و کابل‌ها، احداث و بازسازی شبکه آب، گاز، فاضلاب و تأسیسات شهری و ارتباطات مخابراتی، ساخت آپارتمان‌ها و خانه‌های جدید برای آوارگان و مهاجرین جنگ اول قره‌باغ، سرمایه‌گذاری در پارک‌های صنعتی و کشاورزی به ویژه پروژه «روستاهاى هوشمند»^۲ در زنگیلان، جبرائیل و فیضولی با کمک شرکت‌های اسرائیلی و ترکیه، بازسازی مدارس، مراکز درمانی، خدمات شهری و نیز مرمت آثار تاریخی و فرهنگی. در این راستا، تاکنون، بیش از ۱۰/۳ میلیارد دلار هزینه شده است و این روند همچنان ادامه دارد.

علاوه بر شرکت‌های مختلف جمهوری آذربایجان، شرکت‌ها و پیمانکارانی از ترکیه، اسرائیل، روسیه، ایتالیا، قزاقستان و ازبکستان در روند بازسازی قره‌باغ کوهستانی و مناطق پیرامونی آن مشارکت دارند و بانک توسعه اسلامی، بانک جهانی و برخی سازمان‌های مالی بین‌المللی نیز حمایت مالی و فنی از برخی از پروژه‌ها را داشته‌اند. دولت آذربایجان امیدوار است با اجرای طرح‌های بازسازی و توسعه زیر ساخت‌ها در قره‌باغ کوهستانی و مناطق پیرامونی آن، بتواند مهاجرین و آوارگان جنگ اول قره‌باغ را که در شهرهای مختلف این کشور و عمدتاً در باکو ساکن هستند را در قالب طرحی که «بازگشت بزرگ»^۳ نامیده است، به این مناطق برگردانند. آمارها گویای آن است که تا سپتامبر ۲۰۲۴ میلادی / آذر ۱۴۰۳ بیش از ۸ هزار نفر به مناطقی مانند شوشا (شوشی)، فیضولی، جبرائیل، زنگیلان و لاجین بازگشته‌اند. هرچند این رقم فاصله بسیار زیادی با ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر

است. این فرودگاه در ارتفاع ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد و به‌عنوان مرتفع‌ترین فرودگاه در آذربایجان شناخته می‌شود. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه هم‌زمان با روز استقلال جمهوری آذربایجان در ۲۸ می ۲۰۲۵ میلادی / ۷ خرداد ۱۴۰۴ طی مراسمی مشترک فرودگاه بین‌المللی لاجین را افتتاح کردند.

۱. فرودگاه بین‌المللی زنگیلان در شهرستان زنگیلان و در نزدیکی مرز ایران واقع شده است. اند فرودگاه ۳۰۰۰ متر طول و ۶۰ متر عرض دارد که امکان پذیرش انواع هواپیماها، از جمله هواپیماهای باری بزرگ را فراهم می‌کند. ترمینال این فرودگاه نیز با ظرفیت پذیرش ۲۰۰ مسافر در ساعت طراحی شده است.

ساخت فرودگاه زنگیلان در ماه می ۲۰۲۱ میلادی / اردیبهشت ۱۴۰۰ آغاز شد و ساخت آن در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۲ میلادی / ۲۸ مهر ۱۴۰۱ توسط رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان الهام علی‌اف و رئیس‌جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان گشایش یافت.

2 . Smart Villages

3 . Great Return



از مهاجرین و آوارگان جنگ اول قره‌باغ دارد.

در این روند یکی از مهم‌ترین طرح‌های زیرساختی که پس از پایان جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی/ ۱۳۹۹ غا شد و طی پنج سال گذشته با شدت و جدیت ادامه داشته است، ایجاد زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی در مناطق پیرامونی قره‌باغ کوهستانی است که قرار است به کریدور زنگه‌زور مد نظر جمهوری آذربایجان برای دسترسی مستقیم به نخجوان و ترکیه متصل شود. در واقع، دولت آذربایجان به ویژه الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور این کشور با این پیش‌فرض و هدفگذاری که «عملیاتی شدن کریدور زنگه‌زور قطعی است»، اقدام به سرمایه‌گذاری گسترده در بخش زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی در مناطق پیرامونی قره‌باغ کوهستانی نمود تا هم اراده و جدیت خود را در رابطه با کریدور زنگه‌زور نشان دهد و هم آن را به عنوان عامل فشاری علیه ارمنستان مورد استفاده قرار دهد تا این کشور عبور کریدور زنگه‌زور را از خاک خود یعنی استان سیونیک بپذیرد.



نقشه شماره ۱۳: مسیرهای جاده‌ای و ریلی از هورادیز به آغ‌بند زنگیلان در جنوب منطقه قره‌باغ و مجاورت مرز ایران برای اتصال به کریدور زنگه‌زور مدنظر جمهوری آذربایجان

آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ میلادی/ بهمن ۱۴۰۰ و تحریم گسترده غرب علیه روسیه، موجب شد حجم تجارت و ترانزیت در «کریدور میانی»^۱ بین چین، آسیای مرکزی، قفقاز، ترکیه و اروپا به صورت قابل توجهی تقویت شود. لذا جمهوری آذربایجان در صدد برآمد «کریدور زنگه‌زور» را نه به عنوان مسیری کوتاه برای دسترسی به منطقه نخجوان، بلکه به عنوان یک مسیر بین‌المللی و بخشی از «کریدور میانی» تعریف کند که باعث خواهد شد ترانزیت و تجارت بین چین و آسیای مرکزی با ترکیه و اروپا از مسیری کوتاه‌تر، سریع‌تر و کم هزینه‌تر – در مقایسه با مسیر گرجستان – منتقل شود. بنابراین، می‌توان گفت جنگ اوکراین از یک سو باعث شد به دلیل نیازهای شدید روسیه تحت تحریم به کریدورهای ترانزیتی، مسائل مالی و بانکی و واردات محصولات کشاورزی و صنایع غذایی، انعطاف‌های قابل توجهی در مقابل جمهوری آذربایجان و ترکیه صورت دهد و از سویی دیگر، با افزایش حجم تجارت و ترانزیت در «کریدور میانی»، به عنوان «کاتالیزور» باعث افزایش انگیزه‌های جمهوری آذربایجان در تحقق «کریدور زنگه‌زور» شود.

در این راستا، در بخش جاده‌ای، مسیرهای مختلفی در دست ساخت و اجرا است که تونل‌ها و پل‌های متعددی نیز برای روی این مسیرها احداث شده است. «بزرگراه هورادیز – جبرائیل – زنگیلان – آغ‌بند» به طول ۱۲۳ کیلومتر، با عرض ۱۴ تا ۲۱ متر و تعداد خطوط حرکتی بین ۴ تا ۶ خط، از مهم‌ترین پروژه‌های زیرساختی است که شرکت‌های ترکیه‌ای با هماهنگی اداره دولتی بزرگراه‌های آذربایجان ساخت آن را برعهده دارند و تقریباً ۹۵ درصد آن به پایان رسیده است. «بزرگراه هورادیز – جبرائیل – زنگیلان – آغ‌بند» علاوه بر اتصال به «کریدور زنگه‌زور» مد نظر جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، قرار است به «کریدور ارس» نیز متصل شود که بزرگراه در دست ساخت آن با احداث یک پل اتومبیل‌رو بر رودخانه ارس، از روستای «آغ‌بند» در منطقه زنگیلان در مجاورت مرز ایران با آذربایجان آغاز خواهد شد و با عبور از استان آذربایجان شرقی ایران به شهر «اردوباد» در منطقه نخجوان خواهد رسید. تصویر زیر گویای بخشی از «بزرگراه هورادیز – جبرائیل – زنگیلان – آغ‌بند» است.



تصویر شماره ۱: بخشی از «بزرگراه هورادیز - جبرائیل - زنگیلان - آغ‌بند» برای اتصال به «کریدور زنگه‌زور»
مد نظر جمهوری آذربایجان و «کریدور ارس» برای دسترسی به منطقه نخجوان

علاوه بر «بزرگراه هورادیز - جبرائیل - زنگیلان - آغ‌بند»، مسیرهای جاده‌ای دیگری نیز مانند «مسیر کلبیجر به لاجین» (۷۶ کیلومتر)، «مسیر خُدافرین - قُبادلی - لاجین» (۷۰ کیلومتر) و مسیر «جبرائیل - شوکوربایلی - هادروت» (۳۹ کیلومتر) در دست احداث است و بدین ترتیب می‌توان گفت بخش مهمی از زیرساخت‌های جاده‌ای در مناطق پیرامونی قره‌باغ کوهستانی برای اتصال به «کریدور زنگه‌زور» مد نظر جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، و یا آنچه که اکنون «مسیر ترامپ» خوانده می‌شود، در حال ساخت و یا در مراحل پایانی آن است و همین امر باعث افزایش اعتماد به نفس و فشار بیشتر جمهوری آذربایجان برای اجرایی‌شدن هرچه سریع‌تر دسترسی مستقیم زمینی به نخجوان شده است.

در حوزه ریلی نیز دو مسیر ریلی در جنوب جمهوری آذربایجان و مناطق پیرامونی قره‌باغ کوهستانی و نیز در شرق ترکیه به موازات هم در حال ساخت است تا به «کریدور زنگه‌زور» مد نظر جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان و یا آنچه که اکنون «مسیر ترامپ» خوانده می‌شود،

وصل شود. چنانچه در بخش‌های قبلی اشاره شد، با تصرف مناطق فیضولی، جبرائیل و زنگیلان توسط نیروهای ارمنی در جنگ اول قره‌باغ، عملاً ۲۴۰ کیلومتر از مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب قفقاز تحت کنترل ارامنه قرار گرفت. در چنین شرایطی، نه تنها ارتباط ریلی جمهوری آذربایجان با منطقه نخجوان و نیز ارمنستان با جمهوری آذربایجان قطع شد، ارتباط ریلی ایران با منطقه قفقاز نیز پس از هفتاد سال قطع شد. به همین دلیل، پس از جنگ دوم قره‌باغ و بازگشت مناطق فیضولی، جبرائیل و زنگیلان به حاکمیت جمهوری آذربایجان، بازسازی مسیرهای ریلی تخریب شده و ریل‌گذاری جدید در دستور کار قرار گرفت. در این راستا، «مسیر ریلی هورادیز - آغ‌بند» به طول ۱۱۰ کیلومتر (با احتساب مسیرهای فرعی، حدود ۱۴۰ کیلومتر) در حال احداث است که شامل ۴ تونل و ۴۰ پل است و ۹ ایستگاه نیز در طول مسیر پیش‌بینی شده است. تقریباً بیش از ۸۰ درصد این پروژه ریلی تکمیل شده است.



نقشه شماره ۱۴: موقعیت جغرافیایی «مسیر ریلی هورادیز - آغ‌بند» (خط قرمز) در جنوب غربی جمهوری آذربایجان^۱

۱. «راه‌آهن قفقاز؛ برگ برنده ایران برای خنثی‌سازی تهدید کریدور زنگزور»، مشرق نیوز، ۹ مهر ۱۴۰۴.



تصویر شماره ۲: بخشی از «مسیر ریلی هورادیز - آغ‌بند» به طول ۱۱۰ کیلومتر به عنوان بخشی از «کریدور زنگه زور» مورد نظر جمهوری آذربایجان برای اتصال به مسیر ریلی ارمنستان، نخجوان و ترکیه

در سمت ترکیه نیز «مسیر ریلی قارص - ایغدیر - آرالیک - دیل‌اوجو» در ۲۲ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۳۰ مرداد ۱۴۰۴ با حضور عبدالقادر اورال اوغلو، وزیر حمل و نقل و زیرساخت ترکیه در استان ایغدیر آغاز شد که از نظر مقامات ترکیه، گام عملی مهمی برای عملی شدن کریدور زنگه‌زور به شمار می‌رود. این مسیر ریلی به طول ۲۲۴ کیلومتر، دو خطه، برقی و سیگنال‌دار خواهد بود و ظرفیت جابه‌جایی ۵/۵ میلیون مسافر و ۱۵ میلیون تن بار در سال را خواهد داشت و طبق برنامه ریزی قرار است تا پایان سال ۲۰۲۹ میلادی، تکمیل و اجرایی شود که در صورت تحقق مسیر دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان و یا آنچه که اکنون «مسیر ترامپ» خوانده می‌شود، «مسیر ریلی قارص - ایغدیر - آرالیک - دیل‌اوجو» با اتصال به شبکه ریلی نخجوان و جنوب ارمنستان به «مسیر ریلی هورادیز - آغ‌بند» در جنوب جمهوری آذربایجان متصل خواهد شد.



تصویر شماره ۳: مراسم آغاز ساخت «مسیر ریلی قارص-ایغدیر-آرالیک-دیل‌اوجو» در شرق ترکیه در ۲۲ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۳۰ مرداد ۱۴۰۴ برای اتصال به مسیر ریلی نخجوان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان

بنابراین، مجموع این تحولات نشان می‌دهد بخش مهمی از زیرساخت‌های حمل و نقلی در هر دو بخش ریلی و جاده‌ای در چهارچوب پروژه «کریدور زنگه‌زور» مورد نظر جمهوری آذربایجان در دست ساخت و یا در مراحل پایانی آن است. الهام علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان نیز در سومین مجمع جهانی رسانه‌ای شو‌شا (شوشی) در ۲۸ تیر ۱۴۰۴ بر این نکته تاکید کرد که «در بهار سال آینده ساخت بخش آذربایجانی راه آهن مربوط به کریدور زنگه‌زور به پایان خواهد رسید». بنابراین، در صورت تحقق مسیر دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان و یا آنچه که اکنون «مسیر ترامپ» خوانده می‌شود، زیرساخت‌های آن به ویژه در سمت جمهوری آذربایجان فراهم است و لذا تنها بخش باقیمانده، مسیر ریلی و جاده‌ای ۴۰ کیلومتری است که قرار است با عبور از استان سیونیک ارمنستان به نخجوان برسد.



۶- تلاش ناموفق برای احیای مسیرهای ریلی دوره شوروی: مسیر ریلی جلفای ایران- نخجوان- ارمنستان- آذربایجان

اشاره بند نهم موافقتنامه آتش بس قره باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ بر «رفع انسداد از مسیرهای ارتباطی»، امیدهایی را در منطقه برای احیای مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب قفقاز یعنی مسیر قدیمی جلفا (ایران)، جلفا (نخجوان) - مِقری - زنگیلان - باکو - مسکو و همچنین مسیر ریلی جلفا - نخجوان - ایروان ایجاد کرد. ایران بلافاصله از این ایده استقبال کرد، چرا که احیای مسیر ریلی دوره شوروی، نه تنها باعث ارتباط ریلی ایران و جمهوری آذربایجان و نیز روسیه می‌شد، بلکه این امکان را نیز فراهم می‌کرد که با اتصال مسیر ریلی جلفا (ایران - جلفا (نخجوان) به ایروان، از مسیری کوتاه و با هزینه بسیار پایین، اتصال ریلی ایران با ارمنستان و نیز گرجستان نیز برقرار شود. در واقع مسیر ریلی «جلفا - جلفا - ایروان» می‌تواند جایگزین مسیر طولانی و پرهزینه «مرند - نوردوز - مِقری - ایروان» شود که به نفع ایران و ارمنستان و نیز گرجستان خواهد بود.^۱

در این راستا، به موازات شکل‌گیری الگوی همکاری منطقه‌ای ۳+۳ (آذربایجان، ارمنستان، گرجستان + روسیه، ایران، ترکیه) در قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ،^۲ احیای مسیرهای ریلی دوره شوروی در جنوب این منطقه مورد توجه قرار گرفت. در این رابطه، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در مذاکراتی تحت نظارت شارل میشل، رئیس شورای اتحادیه اروپا در بروکسل در ۱۴ دسامبر ۲۰۲۱ میلادی / ۲۷ آذر ۱۴۰۰ درباره تشکیل گروه فنی برای علامت‌گذاری مرزهای دو کشور و نیز احداث راه آهن برای اتصال خطوط آهن دو کشور به سمت نخجوان به توافق رسیدند. در این راستا، مهر گریگوریان معاون نخست‌وزیر ارمنستان نیز در مصاحبه با خبرگزاری تاس اعلام کرد که این راه آهن به طول ۳۴۰ کیلومتر در مسیر یراسخ - جلفا - اردوباد - مِقری - هورادیز در دو کشور امتداد می‌یابد. نقشه زیر گویای مسیرهای ریلی است که علی‌رغم ساخت بخش مهمی از مسیر ریلی هورادیز -

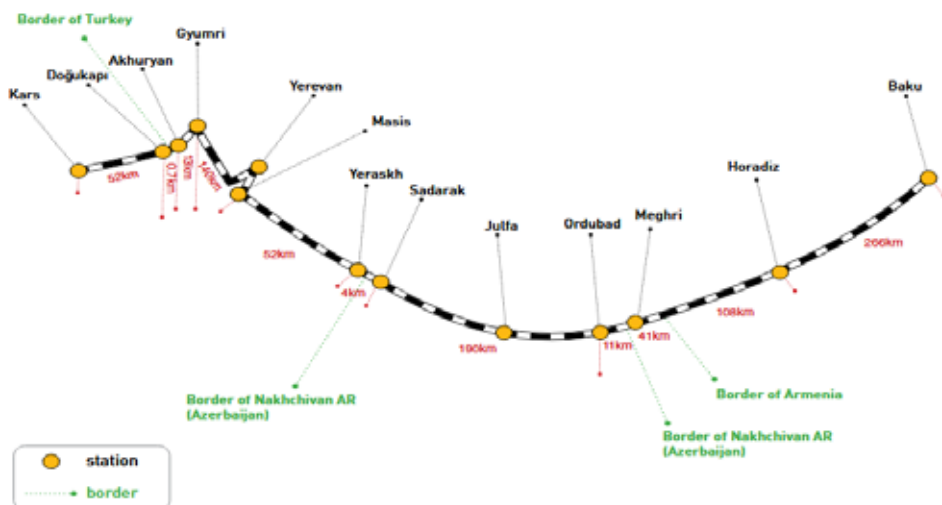
1. Vali Kaleji, "Strategic Rail Connectivity., Time to Reconnect Iran and the South Caucasus", Journal of Baku Dialogues, Vol. 6, No. 1, Fall 2022, pp 103- 104.

۲. به دلیل اختلاف گرجستان با روسیه بر سر مناطق جدا شده آبخازیا و اوستیای جنوبی و قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور از زمان جنگ اوت سال ۲۰۰۸ میلادی تاکنون، گرجستان از شرکت در الگوی همکاری ۳+۳ در قفقاز جنوبی خودداری نموده است و این الگو عملاً در فرمت ۳+۲ اجرایی شده است.

آغند در جمهوری آذربایجان، به دلیل اختلافات طرف‌های ارمنی و آذری در رابطه با کریدور زنگه زور، هنوز اجرایی و عملیاتی نشده است؛ مسیری که کوتاه‌ترین و کم هزینه‌ترین مسیر ریلی برای ارتباط مجدد شبکه سراسری راه آهن ایران با منطقه قفقاز و نیز فدراسیون روسیه محسوب می‌شود. مسیری که در دوره اتحاد جماهیر شوروی، مسیر اصلی ترانزیت و تجارت بین ایران و شوروی بود، اما پس از جنگ اول قره باغ (۱۹۸۸-۱۹۹۴)، این ارتباط ریلی قطع شد و متأسفانه به دلیل اختلافات طولانی ارمنستان و آذربایجان و نیز تداوم تنش‌های بر سر کریدور زنگه‌زور ادامه یافت.



نقشه شماره ۱۵: مسیرهای ریلی (رنگ سبز) و جاده‌ای (رنگ قرمز) برای احیای مسیرهای عبوری و ترانزیتی دوره شوروی در جنوب قفقاز پس از جنگ دوم قره‌باغ



نقشه شماره ۱۶: شهرهای واقع در طرح احیای مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب منطقه قفقاز

از باکو تا قارص بین جمهوری آذربایجان، ارمنستان، منطقه نخجوان و ترکیه

بنابراین، طرح احیای مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب منطقه قفقاز که پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ مطرح شده است و پس از جنگ سوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ میلادی / ۱۴۰۲ با جدیت بیشتری پیگیری شد، نشان از علاقه‌مندی همه طرف‌ها از جمله جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ایران، ترکیه و روسیه برای احیای این مسیر ریلی داشت که از نظر توسعه تجارت و ترانزیت به نفع کل منطقه است. با این وجود، اختلافات ارمنستان و جمهوری آذربایجان در تفسیر بند نهم موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ به ویژه در رابطه با موضوع «کریدور زنگه‌زور» موجب شد احیای مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب قفقاز محقق نشود و لذا این امید و انتظار وجود دارد که در صورت توافق نهایی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، این مسیر مهم ارتباطی و ترانزیتی پس از سه دهه احیاء و اجرایی شود.

بنابراین چنانچه مباحث ۶ بخش گذشته نشان می‌دهد، دسترسی جمهوری آذربایجان به منطقه برونجان نخجوان نیز از ۱۹۲۴ میلادی / ۱۳۰۲ هجری شمسی تاکنون یعنی ۲۰۲۵ میلادی / ۱۴۰۴

از یک سابقه بسیار طولانی ۱۰۰ ساله برخوردار است و به ویژه پس از فروپاشی شوروی و استقلال ارمنستان و جمهوری آذربایجان در ۳۵ سال گذشته، فراز و نشیب‌های فراوانی به خود دیده است. هنوز توافقات صورت گرفته از جمله توافق اخیر صلح بین دو کشور در آمریکا روی کاغذ است و برای این که مسیر دسترسی مستقیم جاده‌ای و ریلی از جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان جنبه اجرایی و عملیاتی پیدا کند، باید نخست پیش شرط‌های تحقق صلح محقق شود توافقنامه صلح بین دو کشور نهایی شود که در بخش بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

مذاکرات صلح ارمنستان و آذربایجان: فرایند عبور از وضعیت «جنگ» و «آتش بس» به «صلح پایدار» (۱۹۹۱-۲۰۲۵ میلادی / ۱۳۷۰-۱۴۰۴)

اگر وضعیت سه‌گانه «جنگ»، «آتش بس» و «صلح» را در سه نقطه یک خط تصور کنیم، وضعیت حاکم بر روابط دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان در ۳۵ سال گذشته، همواره بین دو وضعیت «جنگ» و «آتش بس» در نوسان بوده است. هرچند سهم و مدت زمان «آتش بس» بیشتر از «جنگ» بین طرفین بوده است که معنای ساده حقوقی آن «ترک موقت مخاصمه» است. بعد از جنگ اول قره‌باغ (۱۹۸۸-۱۹۹۴)، موافقت‌نامه آتش بس بیشکک در پایتخت قرقیزستان در سال ۱۹۹۴ منعقد شد و گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا به رهبری آمریکا، فرانسه و روسیه، وظیفه انجام مذاکرات برای عبور از وضعیت «آتش بس» به «صلح» را بر عهده گرفت که با وجود کوشش‌های فراوان و ارائه طرح‌های مختلف، عملاً در این مأموریت ناکام ماند که نقطه اوج این ناکامی وقوع جنگ دوم قره‌باغ (۲۶ سپتامبر تا ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰) بود. در واقع نه تنها منطقه قره‌باغ از وضعیت میانه «آتش بس» به سمت جلو یعنی «صلح» حرکت نکرد، بلکه در حرکتی، رو به عقب یعنی «جنگ» بازگشت.

بعد از جنگ دوم قره‌باغ، موافقت‌نامه سه‌جانبه آتش بس قره‌باغ بین ارمنستان، جمهوری آذربایجان و فدراسیون روسیه در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی / ۲۰ آبان ۱۳۹۹ که به امضای رهبران سه کشور رسید، مجدداً وضعیت میانه «آتش بس» را بر منطقه حاکم کرد و از لحاظ حقوقی این موافقت‌نامه جایگزین موافقت‌نامه آتش بس بیشکک قرقیزستان در سال ۱۹۹۴ شد و لذا در عمل باز هم «پیمان صلحی» بین دو طرف به امضاء نرسید. به همین دلیل، هرگونه درگیری بین نیروهای ارمنی و آذری که پس از جنگ

دوم قره‌باغ روی داد، از نظر حقوقی، نه «نقض صلح»، بلکه نقض «آتش‌بس» بود. با این وجود، پس از پایان جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ که به بازگشت مناطق پیرامونی منطقه قره‌باغ کوهستانی یعنی فیضولی، جبرائیل، زنگیلان، قبادلی، آق‌دام، لاجین و کلبیجر و نیز شهر استراتژیک شوشا (شوشی) به حاکمیت جمهوری آذربایجان منجر شد، مذاکرات صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان وارد مرحله کاملاً جدید و متفاوتی شد. فدراسیون روسیه که نقش محوری در پایان جنگ دوم قره‌باغ و انعقاد موافقتنامه آتش‌بس در نوامبر ۲۰۲۰ میلادی / آبان ۱۳۹۹ داشت، مذاکرات سه جانبه‌ای را شکل داد که اجرایی شدن مفاد ۹ ماده‌ای موافقتنامه آتش‌بس به ویژه تعیین حدود مرزی، دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان، تبادل اسرای جنگی، تحویل نقشه‌های مناطق مین‌گذاری شده از سوی ارمنستان و وضعیت نیروهای حافظ صلح روسی مستقر در قره‌باغ کوهستانی و کریدور لاجین در کانون این مذاکرات قرار داشت. در این راستا، در دیدار سه جانبه و مهم ولادیمیر پوتین، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در سوچی روسیه که در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱ میلادی / ۶ آذر ۱۴۰۰ برگزار شد، با تشکیل کمیسیونی برای تعیین حدود مرزی ارمنستان و جمهوری آذربایجان با کمک روسیه و همچنین رفع انسداد کریدورهای حمل و نقل در منطقه موافقت شد.

در نشست سه جانبه مهم دیگری که در ۲۵ می ۲۰۲۳ میلادی ۴ خرداد ۱۴۰۲ به میزبانی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و با حضور الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان برگزار شد، طرفین از پیشرفت مذاکرات برای دستیابی به صلح خبر دادند که مهم‌ترین محور آن، «شناسایی متقابل تمامیت ارضی» بود. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در این نشست، توافق باکو و ایروان بر سر تمامیت ارضی آذربایجان و ارمنستان را مهم ارزیابی کرد و اظهار داشت که «بقیه مسائل موجود بین دو کشور در درجه دوم اهمیت قرار دارد». نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان نیز اعلام کرد که «کشورش قره‌باغ را به عنوان خاک جمهوری آذربایجان به رسمیت می‌شناسد، به این شرط که امنیت و حقوق ارامنه این منطقه تامین و تضمین شود. باکو آماده است تمامیت ارضی ارمنستان را که ۲۹/۸ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد را به رسمیت بشناسد و ایروان نیز تمامیت ارضی جمهوری

آذربایجان را که ۸۶/۶ هزار کیلومتر مربع است، به رسمیت می‌شناسد».^۱ از سوی دیگر، الهام علی‌اف، رئیس جمهوری آذربایجان نیز اظهار داشت که «امکان دستیابی به صلح بین باکو و ایروان وجود دارد، به ویژه که ارمنستان، قره‌باغ را به عنوان بخشی از سرزمین ما به رسمیت شناخته است. باکو هیچ ادعای سرزمینی علیه ارمنستان ندارد و در حال حاضر فرصت دستیابی به توافق صلح برای دو کشور امکان‌پذیر است. الزامات جدی برای عادی‌سازی روابط باکو - ایروان بر اساس به رسمیت شناختن تمامیت ارضی طرفین وجود دارد».^۲



تصویر شماره ۴: نشست سه جانبه رهبران روسیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان در مسکو،

۲۵ می ۲۰۲۳ میلادی / ۴ خرداد ۱۴۰۲

در حالی که طرح این موضوعات به ویژه شناسایی قره‌باغ کوهستانی به عنوان بخشی از حاکمیت

۱. «پاشینیان: ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر به رسمیت شناختن متقابل تمامیت ارضی به توافق رسیده‌اند»، پایگاه خبری-تحلیلی انتخاب، ۴ خرداد ۱۴۰۲.

۲. همان.

جمهوری آذربایجان از سوی دولت ارمنستان با مخالفت‌ها و انتقادهای شدیدی در ارمنستان مواجه شد، انسداد کریدور لاجین و قطع دسترسی ارامنه قره‌باغ کوهستانی به سوخت، غذا و دارو باعث تشدید مخالفت‌ها و انتقادات در داخل ارمنستان و همچنین افزایش اختلافات و تنش‌ها بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان شد. در چنین شرایطی، جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی / شهریور ۱۴۰۲ که باعث شد «خان‌کندی» (به تعبیر ارامنه استپاناکرت)، مرکز منطقه قره‌باغ کوهستانی و نیز مناطقی مانند خوجالی، خوجاوند، آغدره و عسگران به تصرف جمهوری آذربایجان در بیاید، مذاکرات صلح بین باکو و ایروان وارد مرحله جدیدتر و متفاوت‌تری شد.

در این بین، تشدید اختلافات بین ارمنستان با روسیه که ریشه در عدم حمایت موثر روسیه و سازمان پیمان امنیت دسته جمعی از ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ و نیز انفعال نیروهای حافظ صلح روسی مستقر در قره‌باغ کوهستانی و کریدور لاجین در جنگ سوم قره‌باغ داشت، باعث شد از نقش روسیه به عنوان میانجی در مذاکرات صلح بین ارمنستان و آذربایجان کاسته شود. درگیری روسیه در جنگ اوکراین نیز باعث تشدید این روند شد و فضایی پدید آورد که اتحادیه اروپا و نیز ایالات متحده آمریکا بتوانند نقش موثرتر و فعال‌تری در روند میانجی‌گری بین آذربایجان و ارمنستان ایفا کنند. در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ میلادی نشست‌هایی به میزبانی کشورهای اروپایی و تحت هدایت کمیسیون اروپا و نمایندگان عالی اتحادیه اروپا با حضور الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان برگزار شد. در دوره ریاست جمهوری جو بایدن نیز ایالات متحده آمریکا تلاش‌هایی را برای میانجی‌گری در مناقشه قره‌باغ انجام داد. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، نشست‌های سه‌جانبه‌ای با وزرای خارجه ارمنستان و آذربایجان برگزار کرد تا به کاهش تنش‌ها و پیشبرد صلح کمک کند.



تصویر شماره ۵: دیدار رهبران ارمنستان و جمهوری آذربایجان با چارلز میشل رئیس شورای اتحادیه اروپا در بروکسل، ۱۴ می ۲۰۲۳ میلادی / ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲

در ادامه این روند و تداوم مذاکرات و در تحولی بسیار مهم، وزیر امور خارجه آذربایجان و ارمنستان در ۱۳ مارس ۲۰۲۵ میلادی / ۲۳ اسفند ۱۴۰۳ اعلام کردند که بر سر متن توافقنامه صلح به توافق رسیده‌اند. این توافقنامه که به‌عنوان «توافقنامه صلح و برقراری روابط بین‌دولتی»^۱ شناخته می‌شود، شامل ۱۷ ماده بود که تا قبل از توافق، بر سر دو ماده آن اختلاف وجود داشت. لذا دولت ارمنستان با پذیرش دو بند باقی‌مانده که آذربایجان بر آن‌ها پافشاری داشت، موافقت کرد. این بندها شامل عقب‌نشینی از دعاوی در دادگاه‌های بین‌المللی و عدم استقرار نیروهای ثالث در مرزها با یکدیگر (از جمله ماموریت نظارتی اتحادیه اروپا در ارمنستان) بود. با این وجود، الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان صراحتاً بر این نکته تأکید داشت که تصویب نهایی توافقنامه صلح با ارمنستان نیازمند تحقق دو پیش شرط مهم است:

1 . Agreement on Establishment of Peace and Inter-State Relations

نخست، انحلال رسمی گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا و دوم، اصلاح قانون اساسی ارمنستان و حذف بخشی از مقدمه قانون اساسی که اشاره به اتحاد بین ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی (به تعبیر ارامنه آرتساخ) که از نظر باکو، این بند حاوی ادعاهای سرزمینی علیه آذربایجان است.

در شرایطی که روابط آذربایجان با روسیه نیز به دلایل مختلف بسیار سرد و پرتنش شده بود، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی / ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی با یکدیگر دیدار کردند. در این نشست که بیش از پنج ساعت طول کشید، رهبران دو کشور روند تعیین مرز مشترک را بررسی کردند و از کمیسیون‌های مرزی خواستند تا به کار عملی در این زمینه ادامه دهند. دو طرف همچنین امضای پیش‌نویس توافق صلح را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند. با این وجود جزئیات بیشتری از نشست مهم رهبران ارمنستان و آذربایجان در ابوظبی منتشر نشد.



تصویر شماره ۶: دیدار رهبران ارمنستان و جمهوری آذربایجان در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی
۱۰ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی / ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

در ادامه این روند و در تحولی که انتظار آن نمی‌رفت و موجب تعجب و غافلگیری کارشناسان و صاحب‌نظران شد، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان با حضور در کاخ سفید و با میانجی‌گری دونالد



ترامپ، رئیس جمهور آمریکا توافقنامه صلحی را در ۱۱ آگوست ۲۰۲۵ میلادی / ۲۰ مرداد ۱۴۰۳ به امضاء رساندند و در توافقی جداگانه، دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان به جای نام مورد نظر باکو یعنی «کریدور زنگه‌زور» یا نام مورد نظر ایروان یعنی «چهارراه صلح»، با نام و عنوان جدیدی یعنی «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی»^۱ مورد توافق قرار گرفت. با این وجود، این توافقنامه صلح هنوز یک توافقنامه نهایی و قطعی نیست و چنانچه در بخش‌های بعدی اشاره خواهد شد، پیش شرط‌ها و ملاحظات مهمی در روند نهایی شدن آن و نیز عملیاتی شدن مفاد توافق به ویژه دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان وجود دارد. در صورتی که این پیش شرط‌ها و ملاحظات عملی شود و دو کشور به توافقنامه نهایی و قطعی برسند، گام مهمی در عبور از وضعیت «جنگ» و «آتش‌بس» است که از زمان فروپاشی شوروی در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی / ۵ دی ۱۳۷۰ بر روابط ارمنستان و جمهوری آذربایجان حاکم بوده است.^۲ لذا توافقنامه نهایی و قطعی صلح می‌تواند نقطه پایانی بر یکی از طولانی‌ترین مناقشات قومی و سرزمینی در جهان معاصر باشد.

1. Trump Route for International Peace and Prosperity (TRIPP)

۲. هرچند اختلاف بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در دوره شوروی در جنگ اول قره‌باغ در ۲۰ فوریه ۱۹۸۸ میلادی / اول اسفند ۱۳۶۶ آغاز شده بود، اما دامنه و ابعاد این منازعه محدود و در داخل مرزهای سیاسی اتحاد جماهیر شوروی بود. فروپاشی شوروی و استقلال ارمنستان و جمهوری آذربایجان باعث شد منازعه قره‌باغ تبدیل به جنگی دولتی و فراگیر بین دو کشور شود و از ابعاد به مراتب گسترده تری برخوردار شود که آثار و نتایج آن پس از گذشت ۳۵ سال همچنان ادامه دارد.



تصویر شماره ۷: امضاء توافقنامه صلح بین رهبران ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجی‌گری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید، ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۳

مفاد توافق‌نامه ۱۷ ماده‌ای صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان

«توافق‌نامه ایجاد صلح و روابط بین دولتی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان»^۱ که توسط الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان با حضور در کاخ سفید و با میانجی‌گری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا توافق‌نامه صلحی را در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ به امضاء رسید، از یک مقدمه کوتاه و ۱۷ ماده تشکیل شده است که با توجه به اهمیت آن به عنوان «نخستین توافق‌نامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان» در ۳۵ سال گذشته، ضرورت دارد به متن کامل آن در این بخش اشاره شود تا براساس آن بتوان نکات و ملاحظات مهم حقوقی آن را که زیر واژگان و جملات آن خط کشیده شده است، در بخش بعدی مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

1 . Agreement on Establishment of Peace and Inter-State Relations between the Republic of Armenia and the Republic of Azerbaijan

«توافق‌نامه ایجاد صلح و روابط بین دولتی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان»

«جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان (که از این پس «طرفین» نامیده می‌شوند)، با درک ضرورت فوری برقراری صلحی عادلانه، جامع و پایدار در منطقه، با تمایل به مشارکت در تحقق این هدف از طریق ایجاد روابط بین‌دولتی، با الهام از منشور سازمان ملل متحد، «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان کشورها بر اساس منشور سازمان ملل متحد» (۱۹۷۰)،^۱ «سند نهایی کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا» (۱۹۷۵)،^۲ و «اعلامیه آلماتی»^۳ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، و با هدف توسعه روابط بر پایه هنجارها و اصول مندرج در آنها، با ابراز اراده متقابل خود برای ایجاد روابط حسن همجواری میان یکدیگر؛

توافق کردند که بر پایه مفاد زیر، صلح و روابط بین‌دولتی میان خود برقرار کنند:

ماده ۱: با تأیید این‌که مرزهای میان جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی سابق، پس از فروپاشی، به مرزهای بین‌المللی کشورهای مستقل تبدیل شده و به رسمیت شناخته شده است، طرفین حاکمیت، تمامیت ارضی، مصونیت مرزهای بین‌المللی و استقلال سیاسی یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند و رعایت خواهند کرد.

ماده ۲: در انطباق کامل با ماده اول، طرفین تأیید می‌کنند که هیچ‌گونه ادعای ارضی نسبت به یکدیگر ندارند و در آینده نیز چنین ادعاهایی مطرح نخواهند کرد. طرفین هیچ اقدامی، از جمله برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، تشویق یا حمایت از اقداماتی که هدفشان تجزیه یا آسیب‌رساندن به تمامیت ارضی یا وحدت سیاسی طرف دیگر است، انجام نخواهند داد.

ماده ۳: طرفین در روابط دوجانبه خود از توسل به زور یا تهدید به استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یکدیگر یا هر اقدامی مغایر با منشور سازمان ملل خودداری خواهند کرد. همچنین

1 . The Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations (1970)

2 . The Final Act of the Helsinki Conference on Security and Co-operation in Europe (1975)

3 . The Almaty Declaration



اجازه نخواهند داد که هیچ کشور ثالثی از قلمرو آن‌ها برای اقدام مسلحانه علیه طرف دیگر، برخلاف منشور سازمان ملل، استفاده کند.

ماده ۴: طرفین از مداخله در امور داخلی یکدیگر خودداری خواهند کرد.

ماده ۵: حداکثر ظرف _____ روز پس از تبادل اسناد تصویب این توافق‌نامه توسط هر دو طرف، روابط دیپلماتیک میان طرفین مطابق با کنوانسیون‌های وین در خصوص روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) و روابط کنسولی (۱۹۶۳) برقرار خواهد شد.

ماده ۶: در انطباق کامل با تعهدات خود طبق ماده اول این توافق‌نامه، طرفین مذاکرات کمیسیون‌های مرزی خود را با حسن نیت و بر اساس مقررات توافق‌شده این کمیسیون‌ها برای نهایی کردن توافق‌نامه تحدید و علامت‌گذاری مرزهای دولتی، انجام خواهند داد.

ماده ۷: طرفین هیچ نیروی نظامی کشور ثالثی را در امتداد مرز مشترک خود مستقر نخواهند کرد. تا زمان تکمیل فرایند تحدید و علامت‌گذاری مرز، طرفین اقدامات امنیتی و اعتمادساز متقابل، از جمله در حوزه نظامی، را برای تضمین امنیت و ثبات مناطق مرزی اجرا خواهند کرد.

ماده ۸: طرفین هرگونه عدم مدارا، نفرت‌نژادی و تبعیض، جدایی‌طلبی، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تروریسم را در تمام اشکال آن محکوم کرده و با آن مبارزه خواهند کرد و تعهدات بین‌المللی مربوطه خود را رعایت خواهند نمود.

ماده ۹: طرفین متعهد می‌شوند به موضوع افراد مفقود و ناپدیدشده اجباری که در جریان مناقشه مسلحانه میان آنها رخ داده است، رسیدگی کنند؛ از جمله با تبادل مستقیم یا از طریق همکاری با سازمان‌های بین‌المللی ذیربط، تمام اطلاعات موجود درباره این افراد را به اشتراک بگذارند. طرفین اهمیت تحقیق درباره سرنوشت این افراد، جست‌وجو و بازگرداندن اجساد در صورت لزوم و تضمین اجرای عدالت در مورد آن‌ها را به‌عنوان اقدامی برای آشتی و اعتمادسازی به رسمیت می‌شناسند. جزئیات اجرایی این موضوع در توافق‌نامه جداگانه‌ای مورد مذاکره و توافق قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۰: برای ایجاد همکاری در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصادی، ترانزیت و حمل و نقل، محیط

زیست، امور انسانی و فرهنگی، طرفین می‌توانند توافق‌نامه‌های جداگانه در زمینه‌های مورد علاقه مشترک امضا کنند.

ماده ۱۱: این توافق‌نامه خدشه‌ای به حقوق و تعهدات طرفین تحت حقوق بین‌الملل و معاهداتی که هر یک از آنها با سایر کشورهای عضو سازمان ملل امضا کرده‌اند، وارد نمی‌کند. هر طرف اطمینان خواهد داد که هیچ‌یک از تعهدات بین‌المللی فعلی‌اش با کشورهای ثالث، تعهدات ناشی از این توافق‌نامه را نقض نکند.

ماده ۱۲: طرفین در روابط دوجانبه خود تابع حقوق بین‌الملل و این توافق‌نامه خواهند بود. هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند به قوانین داخلی خود به‌عنوان توجیهی برای عدم اجرای این توافق‌نامه استناد کند. طرفین، بر اساس کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات (۱۹۶۹)، پیش از لازم‌الاجرا شدن این توافق‌نامه از انجام هرگونه اقدامی که هدف و مقصود توافق‌نامه را نقض کند، خودداری خواهند کرد.

ماده ۱۳: طرفین ضمانت اجرای کامل این توافق‌نامه را می‌دهند و یک کمیسیون دوجانبه برای نظارت بر اجرای آن تشکیل خواهند داد. این کمیسیون بر اساس چارچوب‌هایی که توسط طرفین توافق خواهد شد، فعالیت خواهد کرد.

ماده ۱۴: بدون خدشه به حقوق و تعهدات طرفین تحت حقوق بین‌الملل و سایر معاهدات الزام‌آور میان آنها، طرفین برای حل هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این توافق‌نامه، از طریق مشورت مستقیم، از جمله در چارچوب کمیسیون مذکور در ماده سیزدهم، تلاش خواهند کرد. اگر این مشورت‌ها ظرف شش ماه به نتیجه قابل قبول برای هر دو طرف نرسد، آن‌ها به سایر روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف متوسل خواهند شد.

ماده ۱۵: بدون خدشه به ماده چهاردهم، طرفین ظرف یک ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این توافق‌نامه، تمامی دعاوی، شکایات، اعتراضات، فرایندها و اختلافات حقوقی میان دولت‌هایشان که پیش از امضای توافق وجود داشته، در هر مرجع حقوقی خاتمه داده، مسترد یا به نحو دیگری حل و فصل خواهند کرد و هیچ ادعای جدیدی در این خصوص آغاز نخواهند نمود. طرفین همچنین هیچ اقدام خصمانه‌ای، اعم

از دیپلماتیک، رسانه‌ای یا در حوزه‌های دیگر، علیه یکدیگر انجام نداده و به‌طور منظم برای جلوگیری از چنین اقدامات، مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۶: این توافق‌نامه پس از تبادل اسناد مربوط به تکمیل مراحل داخلی طبق قوانین ملی هر یک از طرفین لازم‌الاجرا خواهد شد و بر اساس ماده ۱۰۲ منشور سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

ماده ۱۷: این توافق‌نامه به زبان‌های ارمنی، آذربایجانی و انگلیسی تنظیم شده و هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردارند. در صورت بروز اختلاف در تفسیر مفاد، متن انگلیسی ملاک خواهد بود.

نکات و ملاحظات حقوقی توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان

توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان از نظر حقوقی دارای نکات و ملاحظات مهمی است که به برخی از موارد مهم آن بدین شرح است:

۱- کاربرد واژه **Agreement** برای این توافق‌نامه به جای استفاده از واژگانی مانند **Treaty** یا **Pact** یکی از موارد مهمی است که نشان می‌دهد توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان هنوز یک پیمان صلح قطعی و نهایی نیست. اگرچه این توافق شامل مفادی برای پایان دادن به خصومت‌ها، احترام به تمامیت ارضی و لغو ادعاهای سرزمینی است، اما در واقع یک «نقشه راه»^۱ برای توافق نهایی دو کشور محسوب می‌شود. بنابراین، توافقنامه صلح بین ارمنستان و آذربایجان، در حقیقت یک «نیت‌نامه»^۲ است که از نظر حقوقی، سند تفاهم یا سرفصل‌های توافق نیز شناخته می‌شود و سندی مقدماتی است که تفاهم بین دو یا چند طرف را که قصد دارند یک توافق آینده را رسمی کنند، ترسیم می‌کند. بنابراین، جمهوری آذربایجان و ارمنستان با امضاء این موافقتنامه، تمایل خودشان را برای برقراری صلح اعلام می‌کنند. لذا این موافقتنامه برای تبدیل شدن به یک سند حقوقی الزام‌آور باید به تصویب نهایی دو کشور برسد که نیازمند حداقل تحقق دو پیش شرط مهم یعنی انحلال گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا و اصلاح قانون اساسی ارمنستان است که الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در یک سال اخیر بارها امضاء هرگونه موافقتنامه نهایی صلح با ارمنستان را مشروط و منوط

1 . Road Map

2 . Letter of Intent

به تحقق این دو پیش شرط کرده است.

۲- در متن توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان، هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان نشده است و طرح «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» موسوم به «پل ترامپ» و جزئیات آن در توافقنامه جداگانه دیگری صورت گرفته است که در بخش بعدی به آن اشاره خواهد شد.

۳- «سند نهایی کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا» (۱۹۷۵) که در مقدمه توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان به آن اشاره شده است، یکی از مهم‌ترین اسناد و پایه‌های کلیدی نظم امنیتی اروپا و آمریکای شمالی (دو سوی آتلانتیک) است. این سند شامل ۱۰ اصل کلیدی است: اصل ۱: احترام به حاکمیت برابر، حقوق ذاتی و استقلال؛ اصل ۲: عدم توسل به زور یا تهدید به آن؛ اصل ۳: عدم نقض مرزها (تعهد به عدم تغییر مرزها با قوه قهریه)؛ اصل ۴: تمامیت ارضی کشورها؛ اصل ۵: حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات (مذاکره، میانجی‌گری، داوری یا سایر روش‌های حقوقی)؛ اصل ۶: عدم مداخله در امور داخلی؛ اصل ۷: احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین؛ اصل ۸: برابری حقوق و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها؛ اصل ۹: همکاری بین کشورها؛ اصل ۱۰: پایبندی به تعهدات حقوق بین‌الملل. این اصول، که به «اصول ده‌گانه هلسینکی»^۱ معروف‌اند، سنگ‌بنای ساختار امنیتی اروپا در دوران پس از جنگ سرد را شکل دادند. با توجه به اصول ده‌گانه اشاره به «سند نهایی کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا» (۱۹۷۵) در مقدمه توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، از این جهت صورت گرفته است که هر دو کشور از ابتدای فروپاشی شوروی و دست‌بابی به استقلال سیاسی، عضو «سازمان کنفرانس امنیت و همکاری اروپا»^۲ هستند که پس از سال ۱۹۹۵ به «سازمان امنیت و همکاری اروپا»^۳ تغییر نام داد. همچنین گروه مینسک سازمان امنیت همکاری اروپا به رهبری مشترک روسیه، فرانسه و آمریکا نیز در میانه جنگ اول قره‌باغ در سال ۱۹۹۲ میلادی تشکیل

۱ . Decalogue of Helsinki

۲ . Conference on Security and Co-operation in Europe (CSCE)

۳ . Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE)

شد و به مدت سه دهه - تا مقطع جنگ دوم قره باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، نقش اصلی و محوری را در روند میانجی‌گری و تداوم آتش‌بس بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان برعهده داشت. هرچند گروه مینسک در پیشگیری از وقوع جنگ و دستیابی به صلح پایدار ناموفق بود. علاوه بر این سابقه تاریخی، «سند نهایی کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا» (۱۹۷۵) و «اصول ده‌گانه هلسینکی» می‌تواند یک پشتوانه حقوقی مناسب به ویژه برای ارمنستان ایجاد کند که پس از جنگ دوم قره‌باغ، همواره نگران حمله نظامی جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه به استان سیونیک برای تحقق کریدور زنگه‌زور بود. چنانچه الهام علی‌اف، در پنج سال اخیر بارها اشاره کرده بود که در صورت عدم موافقت و همکاری ارمنستان برای تحقق کریدور زنگه‌زور، به زور و قوه قهریه متوسل خواهد شد. لذا اگر جمهوری آذربایجان بخواهد متوسل به زور و قوه قهریه علیه ارمنستان شود، از نظر نقض اصول و تعهدات «سند نهایی کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا» (۱۹۷۵) و «اصول ده‌گانه هلسینکی»، در موقعیتی مشابه فدراسیون روسیه در جنگ اوکراین قرار خواهد گرفت. به ویژه این‌که مناقشه قره‌باغ کوهستانی به عنوان منطقه‌ای برون‌گاز و خارج از سرزمین و حاکمیت ارمنستان نیز پایان یافته است و هرگونه اقدام نظامی و به کارگیری قوه قهریه، حمله و تجاوز مستقیم به خاک، سرزمین و حاکمیت ارمنستان خواهد بود که می‌تواند مجازات‌های تنبیهی و تحریمی - مشابه روسیه - را برای جمهوری آذربایجان به دنبال داشته باشد. اهمیت این موضوع از این جهت برای ارمنستان حائز اهمیت است که این کشور پس از توافق نهایی صلح با جمهوری آذربایجان و نیز عادی‌سازی روابط با ترکیه، به احتمال بسیار فراوان اقدام به تخلیه پایگاه‌های نظامی روسی در ارمنستان و نیز خروج از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی خواهد نمود و در چنین شرایطی، نیازمند یک تضمین امنیتی و پشتوانه حقوقی از سوی نهادهای یوروآتلانتیکی مانند «سازمان امنیت و همکاری اروپا» و پیمان ناتو خواهد بود تا بتواند خلاء امنیتی و دفاعی را در نتیجه خروج از معاهدات دوجانبه و چندجانبه نظامی و دفاعی با روسیه و سازمان پیمان امنیت دسته جمعی برطرف نماید.

۴- «اعلامیه آلمانی» مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی که در مقدمه توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان به آن اشاره شده است، نیز بسیار مهم و کلیدی است. چند روز پیش از فروپاشی

شوروی در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی/ ۵ دی ۱۳۷۰، سران ۱۱ جمهوری شوروی شامل روسیه، اوکراین، بلاروس، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، مولداوی، ارمنستان و آذربایجان در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی در شهر آلماتی قزاقستان گرد هم آمدند و طی یک نشست، اعلامیه آلماتی را امضا کردند. این اعلامیه، عملاً پایان اتحاد شوروی و تشکیل «کشورهای مستقل مشترک المنافع» (سی. آی. اس.)^۱ را اعلام کرد. سه جمهوری بالتیک یعنی لیتوانی، لتونی و استونی، قبلاً از شوروی جدا شده بودند و لذا عضو جامعه سی. آی. اس. نشدند. یکی از نکات مهم و کلیدی در اعلامیه آلماتی، تأکید بر به رسمیت شناختن مرزهای موجود جمهوری‌ها به عنوان مرزهای بین‌المللی بود. به عبارت دیگر، مرزهایی که هر جمهوری در زمان عضویت در اتحاد شوروی داشت، در قالب مرزهای بین‌المللی جدید برای کشورهای تازه‌استقلال‌یافته به رسمیت شناخته شد. اما در مورد ارمنستان و جمهوری آذربایجان، شعله‌ور شدن آتش جنگ اول قره‌باغ (۱۹۸۸-۱۹۹۴) و تداوم وضعیت «جنگ» و «آتش بس» به مدت ۳۵ سال باعث شد دو کشور نتوانند بر مبنای اعلامیه آلماتی، اقدام به تعیین حدود مرزها، علامت‌گذاری و میله‌گذاری در مرزهای مشترک و همچنین منطقه نخجوان شوند. در حالی که پس از فروپاشی شوروی، مرزهای مشترک ارمنستان با ایران و گرجستان و نیز مرزهای جمهوری آذربایجان با روسیه، گرجستان و ایران بر اساس اعلامیه آلماتی به عنوان مرزهای بین‌المللی رسمیت یافت. لذا با یک تاخیر ۳۰ ساله در مقایسه با سایر جمهوری‌های سابق شوروی، ارمنستان و جمهوری آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی/ ۱۳۹۹ وارد مرحله مذاکرات مرزی شدند و در دیدار سه جانبه ولادیمیر پوتین، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در سوچی روسیه که در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱ میلادی / ۶ آذر ۱۴۰۰ برگزار شد، با تشکیل کمیسیونی برای تعیین حدود مرزی ارمنستان و جمهوری آذربایجان با کمک روسیه موافقت شد. طی چهار سال گذشته، علی‌رغم همه چالش‌ها و مشکلات از جمله وقوع جنگ سوم قره‌باغ، درگیری‌ها و تنش‌های مرزی و به ویژه ابهاماتی که در مورد نقشه نقاط مرزی وجود داشت، برگزاری جلسات کمیسیون مشترک مرزی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان ادامه یافت. لذا اشاره به «اعلامیه آلماتی» مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی که در مقدمه توافقنامه صلح

بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان به آن اشاره شده است، از این جهت که مرزهای دو جمهوری در زمان شوروی را به عنوان مرزهای بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد، بسیار شایان توجه و حائز اهمیت است. به همین دلیل در ماده ۱ موافقتنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان به صراحت اشاره شده است که «مرزهای میان جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی سابق، پس از فروپاشی، به مرزهای بین‌المللی کشورهای مستقل تبدیل شده و به رسمیت شناخته شده است». این امر یک پشتوانه حقوقی مناسبی برای کمیسیون مرزی مشترک و روند تعیین حدود مرزها، علامت‌گذاری و میله‌گذاری در مرزهای مشترک ایجاد می‌کند و در ماده ۶ توافق نامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان نیز اشاره شده است که «دو کشور کمیسیون‌های مرزی خود را با حسن نیت و بر اساس مقررات توافق‌شده این کمیسیون‌ها برای نهایی کردن توافق‌نامه تحدید و علامت‌گذاری مرزهای دولتی، انجام خواهند داد». از سویی دیگر اشاره به اعلامیه آلماتی و پذیرش مرزهای دوره شوروی، از نظر شناسایی متقابل تمامیت ارضی نیز بسیار مهم است که می‌تواند مبنای امضاء «پیمان منع متقابل تجاوز» و در نهایت توافقنامه نهایی صلح شود. لذا «اعلامیه آلماتی» و «سند نهایی کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا» (۱۹۷۵) برای ارمنستان که طی پنج سال گذشته همواره نگران حمله نظامی جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه به استان سیونیک برای تحقق کریدور زنگه‌زور بود، می‌تواند یک پشتوانه حقوقی مناسب را برای حفظ تمامیت ارضی این کشور پس از امضاء توافقنامه نهایی صلح فراهم نماید.

۵- ماده ۲ توافق نامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان که اشاره دارد «طرفین تأیید می‌کنند که هیچ‌گونه ادعای ارضی نسبت به یکدیگر ندارند و در آینده نیز چنین ادعاهایی مطرح نخواهند کرد. طرفین هیچ اقدامی، از جمله برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، تشویق یا حمایت از اقداماتی که هدفشان تجزیه یا آسیب‌رساندن به تمامیت ارضی یا وحدت سیاسی طرف دیگر است، انجام نخواهند داد»، از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. این ماده از یک سو ناظر به یکی از مطالبات و پیش شرط‌های الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان برای اصلاح مقدمه قانون اساسی ارمنستان است که در آن به اتحاد ارمنستان و آرتساخ (نام ارمنی قره‌باغ) اشاره شده است؛ موضوعی که از دیدگاه جمهوری آذربایجان نوعی ادعای سرزمینی و تاریخی از سوی ارمنستان محسوب می‌شود. از سویی دیگر، ماده ۲ توافق نامه صلح از

دیدگاه ارمنستان می‌تواند پایانی بر طرح موضوعاتی مانند اطلاق زنگه‌زور غربی یا آذربایجان غربی به استان سیونیک، یگپارچگی تاریخی و سرزمینی زنگه‌زور شرقی (مناطق پیرامونی قره‌باغ) و زنگه‌زور غربی و همچنین بازگشت آذربایجانی‌ها به آذربایجان غربی (استان سیونیک) باشد که طی سال‌های اخیر در سطح گسترده‌ای از سوی مقامات و رسانه‌های جمهوری آذربایجان مطرح شده است. باید منتظر ماند و در عمل مشاهده نمود که پس از امضاء توافق نامه صلح بین دو کشور و به موازات تلاش دولت ارمنستان برای اصلاح قانون اساسی، چنین مواضع و رویکردهایی تا چه میزان در مقامات و رسانه‌های جمهوری آذربایجان فروکش خواهد کرد.

۶- اشاره ماده ۷ توافق نامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان به این موضوع که «طرفین هیچ نیروی نظامی کشور ثالثی را در امتداد مرز مشترک خود مستقر نخواهند کرد»، از دو جهت حائز اهمیت است. نخست، رسمیت بخشیدن به خروج کامل نیروهای مرزبانی روسی در مرزهای مشترک ارمنستان است. این امر برای ارمنستان از نظر استقلال عمل بیشتر از روسیه، تخلیه پایگاه‌های نظامی روسیه و خروج ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی بسیار مهم است و برای جمهوری آذربایجان نیز این اطمینان را ایجاد می‌کند که دیگر هیچ نیروی نظامی روسی در مرزهای مشترک این کشور با ارمنستان وجود نخواهد داشت. بر این اساس، ماده ۷ توافق نامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان، روندی را که در یک سال اخیر در رابطه با خروج نیروهای مرزبانی روسی آغاز شده است را رسمیت می‌بخشد و تسریع می‌کند. براساس توافقات ارمنستان و روسیه در سال‌های اخیر، بخش مهمی از نیروهای مرزبانی روسی از پست مرزی در استان‌های مجاور ارمنستان با جمهوری آذربایجان یعنی تاووش، گغارکونیک، وایتس جور و سیونیک خارج شده‌اند. ضمن این‌که نیروهای مرزبانی روسی، فرودگاه بین‌المللی زوآرتنوتس ایروان و مرز مشترک ارمنستان با ایران (گذرگاه مرزی آگارا در جنوب استان سیونیک) و نیز مرز مشترک ارمنستان با ترکیه (گذرگاه مرزی مارگارا در غرب استان آرمایر) را نیز ترک کرده‌اند. اما نکته و ملاحظه دوم، نقش ماده ۷ توافق نامه صلح در رسمیت بخشیدن به خروج ناظران اتحادیه اروپا در مرز مشترک ارمنستان با جمهوری آذربایجان است که در سال‌های اخیر باکو به شدت با آن مخالف بوده است و استقرار این نیروها را باعث ایجاد تنش در منطقه و همچنین



فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی علیه جمهوری آذربایجان می‌دانست. لذا پیامد مهم ماده ۷ توافق نامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان مبنی بر این که «طرفین هیچ نیروی نظامی کشور ثالثی را در امتداد مرز مشترک خود مستقر نخواهند کرد»، این تحول مهم خواهد بود که در مرز مشترک دو کشور در سمت شرقی و همچنین نخجوان در سمت غرب، تنها نیروهای نظامی و مرزبانی ارمنی و آذری مستقر خواهند شد. ضمن این که ماده ۷ به نوعی تضمینی است که نیروهای مرزبانی روسی در آینده نیز به این مرزها برنگردند؛ اقدامی که نقض ماده ۷ توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواهد بود.

۷- در ماده ۹ توافق نامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان آمده است که «طرفین متعهد می‌شوند به موضوع افراد مفقود و ناپدید شده اجباری که در جریان مناقشه مسلحانه میان آنها رخ داده است، رسیدگی کنند». اکثریت افراد مفقود و ناپدید شده اجباری از دو طرف ارمنی و آذری مربوط به جنگ اول قره‌باغ (۱۹۸۸-۱۹۹۴) است که با تلفات انسانی بسیار بالایی همراه بود. بر اساس گزارش‌های رسمی، تا مارس ۲۰۲۵ میلادی تعداد ۳۹۸۳ نفر از جمهوری آذربایجان به عنوان مفقود ثبت شده‌اند که شامل ۳۲۰۹ نفر نظامی و ۷۷۴ نفر غیرنظامی می‌شود. از این تعداد، ۳۹۷۷ نفر در جنگ اول قره‌باغ (۱۹۹۱-۱۹۹۴) و ۶ نفر در جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) ناپدید و مفقود شده‌اند. از میان مفقودین، ۳۶۹۸ نفر مرد و ۲۸۵ نفر زن هستند. همچنین، ۱۷۰۲ نفر از جمله ۴۱۹ نفر نظامی، به عنوان آزاد شده از اسارت و گروگان‌ها ثبت شده‌اند. پس از جنگ دوم قره‌باغ، جمهوری آذربایجان از فوریه ۲۰۲۱ میلادی عملیات گسترده‌ای را برای جست‌وجو، تفحص و شناسایی اجساد در مناطق پیرامونی قره‌باغ آغاز کرده است. در این راستا، بقایای ۶۸۸ نفر از مفقودین کشف شده است که از این تعداد، هویت ۱۶۵ نفر شناسایی و به خانواده‌هایشان تحویل داده شده است. این بقایا در ۲۳ گور دسته‌جمعی در مناطق مختلفی مانند خوجاوند، فیضولی، آغدام و شوشا (شوشی) یافت شده‌اند.^۱ کمیسیون ارمنی مسئول امور اسرا، بازداشت‌شدگان و مفقودین نیز اعلام کرده است که ۹۹۳ نفر از شهروندان ارمنی و قره‌باغ در حال حاضر مفقود شمرده می‌شوند که مربوط به جنگ اول قره‌باغ (۱۹۸۸-۱۹۹۴)، جنگ دوم قره‌باغ

1. Yaver Kazimbeyli, "Nearly 4,000 Azerbaijanis Missing Due to Armenia's Military Aggression", Caspian News, March 11, 2025.

(۲۰۲۰) و درگیری‌های بعدی هستند.^۱ با توجه به چنین آمار و ارقامی از مفقودین از هر دو طرف آذری و ارمنی، در ۷ فوریه ۲۰۲۵ میلادی، نشست کمیسیون رسیدگی به مسائل اسرا و مفقودین دو کشور برگزار شد که در آن طرفین به تبادل نظر در خصوص روشن شدن سرنوشت مفقودین پرداخته و توافق کردند که این مذاکرات به صورت مستمر ادامه یابد. لذا اشاره و تاکید ماده ۹ توافق‌نامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان در رابطه با «تبادل اطلاعات و تحقیق درباره سرنوشت افراد مفقود شده، جست‌وجو و بازگرداندن اجساد در صورت لزوم» انتظار می‌رود که روند همکاری‌های دو کشور در این زمینه به ویژه با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ شتاب بیشتری بگیرد که می‌تواند با تعیین تکلیف و روشن شدن سرنوشت مفقودین باعث کاهش درد و رنج روحی و روانی خانواده‌های مفقودین از هر دو طرف ارمنی و آذری شود.

۸- در متن توافق‌نامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان، هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع قره‌باغ کوهستانی نشده است و وضعیت بیش از ۱۲۰ هزار ارمنی که پس از جنگ سوم قره‌باغ مجبور به ترک اجباری این منطقه و پناهندگی در ارمنستان شده‌اند و همچنین وضعیت رهبران ارمنی سابق منطقه قره‌باغ از جمله آرکادی گوکاسیان، باکو ساهاکیان و آرائیک آروتیونیان که توسط ارتش و نیروهای امنیتی آذربایجان بازداشت و به اتهام تجزیه‌طلبی به زندان‌های باکو منتقل شده‌اند نیز مورد توجه قرار نگرفته است و همین امر یکی از انتقادات گروه‌های و احزاب سیاسی مخالف دولت نیکول پاشینیان در داخل ارمنستان است. دلیل عدم اشاره توافق‌نامه صلح به موارد یاد شده از جمله در ماده ۹ موافقتنامه (تعیین تکلیف مفقودین و سرنوشت افراد مفقود شده) این است که دولت نیکول پاشینیان در سال ۲۰۲۲ میلادی، قره‌باغ کوهستانی را به عنوان بخشی از حاکمیت جمهوری آذربایجان به رسمیت شناخت. تصمیمی که باعث نارضایتی و اعتراض‌های گسترده‌ای در میان بخش‌هایی از جامعه ارمنی شد که معتقد بودند ارمنستان نباید حق خود را در قره‌باغ واگذار کند. از سویی دیگر،^۲ از نظر باکو نیز مناقشه قره‌باغ کوهستانی با بازگشت این منطقه و مناطق پیرامونی آن به حاکمیت جمهوری آذربایجان و انحلال جمهوری قره‌باغ این مناقشه پایان یافته است و وضعیت کنونی قره‌باغ یک موضوع

1. "993 Armenians missing since 1990s, commission says", Panorama, January 27, 2024.

داخلی جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود. همچنین دولت آذربایجان، ارامنه قره‌باغ کوهستانی را شهروندان این کشور می‌داند و به همین دلیل محاکمه رهبران ارمنی سابق منطقه قره‌باغ از جمله آرکادی گوکاسیان، باکو ساهاکیان و آرائیک آروتیونیان را حق حاکمیتی خود و در در صلاحیت محاکم امنیتی و قضایی آذربایجان می‌داند. در همین راستا، دولت آذربایجان پس از جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی / شهریور ۱۴۰۲ اعلام کرد که به جز رهبران و مقامات جمهوری قره‌باغ، مشکلی با جمعیت ارمنی این منطقه ندارد و به عنوان شهروندان جمهوری آذربایجان، امنیت آن‌ها تضمین خواهد شد. با این وجود، به دلیل سه دهه تنش، جنگ و درگیری و عدم اعتمادی که در بین ارامنه قره‌باغ کوهستانی نسبت به دولت آذربایجان وجود داشت، بیش از ۱۲۰ هزار ارمنی پس از جنگ سوم قره‌باغ با فرار از این منطقه عبور از کریدور لاجین به ارمنستان پناهنده شدند. بنابراین، با چنین سابقه‌ای و چنین روندی از تحولات، توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان اساساً ورودی به موضوع قره‌باغ کوهستانی نداشته است.

توافقنامه «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» برای دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان

در حالی که در توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان هیچ گونه اشاره‌ای به موضوع دسترسی به منطقه نخجوان، ایجاد کریدور یا عبور و حمل و نقل بدون مانع نشده بود، در بندهای ۳ و ۴ اعلامیه مشترک ۷ ماده‌ای که توسط رئیس‌جمهور الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان پس از دیدار با دونالد ترامپ در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ منتشر شد، به این موضوع پرداخته شده است که متن آن بدین شرح است:

بند ۳ اعلامیه مشترک: ما بر اهمیت گشایش ارتباطات بین دو کشور برای حمل‌ونقل بین‌دولتی، دوجانبه و منطقه‌ای جهت ارتقای صلح، ثبات و رفاه در منطقه و همسایگی آن و همچنین احترام به حاکمیت و قوانین ملی تأکید کردیم. این تلاش‌ها شامل اتصال بدون مانع بین بخش اصلی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان از طریق قلمرو جمهوری ارمنستان و با مزایای متقابل برای ارتباطات بین‌المللی و داخلی جمهوری ارمنستان خواهد بود.

بند ۴ اعلامیه مشترک: جمهوری ارمنستان با همکاری ایالات متحده آمریکا و طرف‌های ثالث تعیین‌شده، چارچوبی برای پروژه «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» در قلمرو جمهوری ارمنستان تدوین خواهد کرد. ما عزم خود را برای پیشبرد این تلاش‌ها با حسن نیت و در سریع‌ترین زمان ممکن تأیید می‌کند.^۱

نکات و ملاحظات فنی و اجرایی «مسیر ترامپ» برای دسترسی آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان

هرچند جزئیات و اطلاعات زیادی از مفاد توافق جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای دسترسی به منطقه نخجوان منتشر نشده است، اما براساس مطالب منتشر شده، مصاحبه‌ها و اعلام مواضع رهبران دو کشور، برخی از مهم‌ترین نکات و ملاحظات فنی و اجرایی این مسیر ترانزیتی و ارتباطی که به «مسیر ترامپ» مشهور شده است، بدین شرح است:

۱- یک شرکت مشترک ارمنی-آمریکایی به ثبت خواهد رسید که از نظر حقوقی، اختیارات دو طرف یکسان خواهد بود و هرکدام از طرفین برای انتخاب طرف سوم، از حق وتو برای عدم پذیرش و رد همکاری و مشارکت برخوردار خواهند بود. این شرکت مشترک ارمنی-آمریکایی مسئولیت ساخت و بهره‌برداری از این مسیر تقریباً ۴۳ کیلومتری و نیز ساخت خط راه‌آهن، خطوط نفت و گاز، فیبر نوری و انتقال برق را در طول این مسیر برعهده خواهند گرفت. ضمن این‌که این مسیر همچنان تحت حاکمیت قوانین ارمنستان خواهد بود.

۲- یکی از چالش‌برانگیزترین و مبهم‌ترین موضوعات، اجاره طولانی مدت ۹۹ ساله بهره‌برداری، کنترل و نظارت از مسیر آذربایجان به نخجوان در خاک ارمنستان توسط مشارکت شرکت‌های آمریکایی است. برخی از منابع خبری، طرح اولیه این موضوع را منتسب به سفیر آمریکا در ترکیه می‌دانند. دونالد ترامپ نیز در مراسم امضاء توافقنامه صلح ارمنستان و آذربایجان اعلام کرد که «این کریدور به آذربایجان امکان دسترسی کامل به نخجوان را فراهم می‌کند و به عنوان یک پروژه مشترک میان سه

1 . Joint Declaration signed on meeting between President of Azerbaijan and Prime Minister of Armenia held in Washington, President of the Republic of Azerbaijan, August 9, 2025.

کشور با مدیریت شرکت‌های خصوصی آمریکایی تحت اجاره ۹۹ ساله در نظر گرفته شده است.^۱ با این وجود، اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت خارجه ایران در نشست خبری ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ - سه روز پس از امضاء توافقنامه صلح ارمنستان و آذربایجان - اعلام کرد «آن چیزی که برای ما مهم است تداوم روابط خوب بر اساس حسن همجواری با هر دو کشور و تأکید بر اینکه هر گونه راه‌گذاری بین کشورها باید با رعایت احترام به تمامیت سرزمینی و مرزهای بین‌المللی صورت بگیرد. ما انسداد مرزی با ارمنستان را نمی‌پذیریم و خیلی‌ها هم صحت ندارد و خبر اجاره ۹۹ ساله خبرسازی است».^۲ همچنین متعاقب سفر دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران به ارمنستان در ۲۹ مرداد ۱۴۰۴ نیز محسن پاک‌آیین، سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان در تحلیل و ارزیابی خود از این سفر اظهار داشت که «مرز ایران و ارمنستان بسته نخواهد شد، اجاره ۹۹ ساله پیشنهادی سفیر آمریکا در ترکیه عملی نخواهد شد و تنها بحث حضور شرکت‌های آمریکایی در این منطقه است که با توجه به قول داده شده، به مرز ایران نخواهند آمد، بلکه در عمق ارمنستان پروژه‌هایی را اجرا می‌کنند».^۳ آراارات میرزویان، وزیر خارجه ارمنستان نیز در بازگشت هیئت ارمنی از سفر آمریکا در ۶ شهریور ۱۴۰۴ اعلام کرد که «صحبت‌ها درباره امکان اجاره کریدور ترامپ به آمریکا که از خاک ارمنستان عبور خواهد کرد، فعلاً پایه و اساسی در واقعیت ندارد. بحث درباره اجاره ۹۹ ساله هنوز نهایی نشده است. تأکید می‌کنم که توافقاتی درباره آنچه نوشته و منتشر شده وجود دارد، اما جزئیات فنی و زمان‌بندی‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد. زمینی که زیرساخت‌های مورد استفاده جمهوری آذربایجان از آن عبور خواهد کرد، متعلق به ارمنستان خواهد بود و این کشور بر کریدور مذکور نظارت خواهد کرد تا امنیت آن تضمین شود. ارمنستان و آمریکا یک شریک ثالث برای اجرای ساخت‌وساز و مدیریت اقتصادی پروژه انتخاب خواهند کرد».^۴ بنابراین، به نظر می‌رسد تا زمانی که سندی رسمی، قطعی و مکتوب در این زمینه منتشر نشود، نمی‌توان

۱ . "Trump will meet Friday with leaders of Armenia and Azerbaijan to sign US-brokered peace deal", Associated Press, August 8, 2025.

۲ . «پاسخ سخنگوی وزارت خارجه به ماجرای اجاره ۹۹ ساله کریدور زنگزور»، اقتصاد آنلاین، ۲۰ مرداد ۱۴۰۴.

۳ . «دولت ارمنستان قول‌های خوبی به پزشک‌یان داد/ اجاره ۹۹ ساله گذرگاه زنگزور توسط شرکت آمریکایی متفی است»، تابناک، ۲۹ مرداد ۱۴۰۴.

۴ . «ارمنستان: اجاره ۹۹ ساله کریدور ترامپ به آمریکا قطعی نیست»، نورنیوز، ۶ شهریور ۱۴۰۴.

با اطمینان از صحت یا عدم صحت و اعتبار بحث واگذاری و اجاره ۹۹ ساله مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان توسط شرکت‌های آمریکایی اظهار نظر نمود.

۳- تعریف و اجرایی‌شدن عرض ۵ کیلومتری (چند برابر عرض معمول و متداول بزرگراه‌ها و کریدورهای ترانزیتی) برای این مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان از این جهت بسیار محتمل است که این مسیر تنها برای تردد شهروندان و یا ترانزیت نیست و قرار است پروژه‌های دیگری مانند خط راه‌آهن، خطوط نفت و گاز، فیبر نوری و خطوط انتقال برق نیز در طول این مسیر اجرایی شود. به احتمال بسیار زیاد، مسیر ریلی زودتر از مسیر جاده‌ای آماده بهره برداری خواهد شد که البته ساخت و بهره برداری از مسیر ریلی نیز حداقل دو سال زمان خواهد برد. ضمن این‌که این مسیر صرفاً یک مسیر محدود به تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و نخجوان (مشابه دوران شوروی) نخواهد بود و بلکه به عنوان بخشی از «کریدور میانی» در روند تجارت و ترانزیت، انتقال دیتا و فیبر نوری و خطوط انتقال انرژی بین چین، آسیای مرکزی و دریای خزر با ترکیه و اروپا تعریف شده است. طبیعی است که چنین حجم بالایی از طرح‌های ترانزیتی و انتقال انرژی، به لحاظ اجرایی و فنی - مهندسی در عرض کم امکان پذیر نخواهد بود.

۴- این مسیر کوتاه تقریباً ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان با منطقه خودمختار نخجوان که از استان سیونیک ارمنستان عبور می‌کند، قابل مقایسه با عبور سایر مسیرها و کریدورهای ترانزیتی در منطقه مانند کریدور شمال- جنوب، کریدور خلیج فارس- دریای سیاه و طرح یک کمربند- یک راه چین نیست، چرا که قرار است از مسیری ساخته و بهره‌برداری شود که از دیدگاه بسیاری از ارامنه «دالان ترک» است و از دیدگاه بسیاری از افراد در جمهوری آذربایجان، منطقه نخجوان و نیز ترکیه، عبور از «خاک دشمن» است. به همین دلیل، حدود دو هفته قبل از توافق صلح ارمنستان و آذربایجان در آمریکا، الهام علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان اعلام کرد که شهروندان آذربایجانی در «کریدور زنگه‌زور» نباید چهره مرزبانان ارمنی را ببینند. از سویی دیگر، ارمنستان نیز همواره با کنترل امنیتی و نظارتی این مسیر از سوی آذری‌ها مخالف بود. در واقع، به واسطه ۳۵ سال تنش، اختلاف و جنگ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، امنیت تردد در این مسیر به هیچ عنوان قابل مقایسه با امنیت و آرامش

مسیر ۳۵ ساله تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان با عبور از مسیر ایران (از پایانه مرزی بيله سوار در شمال اردبیل با عبور از آذربایجان شرقی به نخجوان) و نیز وضعیت سایر کریدورهای ترانزیتی مانند کریدور شمال-جنوب، کریدور خلیج فارس- دریای سیاه و طرح یک کمربند- یک راه چین نخواهد بود و به همین دلیل، در فرایند طراحی و اجرای این مسیر ۴۳ کیلومتری، احتمالاً تدابیر امنیتی و حفاظتی ویژه‌ای پیش‌بینی خواهد شد.

۵- با عنایت به نگرانی‌های بسیار جدی امنیتی که به آن اشاره شد، این احتمال وجود دارد که از نظر فنی و مهندسی، با هدف جلوگیری از تداخل یا تقابل شهروندان ارمنی و آذری، این مسیر ۴۳ کیلومتری در تقاطع با جاده‌ها و مسیرعبوری در استان سیونیک ارمنستان به صورت روگذر طراحی و اجرا شود و یا این‌که برای جلوگیری از هرگونه حمله تروریستی یا خرابکاری احتمالی، بزرگراه مورد نظر با دیواره‌های بلند بتنی از دو طرف محصور شود. همچنین با متفی شدن کنترل حمل و نقل توسط نیروهای سرویس مرزی FSB روسیه (طبق بند نهم موافقتنامه آتش بس قره باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی)، یک شرکت مشترک ارمنی- آمریکایی مسئولیت امنیت عبور و تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و نخجوان و نیز کنترل گذرنامه‌های بیومتریک، اظهارنامه آنالین، اسکن محموله‌ها و دریافت حق ترانزیت را طبق قوانین و مقررات ارمنستان را در دو سوی مسیرهای ورودی و خروجی برعهده خواهند گرفت.

۶- متعاقب امضاء توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان، در ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ اولین نشست اجرایی و فنی مربوط به احداث مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان با حضور هیئتی از آمریکا در باکو برگزار شد. همچنین تیمی از سرویس گمرک و حفاظت مرزی ایالات متحده در ۸ مهر وارد ایروان شد و با مرزبانان ارمنستان برای ارزیابی ظرفیت‌ها و شناسایی حوزه‌های نیازمند بهبود همکاری خواهد کرد. همچنین طبق اعلام آارات میرزویان، وزیر خارجه ارمنستان، یک «کنسرسیوم ارمنی- آمریکایی» شکل خواهد گرفت که سازنده و اپراتور اصلی راه‌آهن پروژه «مسیر ترامپ» در جنوب استان سیونیک ارمنستان خواهد بود. همین شرکت، طرف‌های ثالثی را که قرار است در محل کار کرده و خدمات ارائه دهند، تعیین خواهد کرد. وزیر خارجه ارمنستان با استناد به نظر کارشناسان گفت که ساخت راه‌آهن

حداقل دو سال زمان خواهد برد، اما تأکید کرد که ایروان علاقه‌مند است این ارتباطات در سریع‌ترین زمان ممکن برقرار شود.

۷- حدود دو ماه بعد از توافق صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان در آمریکا، «انجمن کارتوگراف‌های آذربایجان» اقدام به تهیه و انتشار نقشه دقیق از «دالان زنگه‌زور» یا همان «مسیر ترامپ» بر پایه تصاویر ماهواره‌ای و با کیفیت بسیار بالا نمود. این نقشه به دو زبان آذربایجانی و انگلیسی تهیه شده است و ظرفیت‌های زیرساختی و لجستیکی این مسیر را به صورت بصری نمایش می‌دهد. هرچند موقعیت جغرافیایی این مسیر مشابه نقشه‌هایی است که طی پنج سال اخیر و پس از جنگ دوم قره‌باغ از سوی جمهوری آذربایجان در رابطه با کریدور زنگه‌زور منتشر شده است. هنوز روشن نیست که این نقشه جدید با هماهنگی طرف‌های ارمنی و آمریکایی منتشر شده است و همین نقشه ملاک و مبنای طراحی و اجرای مسیر دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان خواهد بود یا نقشه دیگری در آینده ملاک عمل قرار خواهد گرفت.



نقشه شماره ۱۷: جدیدترین نقشه مسیر «کریدور زنگه‌زور» یا «مسیر ترامپ» که از سوی «انجمن کارتوگراف‌های آذربایجان» منتشر شده است.

سه پیش شرط نهایی شدن توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان

چنانچه در بخش‌های قبلی اشاره شد، کاربرد واژه Agreement برای این توافق‌نامه به جای استفاده از واژگانی مانند Treaty یا Pact یکی از موارد مهمی است که نشان می‌دهد توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان هنوز یک پیمان صلح قطعی و نهایی نیست و تحقق آن نیازمند اجرایی شدن پیش شرط‌هایی است که کار آسانی نیست و هر یک از آن‌ها با انتقادات، مخالفت‌ها و اعتراضات زیادی در داخل ارمنستان در سال‌های اخیر همراه بوده است. برخی از مهم‌ترین پیش شرط‌های امضاء پیمان نهایی و قطع صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان بدین شرح است:

۱- تعیین حدود مرزهای مشترک ارمنستان و جمهوری آذربایجان [در دست اقدام]

مرز مشترک بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان به‌طور رسمی حدود ۷۶۵ کیلومتر طول دارد. این مرز از دو بخش اصلی تشکیل شده است: یکی در غرب، که مرز میان ارمنستان و منطقه خودمختار نخجوان را در بر می‌گیرد، و دیگری در شرق، که مرز میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان را شامل می‌شود. چنانچه در بخش‌های قبلی اشاره شد، شعله‌ور شدن آتش جنگ اول قره‌باغ (۱۹۸۸-۱۹۹۴) و تداوم وضعیت «جنگ» و «آتش بس» به مدت ۳۵ سال باعث شد دو کشور نتوانند برخلاف سایر جمهوری‌های سابق شوروی بر مبنای اعلامیه آلماتی، اقدام به تعیین حدود مرزها، علامت‌گذاری و میله‌گذاری در مرزهای مشترک و همچنین منطقه نخجوان شوند. به طور مشخص، برخی از مناطق پیرامونی غرب قره‌باغ مانند زنگیلان، لاجین، قُبادلی و کَلَبِیجر در مجاورت مرز با ارمنستان به مدت ۳۰ سال در تصرف نیروهای ارمنی بود و لذا عملاً امکان تعیین حدود مرزها بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان وجود نداشت. جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ که به بازگشت مناطق پیرامونی منطقه قره‌باغ کوهستانی به حاکمیت جمهوری آذربایجان منجر شد، این روند را به کلی تغییر داد و دو کشور این امکان را پیدا کردند که برای نخستین بار پس از فروپاشی شوروی، وارد فرایند تعیین حدود مرزی شوند.

هرچند این روند کار آسانی نبود و مشکلات متعددی در فرایند اجرایی و فنی تعیین حدود مرزها

وجود داشت که همچنان پابرجاست. توپوگرافی سخت کوهستانی و ناهموار مناطق مرزی و وجود دره‌ها، قله‌ها و ارتفاعات مختلف، وجود مناطق «درون‌بوم»^۱ در قازاخ، کلبیجر و لاجین (مناطق که باکو آن را متعلق به جمهوری آذربایجان می‌داند اما کاملاً در آن سوی مرز با ارمنستان واقع شده‌اند)، نقشه‌های دوران شوروی و اسناد مرزی موجود که قدیمی، ناقص یا بعضاً متناقض هستند، عبور مرزها از میان اراضی کشاورزی، مراتع و منابع طبیعی که باعث بروز اختلافات و مشکلاتی مانند تعیین مالکیت چشمه‌ها، رودخانه‌ها و منابع آب شده است، وجود ساخت‌وسازها و تأسیسات انسانی در روستاها و جاده‌ها در نزدیکی یا داخل مناطق مرزی که باعث محدودیت در تغییر خطوط مرزی و ایجاد چالش‌های عملیاتی شده است و در نهایت تغییرات طبیعی و زیست محیطی مانند رانش زمین، تغییر مسیر رودخانه‌ها و فرسایش خاک که در برخی از مناطق مرزی روی داده است، از جمله چالش‌ها و مشکلات مهم تعیین حدود مرزها، علامت‌گذاری و میله‌گذاری در مرز مشترک ارمنستان به شمار می‌رود.

با این وجود، در دیدار سه جانبه و مهم ولادیمیر پوتین، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در سوچی روسیه که در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱ میلادی / ۶ آذر ۱۴۰۰ برگزار شد، برای نخستین بار با تشکیل کمیسیونی برای تعیین حدود مرزی ارمنستان و جمهوری آذربایجان با کمک روسیه و همچنین رفع انسداد کریدورهای حمل و نقل در منطقه موافقت شد. در چنین شرایطی، جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی / شهریور ۱۴۰۲ که باعث شد «خان‌کندی» (به تعبیر ارامنه استپاناکرت)، مرکز منطقه قره‌باغ کوهستانی و نیز مناطقی مانند خوجالی، خوجاوند، آغدره و عسگران به تصرف جمهوری آذربایجان در بیاید، مذاکرات صلح بین باکو و ایروان و به ویژه مذاکرات مرزی وارد مرحله جدیدتر و متفاوت‌تری شد. در تحویلی مهم در ۱۵ می ۲۰۲۴ میلادی / ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ نهمین نشست کمیسیون تحدید حدود و امنیت مرزهای دولتی بین جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان و کمیسیون دولتی

۱. مناطق محصور که به دو صورت برون بوم (exclave) و درون بوم (enclave) در مناطق مختلف جهان وجود دارند، یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های ایجاد تنش در آسیای مرکزی هستند. اساساً برون بوم به یک منطقه‌ای جدا از مرز یک کشور گفته می‌شود که ارتباط سرزمینی با خاک اصلی آن کشور ندارد. به طور مثال جمهوری خودمختار نخجوان متعلق به کشور آذربایجان است ولی بین سه کشور ایران ترکیه و ارمنستان محصور است و ارتباط سرزمینی با خاک آذربایجان ندارد. و درون بوم‌ها سرزمین یا بخشی از یک سرزمین است که کاملاً در داخل خاک کشور دیگری قرار دارد.

تعیین حدود مرزهای دولتی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان به ریاست مهر گریگوریان معاون نخست وزیر جمهوری ارمنستان و شاهین مصطفی اف، معاون نخست وزیر جمهوری آذربایجان برگزار شد. در این نشست، مختصات خط مرزی بین شهرک های باغانیس (جمهوری ارمنستان)، باغانیس آیروم (جمهوری آذربایجان)، ووسکپار (جمهوری ارمنستان)، آشاغی اسکپارا (جمهوری آذربایجان)، کیرانتس (جمهوری ارمنستان)، خیریملی (جمهوری آذربایجان) و برکابر (جمهوری ارمنستان)، قیزیلحاجیلی (جمهوری آذربایجان) «به منظور تطبیق آنها با مرز بین جمهوری های معتبر قانونی که در زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت، مشخص شد.

متعاقب این توافقات، در ۲۴ می ۲۰۲۴ میلادی، ارمنستان و آذربایجان موفق شدند حدود ۱۲/۷ کیلومتر از مرز مشترک خود را در منطقه قازاخ تعیین حدود کنند. در این راستا، چهار روستای آذربایجان شامل باغانیس آیریم، خیریملی، قیزیل حاجیلی و آشاغی اسکپارا در شرق استان تاووش - شمال شرقی ارمنستان - به جمهوری آذربایجان واگذار شد. باکو معتقد است این روستاها بدین ترتیب، در جنگ اول قره باغ به تصرف نیروهای ارمنی درآمده بودند: باغانیس آیریم در ۲۳ تا ۲۴ مارس ۱۹۹۰، خیریملی در ۸ مارس ۱۹۹۲، قیزیل حاجیلی در ۱۱ می ۱۹۹۲ و آشاغی اسکپارا در ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲ میلادی. علاوه بر این، در ۲۸ دسامبر سال ۲۰۲۴ میلادی نیز وزارت امور خارجه آذربایجان اعلام کرد که حدود ۱۳ کیلومتر از مرز میان دو کشور به طور رسمی تعیین و مشخص شده است. در همین راستا، روند تعیین مرزهای مشترک در دیدار الهام علی اف و نیکول پاشینیان در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی / ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ در ابوظبی مجدداً مورد تأکید قرار گرفت و دو طرف از کمیسیون های مرزی خواستند تا به کار عملی در این زمینه ادامه دهند. در ادامه این روند، اشاره به «اعلامیه آلماتی» مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی، توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجی گری دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ به امضاء رسید، از این جهت که مرزهای دو جمهوری در زمان شوروی را به عنوان مرزهای بین المللی به رسمیت می شناسد، یک گام بسیار مهم در فرایند تعیین حدود مرزی بین دو کشور محسوب می شود. لذا انتظار می رود که روند همکاری های آذربایجان و ارمنستان برای تعیین حدود مرزها، علامت گذاری و میله گذاری در مرزهای مشترک و

همچنین منطقه نخجوان، پس از امضاء توافق‌نامه صلح از شتاب بیشتری برخوردار شود.

با این وجود، روند تعیین حدود مرزها در سال‌های اخیر با حساسیت‌ها، اعتراضات و انتقادات زیادی نیز از سوی احزاب و جریان‌های سیاسی محافظه‌کار، ملی‌گرا و مخالف دولت نیکول پاشینیان همراه بوده است که این روند را به موازات شکست و واگذاری قره‌باغ کوهستانی و مناطق پیرامونی آن در جنگ‌های دوم و سوم قره‌باغ، ادامه عقب‌نشینی و تسلیم دولت ارمنستان در مقابل درخواست‌ها و فشارهای دولت آذربایجان ارزیابی می‌کنند. چند ماه پس از پایان جنگ دوم قره‌باغ، با شروع مذاکرات رسمی درباره تعیین مرزهای ارمنستان و آذربایجان و گزارش‌هایی که درباره احتمال واگذاری چند روستا در منطقه قازاخ منتشر شد، معترضان ارمنی در ژوئیه ۲۰۲۱ میلادی در ایروان تجمعاتی برگزار کردند و به خیابان‌ها آمدند.

و با شعارهایی مانند «مرزهای ما خط قرمز هستند» و «سرزمین‌مان را نمی‌دهیم»، اعتراض خود را به دولت ارمنستان نشان دادند.

شدیدترین مورد اعتراضات در آوریل ۲۰۲۴ میلادی و زمانی شکل گرفت که چهار روستای آذربایجان شامل باگانیس آیرم، آشاگی آسپیکارا، خیریم‌لی و گیزیل حاجیلی در شرق استان تاووش-شمال شرقی ارمنستان- به جمهوری آذربایجان واگذار شد. بازدید میدانی و جلسه نیکول پاشینیان با اهالی این مناطق روستایی با نارضایتی و تنش همراه بود. همچنین در اعتراض به این واگذاری در ۲۴ آوریل ۲۰۲۴ میلادی، جنبشی اعتراضی به نام «تاووش برای میهن»^۱ در ارمنستان شکل گرفت. این تظاهرات و اعتراضات منجر به بسته شدن موقت بزرگراه‌های ملی و منطقه‌ای مانند بزرگراه ایروان-مقري، بزرگراه ایروان-گیومری، باغانیس-ووسکپار و بزرگراه سراسری که ارمنستان به گرجستان شد. در ۲۶ آوریل ۲۰۲۴ نیز معترضان به مسدودکردن خیابان‌ها در ایروان و بزرگراه‌های اصلی خارج از شهر ادامه دادند تا با امتیازات ارضی که توسط دولت نیکول پاشینیان به عنوان آغاز مرز ارمنستان با آذربایجان نشان داده شده بود، مخالفت کنند. گروه مخالف پارلمانی اتحاد ارمنستان خواستار رای عدم اعتماد به پاشینیان شد. اما به دلیل این‌که اکثریت پارلمان در اختیار نمایندگان حزب حاکم «پیمان مدنی»

(پیمان شهروندی) به رهبری نیکول پاشینیان بودند، طرح عدم اعتماد به نخست وزیر ارمنستان به جایی نرسید. دامنه این اعتراضات تا مدت‌ها به رهبری اسقف باگرات گالستانیان (اسقف استان تاووش) ادامه داشت اما در نهایت با بازداشت ده‌ها نفر از معترضان و نیز عدم انسجام و هماهنگی کافی در بین معترضان، این جنبش اعتراضی نتوانست مانع از تعیین حدود مرزهای ارمنستان با جمهوری آذربایجان از جمله واگذاری چهار روستا در مرزهای مشترک این منطقه به جمهوری آذربایجان شود.

بنابراین، ظرفیت اعتراض و مخالفت در ارمنستان با روند تعیین حدود مرزی با جمهوری آذربایجان وجود دارد. به ویژه این‌که انتخابات بسیار حساس و مهم پارلمانی ارمنستان نیز قرار است در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ برگزار شود و در چنین فضایی، بسیار محتمل است که روند تعیین حدود مرزهای ارمنستان با جمهوری آذربایجان به یکی از مسائل پرچالش بین مخالفان و دولت نیکول پاشینیان تبدیل شود. احزاب و جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای مخالف و همچنین بخشی از مردم ارمنستان احساس می‌کنند که دولت اطلاعات کافی درباره جزئیات توافقات مرزی را در اختیار عموم نمی‌گذارد و مردم در این فرآیند مشارکت ندارند و لذا یکی از اعتراضات مهم آن‌ها نبود شفافیت در روند مذاکرات و تصمیم‌گیری‌ها است. موضوعی که دولت پاشینیان همواره آن را رد کرده است.

در چنین شرایطی، تکمیل روند فنی و اجرایی حدود مرزها، علامت‌گذاری و میله‌گذاری در مرزهای مشترک ارمنستان با جمهوری آذربایجان، نخستین گام و پیش شرط مهم امضاء، تصویب و رسمیت‌یافتن هرگونه توافقی از جمله «شناسایی متقابل تمامیت ارضی»، «پیمان عدم تجاوز»، «معاهده نهایی صلح» و نیز اجرایی‌شدن «مسیر دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از استان سیونیک ارمنستان» (مسیر ترامپ) است و لذا بدون مشخص‌شدن مرزها و تثبیت آن نمی‌توان انتظار داشت گام‌های بعدی از سوی جمهوری آذربایجان و ارمنستان برداشته شود.

۲- انحلال گروه مینسک سازمان امنیت همکاری اروپا در مناقشه قره‌باغ کوهستانی [محقق شده]

گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا (به رهبری مشترک روسیه، فرانسه و آمریکا) که در سال ۱۹۹۲ میلادی برای حل و فصل مناقشه قره‌باغ کوهستانی و عبور از وضعیت جنگ به آتش بس و سپس موافقتنامه صلح تشکیل شد. با این وجود، طی ۳۵ سال فعالیت و علی‌رغم ارائه طرح

های مختلف صلح و برگزاری جلسات و مذاکرات متعدد با رهبران مختلف ارمنستان و جمهوری آذربایجان، نتوانست مناقشه قره‌باغ را به صورت صلح آمیز حل و فصل کند. ضمن این‌که جمهوری آذربایجان از همان ابتدا با ترکیب گروه مینسک به رهبری روسیه، فرانسه و آمریکا مخالف بود و به این دلیل که هر سه کشور مسیحی و میزبان بزرگ‌ترین جمعیت دیاسپورا (مهاجرین) ارمنی در جهان بودند- روسیه با حدود ۲ میلیون ارمنی، آمریکا با حدود یک و نیم میلیون ارمنی و فرانسه با حدود پانصد هزار ارمنی- و همچنین روسیه با دراختیار داشتن دو پایگاه نظامی در ارمنستان، متحد نزدیک و راهبردی این کشور محسوب می‌شد، جمهوری آذربایجان ساختار و ترکیب رهبری گروه مینسک را نامتوازن و به نفع ارمنستان می‌دانست و خواستار ورود ترکیه به این ترکیب بود که هیچ‌گاه این درخواست مورد پذیرش قرار نگرفت.

به هر ترتیب، متعاقب شکست سیاسی و نظامی ارامنه در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی و نیز شکست نظامی و تصرف کامل قره‌باغ کوهستانی در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی و خروج اجباری و پناهندگی بیش از ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر از ارامنه قره‌باغ به ارمنستان، الهام علی‌اف با این استدلال که مناقشه قره‌باغ پایان یافته است، بارها خواستار انحلال گروه مینسک شد. در حالی که مخالفان دولت در ارمنستان، پذیرش انحلال گروه مینسک را به معنی مشروعیت‌بخشیدن به پایان موضوع قره‌باغ به ویژه منتفی شدن حق بازگشت بیش از ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر از ارامنه قره‌باغ می‌دانند که پس از تصرف کامل قره‌باغ کوهستانی در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی، مجبور به خروج و ترک اجباری این منطقه شدند. با این وجود، دولت نیکول پاشینیان که از سال ۲۰۲۰ میلادی قره‌باغ کوهستانی را به عنوان بخشی از حاکمیت جمهوری آذربایجان به رسمیت شناخته بود، در فرایند مذاکرات صلح دو کشور با درخواست انحلال گروه مینسک موافقت کرد و این موضوع در دیدارهای مختلف رهبران و مقامات آذربایجان و ارمنستان مورد تایید قرار گرفت.

لذا با چنین پیشینه‌ای، در جریان امضاء توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجی‌گری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۳، وزرای خارجه دو کشور نامه‌ای مشترک به رئیس‌دوره‌ای سازمان امنیت و همکاری اروپا ارسال کردند و در



آن خواستار خاتمه روند مینسک و ساختارهای مرتبط با آن شدند. طبق این نامه، فعالیت‌های «روند مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا»، نماینده و رئیس دوره‌ای گروه مینسک در مناقشه قره‌باغ و گروه برنامه‌ریزی آن باید از ۱ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی متوقف شوند. بر همین اساس، در بند ۲ اعلامیه مشترک ۷ ماده‌ای که توسط رئیس‌جمهور الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان پس از دیدار با دونالد ترامپ در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ منتشر شد، به این موضوع پرداخته شده است که متن آن بدین شرح است:

بند ۲ اعلامیه مشترک: شاهد امضای درخواست مشترک وزیران امور خارجه جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان به سازمان امنیت و همکاری اروپا درخصوص خاتمه روند گروه مینسک و ساختارهای مرتبط با آن بودیم. ما از همه کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌خواهیم این تصمیم را بپذیرند.^۱

به استناد نامه مشترک وزرای خارجه آذربایجان و ارمنستان، شورای وزرای سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز در تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی با تصویب مصوبه‌ای «روند مینسک» و نهادهای مرتبط آن را رسماً منحل کرد و اعلام شد که کلیه تصمیمات قبلی مرتبط با مناقشه قره‌باغ در چارچوب سازمان امنیت و همکاری اروپا فاقد اعتبار و قابل اجرا نیستند. بدین ترتیب، پس از ۳۳ سال، گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در رابطه با مناقشه قره‌باغ کوهستانی بدون دستیابی به هیچ موفقیتی، رسماً منحل شد و بدین ترتیب یکی از پیش شرط‌های امضاء توافق نهایی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان محقق شد. رسانه‌های باکو نیز با تیتراژ «یک پیروزی دیگر» این رویداد را جشن گرفتند، اما احزاب سیاسی مخالف و اپوزیسیون دولت ارمنستان، موافقت با درخواست باکو برای انحلال گروه مینسک را یک «عقب‌نشینی در ازای هیچ» دانستند و با اعلام این که انحلال گروه مینسک به معنی مشروعیت‌بخشیدن به پایان موضوع قره‌باغ در سطح بین‌المللی به ویژه منتفی شدن حق بازگشت بیش از ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر از ارامنه قره‌باغ منجر خواهد شد، رویکرد دولت نیکول

1 . Joint Declaration signed on meeting between President of Azerbaijan and Prime Minister of Armenia held in Washington, President of the Republic of Azerbaijan, August 9, 2025.

پاشینیان را مورد اعتراض و انتقاد شدید قرار دادند.

۳- اصلاح قانون اساسی ارمنستان و حذف بند اتحاد با قره‌باغ کوهستانی [هنوز اجرایی نشده است]

پیش شرط مهم دیگری که طی یک سال اخیر بارها الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان آن را درخواست کرده است و در فضای سیاسی و رسانه‌ای ارمنستان نیز بسیار بحث برانگیز شده است، اصلاح قانون اساسی ارمنستان و حذف ارجاع به «اعلامیه استقلال ارمنستان»^۱ است که در آن بدین صورت به اتحاد ارمنستان و قره‌باغ (به تعبیر ارامنه آرتساخ) اشاره شده است:

«بر اساس تصمیم مشترک ۱ دسامبر ۱۹۸۹ شورای عالی جمهوری سوسیالیستی ارمنستان شوروی و شورای ملی آرتساخ مبنی بر اتحاد جمهوری سوسیالیستی ارمنستان و منطقه قره‌باغ کوهستانی»^۲.

در واقع، عبارت «اتحاد جمهوری سوسیالیستی ارمنستان و منطقه قره‌باغ کوهستانی» مستقیماً در مقدمه قانون اساسی ارمنستان نیامده است و در مقدمه «اعلامیه استقلال ارمنستان» آمده است. با این وجود، دولت آذربایجان خواستار حذف ارجاع به این بخش در مقدمه قانون اساسی ارمنستان است. از دیدگاه الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، وجود چنین ارجاعی در قانون اساسی ارمنستان به ادعای تاریخی و حقوقی بر قره‌باغ کوهستانی اشاره دارد و نقض تمامیت ارضی این کشور است. لذا الهام علی‌اف بارها بر این نکته تأکید داشته است که تا زمان حذف این بخش از قانون اساسی ارمنستان، پیمان نهایی صلح با این کشور ممکن نخواهد بود.

دولت ارمنستان با این درخواست موافقت کرد. در این راستا، نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، ابتدا تلاش کرد بدون برگزاری referendum، با استناد به رأی دادگاه قانون اساسی این کشور به آذربایجان نشان دهد که فقط متن فعلی قانون اساسی ارمنستان معتبر است و اعلامیه استقلال ارمنستان که پیش از تصویب قانون اساسی کنونی صادر شده، فاقد اعتبار حقوقی در برابر قانون اساسی است. با این وجود، تلاش نیکول پاشینیان برای متقاعد کردن آذربایجان از طریق رأی دادگاه قانون اساسی ارمنستان به

1 . Declaration on the Independence of Armenia

2 . Reunification of the Armenian SSR and the Mountainous Region of Karabakh

نتیجه نرسید و الهام علی‌اف همچنان بر حذف ارجاع به «اعلامیه استقلال ارمنستان» و «اتحاد ارمنستان و قره‌باغ» اصرار ورزید.

لذا با منتفی شدن استناد به رأی دادگاه قانون اساسی ارمنستان، قرار است کمیسیون اصلاح قانون اساسی، متن جدید را تهیه کند تا به فراندوم گذشته شود. این تصمیم با انتقادات و اعتراضات فراوانی در ارمنستان مواجه شده است و اپوزیسیون پارلمانی ارمنستان بر این باور است که نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر این کشور، با ابراز تمایل به حذف ارجاع به «اعلامیه استقلال» از متن قانون اساسی جدید، در حال تسلیم شدن در برابر فشارهای جمهوری آذربایجان است. از آنجا که انتخابات بسیار حساس و مهم پارلمانی ارمنستان که در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ برگزار می‌شود و در سرنوشت سیاسی نیکول پاشینیان بسیار تعیین کننده است، زمان برگزاری فراندوم قانون اساسی جدید ارمنستان بسیار مهم است و لذا این احتمال می‌رود که این فراندوم بعد از انتخابات سال ۲۰۲۶ میلادی / خرداد ۱۴۰۵ برگزار شود. در واقع، نیکول پاشینیان به خوبی از این نکته آگاه است که برگزاری فراندوم اصلاحات قانون اساسی قبل از انتخابات سال ۲۰۲۶ میلادی / خرداد ۱۴۰۵ از نظر سیاسی با ریسک بالایی همراه خواهد بود و در صورت رای منفی مردم ارمنستان، احتمال شکست حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان در انتخابات سال ۲۰۲۶ میلادی / خرداد ۱۴۰۵ بسیار افزایش خواهد یافت. اما اگر حزب حاکم «پیمان شهروندی» در این انتخابات به پیروزی برسد که به معنی تداوم گفتمان صلح و عادی‌سازی روابط ارمنستان با جمهوری آذربایجان و ترکیه خواهد بود، این احتمال می‌رود که به پشتوانه سیاسی و اجتماعی که پیروزی در انتخابات پارلمانی برای حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان ایجاد خواهد شد، فراندوم اصلاحات قانون اساسی نیز با رای مثبت مواجه شود. ضمن این‌که اگر فراندوم اصلاحات قانون اساسی با رای منفی مواجه شود نیز دولت پاشینیان می‌تواند در قدرت باقی بماند.

مواضع مقامات مختلف دولت ارمنستان نیز گویای آن است که فراندوم اصلاح قانون اساسی احتمالاً در سال ۲۰۲۷ میلادی برگزار خواهد شد. در این راستا، وزیر دادگستری ارمنستان، گریگور میناسیان اعلام کرده است که «کمیسیون اصلاح قانون اساسی قرار است تا پایان سال ۲۰۲۶ سند نهایی

را آماده کند و پس از انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۲۶، رفتار دوم برگزار شود. رفتار دوم قانون اساسی طبق توافق جدید در سال ۲۰۲۷ برنامه‌ریزی شده است». لذا تا زمان تحقق این پیش شرط مهم که از یک سو در فضای سیاسی ارمنستان بسیار بحث‌برانگیز نیز شده است، و از سویی دیگر الهام‌علی‌اف بلافاصله پس از امضاء توافقنامه صلح با ارمنستان در آمریکا مجدداً روی آن تاکید کرد، نمی‌توان انتظار توافقنامه نهایی صلح بین دو کشور را داشت.

بنابراین از سه پیش شرط اصلی انعقاد توافقنامه نهایی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان تاکنون^۱ انحلال گروه مینسک محقق شده است، تحدید حدود مرزهای دو کشور در دست انجام است و اصلاح قانون اساسی ارمنستان احتمالاً دو سال دیگر در سال ۲۰۲۷ میلادی انجام خواهد شد؛ البته مشروط به این‌که حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان بتواند در انتخابات سال ۲۰۲۶ میلادی/ خرداد ۱۴۰۵ به پیروزی برسد. چرا که در صورت پیروزی احزاب مخالف و جریان‌های سیاسی محافظه‌کار و ملی‌گرای ارمنی که به شدت با توافق نامه صلح و عادی‌سازی روابط ارمنستان با جمهوری آذربایجان و ترکیه مخالف هستند، اساساً برگزاری رفتار دوم اصلاحات قانون اساسی و نیز توافقنامه صلح متغی خواهد شد.

اما در شرایط کنونی و با فرض تداوم روند فعلی در مناسبات ارمنستان و جمهوری آذربایجان، نکته بسیار مهم توقف یا ادامه طرح موضوعات تاریخی و سرزمینی مانند «کریدور زنگه‌زور»، اطلاق «زنگه‌زور غربی» یا «آذربایجان غربی» به استان سیونیک ارمنستان و «بازگشت آذری‌های اخراج‌شده از ارمنستان به آذربایجان غربی» (استان سیونیک ارمنستان) از سوی رهبران، مقامات و رسانه‌های جمهوری آذربایجان است که می‌تواند فضای کنونی و تعاملی در روابط ارمنستان و جمهوری آذربایجان به ویژه پس از توافقنامه اخیر صلح را حفظ و تقویت کند و یا این‌که اثر و نتیجه‌ای معکوس به دنبال داشته باشد و فضای سیاسی ارمنستان را به نفع مخالفان و به ضرر دولت نیکول پاشینیان ملتهب کند و باعث شکست حزب حاکم «پیمان شهروندی» در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۶ میلادی/ خرداد ۱۴۰۵ شود و تمامی فرایندهای مربوط به رفتار دوم اصلاحات قانون اساسی و نیز توافقنامه صلح با جمهوری

آذربایجان را از اساس منتفی کند.

انتقادات و گلایه‌های نیکول پاشینیان از برخی اظهارات الهام علی‌اف پس از امضاء توافقنامه صلح در آمریکا به روشنی گویای این واقعیت است که نخست‌وزیر ارمنستان به شدت نگران تاثیر منفی کاربرد برخی وازگان و تعبیرات چالش برانگیز از سوی رئیس جمهور آذربایجان است. الهام علی‌اف در اجلاس سازمان همکاری شانگهای که در ۱۱ شهریور ۱۴۰۴ در پکن برگزار شد، اظهار داشت: «من اطمینان دارم که کریدور زنگه‌زور به زودی به بخش مهم دیگری از کریدور میانی و همچنین کریدور شمال-جنوب تبدیل خواهد شد که به تحکیم صلح و همکاری چندجانبه کمک کرده و به نفع کشورهای دور و نزدیک در شرق، غرب، شمال و جنوب آذربایجان خواهد بود.»^۱ نیکول پاشینیان، در سخنرانی خود در این اجلاس با واکنش به این اظهارات الهام علی‌اف، اعلام کرد: «واژگان مورد استفاده توسط رئیس‌جمهور آذربایجان از سوی ما در چارچوب منطقی که در واشنگتن بر سر آن توافق کردیم، قابل درک نیست».^۲

پاشینیان در سخنرانی خود در هشتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک نیز به انتقاد از سخنان و مواضع رئیس‌جمهور آذربایجان پرداخت و اظهار داشت: «برای مراقبت و حفاظت از صلح برقرار شده، بسیار مهم است که هنگام صحبت در مورد این پروژه، از روایتی حامی صلح، مشروعیت و مورد توافق استفاده شود. رئیس‌جمهور آذربایجان، که ما به همراه او اعلامیه واشنگتن را تصویب کردیم، از آن زمان تاکنون چندین بار، از جمله از همین تریبون، از اصطلاح «کریدور زنگه‌زور» استفاده کرده است. چنین عبارتی در اسناد مورد توافق در واشنگتن وجود ندارد و هرگز در مذاکرات یا اسناد ارمنستان و آذربایجان وجود نداشته است. فکر می‌کنم منطقی است که همتای آذربایجانی من، منظور خود را از استفاده از این عبارت روشن کند، زیرا در واقعیت ارمنستان، این امر به عنوان یک ادعای ارضی تلقی می‌شود و با روایت درگیری مرتبط است. همچنین رئیس‌جمهور آذربایجان در تریبون‌های مختلف درباره ادعای تسلیم ارمنستان صحبت می‌کند. راستش را

۱. «اولین تنش لفظی پاشینیان و علی‌اف پس از توافق واشنگتن»، خبرگزاری تسنیم، ۱۱ شهریور ۱۴۰۴.

۲. همان.

بخواید، نمی‌فهمم با وجود چنین محتوای مثبت عظیمی که از طریق تلاش‌های مشترک و سنگین به دست آمده، چرا باید به مضامین تهاجمی که با واقعیت عینی مرتبط نیستند، پرداخته شود؟ آیا صلح به اندازه کافی شادی و رضایت به همراه ندارد؟ برای مثال، برای من که دارد^۱. چنین انتقادات و گلایه‌مندی‌هایی، آن هم به فاصله کوتاهی پس از امضاء توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری به روشنی گویای این واقعیت است که دستیابی به توافقنامه نهایی صلح بین دو کشور چه مسیر دشوار و پرچالشی را در پیش‌رو دارد.

رویکردها و اقدامات احتمالی جمهوری آذربایجان پس از نهایی‌شدن توافقنامه صلح با ارمنستان

اجرائی و عملیاتی شدن دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان متعاقب توافقنامه صلح، منوط و مشروط به پیروزی حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان در پارلمان ارمنستان در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ و تداوم گفتمان کنونی در ارمنستان خواهد بود. حال این پرسش مطرح می‌شود که رویکردها و اقدامات احتمالی و گام‌های بعدی جمهوری آذربایجان چه خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش، در صورتی که پیش‌فرض‌های یاد شده محقق شود که فرایند بسیار دشوار و پرچالشی است، می‌توان مهم‌ترین رویکردها و اقدامات احتمالی جمهوری آذربایجان را موارد زیر دانست:

۱- لغو خودمختاری جمهوری نخجوان: تقویت تمرکز سیاسی و یکپارچگی سرزمینی جمهوری آذربایجان

چنانچه در ابتدای این پژوهش اشاره شد، «جمهوری خودمختار نخجوان» نخستین بار در دوره حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی به صورت رسمی در ۲۰ بهمن ۱۳۰۲ برابر با ۹ فوریه ۱۹۲۴ تأسیس گردید. پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان نیز این منطقه به عنوان «جمهوری خودمختار نخجوان» در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۷۴ برابر با ۱۲ نوامبر ۱۹۹۵ میلادی بر اساس رای صادره

۱. «اعتراض پاشینیان به استفاده مقامات جمهوری آذربایجان از اصطلاح «کریدور زنگه‌زور»: این عبارت را از کجا آورده‌اید؟ کجا در مورد آن خوانده‌اید؟»، انتخاب، ۸ مهر ۱۴۰۴.

مجلس ملی آذربایجان و همچنین رفراندوم عمومی مورد تایید و تصویب قرار گرفت. ماده ۱۳۴ قانون اساسی جمهوری آذربایجان، به وضعیت «جمهوری خودمختار نخجوان» اختصاص دارد.^۱ نهاد اصلی تصمیم گیری در جمهوری خودمختار نخجوان، «مجلس عالی» است که دارای ۴۵ نماینده می باشد و رئیس مجلس عالی بر اساس قوانین آذربایجان بالاترین مقام رسمی در جمهوری خودمختار نخجوان محسوب می گردد. امور اجرایی نیز بر عهده «نخست وزیر» (رئیس هیات دولت) و امور قضایی بر عهده «دادگاه جمهوری خودمختار نخجوان» قرار دارد؛ اما در تصمیمات مهم و سیاسی؛ به ویژه مسائل سیاست خارجی و دفاعی تابع سیاست های دولت جمهوری آذربایجان در باکو می باشد.^۲ نقشه زیر گویای موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی و اداری داخلی جمهوری خودمختار نخجوان است.



نقشه شماره ۱۸: موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی و اداری داخلی جمهوری خودمختار نخجوان

۱. در بند اول ماده ۱۳۴ آمده است: «جمهوری خودمختار نخجوان یک جمهوری خودمختار درون جمهوری آذربایجان است». در بنده سوم این ماده اشاره شده است که «جمهوری خودمختار نخجوان جزئی جدایی ناپذیر از جمهوری آذربایجان خواهد بود» و در ادامه ماده ۱۳۴ مقرر شده است که «قانون اساسی، قوانین، فرمان های رئیس جمهور و مصوبات هیئت دولت آذربایجان در قلمرو نخجوان الزامی هستند».

۲. ساختار سیاسی و مدیریتی جمهوری خودمختار نخجوان، سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در نخجوان، وب سایت رسمی وزارت امور خارجه.

اما پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی که با پیروزی سیاسی و نظامی جمهوری آذربایجان به پایان رسید و در بند ۹ موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ به دسترسی بدون مانع این کشور به منطقه نخجوان اشاره شد و نیز طرح موضوع «کریدور زنگه‌زور» از سوی الهام علی‌اف، تغییرات سیاسی و مدیریتی قابل توجهی در جمهوری خودمختار صورت گرفت که توجه ناظران را به خود جلب کرد. استعفاء و برکناری «واصف طالبوف» که در یک دوره بسیار طولانی یعنی از ۱۹۹۳ تا ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲ میلادی، ریاست مجلس عالی جمهوری خودمختار نخجوان را برعهده داشت و نیز انتخاب «فتواد نجفلی» به عنوان نماینده ویژه و تام‌الاختیار رئیس جمهور آذربایجان در نخجوان، از جمله تحولات مهمی بود که به این فرضیه قوت بخشید که متعاقب تغییر و تحولاتی که پس از جنگ دوم قره‌باغ در منطقه روی داده است، دولت آذربایجان به تدریج به سمت لغو خودمختاری منطقه نخجوان حرکت خواهد کرد. هرچند مقامات جمهوری آذربایجان، این تغییر و تحولات را که همراه با بازداشت بسیاری از مقامات ارشد جمهوری خودمختار نخجوان به جرم فساد، رشوه خواری و اختلاس همراه بود، در راستای اصلاحات ساختاری و مبارزه با فساد ارزیابی می‌کردند، اما در مقابل بسیاری از صاحب‌نظران، این تحولات در منطقه نخجوان را مرتبط با شرایط جدید پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، تاکید بند نهم موافقتنامه آتش‌بس بر برقراری ارتباط مستقیم زمینی بین جمهوری آذربایجان و نخجوان و در نهایت مباحث مرتبط با کریدور زنگه‌زور می‌دانستند.

بنابراین با چنین پیش زمینه‌ای به ویژه انتخاب «نماینده ویژه و تام‌الاختیار رئیس جمهور آذربایجان در نخجوان»، این احتمال وجود دارد که متعاقب توافقنامه صلح بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان و نیز در صورتی که دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان اجرایی و عملیاتی شود، دولت آذربایجان با هدف تقویت تمرکز سیاسی و یکپارچگی سرزمینی این کشور به ویژه پس از جنگ سوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ میلادی / ۱۴۰۲ و پایان رسمی «جمهوری قره‌باغ»، با اصلاح قانون اساسی به وضعیت «خودمختاری جمهوری نخجوان» نیز پایان بدهد و با انحلال ساختارهای سیاسی این منطقه از جمله مجلس عالی نخجوان، نخست‌وزیر (رئیس هیات دولت) را منحل و این منطقه را نیز همانند سایر مناطق جمهوری آذربایجان، به صورت مستقیم

تحت نظر دولت مرکزی قرار دهد که این امر به معنی پایان بیش از ۱۰۰ سال وضعیت خودمختاری منطقه نخجوان خواهد بود.

۲- تقویت زیرساخت‌های «کریدور میانی» از مسیر نخجوان به موازات حفظ مسیرهای شمالی (گرجستان) و جنوبی (ایران)

پس از جنگ دوم قره‌باغ و اشاره بند ۹ موافقتنامه آتش بس برای دسترسی مستقیم و بدون مانع به منطقه نخجوان، دولت آذربایجان با تبلیغات گسترده رسانه‌ای، «کریدور زنگه‌زور» را فراتر از دسترسی به این منطقه برونگان و بخشی از «کریدور میانی» مطرح نمود که در مقایسه با مسیر کنونی این کریدور (مسیر جمهوری آذربایجان- گرجستان- ترکیه) موجب انتقال سریع‌تر و کم هزینه‌تر ترانزیت و تجارت از چین، آسیای مرکزی، دریای خزر به جمهوری آذربایجان، ترکیه و اروپا خواهد شد. پس از آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ میلادی و تحریم روسیه که موجب تقویت شایان توجه ترانزیت و تجارت در کریدور میانی شد، حجم تبلیغات رسانه‌ای جمهوری آذربایجان برای تعریف و ضرورت کریدور زنگه‌زور به عنوان بخشی از کریدور میانی در تجارت بین چین و آسیای مرکزی با اروپا بسیار افزایش یافت. در این راستا، مراسم راه‌اندازی «پلتفرم هماهنگی ترانس-کاسپین برای حمل و نقل» در ۳ اکتبر ۲۰۲۴ میلادی با مشارکت اتحادیه اروپا، ترکمنستان، آذربایجان، ترکیه و کشورهای مسیر (قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، ...) همراه با بانک‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی برگزار شد. هدف این پلتفرم ایجاد هماهنگی در میان پروژه‌های زیرساختی «مسیر ترانس کاسپین» و تقویت اتصال اروپا به آسیای میانه اعلام شد. متعاقب آن، نشست کاری چهارجانبه «کاسپین - دریای سیاه» نیز بین ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و رومانی در ۱۰ فوریه ۲۰۲۵ میلادی برگزار شد که محور اصلی این نشست، بحث در مورد پیش‌نویس توافق بین‌دولتی برای راه‌اندازی و بهره‌برداری مسیر ترانزیتی بین کاسپین و دریای سیاه، گسترش حمل‌ونقل کالا و استفاده از فناوری دیجیتال در خدمات ترانزیت بود.



نقشه شماره ۱۹: مسیر «کریدور میانی» از چین و آسیای مرکزی به دریای خزر، قفقاز جنوبی، ترکیه و اروپا

لذا انتظار می‌رود در صورت اجرای شدن توافق اخیر در آمریکا برای دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان موسوم به «پل ترامپ»، دولت آذربایجان به موازات سرمایه‌گذاری قابل توجهی که در بازسازی قره‌باغ کوهستانی و مناطق پیرامونی آن نموده است، اقدام به تقویت زیرساخت‌های ارتباطی در هر دو بخش جاده‌ای و ریلی، خطوط انتقال نفت و گاز، شبکه انتقال برق، دیتا و فیبر نوری در مسیر باکو به جاده و مسیر ریلی جاده هورادیز- جبرائیل- زنگیلان- آغ‌بند نماید که با عبور از جنوب استان سیونیک ارمنستان در شهر مرزی مِقری به نخجوان و از آنجا به ترکیه خواهد رسید. با این وجود، به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان با آگاهی از ریسک‌های احتمالی از جمله سقوط دولت نیکول پاشینیان و به قدرت رسیدن مخالفان در ارمنستان، جانب احتیاط را ننگه خواهد داشت و حتی در صورت اجرایی شدن توافق ساخت مسیر یا پل ترامپ به سمت نخجوان، دست کم تا آینده‌ای نزدیک مسیرهای عبوری و ترانزیتی در جنوب (مسیر کنونی بیله سوار و کریدور ارس در ایران) و شمال (مسیر گرجستان) را حفظ خواهد نمود و همه بار ترانزیت و تجارت را به مسیر نخجوان منتقل نخواهد کرد.

۳- تسریع در روند اجرای پروژه کابل فیبر نوری ترانس خزر: انتقال ترافیک دیتا در مسیر شرقی- غربی

پروژه کابل فیبر نوری ترانس خزر، که ارتباط دیجیتال میان قزاقستان و جمهوری آذربایجان را از طریق بستر دریای خزر فراهم می‌کند، یکی از پروژه‌های مهم در راستای توسعه کریدور دیجیتال «راه ابریشم دیجیتال» بین اروپا و آسیا است. آغاز رسمی این پروژه ۵۰ میلیون دلاری در سپتامبر ۲۰۲۲ با امضای تفاهم‌نامه‌ای بین شرکت‌های آذرتلکام^۱ (آذربایجان) و قزاق تلکام^۲ (قزاقستان) صورت گرفت. طول مسیر کابل فیبرنوری از بستر دریای خزر حدود ۳۸۰ کیلومتر و تقریباً ۴۰۰ ترابیت در ثانیه، ظرفیت انتقال آن است. مرحله کابل‌گذاری زیر دریا از بندر آکتائو قزاقستان تا شهر سومگایت آذربایجان آغاز شده و عملیات نصب کابل در بستر دریای خزر در حال انجام است. پیش‌بینی می‌شود که ساخت و نصب کابل تا پایان سال ۲۰۲۶ به اتمام برسد که در این صورت، ترافیک دیتا در مسیر شرقی- غربی از قزاقستان و سایر کشورهای همسایه آسیای مرکزی را از طریق دریای خزر به آذربایجان متصل می‌شود و از آنجا ترافیک دیتا از طریق شبکه‌های ارتباطی به ترکیه و سپس اروپا منتقل می‌شود. لذا مسیر پروژه کابل فیبر نوری ترانس خزر کاملاً همسو با مسیر ترانزیتی و تجاری «کریدور میانی» است و چنانچه اعلام شده است در مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان موسوم به «پل ترامپ» قرار است شبکه انتقال فیبر نوری نیز عبور کند که در واقع امتداد پروژه کابل فیبر نوری ترانس خزر به سمت نخجوان و ترکیه است. بنابراین، با توجه به توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و فراهم شدن مقدمات دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان، روند اجرای پروژه کابل فیبر نوری ترانس خزر نیز شتاب بیشتری خواهد گرفت که باعث تقویت جایگاه جمهوری آذربایجان در حوزه ترافیک دیتا و شبکه اطلاعات و اینترنت خواهد شد و کشورهای آسیای مرکزی نیز می‌توانند از طریق مسیری کوتاه‌تر و با تاخیر کمتر^۳ به اینترنت جهانی و مراکز داده اروپایی دسترسی پیدا کنند. همچنان

1 . AzerTelecom

2 . Kazakhtelecom

3 . Latency

که مسیر ترانزیتی «کریدور میانی» رقیبی جدی برای «کریدور شمال- جنوب» به محوریت ایران و روسیه است، «پروژه کابل فیبر نوری ترانس خزر» در جهت شرقی- غربی نیز رقیبی جدیدی برای مسیر انتقال ترافیک دیتا در مسیر شمالی- جنوبی بین روسیه- قفقاز- ایران است.

۴- افزایش احتمال اجرایی‌شدن پروژه انتقال انرژی ترانس خزر: انتقال گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان به آذربایجان، ترکیه و اروپا

طرح «خط لوله ترانس خزر» که از آن تحت عنوان «خط لوله ماورای خزر» نیز یاد می‌شود و نخستین بار در سال ۱۹۹۶ از سوی ایالات متحده آمریکا مطرح شد؛ اساساً شامل دو مسیر نفتی و گازی است. مسیر نفتی قرار است نفت بندر آکائو قزاقستان را از بستر دریای خزر به باکو در جمهوری آذربایجان منتقل کند که از آنجا به خط لوله نفت باکو- تفلیس- جیهان متصل خواهد شد و بدین ترتیب نفت قزاقستان را به سواحل مدیترانه خواهد رساند. اما مسیر گازی که عمده مباحث ترانس خزر را در سه دهه گذشته به خود اختصاص داده است، قرار است گاز ترکمنستان را از بندر ترکمن‌باشی از طریق بستر دریای خزر به بندر باکو منتقل نموده و از آنجا به سه خط لوله گاز منطقه قفقاز جنوبی و ترکیه یعنی قفقاز جنوبی (باکو- تفلیس- ارزروم)، ترانس آناتولی (تاناپ) و لوله ترانس آدریاتیک (تاپ) متصل شود که در مجموع از آن به عنوان «کریدور جنوبی انتقال انرژی اروپا» یاد می‌شود. نقشه زیر گویای این دو مسیر پیش‌بینی شده برای طرح ترانس خزر است.



نقشه شماره ۲۰: مسیرهای نفتی و گازی طرح ترانس خزر از ترکمنستان و قزاقستان به جمهوری آذربایجان

در حالی که هزینه‌های سنگین مالی اجرای این طرح، خطرات ناشی از زلزله خیز بودن بستر دریای خزر، مشکلات و پیامدهای زیست محیطی، مخالفت‌های ایران و روسیه و همچنین اختلافات ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در آن مقطع در رابطه با منابع نفت و گاز دریای خزر باعث شده بود طرح ترانس خزر هرگز به مرحله اجرایی نرسد، آغاز بحران اوکراین با الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه در مارس ۲۰۱۴ میلادی و آغاز تنش در روابط روسیه و غرب باعث شد کوشش اتحادیه اروپا برای کاهش میزان وابستگی اروپا به گاز وارداتی از روسیه و پایان بخشیدن به سلطه و انحصار گازی شرکت گاز پرم در بازار گاز اروپا وارد مرحله جدیدی شود و در این راستا، منابع گازی آسیای مرکزی، خزر و جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از منابع مهم جایگزین (آلترناتیو) گاز روسیه مورد توجه اتحادیه اروپا قرار گیرد. این روند با آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ میلادی تشدید نیز شد و در ژوئیه ۲۰۲۲ میلادی، یک «توافقنامه مشارکت استراتژیک در بخش انرژی» بین جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا به امضاء رسید که هدف آن دو برابر کردن صادرات گاز به اروپا تا سال ۲۰۲۷ میلادی یعنی صادرات حداقل ۲۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال.

در این بین، وقوع جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، اشاره بند ۹ موافقتنامه آتش بس برای دسترسی مستقیم و بدون مانع به منطقه نخجوان، طرح موضوع «کریدور زنگه‌زور» از سوی جمهوری

آذربایجان به عنوان بخشی از «کریدور میانی» که پس از جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی از سوی مقامات و رسانه‌های جمهوری آذربایجان شدت نیز گرفت، موجب شد این موضوع مطرح شود که مسیر خطوط لوله طرح ترانس خزر که از ترکمنستان (گاز) و قزاقستان (نفت) با عبور از بستر دریای خزر به باکو می‌رسد، می‌تواند به جای گرجستان (چنانچه در نقشه بالا مشخص است) از مسیر کوتاه‌تر و کم هزینه‌تر یعنی مسیر نخجوان یا کریدور زنگه‌زور مد نظر دولت آذربایجان عبور کند و به ترکیه و سپس اروپا برسد. بنابراین، مجموعه این تحولات موجب شد طرح قدیمی انتقال انرژی ترانس خزر در چند سال اخیر مورد توجه بیشتری قرار بگیرد. در این راستا، در ۱۴ دسامبر ۲۰۲۲ میلادی، اجلاس سه‌جانبه آذربایجان، ترکیه و ترکمنستان در شهر آوازه برگزار شد که یکی از مهم‌ترین محورهای این نشست، موضوع انتقال انرژی از مسیر ترانس خزر بود. مقامات ترکمنستان نیز در سال‌های اخیر به صورت مکرر اعلام کرده‌اند که آماده‌اند با شرکای اروپایی در پروژه ترانس کاسپین همکاری کنند. در این راستا، در ۴ آوریل ۲۰۲۵ میلادی، نمایندگان ترکمنستان در نشست وزارتی «شورای مشورتی کریدور گاز جنوبی» در باکو شرکت کردند و در آن درباره گسترش زیرساخت‌های گازی و مسیرهای صادرات گاز از جمله در مسیر ترانس خزر، مذاکره شد.

لذا در شرایطی که دورنمای مشخصی برای پایان جنگ اوکراین دیده نمی‌شود و اروپا به شدت به دنبال کاهش وابستگی به گاز وارداتی از روسیه است، توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و دسترسی مستقیم به نخجوان که از آن به عنوان «پل ترامپ» یاد می‌شود، به موازات عملیات کابل‌گذاری فیبر نوری و انتقال ترافیک دیتا از بندر آکئائو قزاقستان به بندر باکو، احتمال اجرایی‌شدن پروژه انتقال انرژی ترانس خزر و عبور خطوط لوله آن به جای گرجستان از مسیر نخجوان به ترکیه و اروپا را بسیار افزایش یافته است. در این راستا، به فاصله بسیار کوتاهی پس از امضاء توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در آمریکا در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی، الهام علی‌اف در ۲۲ اوت ۲۰۲۵ میلادی در شهر ترکمن‌باشی با قربان‌قلی بردی‌محمداف، رئیس شورای خلق ترکمنستان دیدار و گفتگو کرد. مجموع این تحولات گویای آن است که به موازات اجرایی‌شدن عملیات فنی و اجرایی مسیر دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان، احتمال اجرایی‌شدن طرح قدیمی و ۳۰ ساله ترانس

خزر برای انتقال گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان به جمهوری آذربایجان، ترکیه و اروپا بسیار افزایش پیدا خواهد کرد که تحول ژئواکونومیکی بسیار مهمی در منطقه خواهد بود و پیامدهای بسیار مهمی از جمله کاهش بیشتر وابستگی اروپا به گاز وارداتی از روسیه و تضعیف بیشتر جایگاه ایران در مسیرهای انتقال انرژی به ترکیه و اروپا را به دنبال خواهد داشت.

۵- واگرایی و استقلال عمل بیشتر جمهوری آذربایجان از روسیه و نزدیکی بیشتر به ترکیه و جهان غرب

روابط جمهوری آذربایجان با روسیه از همان ابتدای فروپاشی شوروی به واسطه مناقشه قره‌باغ کوهستانی، حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی روسیه از ارمنستان و وجود دو پایگاه نظامی روسی در خاک ارمنستان، با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بود که در نتیجه آن آذربایجان همراه با گرجستان در سال ۱۹۹۹ میلادی از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی به رهبری روسیه خارج شد و هرچند همچنان عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع (سی. آی. اس.) باقی ماند، اما از عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا خودداری کرد. در این فرایند، جمهوری آذربایجان روابط نزدیک و راهبردی را با سه متحد استراتژیک خود یعنی ترکیه، اسرائیل و پاکستان هرچه بیشتر تقویت کرد. با این وجود، نفوذ بالای لابی و دیاسپورای ارمنی در اروپا و آمریکا، تصویب قانون ۹۰۷ حمایت از آزادی در کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۲ میلادی (ممنوعیت فروش و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی به جمهوری آذربایجان) و انتقادات غرب از وضعیت حقوق بشر، سرکوب آزادی‌های اساسی و اقتدارگرایی مانع از نزدیکی جمهوری آذربایجان به جهان غرب شد.

این وضعیت که تقریباً سه دهه بر سیاست خارجی آذربایجان حاکم بود، پس از به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در ارمنستان در ماه می ۲۰۱۸ میلادی، جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی و آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ میلادی به صورت قابل توجهی تغییر کرد. به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در ارمنستان باعث تنش و اختلاف بین این کشور با روسیه شد و همین امر روسیه را به آذربایجان بیشتر نزدیک ساخت و ولادیمیر پوتین در رویکردی که بسیاری از صاحب‌نظران آن را تنبیه و مجازات پاشینیان از سوی روسیه ارزیابی می‌کنند، در حمایت از ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ در

سال ۲۰۲۰ میلادی خودداری کرد که به شکست سیاسی و نظامی ارامنه و پیروزی جمهوری آذربایجان منجر شد. آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ میلادی و تحریم فراگیر روسیه از سوی جهان غرب موجب شد روسیه نیاز شدید به جمهوری آذربایجان و نیز ترکیه برای مسیرهای ترانزیتی و تجاری، مسائل مالی، بانکی و بیمه و نیز واردات محصولات کشاورزی و صنایع غذایی پیدا کند و لذا روسیه انعطاف‌های قابل ملاحظه‌ای در مقابل محور باکو-آنکارا در قفقاز جنوبی نشان داد. علاوه بر این، با آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین و تلاش اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی به گاز وارداتی از روسیه موجب شد جایگاه و نقش جمهوری آذربایجان در تامین انرژی اروپا به صورت قابل توجهی افزایش پیدا کند که یکی از نتایج مهم آن، امضاء توافقنامه مشارکت استراتژیک در بخش انرژی بین جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا در ژوئیه ۲۰۲۲ میلادی برای دو برابر کردن صادرات گاز به اروپا تا سال ۲۰۲۷ میلادی بود. در نتیجه این تحولات، آذربایجان به غرب بیشتر نزدیک شد و از شدت انتقادات حقوق بشری و وضعیت اقتدارگرایی و نقض دموکراسی در آذربایجان نیز کاسته شد.

از سویی دیگر، تعلیق بسیاری از همکاری‌های ارمنستان با سازمان پیمان امنیت دسته جمعی در اعتراض به عملکرد این سازمان و روسیه در جنگ دوم قره‌باغ، انفعال و عدم حمایت موثر نیروهای حافظ صلح روسی مستقر در کریدور لاجین برای دسترسی ارمنستان به قره‌باغ کوهستانی در زمان انسداد این مسیر از سوی جمهوری آذربایجان در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ و نیز در زمان تصرف قره باغ کوهستانی از سوی ارتش جمهوری آذربایجان در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی موجب شد به موازات تشدید تنش و اختلاف در روابط ارمنستان و روسیه، مناسبات باکو و مسکو بیشتر به یکدیگر نزدیک شود. نقطه اوج نزدیکی جمهوری آذربایجان و روسیه، سفر دو روزه ولادیمیر پوتین به باکو در ۱۸ و ۱۹ اوت ۲۰۲۴ میلادی شد که با استقبال گرم و بی‌سابقه الهام علی‌اف همراه شد و در این سفر پوتین رسماً و آشکارا از پروژه کریدور زنگه‌زور حمایت کرد که بازتاب و انتقادات بسیار زیادی را در ارمنستان و ایران به دنبال داشت.

با این وجود، این شرایط نیز پایدار نماند و وقوع حوادث مختلفی باعث شد روابط باکو و مسکو به سمت سردی و تنش حرکت کند. سقوط هواپیمای مسافربری جمهوری آذربایجان در ۲۵ دسامبر ۲۰۲۴

میلادی که از باکو به مقصد گروزنی (مرکز چچن) در پرواز بود و دولت آذربایجان آن را نتیجه اصابت موشک‌های روسی می‌دانست،^۱ عملیات گسترده نیروهای امنیتی روسیه در شهر یکاترینبورگ و بازداشت شهروندان آذربایجانی در ۲۷ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی،^۲ اصابت یک موشک در نزدیکی سفارت جمهوری آذربایجان در اوکراین در جریان حملات هوایی گسترده روسیه به کی‌یف در ۲۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی و حمایت آشکار الهام علی‌اف از اوکراین در مقابل روسیه موجب شد روابط جمهوری آذربایجان و روسیه از ابتدای سال ۲۰۲۵ میلادی در بدترین شرایط ۳۵ سال گذشته و پس از فروپاشی شوروی قرار گیرد. «خانه روسی»^۳ نهاد فرهنگی که نمایندگی سازمان «روس‌اتروجنیتسوا»^۴ روسیه در آذربایجان بود و همچنین دفتر خبرگزاری دولتی روسیه، اسپوتنیک، در باکو تعطیل شدند. برآیند این شرایط پرتنش، کنار گذاشته شدن روسیه از روند مذاکرات صلح و تعیین حدود مرزی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بود و در این راستا، دیدار نیکول پاشینیان و الهام علی‌اف در ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۵ (۱۹ تیر ۱۴۰۴)، در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی بود و متعاقب آن، امضاء توافقنامه صلح بین دو کشور با میانجی‌گری دونالد ترامپ در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ در آمریکا بود. انحلال رسمی گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در مناقشه قره‌باغ در اول سپتامبر ۲۰۲۵

۱. در تاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۲۴، پرواز شماره ۸۴۳۲ شرکت هواپیمایی آذربایجان که از باکو به مقصد گروزنی در حال پرواز بود، در نزدیکی شهر آکائو در قزاقستان سقوط کرد. در این حادثه، ۳۸ نفر از ۶۷ سرنشینان جان باختند و ۲۹ نفر دیگر زخمی شدند. تحقیقات اولیه نشان داد که این حادثه ناشی از «مداخله فیزیکی و فنی خارجی» بوده است. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که این هواپیما در حریم هوایی روسیه هدف قرار گرفته است. رئیس‌جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف، ضمن ابراز تأسف از این حادثه، از روسیه خواست تا مسئولیت خود را در این زمینه بپذیرد و عذرخواهی کند. در واکنش، رئیس‌جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین، ضمن ابراز تأسف از این حادثه، آن را یک «حادثه غم‌انگیز» توصیف کرد، اما به‌طور صریح مسئولیت آن را نپذیرفت. آذربایجان نیز اعلام کرده است که در صورت عدم پذیرش مسئولیت از سوی روسیه، ممکن است به دادگاه‌های بین‌المللی شکایت کند.

۲. در تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۲۵، نیروهای امنیتی روسیه در شهر یکاترینبورگ، عملیات گسترده‌ای را علیه شهروندان آذربایجانی انجام دادند. در این عملیات، دو برادر به نام‌های حسین و زیب‌الدین صفروف که شهروندان روسیه با اصالت آذربایجانی بودند، به‌طور فجیعی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و جان باختند. شاهدان عینی گزارش دادند که این افراد مورد شکنجه، ضرب و شتم و شوک الکتریکی قرار گرفتند. در واکنش به این حادثه، آذربایجان اعتراض شدید خود را به روسیه اعلام کرد و خواستار تحقیقات مستقل و مجازات عاملان این اقدام شد. همچنین، باکو تمامی رویدادهای فرهنگی و دیپلماتیک مرتبط با روسیه را لغو کرد.

3. Russian House

4. Rossotrudnichestvo

میلادی/ ۱۰ شهریور ۱۴۰۴ که روسیه در کنار فرانسه و آمریکا رهبری مشترک آن را برعهده داشت، گام دیگری در کاهش نقش و نفوذ روسیه در تحولات قفقاز جنوبی بود.

لذا در صورتی که توافقنامه نهایی صلح بین ارمنستان و آذربایجان منعقد شود و مسیر دسترسی آذربایجان به نخجوان نیز عملیاتی شود، به موازات طرح‌هایی مانند کریدور میانی در حوزه ترانزیت و تجارت، پروژه کابل فیبر نوری ترانس خزر و انتقال نفت و گاز در طرح ترانس خزر می‌توان انتظار داشت که با پیوستگی سرزمینی مستقیم بین آذربایجان با متحد نزدیک خود یعنی ترکیه، واگرایی و استقلال عمل آذربایجان از روسیه به مراتب بیشتر از گذشته شود. به ویژه این‌که دورنمای مشخصی برای پایان جنگ اوکراین نیز دست کم تا آینده نزدیک وجود ندارد و همین امر جایگاه آذربایجان را در تامین انرژی اروپا بیشتر تقویت خواهد کرد. بنابراین در صورتی که حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان بتواند در پارلمانی ارمنستان در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ به پیروزی برسد و گفتمان کنونی عادی‌سازی روابط این کشور با آذربایجان و ترکیه ادامه پیدا کند، می‌توان انتظار داشت که هر دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان فاصله بیشتری از روسیه پیدا کنند و در مقابل به جهان غرب به ویژه اتحادیه اروپا و پیمان ناتو نزدیک‌تر شوند. البته در این فرایند، آذربایجان به مراتب مسیر هموارتری نسبت به ارمنستان دارد و چنانچه در بخش بعدی اشاره خواهد شد، ارمنستان به ویژه در زمینه مالکیت روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی این کشور در حوزه گاز، مخابرات و راه آهن مسیر بسیار دشوار و پرچالشی را برای استقلال عمل بیشتر از روسیه خواهد شد. با این وجود، اگر این سناریو محقق شود، این امر به معنی قطع ارتباط ارمنستان و آذربایجان با روسیه نخواهد بود و رهبران این دو کشور نیز چنین قصدی و انگیزه‌ای ندارند. بلکه هدف اصلی، کاهش نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی، توسعه بیشتر روابط با غرب و تعادل بخشی و توازن بخشی بیشتر به سیاست خارجی ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواهد بود. چنانچه ولادیمیر پوتین و الهام علی‌اف، روسای جمهور روسیه و آذربایجان در حاشیه اجلاس سران کشورهای مستقل مشترک المنافع (سی. آی. اس) در دوشنبه تاجیکستان در ۱۷ مهر ۱۴۰۴ با یکدیگر دیدار کردند که تلاشی برای کنترل و جلوگیری از تشدید تنش بیشتر بین دو کشور بود.

۶- تقویت نقش و جایگاه جمهوری آذربایجان در نظم در حال شکل‌گیری در شامات (سوریه و اسرائیل)

در صورتی که توافقنامه نهایی صلح بین ارمنستان و آذربایجان منعقد شود و مسیر دسترسی آذربایجان به نخجوان نیز عملیاتی شود، جمهوری آذربایجان برای نخستین بار دسترسی مستقیم به متحد نزدیک و سنتی خود ترکیه پیدا خواهد کرد که این پیوستگی سرزمینی و ارتباطی باعث خواهد شد آذربایجان با متحد دیگر خود یعنی اسرائیل نیز پیوندهای نزدیک‌تری را در حوزه انرژی، ترانزیت، تجارت و به ویژه حوزه دفاعی - نظامی برقرار کند. طی دو دهه گذشته، مسیر خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیهان نقش بسیار مهمی در تامین نفت وارداتی اسرائیل از جمهوری آذربایجان داشته است. لذا پس از عملیاتی شدن مسیر دسترسی آذربایجان به نخجوان، صادرات نفت آذربایجان به اسرائیل به جای گرجستان می‌تواند از مسیر کوتاه‌تری به اسرائیل صادر شود. همین امر در رابطه با ترانزیت، تجارت و به ویژه حوزه دفاعی - نظامی نیز صادق است و باعث خواهد شد جمهوری آذربایجان از طریق منطقه نخجوان و نیز بنادر ترکیه در دریای مدیترانه بتواند ارتباط و دسترسی سریع‌تری به اسرائیل پیدا کند. ضمن این‌که علی‌رغم تنش‌ها و اختلافات زیادی که در سال‌های اخیر به ویژه پس از آغاز جنگ غزه بین ترکیه و اسرائیل پیش آمده است، آنکارا هیچ‌گاه مانعی و یا محدودیتی در مسیر خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیهان و یا سایر همکاری‌های ترانزیتی، تجاری و دفاعی - نظامی بین اسرائیل و جمهوری آذربایجان از مسیر ترکیه ایجاد نکرده است.

در این بین به موازات تحولاتی مانند به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در ارمنستان در ماه می ۲۰۱۸ میلادی، جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی و آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ میلادی که باعث شد ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی به صورت بنیادینی تغییر کند، وقوع حادثه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و آغاز جنگ اسرائیل در غزه و به موازات آن سقوط بشار اسد در سوریه موجب شد ژئوپلیتیک غرب آسیا و منطقه شامات نیز به صورت بنیادینی تغییر کند. در چنین شرایطی، با خروج روسیه، ایران و نیز ارمنستان از صحنه تحولات سوریه، کشورهایی مانند ترکیه، قطر، عربستان سعودی و نیز کشورهای غربی دست بالا در سوریه پس از اسد پیدا کردند. در این بین، جمهوری آذربایجان که همراه با ترکیه از

ابتدای جنگ داخلی سوریه، سفارت خود را در دمشق تعطیل و به بیروت منتقل کرده بود و اختلافات متعددی نیز با دولت سوریه در مورد حمایت این کشور از ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ و تحولات پس از آن داشت،^۱ پس از ۱۳ سال به صحنه سوریه بازگشت.

به فاصله کوتاهی پس از سقوط ناگهانی دولت بشار اسد در ۸ دسامبر ۲۰۲۴ میلادی، یالچین رفیف، معاون وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان نیز در سفر به سوریه در ۲۹ دسامبر ۲۰۲۴ با اسعد الشیبانی، وزیر خارجه جدید سوریه دیدار کرد. متعاقب این سفر، جمهوری آذربایجان سفارت خود را در دمشق، پایتخت سوریه، پس از ۱۳ سال تعطیلی در ۱۸ فوریه ۲۰۲۵ بازگشایی کرد. در ادامه این روند، برای نخستین بار الهام علی‌اف با احمد الشرع (جولانی)، رئیس‌جمهور موقت سوریه، در حاشیه چهارمین نشست دیپلماتیک در آنتالیا در ۱۱ آوریل ۲۰۲۵ دیدار کرد. متعاقب آن، احمد الشرع (جولانی) در ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵ میلادی در سفری رسمی به باکو، با الهام علی‌اف دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار، دو طرف بر تقویت روابط دوجانبه و همکاری‌های مشترک در زمینه‌های انرژی، بازسازی و امنیت تأکید نمودند. همچنین، توافق شد که آذربایجان سالانه ۱/۲ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از میدان شاه‌دنیز در دریای خزر را از طریق ترکیه به سوریه صادر کند تا به تأمین انرژی نیروگاه‌های سوریه کمک کند. این پروژه با هدف بازسازی زیرساخت‌های انرژی سوریه و تقویت روابط اقتصادی میان دو کشور انجام می‌شود.

مجموع این تحولات گویای آن است که جمهوری آذربایجان قصد دارد در کنار متحد سنتی خود یعنی ترکیه نقش مهم‌تری در سوریه پس از اسد ایفا کند. به نظر می‌رسد روابط نزدیک ترکیه با رهبران جدید سوریه و همچنین عدم حضور و تضعیف ارمنستان در سوریه پس از اسد که حتی سفارت ارمنستان در دمشق تعطیل و به بیروت منتقل شده است، فرصت بسیار مناسبی را برای

۱. قبل از جنگ دوم قره‌باغ، باکو سوریه را به همکاری با ارمنستان برای اسکان ارامنه سوری در قره‌باغ متهم کرد، و از سوی دیگر، جمهوری آذربایجان از عملیات ترکیه در غفرین سوریه علیه حزب کارگران کردستان [پ. ک. ک.]، اتحادیه جوامع دموکراتیک کردستان، یگان‌های مدافع خلق [ی. پ. گ.] و نیز داعش در ۲ ژانویه ۲۰۱۸ حمایت نمود. اختلافات بین باکو و دمشق در جریان جنگ دوم قره‌باغ (۲۷ سپتامبر - ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰) وارد مرحله جدیدی شد. در حالی که ارمنستان و سوریه، ترکیه و آذربایجان را به اعزام جنگجویان سلفی سوری به جبهه قره‌باغ متهم می‌کردند، باکو و آنکارا نیز سوریه و ارمنستان را به تسهیل ارتش مخفی ارامنه برای آزادی ارمنستان، یگان‌های حفاظت خلق و حزب کارگران کردستان [پ. ک. ک.] در منطقه متهم می‌ساختند. پیامد این تحولات کاهش شدید سطح روابط دمشق و باکو بود.

باکو فراهم کرده است. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان می‌تواند در همکاری با ترکیه در روند بازسازی سوریه مشارکت کند که این امر باعث افزایش نفوذ اقتصادی و تجاری شرکت‌های دولتی و خصوصی آذری در این کشور پس از سقوط اسد خواهد شد. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان طی یک سال اخیر اقدام به میانجی‌گری بین اسرائیل و ترکیه و همچنین اسرائیل و سوریه برای پایان دادن به اختلافات و تنش‌ها نموده است و در این راستا، جلسات مختلفی نیز در باکو برگزار شده است.

اما ارتباط این تحولات در منطقه شامات با مسیر ۴۳ کیلومتری دسترسی مستقیم بین جمهوری آذربایجان و نخجوان چیست؟ پاسخ این است که این مسیر ارتباطی در صورتی که عملیاتی و اجرایی شود می‌تواند از طریق ترکیه، پیوستگی جغرافیایی و ارتباطی مستقیمی را بین جمهوری آذربایجان با سوریه و نیز اسرائیل ایجاد کند که تحول بسیار مهمی و یک نظم جدید ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بین منطقه قفقاز جنوبی و منطقه شامات (سوریه و اسرائیل) خواهد بود. در صورتی که این امر محقق شود، صادرات گاز آذربایجان به سوریه که اخیراً آغاز شده است و همچنین صادرات نفت آذربایجان به اسرائیل می‌تواند به جای عبور از گرجستان، از مسیر نخجوان صادر شود و همین مسیر ارتباطی در حوزه ترانزیت، تجارت و نیز حوزه‌های دفاعی- نظامی نیز تحول بسیار مهمی بین جمهوری آذربایجان، ترکیه، سوریه و اسرائیل ایجاد خواهد کرد. هرچند این نظم نوظهور و در حال شکل‌گیری که پیامد مستقیم حادثه ۷ اکتبر و جنگ اسرائیل در غزه، سقوط بشار اسد و نیز توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان است، با چالش‌های مختلفی مانند تنش‌ها و اختلافات ترکیه و اسرائیل، حملات اسرائیل به سوریه پس از سقوط بشار اسد و مساله قدیمی بلندی‌های جولان، مطالبات و چالش کردهای سوریه با دولت و رهبران جدید این کشور نیز مواجه است که کار را برای شکل‌گیری یک نظم جدید منطقه‌ای از قفقاز جنوبی تا شامات بین چهار ضلعی جمهوری آذربایجان، ترکیه، سوریه و اسرائیل دشوار می‌کند. ضمن این‌که اگر حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان در پارلمان ارمنستان در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ به پیروزی نرسد و با به قدرت رسیدن احزاب محافظه‌کار و ملی‌گرای ارمنی، توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان و همچنین دسترسی مستقیم ارتباطی به نخجوان از میان برود، هدف راهبردی

پیوستگی جغرافیایی و ارتباطی که باکو برای ارتباط با دو متحد قدیمی خود یعنی ترکیه و اسرائیل و متحد نوظهور خود یعنی سوریه پس از اسد دارد، محقق نخواهد شد.

رویکردها و اقدامات احتمالی ارمنستان پس از نهایی‌شدن توافقنامه صلح با جمهوری آذربایجان

متعاقب توافقنامه صلحی که بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان، رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ به امضاء رسید و نیز دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان که مورد توافق طرفین قرار گرفت، مجلس ملی ارمنستان که اکثریت آن تحت کنترل حزب «پیمان شهروندی» (قرارداد مدنی) به رهبری نیکول پاشینیان است، در ۳ اکتبر ۲۰۲۵ میلادی / ۱۱ مهر ۱۴۰۴ پیش‌نویس بیانیه «در مورد برقراری صلح بین ارمنستان و آذربایجان» را که توسط فراکسیون «قرارداد مدنی» تهیه شده بود، تصویب کرد. این بیانیه با ۶۴ رأی موافق، بدون رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع تصویب شد. فراکسیون‌های مخالف در این جلسه شرکت نکردند. هایک کونجوریان، رئیس فراکسیون «قرارداد مدنی» پس از تصویب این بیانیه اظهار داشت که «مجلس ملی ارمنستان باید رسماً این واقعیت را ثبت کند و با تصویب بیانیه‌ای از صلح حمایت کند و از همه طرف‌های ذینفع بخواهد آن را تقویت و توسعه دهند».^۱

اما پرسش مهم این است که گام‌های بعدی ارمنستان چه خواهد بود؟ نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر این کشور، سیاست خارجی این کشور را پس از این توافق به چه سمت و سویی هدایت خواهد کرد؟ برای پاسخ به پرسش‌های یاد شده، باید چند پیش‌فرض مهم و اساسی در نظر گرفته شود. این پیش‌فرض‌ها عبارتند از: پیروزی حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان در پارلمانی ارمنستان در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ و تداوم گفت‌وگوهای کنونی در ارمنستان، تعیین حدود مرزی با جمهوری آذربایجان، تصویب و رای مثبت به رفراندوم اصلاحات قانون اساسی

۱. مجلس ملی بیانیه‌ای در مورد برقراری صلح بین ارمنستان و آذربایجان تصویب کرد، رادیو عمومی ارمنستان، ۳ اکتبر ۲۰۲۵ میلادی / ۱۱ مهر ۱۴۰۴.

و نهایی شدن موافقتنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان. در صورتی که این پیش فرض‌ها محقق شود که فرایند بسیار دشوار و پرچالشی است، می‌توان مهم‌ترین رویکردها و اقدامات احتمالی ارمنستان را موارد زیر دانست:

۱- عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه و بازگشایی مرزهای دو کشور

پس از فروپاشی شوروی، وجود اختلافات تاریخی و تفسیرهای متفاوتی که بین ترک‌ها و ارمنه در رابطه با قتل‌عام ارمنه در دوره عثمانی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی وجود داشت، ترکیه استقلال ارمنستان را در سال ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت. ضمن این‌که در قانون اساسی ارمنستان نیز اشاره مستقیمی به موضوع قتل‌عام ارمنه صورت نگرفت. با این وجود، روابط دیپلماتیک رسمی میان دو کشور برقرار نشد و سفارتخانه‌ای نیز در پایتخت‌های یکدیگر افتتاح نگردید. ترکیه اقدام به افتتاح یک دفتر نمایندگی موقت در ایروان کرد؛ هرچند در حد سفارت نبود. اما تشدید جنگ اول قره‌باغ و پیشروی نیروهای ارمنی به مناطق پیرامونی و خارج از قره‌باغ کوهستانی در سال ۱۹۹۳ میلادی موجب شد ترکیه در حمایت از جمهوری آذربایجان، روابط دیپلماتیک با ارمنستان را قطع کند و مرزهای دو کشور نیز بسته شود. در سال ۲۰۰۹ میلادی و دوره ریاست جمهوری سرژ سارگسیان (دومین رئیس جمهور ارمنستان) کوشش‌هایی در جهت بهبود روابط با ترکیه صورت گرفت که آن مقطع، عبدالله‌گل، رئیس جمهور و رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر بود. در این راستا، دو سند مهم برای برقراری روابط دیپلماتیک و بازگشایی مرزها موسوم به «پروتکل‌های زوریخ» با میانجی‌گری سوئیس، آمریکا و اتحادیه اروپا به امضا رسید. اما به دلیل فشارهای سیاسی، به‌ویژه از سوی آذربایجان و مخالفت داخلی در ترکیه و ارمنستان و همچنین مخالفت و انتقاد شدید دیاسپورای ارمنی خارج از ارمنستان این پروتکل‌ها هرگز اجرایی نشدند. جمهوری آذربایجان معتقد بود که ترکیه به عنوان متحد نزدیک این کشور نباید تا قبل از تعیین تکلیف مناقشه قره‌باغ کوهستانی و عقب نشینی نیروهای ارمنی از هفت منطقه پیرامون آن، اقدام به عادی‌سازی روابط با ارمنستان کند که در تضاد و خیانت به شعار «یک ملت، دو دولت» بین ترکیه و جمهوری آذربایجان است. بخش مهمی از جامعه ارمنستان، احزاب سیاسی محافظه‌کار و ملی‌گرا و نیز جامعه دیاسپورای ارمنی نیز معتقد بودند دولت ارمنستان نباید تا قبل از تعیین تکلیف موضوع قتل‌عام

ارامنه و شناسایی آن به عنوان «نسل‌کشی» (ژنوساید) نباید به سمت عادی‌سازی روابط با ترکیه برود که خیانت به آرمان و دادخواهی ارامنه است.^۱ در نهایت با توجه به همه فشارها و انتقادات، روند عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه در سال ۲۰۰۹ میلادی به نتیجه نرسید و مرزهای دو کشور همچنان بسته باقی ماند.

اما پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ که به بازگشت هفت منطقه پیرامونی قره باغ و شهر استراتژیک شوشا (شوشی) به حاکمیت جمهوری آذربایجان برگشت، علی‌رغم این که همچنان قره‌باغ کوهستانی در کنترل و تصرف ارامنه بود، گشایش‌هایی در جهت عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه ایجاد شد. شکل‌گیری فرمت همکاری‌های ۳+۳ در قفقاز جنوبی (ارمنستان، آذربایجان، گرجستان+ روسیه، ترکیه و ایران) که از سوی ایران و ترکیه مطرح شد نیز باعث تقویت روند عادی‌سازی مناسبات بین ایروان و آنکارا شد و روبن رویینیان (معاون رئیس پارلمان ارمنستان) و سردار کلیچ (سفیر سابق ترکیه در آمریکا) به عنوان نمایندگان ویژه دو کشور تعیین شدند. نخستین جلسه رسمی بین نمایندگان ویژه دو کشور برای روند عادی‌سازی روابط و گفتگو درباره آغاز مذاکرات بدون پیش‌شرط، در ۱۴ ژانویه ۲۰۲۲ در مسکو برگزار شد و در تحولی مهم، پس از سه دهه نخستین پرواز مستقیم بین استانبول و ایروان در تاریخ ۲ فوریه ۲۰۲۲ انجام شد و به تدریج تعداد آن افزایش یافت. همچنین وزیر امور خارجه ارمنستان، آرات میرزویان در نشست مجمع دیپلماسی آنتالیا در ترکیه در ۱۰-۱۲ مارس ۲۰۲۲ میلادی شرکت کرد. در ۱ ژوئیه ۲۰۲۲ میلادی نیز نمایندگان ویژه دو کشور توافق کردند که مرز زمینی ارمنستان و ترکیه برای اتباع کشورهای ثالث و دارندگان گذرنامه‌های دیپلماتیک بازگشایی شود. این اقدام به‌عنوان گامی مهم در روند عادی‌سازی روابط تلقی شد. همچنین به دنبال زلزله شدید در ترکیه، وزیر امور خارجه ارمنستان آرات میرزویان و نماینده ویژه ارمنستان، روبن رویینیان با سردار

۱. اصولاً ارامنه چهار پیش‌شرط را برای هرگونه عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه مطرح می‌کنند: شناسایی قتل عام ارامنه به عنوان «نسل‌کشی» (ژنوساید) از سوی دولت ترکیه به عنوان دولت جانشین امپراطوری عثمانی، عذرخواهی رسمی دولت ترکیه از ارامنه، پرداخت غرامت به بازماندگان این حوادث که از دیدگاه ارامنه بالغ بر یک و نیم میلیون قربانی هستند و بازگرداندن خانه‌ها، زمین‌ها و کلیساهای ارامنه در شرق ترکیه به ارامنه. هرچند در ۱۰۰ سال گذشته، هیچ دولتی در ترکیه این پیش‌شرط‌ها را پذیرفته است و دولت نیکول پاشینیان هم بدون توجه به این پیش‌شرط‌ها درصدد عادی‌سازی روابط با ترکیه برآمده است که از دیدگاه جریانات سیاسی و فکری محافظه‌کار و ملی‌گرای ارمنی، خیانت به آرمان و دادخواهی ارامنه است.

کیلچ، نماینده ویژه ترکیه در ۱۷ فوریه ۲۰۲۳ میلادی در رابطه با عملیات امدادرسانی و عبور کمک‌ها از مرز مشترک دیدار و مذاکره کردند. اما مجموع این دیدارها به نتیجه مشخصی از جمله برقراری روابط دیپلماتیک و بازگشایی مرزها منجر نشد.

اما پس از جنگ سوم قره باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی / شهریور ۱۴۰۳ که به تصرف کامل قره‌باغ کوهستانی از سوی جمهوری آذربایجان انجامید، روند عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه شتاب بیشتری گرفت. در دسامبر ۲۰۲۴، نمایندگان ویژه ارمنستان و ترکیه در مرز مشترک دو کشور دیدار کردند. در این دیدار، نمایندگان دو کشور به ارزیابی فنی زیرساخت‌های مرزی و نیازهای لازم برای بازگشایی مرزها پرداختند. متعاقب آن، در ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۴ میلادی، نمایندگان ویژه ارمنستان و ترکیه، روبن روبینیان و سردار کیلیچ، یک بار دیگر در مرز مشترک دو کشور در گذرگاه مارگارا-آلیجان دیدار کردند. در این دیدار، طرفین بر ارزیابی نیازهای فنی برای راه‌اندازی گذرگاه مرزی آخوریک-آکیاکا و تسهیل فرآیندهای ویزا برای دارندگان گذرنامه‌های دیپلماتیک و رسمی توافق کردند. در نهایت در دیداری مهم و تاریخی، نیکول پاشینیان در سفری رسمی از ترکیه با رجب طیب اردوغان در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی / ۳۰ خرداد ۱۴۰۴ دیدار کرد. اما با این وجود و علی‌رغم همه دیدارها و مذاکرات، روابط رسمی دیپلماتیک بین دو کشور برقرار نشد و مرزهای رسمی دو کشور نیز همچنان بسته باقی ماند.

در واقع، روشن بود که انعقاد موافقتنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه، دو موضوع به هم پیوسته است و به موازات پیشرفتی که در روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان صورت می‌گیرد، می‌توان انتظار پیشرفت در عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه و بازگشایی مرزهای دو کشور را داشت. ضمن این‌که عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه عملاً از سوی اردوغان به عنوان اهرم فشاری علیه ارمنستان در سال‌های اخیر نیز مورد استفاده قرار گرفت. بدین صورت که اگر دولت نیکول پاشینیان خواستار خروج ارمنستان از انزوای اقتصادی، قرار گرفتن در مسیرهای انتقال انرژی و کریدورهای ترانزیتی و دسترسی به آب‌های آزاد مدیترانه است، نخست باید تکلیف موافقتنامه صلح با آذربایجان و به ویژه «کریدور زنگه‌زور» را مشخص کند.

لذا متعاقب توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و آذربایجان، انتظار می‌رود در صورتی که این موافقتنامه

به سمت اجرایی شدن پیش برود و فرایند دسترسی زمینی جمهوری آذربایجان به نخجوان موسوم به «پل ترامپ» به سمت عملیاتی شدن پیش برود که برای ترکیه از نظر دسترسی به جمهوری آذربایجان، دریای خزر و منطقه آسیای مرکزی بسیار مهم است و به همین دلیل در پنج سال گذشته به شدت از پروژه «کریدور زنگه‌زور» حمایت کرده است، انتظار می‌رود مرز ارمنستان و ترکیه که از سال ۱۹۹۳ میلادی در حمایت از آذربایجان در جریان مناقشه قره‌اغ بسته شد، پس از سه دهه بازگشایی شود. در این راستا، گذرگاه مرزی آخوریک^۱ در ارمنستان و آکیاکا^۲ در ترکیه که قرار است به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی ارتباطی بین دو کشور بازگشایی شود. در این راستا، به فاصله کوتاهی پس از امضاء توافقنامه بین ارمنستان و آذربایجان در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی، نمایندگان ویژه ارمنستان و ترکیه، روبن روبینیان و سردار کیلیچ، در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی در گذرگاه مرزی مارگارا-آلیجان با یکدیگر دیدار کردند که محورهای اصلی این مذاکرات، ارزیابی فنی زیرساخت‌های مرزی، برنامه‌ریزی برای بازگشایی گذرگاه‌های مرزی و ایجاد زیرساخت‌های حمل‌ونقل مشترک بود.

در صورتی که روند بازگشایی مرزها و همچنین فرایند صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان و دسترسی زمینی جمهوری آذربایجان به نخجوان بدون مشکل به پیش برود، می‌توان انتظار داشت روابط دیپلماتیک ارمنستان و ترکیه نیز پس از سه دهه برقرار شود. هرچند بازگشایی سفارت‌های دو کشور به ویژه سفارت ترکیه در ارمنستان، با حساسیت‌ها و چالش‌های بسیار زیادی همراه خواهد بود. چنانچه اقدام اخیر دولت پاشینیان در حذف تصویر کوه آرارات از مهرهای ورود و خروج مورد استفاده در مرزهای رسمی دو کشور با انتقاد و اعتراض شدید جریان‌ات سیاسی ملی‌گرا و محافظه‌کار ارمنی را به دنبال داشت. همچنین در مراسم یادبود قتل عام ارامنه که هر ساله در در ۲۴ آوریل در ارمنستان و نقاط مختلف جهان توسط جامعه دیاسپورای ارمنی برگزار می‌شود، احساسات و اعتراضات تاریخی نسبت به ترکیه به اوج خود می‌رسد. با این وجود، حتی اگر در مراحل اولیه سفارت‌های دو کشور بازگشایی نشود، نیز می‌توان انتظار بازگشایی مرزهای دو کشور را به ویژه از جانب ترکیه داشت. به ویژه این

1 . Arçelik

2 . Akyaka

که ترکیه یکی از ذی نفعان اصلی اجرایی شدن مسیر ارتباطی و ترانزیتی موسوم به «پل ترامپ» بین جمهوری آذربایجان و نخجوان است و از طریق مرز زمینی کوتاه ۱۲ تا ۱۷ کیلومتری صدرک با منطقه نخجوان می‌تواند از مسیری به مراتب کوتاه‌تر و سریع‌تر به منطقه قفقاز جنوبی، دریای خزر و آسیای مرکزی دسترسی مستقیم زمینی پیدا کند.

۲- فاصله بیشتر ارمنستان از روسیه و نزدیکی بیشتر به جهان غرب

سیر تحولات داخلی و سیاست خارجی ارمنستان پس از به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در ماه می ۲۰۱۸ میلادی، از همان ابتدا به سمت فاصله بیشتر ارمنستان از روسیه و نزدیکی بیشتر به جهان غرب سوق پیدا کرد. بازداشت و محاکمه رهبران و مقامات سابق ارمنستان که بسیار به روسیه نزدیک بودند به ویژه روبرت کوچاریان و سرژ سارگسیان (روسای جمهور سابق)، بازداشت چند ماهه ژنرال یوری خاچاطوروف (دبیرکل ارمنی وقت سازمان پیمان امنیت دسته جمعی تحت رهبری روسیه)، عدم حمایت روسیه و سازمان پیمان امنیت دسته جمعی از ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی در مقابل جمهوری آذربایجان و عدم همکاری موثر نیروهای حافظ صلح روسی مستقر در قره‌باغ کوهستانی و کریدور لاجین و نیز جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی، موجب شد طی ۷ سال گذشته، ارمنستان گام به گام از متحد سنتی و نزدیک خود یعنی روسیه فاصله بگیرد و به غرب نزدیک شود. لذا با توافقنامه صلحی که بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی/ ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ به امضاء رسید و همچنین توافقی که به موجب آن دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان مورد توافق قرار گرفت، می‌توان انتظار داشت که ارمنستان هرچه بیشتر از روسیه فاصله بگیرد و به غرب نزدیک‌تر شود. هرچند این امر به معنی قطع روابط ارمنستان و روسیه - مشابه گرجستان و روسیه - نخواهد بود و چنانچه نیکول پاشینیان و دیگر مقامات ارمنستان در سال‌های اخیر به آن اشاره کرده‌اند به سمت کاهش وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی ارمنستان به روسیه سوق پیدا خواهد کرد.

۳- تخلیه پایگاه‌های نظامی روسی و خروج ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی: احتمال عضویت ارمنستان در پیمان ناتو

ارمنستان تنها کشور منطقه قفقاز جنوبی است که عضو «سازمان پیمان امنیت دسته جمعی» به رهبری روسیه است^۱ و باز تنها کشور این منطقه است که میزبان دو پایگاه نظامی روسیه است؛^۲ یعنی پایگاه نیروی هوایی در پایگاه اربونی در ایروان و پایگاه گیومری در مرز ارمنستان و ترکیه. این وضعیت نقش بسیار مهمی در حفظ موازنه قوا در قفقاز جنوبی و نیز تضمین امنیت ملی ارمنستان در مقابل جمهوری آذربایجان و ترکیه به مدت سه دهه داشت. اما پس از به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در ماه می ۲۰۱۸ میلادی و تشدید اختلافات ارمنستان و روسیه، بازداشت چند ماهه ژنرال یوری خاچاطوروف (دبیرکل ارمنی وقت سازمان پیمان امنیت دسته جمعی تحت رهبری روسیه)، عدم حمایت روسیه و سازمان پیمان امنیت دسته جمعی از ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی در مقابل جمهوری آذربایجان و نیز عدم همکاری موثر نیروهای حافظ صلح روسی مستقر در قره‌باغ کوهستانی موجب شد ارمنستان در پنج سال اخیر از شرکت در نشست‌های سازمان پیمان امنیت دسته جمعی و نیز برنامه‌ها و رزمایش‌های مشترک آن خودداری کند. در همین راستا، در یک سال گذشته، مرزبانان روسی مستقر در مرز بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه مرزی تاووش (در شمال شرقی ارمنستان)، نیروهای مرزبانی روسی مستقر در مرز مشترک ارمنستان با ترکیه و ایران و نیز نیروهای امنیتی روسی در فرودگاه زوارتنوتس ایروان، بنا به درخواست دولت ارمنستان این کشور را ترک کردند که گام مهم دیگری در زمینه کاهش تعهدات دفاعی روسیه در ارمنستان بود. با این وجود، دولت ارمنستان جانب احتیاط را از دست نداد. دو پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان

۱. جمهوری آذربایجان و گرجستان در سال ۱۹۹۹ میلادی در اعتراض به رویکرد روسیه و سازمان پیمان امنیت دسته جمعی در مناقشه‌های قره‌باغ کوهستانی، آبخازیا و اوستیای جنوبی از این سازمان دفاعی و نظامی خارج شدند. در حال حاضر، شش کشور روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان عضو سازمان پیمان امنیت دسته جمعی هستند.

۲. روسیه در حال حاضر دو پایگاه نظامی در مناطق جدا شده گرجستان یعنی مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی دارد که خارج از حاکمیت گرجستان است و روسیه به صورت یک جانبه استقلال این مناطق را به رسمیت شناخته است. بنابراین روسیه در گرجستان و جمهوری آذربایجان هیچ پایگاه نظامی ندارد.

(نیروی هوایی در پایگاه اربونی در ایروان و پایگاه گیومری در مرز ارمنستان و ترکیه) را حفظ کرد و علی‌رغم نارضایتی شدید و تعلیق بسیاری از فعالیت‌ها در سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، از خروج رسمی و کامل از این سازمان دفاعی - امنیتی به رهبری روسیه خودداری نمود. علت این احتیاط و ملاحظه ارمنستان نیز در اوج اختلافات با روسیه از این جهت بود که این کشور نگران حمله نظامی احتمالی از سوی جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه به استان سیونیک در جنوب این کشور برای تحقق «کریدور زنگه‌زور» بود. در واقع، نگرانی ارمنستان از خلاء قدرت و نداشتن توان بازدارندگی لازم، موجب شد دو پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان (نیروی هوایی در پایگاه اربونی در ایروان و پایگاه گیومری در مرز ارمنستان و ترکیه) را حفظ کند و از خروج رسمی از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی به رهبری روسیه نیز خودداری نماید.

با توافقنامه صلحی که بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید به امضاء رسید و همچنین توافقی که به موجب آن دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان مورد توافق قرار گرفت، گام دیگری در جهت کاهش نفوذ نظامی و امنیتی روسیه در ارمنستان برداشته شد. در حالی که طبق بند نهم موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ قرار بود کنترل امنیت و نظارت در این مسیر توسط نیروهای سرویس مرزی روسیه (اف. اس. بی) انجام شود، پس از توافقنامه اخیر صلح در آمریکا قرار است کنترل امنیتی، گمرکی و مرزی این مسیر توسط شرکت‌های آمریکایی - البته تحت حاکمیت و قوانین ارمنستان - صورت بگیرد و این احتمال وجود دارد که شرکت‌های خصوصی امنیتی آمریکایی مانند آکادمی (بلک واتر سابق)، دین کورپ، جی فور اس و کنستیلیس، مسئولیت امنیت عبور و تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و نخجوان را برعهده بگیرند. بنابراین، جایگزینی شرکت‌های امنیتی آمریکایی با نیروهای مرزبانی روسیه در استان سیونیک ارمنستان در مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان در صورتی که محقق و اجرایی شود، گام مهم دیگری در جهت کاهش زمینه کاهش تعهدات دفاعی روسیه در ارمنستان خواهد بود.

از سویی دیگر، در صورت نهایی شدن توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز عادی

شدن روابط ارمنستان و ترکیه، اگر دولت ارمنستان با امضاء «پیمان عدم تجاوز» با این دو کشور و نیز افزایش سطح همکاری‌های نظامی و امنیتی با غرب به ویژه پیمان ناتو به این اطمینان برسد که تهدیدی از ناحیه جمهوری آذربایجان و ترکیه وجود ندارد، به فعالیت دو پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان (نیروی هوایی در پایگاه اربونی در ایروان و پایگاه گیومری در مرز ارمنستان و ترکیه) پایان خواهد داد و در صورتی که این اتفاق روی دهد روسیه به جز دو پایگاه نظامی در مناطق جدا شده گرجستان (مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی) دیگر هیچ پایگاه نظامی در منطقه قفقاز جنوبی نخواهد داشت. متعاقب آن، ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی به رهبری روسیه نیز رسماً خارج خواهد شد. با توجه به این که آذربایجان و گرجستان در سال ۱۹۹۹ میلادی از این سازمان خارج شدند، خروج ارمنستان باعث خواهد شد که سازمان پیمان امنیت دسته جمعی دیگر در منطقه قفقاز جنوبی، هیچ‌گونه حضور و فعالیتی نخواهد داشت که طبیعی است ضربه بسیار بزرگی به جایگاه و نفوذ روسیه در این منطقه خواهد بود.

نکته بسیار مهم این است که خروج کامل ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، راه را برای گسترش همکاری و در آینده حتی عضویت در پیمان ناتو فراهم خواهد نمود. چرا که تا زمانی که ارمنستان عضو سازمان پیمان امنیت دسته جمعی است، از نظر قوانین و تعهدات نمی‌تواند عضو هیچ پیمان نظامی و دفاعی دیگری از جمله پیمان ناتو شود. سابقه رفتاری و رویکرد دولت ارمنستان در چند سال اخیر نیز این فرضیه را تقویت می‌کند. نخست‌وزیر ارمنستان، در نوامبر ۲۰۲۳ از مقر ناتو در بروکسل دیدار کرد و با ینس استولتنبرگ، دبیرکل وقت ناتو، دیدار نمود. جلسات بین مقامات وزارت دفاع ارمنستان و ناتو نیز در سطح عالی برگزار شده است و ناتو در حوزه‌هایی مانند آموزش افسران و پرسنل نظامی، اصلاح ساختار فرماندهی دفاعی و امنیت سایبری و پدافند غیرعامل با پیمان ناتو همکاری دارد. در صورت خروج کامل ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، می‌توان در سه مرحله انتظار توسعه روابط ارمنستان با پیمان ناتو را داشت. در کوتاه مدت: افزایش قابل توجه همکاری‌های فنی، آموزشی و سیاسی؛ اما بدون عضویت رسمی. در میان مدت: ممکن است ارمنستان به‌عنوان شریک کلیدی غیرعضو ناتو مطرح شود، شبیه به گرجستان و در درازمدت: اگر

روابط با جمهوری آذربایجان و نیز ترکیه (به عنوان عضو ناتو) تثبیت شود و همچنین اگر اصلاحات ساختاری گسترده در نیروهای مسلح ارمنستان برای تغییر استانداردهای سخت افزاری و نرم افزاری روسیه به غربی صورت گیرد، عضویت رسمی ارمنستان در ناتو دور از ذهن نخواهد بود. البته دو پیش شرط بسیار مهم در این فرایند وجود دارد: نخست، پیروزی حزب حاکم «پیمان شهنوردی» به رهبری نیکول پاشینیان در انتخابات پارلمانی ارمنستان و تداوم گفت‌وگوهای کنونی در ارمنستان و دوم، نوع واکنش روسیه به این تحولات است که بستگی به فرایند جنگ اوکراین و آینده تعامل و یا تقابل روسیه با جهان غرب دارد.

۴- پایان انحصار و مالکیت روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی ارمنستان

فدراسیون روسیه در دوره ریاست جمهوری روبرت کوچاریان در ارمنستان، در سال ۲۰۰۳ میلادی، در ازای به دست آوردن کنترل پنج شرکت دولتی ارمنستان، بدهی ۱۰۰ میلیون دلاری این کشور را بخشید. بدین ترتیب، زیرساخت‌های اصلی ارمنستان مانند گاز، برق، مخابرات و راه آهن در اختیار روسیه قرار گرفت که نقش بسیار مهمی در وابستگی شدید ارمنستان به روسیه و نیز شکل‌گیری شبکه گسترده‌ای از فساد، الیگارشی و اقتصاد در سایه در ارمنستان شد که نارضایتی از آن یکی از دلایل مهم وقوع جنبش اعتراضی گسترده در ارمنستان در ماه‌های آوریل و می ۲۰۱۸ بود که منجر به سقوط دولت سرژ سارگسیان و به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان شد.

از آنجا که خروج ارمنستان از وابستگی سیاسی و نظامی - دفاعی به روسیه بدون پایان انحصار و مالکیت روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی ارمنستان امکان‌پذیر نیست، دولت ارمنستان نخستین گام را با ملی‌کردن شبکه برق این کشور در

برداشته است و واهانگ خاچاطوریان، رئیس جمهور ارمنستان در ۹ جولای ۲۰۲۵ میلادی / ۱۸ تیر ۱۴۰۴ لایحه‌ای را امضاء کرد که به موجب آن، امکان ملی‌سازی شرکت شبکه‌های برق این کشور را فراهم می‌کند. هرچند این تصمیم با بازداشت سامول کاراپتیان^۱، بازرگان و کارآفرین برجسته ارمنی و رئیس شرکت سهامی برق ارمنستان، جنبه سیاسی نیز پیدا کرد که پیرو اعلام حمایت او از کلیسای

حواری ارمنی و اعتراض به بازداشت‌های اخیر در ارمنستان از جمله بازداشت اسقف باگرات گالستانیان، رهبر جنبش ضد دولتی «مبارزه مقدس»، صورت گرفت. به نظر می‌رسد اگر دولت ارمنستان بتواند بر این چالش‌ها غلبه کند، به موازات توافقنامه صلح با ارمنستان و عادی سازی روابط با ترکیه، به تدریج بتواند به سمت ملی‌کردن یا خارج ساختن تسلط روس‌ها بر سایر حوزه‌های زیرساختی مانند مخابرات، راه آهن و به ویژه گاز برود که البته فرایند بسیار دشوار و پرچالشی است. در صورت تحقق چنین هدفی که نیازمند پیروزی حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان در انتخابات پارلمانی ارمنستان در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ و تداوم گفتمان کنونی در ارمنستان خواهد بود، می‌توان انتظار داشت که ارمنستان پس از نزدیک به سه دهه از نفوذ، سلطه و انحصار بسیار سنگین روسیه خارج شود. تردیدی نیست که پرچالش‌ترین و سخت‌ترین حوزه زیرساختی، تامین انرژی و واردات گاز طبیعی خواهد بود. به نظر می‌رسد در این زمینه نیکول پاشینیان، امیدوار است به موازات کاهش میزان وابستگی به گاز وارداتی از روسیه، بخش مهمی از گاز وارداتی ارمنستان را از جمهوری آذربایجان و نیز ایران تامین کند.

۵- احتمال خروج ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و طرح عضویت در اتحادیه اروپا

ارمنستان تنها کشور منطقه قفقاز جنوبی است که عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است و از ژانویه ۲۰۱۵ میلادی که این اتحادیه با حضور روسیه، بلاروس، قزاقستان و قرقریزستان تشکیل شده است، در آن حضور فعالی دارد. حتی پس از به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در سال ۲۰۱۸ میلادی و علی‌رغم اختلافات و تنش‌هایی که بین ارمنستان و روسیه به وجود آمد، ارمنستان بر خلاف «سازمان پیمان امنیت دسته جمعی»، رهبران و مقامات مختلف ارمنستان از جمله نیکول پاشینیان در همه نشست‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا شرکت کرده‌اند. به نظر می‌رسد وابستگی ساختاری اقتصاد ارمنستان به روسیه و همچنین بهره‌مندی از مزایای صادراتی، گمرگی و تعرفه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نقش مهمی در تداوم عضویت و حضور ارمنستان در این سازمان منطقه‌ای روس‌محور داشته است.

اما متعاقب توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان و در صورتی که حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان بتواند در انتخابات پارلمانی آتی به پیروزی برسد و همچنین دولت

این کشور بتواند به انحصار و مالکیت روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی در برق، مخابرات، راه آهن و گاز پایان بدهد، می‌توان انتظار داشت که گام بعدی ارمنستان، خروج این کشور از اتحادیه اقتصادی اوراسیا باشد که راه را برای همکاری و در نهایت حتی عضویت ارمنستان در اتحادیه اروپا فراهم خواهد کرد. در واقع همان‌گونه که ارمنستان در حوزه دفاعی و نظامی باید بین سازمان پیمان امنیت جمعی و پیمان ناتو، یکی را انتخاب کند، با تداوم عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نمی‌تواند انتظار توسعه همکاری و یا عضویت در اتحادیه اروپا را داشته باشد و لذا در این مسیر باید یکی را انتخاب کند.

در این راستا، پارلمان ارمنستان که حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان اکثریت آن را برعهده دارد، بدون درخواست یا دعوتی از سوی اتحادیه اروپا، در مارس ۲۰۲۵ میلادی / اسفند ۱۴۰۳ لایحه عضویت این کشور در اتحادیه اروپا را به تصویب رساند. این لایحه با ۶۳ رای موافق و ۷ رای مخالف به تصویب رسید و در فروردین ۱۴۰۴ نیز واهانگ خاچاتوریان، رئیس جمهور ارمنستان، این لایحه را امضاء کرد و تبدیل به قانون شد. متعاقب تصویب این قانون، مقامات فدراسیون روسیه اعلام کردند که عضویت هم‌زمان در اتحادیه اروپا و اتحادیه اقتصادی اوراسیا ممکن نیست و ارمنستان باید بین این دو ساختار یکی را انتخاب کند. با این وجود، نیکول پاشینیان در مصاحبه با خبرنگاران در ۶ شهریور ۱۴۰۴ احتمال خروج ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا را رد نکرد و یادآوری کرد که «ارمنستان پس از تصویب قانون آغاز فرآیند عضویت در اتحادیه اروپا، اعلام کرده است که عضویت هم‌زمان در اتحادیه اروپا و اتحادیه اقتصادی اوراسیا ممکن نیست. وقتی به نقطه‌ای برسیم که انتخاب، نهایی و اجتناب‌ناپذیر باشد، ما تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهیم کرد. این امکان به اراده مردم، شرایط جاری، فرآیندهای مذاکراتی و همچنین تحلیل وضعیت، فرصت‌ها و جایگزین‌ها بستگی دارد».^۱

با این وجود، نیکول پاشینیان و همفکران او به خوبی می‌دانند که بدون آزادسازی زیرساخت‌های ارمنستان در حوزه برق، گاز، مخابرات و راه آهن، امکان خروج از اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود نخواهد داشت و روسیه از این زیرساخت‌ها به عنوان اهرم فشار علیه ارمنستان استفاده خواهد کرد. لذا خروج کامل ارمنستان از انحصار و وابستگی اقتصادی، زیرساختی و واردات انرژی از روسیه،

۱. پاشینیان احتمال خروج ارمنستان از اتحادیه اوراسیا را رد نکرد، خبرگزاری تسنیم، ۶ شهریور ۱۴۰۴.

روند آسان و راحتی نخواهد بود. به نظر می‌رسد نیکول پاشینیان در این مسیر پرچالش روی واردات گاز از جمهوری آذربایجان و ایران و نیز سرمایه‌گذاری و حمایت از سوی جهان غرب به ویژه آمریکا در حوزه زیرساخت‌های ارمنستان حساب باز کرده کرده است. در صورتی که این اهداف محقق شود و ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز خارج شود که راه را برای همکاری و عضویت این کشور در اتحادیه اروپا فراهم خواهد کرد، به موازات خروج ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، احتمال عضویت در پیمان ناتو را افزایش خواهد داد، رویکرد یورو-آتلانتیکی دولت نیکول پاشینیان تکمیل خواهد شد و یک تغییر ساختاری و بسیار بنیادین (پارادایم شیف) در سیاست خارجی ارمنستان رخ خواهد داد.

ضمن این‌که پایان مناقشه قره‌باغ کوهستانی باعث شد که روابط دیپلماتیک ارمنستان با عربستان سعودی پس از سه دهه برقرار شود و پس از توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان نیز پاکستان که در ۳۵ سال گذشته حتی استقلال ارمنستان را به رسمیت نشناخته بود، اقدام به برقراری روابط دیپلماتیک با ارمنستان نمود. علاوه بر این، در صورتی که حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان بتواند در انتخابات پارلمانی آتی به پیروزی برسد، توافقنامه صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان و دسترسی مسیر زمینی مستقیم به نخجوان اجرایی و عملیاتی شود، ارمنستان به عنوان بخشی از «کریدور میانی» تعریف خواهد شد که این امر باعث خواهد شد روابط ارمنستان با کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان) توسعه بیشتری پیدا کند.

به قدرت رسیدن احزاب سیاسی مخالف (اپوزیسیون) در ارمنستان: عامل برهم زدن توافقنامه صلح یکی از مهم‌ترین متغیرها و فاکتورهایی که می‌تواند توافقنامه صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان، اجرایی شدن دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان موسوم به «پل ترامپ»، عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه و سایر معادلات و پیش‌بینی‌ها را به طور کامل برهم بزند، تحولات سیاسی در ارمنستان به ویژه سقوط دولت نیکول پاشینیان است که از دو طریق ممکن است روی دهد: نخست به صورت خشونت‌آمیز از طریق شورش، اعتراض و کودتای مخالفان و دوم، به صورت مسالمت‌آمیز و سیاسی

از طریق شکست در انتخابات پارلمانی در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵. هر دو حالت نیز محتمل است.

از ماه می ۲۰۱۸ میلادی که نیکول پاشینیان به قدرت رسید، تحولات متعددی مانند شکست سیاسی و نظامی در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، شکست نظامی و تصرف کامل قره‌باغ کوهستانی در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی و خروج اجباری و پناهندگی بیش از ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر از ارامنه قره‌باغ به ارمنستان، بازداشت و محاکمه رهبران و مقامات سابق ارمنستان از جمله روبرت کوچاریان و سرژ سارگسیان به اتهام فسادهای سیاسی و اقتصادی، تقابل بی‌سابقه دولت ارمنستان با کلیسای ارمنی و بازداشت کشیش‌ها و رهبران مذهبی مخالف دولت موجب شده است طیف بسیار وسیع و متنوعی از احزاب و گروه‌های سیاسی، در مخالفت با دولت حاکم بر ارمنستان شکل بگیرد و صحنه سیاسی ارمنستان طی سال‌های اخیر بارها شاهد اعتراضات گسترده خیابانی و ائتلاف اجزاب و گروه‌های سیاسی مخالف باشد. نقطه اوج این اعتراضات، ورود معترضان خشمگین ارمنی به ساختمان پارلمان ارمنستان پس از شکست نظامی و سیاسی در جنگ دوم قره‌باغ و پذیرش موافقتنامه آتش بس از سوی نیکول پاشینیان در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی / ۲۰ آبان ۱۳۹۹ بود که منجر به تخریب پارلمان و ضرب و شتم آراارات میرزویان، رئیس وقت پارلمان و وزیر خارجه کنونی ارمنستان شد. ضمن این‌که، جامعه دیاسپورای ارمنی در خارج از ارمنستان نیز در سال‌های اخیر به شدت مخالف سیاست‌های دولت پاشینیان بوده است.

با این وجود، هیچ کدام از این اعتراضات بنا به دلایل مختلف از جمله بازداشت نسبتاً گسترده مخالفان و معترضان، فقدان رهبری واحد و فراگیر، عدم انسجام لازم بین مخالفان و معترضان از جمله به دلیل سهم‌خواهی به نتیجه نرسیده است. در چنین شرایطی، نیکول پاشینیان با استفاده از شکاف‌ها و اختلافات مخالفان و نیز مانورهای سیاسی و تبلیغاتی بر روی موضوعاتی مانند فساد اقتصادی و سیاسی مقامات سابق ارمنستان، خروج ارمنستان از انزوای اقتصادی و ژئوپلیتیکی از طریق عادی‌سازی روابط با ترکیه، دسترسی ارمنستان به آب‌های آزاد دریای مدیترانه، بازگشایی راه‌آهن گیومری-قارص و کاهش وابستگی به روسیه توانست علی‌رغم همه فشارها و مخالفت‌ها به ویژه شکست سیاسی و نظامی در

جنگ دوم قره باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ در عرصه سیاسی ارمنستان باقی بماند و در انتخابات پارلمانی در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۱ میلادی / ۳۰ خرداد ۱۴۰۰ نیز به پیروزی دست یابد.

با این وجود، شکست نظامی و تصرف کامل قره‌باغ کوهستانی در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی و خروج اجباری و پناهندگی بیش از ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر از ارامنه قره‌باغ به ارمنستان، شکست و ناکامی حزب حاکم «پیمان مدنی» به رهبری پاشینیان در انتخابات شهرداری در گیومری (دومین شهر بزرگ ارمنستان) در ۳۰ مارس ۲۰۲۵ میلادی / ۱۰ فروردین ۱۴۰۴ نشان داد که شرایط سیاسی برای دولت کنونی ارمنستان چندان باثبات نیست. در ادامه این روند، شکاف بی‌سابقه بین کلیسا و دولت ارمنستان، حملات شدید نیکول پاشینیان علیه جاثلیق گارگین دوم، رهبر کلیسای حواری ارمنستان، بازداشت اسقف باگرات گالستانیان، رهبر جنبش ضد دولتی «مبارزه مقدس» و نیز بازداشت برخی از اعضای فدراسیون انقلابی ارمنی (داشناکسوتیون) به روشنی گویای التهابات سیاسی ماه‌های اخیر ارمنستان است. در این بین، تاکید و اصرار نیکول پاشینیان در اجرای پیش شرط الهام علی‌اف برای اصلاح قانون اساسی ارمنستان به ویژه حذف ارجاع به اعلامیه استقلال این کشور که در آن به «اتحاد ارمنستان و قره باغ (آرتساخ)» اشاره شده است، انحلال گروه مینسک که از دیدگاه مخالفان به معنی پایان بخشیدن به پرونده ارامنه قره‌باغ خواهد بود و نیز توافق اخیر با جمهوری آذربایجان برای دسترسی زمینی جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان که از دیدگاه مخالفان، همان «کریدور زنگه‌زور» است، شرایط سخت و دشواری را پیش روی دولت ارمنستان قرار داده است.

علاوه بر این، روابط دولت نیکول پاشینیان با جامعه دیاسپورای ارمنی خارج از ارمنستان که شبکه گسترده و بسیار قدرتمند فدراسیون انقلابی ارمنی (داشناکسوتیون) نیز در آن حضور و نفوذ بالایی دارد، دچار اختلافات بسیار شدیدی است. علاوه بر شکست‌های ارمنستان در قره‌باغ، خروج و ترک اجباری ارامنه این منطقه و دسترسی مستقیم و زمینی جمهوری آذربایجان به نخجوان، دیاسپورای ارمنی که بخش مهمی از آن‌ها خود را بازماندگان قتل عام ارامنه در ابتدای قرن بیستم میلادی توسط ترکان عثمانی می‌دانند، به شدت با هرگونه عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه مخالف هستند و چهار پیش شرط اصلی برای عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه دارند: پذیرش رسمی قتل عام ارامنه به عنوان نسل‌کشی

(ژنوساید) از سوی دولت ترکیه، عذرخواهی رسمی دولت ترکیه از بازماندگان این واقعه، پرداخت غرامت به بازماندگان این قتل عام که از دیدگاه ارامنه بیش از یک و نیم میلیون نفر است و بازگرداندن زمین‌ها، خانه‌ها و کلیساهای ارامنه در مناطق شرقی ترکیه که در دوره حاکمیت امپراطوری عثمانی متعلق به ارامنه بوده است. جامعه دیاسپورای ارمنی بدون تحقق این چهار شرط، مخالفت هرگونه عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه است و آن را خیانت به آرمان و دادخواهی تاریخی ارامنه می‌داند. به همین دلیل، جامعه دیاسپورای ارمنی به شدت به مخالفت با عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه در سال ۲۰۰۹ میلادی برخاست و موجب شد به موازات سایر عوامل از جمله نارضایتی شدید دولت آذربایجان از ترکیه، کوشش رئیس جمهور وقت ارمنستان، سرژ سارگسیان، برای عادی‌سازی روابط با ترکیه با ناکامی مواجه شود. بنابراین همین شرایط، حتی در سطحی به مراتب وسیع‌تر و شدیدتر- در قبال دولت نیکول پاشینیان وجود دارد و از دیدگاه جامعه دیاسپورای ارمنی و احزاب سنتی و کلاسیکی مانند داشناکسوتیون، دولت کنونی ارمنستان از تمامی «خطوط قرمز» و آرمان و دادخواهی تاریخی ارامنه عبور کرده است.

لذا همان‌گونه که اشاره شد، تحولات سیاسی در ارمنستان می‌تواند به سمتی پیش برود که دولت نیکول پاشینیان به دو طریق سقوط کند: نخست به صورت خشونت‌آمیز از طریق شورش، اعتراض و کودتای مخالفان و دوم، به صورت مسالمت‌آمیز و سیاسی از طریق شکست در انتخابات پارلمانی ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵. هرچند تحقق این امر نیازمند انسجام و هماهنگی احزاب و جریان‌های مخالف در ارمنستان و نیز حمایت گسترده افکار عمومی این کشور است. به نظر می‌رسد در صورتی که هر یک از جریانات سیاسی مخالف از جمله حزب جمهوری‌خواه، جنبش ملی ارامنه، طیف سیاسی قره‌باغی و چهره‌هایی مانند روبرت کوچاریان و سرژ سارگسیان (روسای جمهور سابق)، اسقف باگرات گالستانیان و سامول کاراپتیان به قدرت برسند، توافقنامه صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان و نیز توافق اجرایی شدن مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان و عادی‌سازی مناسبات ارمنستان و ترکیه متوقف خواهد شد و سیاست خارجی ارمنستان همانند قبل از به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در ماه می ۲۰۱۸ میلادی، با فاصله گرفتن از

غرب، مجدداً به سمت روسیه و نیز ایران نزدیک خواهد شد.

هرچند در صورت تحقق چنین سناریویی، احتمال فشار و تحریم ارمنستان از سوی غرب به ویژه آمریکا و یا حتی تهدید این کشور از سوی ترکیه و جمهوری آذربایجان بسیار محتمل به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی، ارمنستان ممکن است بتواند از طریق حمایت سیاسی، نظامی و اقتصادی روسیه - به ویژه در صورت پایان جنگ اوکراین - در مقابل این فشارها و تهدیدات مقاومت کند. ضمن این‌که در چنین شرایطی، دولت ارمنستان - برخلاف دولت نیکول پاشینیان - از حمایت سیاسی و اقتصادی جامعه قدرتمند و بانفوذ دیاسپورای ارمنی به ویژه در اروپا و آمریکا برخوردار خواهد بود که به شدت مخالف صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان، دسترسی زمینی به نخجوان، مختومه کردن پرونده ارامنه قره‌باغ و نیز عادی سازی روابط ارمنستان با ترکیه قبل از تعیین تکلیف موضوع قتل عام ارامنه است.

به نظر می‌رسد رهبران جمهوری آذربایجان و ترکیه از وجود چنین شرایط پرتنهایی در ارمنستان به ویژه در ماه‌های منتهی به انتخابات پارلمانی در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ آگاه هستند و لذا اگر بخواهند سرمست و مغرور از توافق صلح اخیر و دسترسی زمینی مستقیم به نخجوان، مجدداً تعبیری مانند زنگه‌زور غربی، آذربایجان غربی و یکپارچگی جهان ترک از طریق کریدور زنگه‌زور را به کار برند، به ضرر خودشان تمام خواهد شد. چنین تعبیری تنها باعث تحقیر و خشم بیشتر ارامنه و به منزله ریختن بنزین روی آتش خواهد بود و تنها باعث تحریک بیشتر ارامنه مخالف توافق خواهند شد که نتیجه آن سقوط دولت نیکول پاشینیان به صورت خشونت‌آمیز از طریق شورش، اعتراض و کودتای مخالفان و یا از طریق شکست در انتخابات پارلمانی در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ خواهد بود.

در فاصله تقریباً ۹ ماه مانده به انتخابات پارلمانی، فضای سیاسی ارمنستان وارد مرحله جدیدی از تقابل بین دولت نیکول پاشینیان و حزب حاکم «پیمان شهروندی» (قرارداد مدنی) با احزاب و چهره‌های سیاسی مخالف و همچنین برخی از رهبران و روحانیون کلیسای ارمنستان شده است. بازداشت اسقف اعظم مگردیچ پروشیان و ۶ روحانی دیگر در حوزه خلیفه گری استان آراگاتسونی و شهر آشتاراک و انتقال آن‌ها به ایروان توسط نیروهای امنیتی و نیز بازداشت «وارطان غوکاسیان» شهردار گیومری، از

چهره های مخالف دولت ارمنستان و نزدیک به روسیه و نیز ۷ مقام دیگر شهرداری این شهر به اتهام فساد اقتصادی و دریافت رشوه که با هجوم نیروهای امنیتی به شهرداری همراه و بروز مقاومت ها و تنش هایی نیز همراه بود، به موازات تظاهرات حامیان سامول کاراپتیان، سرمایه دار ارمنی، رئیس سابق شبکه برق ارمنستان و از چهره های اصلی اپوزسیون که چند ماهی است در بازداشت به سر می برد، و همچنین مصاحبه و انتقادهای تند و صریح روبرت کوچاریان، رئیس جمهور سابق ارمنستان علیه نیکول پاشینیان نشان می دهد هر چه ارمنستان به انتخابات پارلمانی در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ نزدیک تر می شود، فضای سیاسی این کشور نیز از التهاب بیشتری برخوردار می شود.

با توجه به این که اجرایی شدن توافق صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان، ساخت و عملیاتی شدن مسیر دسترسی زمینی به نخجوان، اجرایی شدن پروژه های دیگری مانند خط راه آهن، خطوط نفت و گاز، فیبر نوری و خطوط انتقال برق در این مسیر ۴۳ کیلومتری و نیز عادی سازی روابط ارمنستان و ترکیه و بازگشایی مرزهای دو کشور، نیازمند ثبات سیاسی در ارمنستان و تداوم دولت نیکول پاشینیان خواهد بود. لذا حفظ و بقای دولت نیکول پاشینیان به ویژه پیروزی مجدد او در انتخابات پارلمانی سال آینده، بهترین گزینه و مطلوب جمهوری آذربایجان، ترکیه و جهان غرب به ویژه دونالد ترامپ است و همه این طرف ها به خوبی آگاه هستند که اگر صحنه سیاسی در ارمنستان دستخوش بی ثباتی شود و مخالفان به قدرت برسند، با حمایت روسیه و نیز جامعه دیاسپورای ارمنی، می تواند اختلال جدی در روند توافق صلح و سایر طرح ها به ویژه مسیر دسترسی زمینی به نخجوان ایجاد شود که قطعاً به نفع جمهوری آذربایجان، ترکیه و جهان غرب نخواهد بود.

ملاحظات و رویکردهای سایر بازیگران به توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان

توافقنامه صلحی که بین الهام علی اف و نیکول پاشینیان، به امضاء رسید، پیامدها و ملاحظات متفاوتی را بر روی بازیگران مختلف منطقه قفقاز جنوبی به دنبال داشته است که شناخت و آگاهی از آن به درک بهتر شرایط پیچیده کنونی کمک خواهد کرد. با توجه به اهمیت پیامدها و ملاحظات ایران، در این بخش به ملاحظات و رویکردهای سایر بازیگران اشاره شده است و در بخش بعدی به صورت مستقل آثار و

پیامدهای توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و همچنین دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان پرداخته خواهد شد.

۱- گرجستان

اگر توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان نهایی و اجرایی شود، از نظر پایان بخشیدن به تنش و درگیری بین دو کشور همسایه برای گرجستان امری مثبت است و می‌تواند به همگرایی منطقه‌ای بیشتر در قفقاز جنوبی و حتی شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای با حضور و مشارکت سه کشور کمک نماید. با این وجود، اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان، پیامد منفی قابل توجهی برای گرجستان به همراه خواهد داشت و مسیر ترانزیتی و نیز خطوط انتقال انرژی از گرجستان نیز همانند مسیر عبوری ایران، اهمیت، جایگاه و ضرورت گذشته خود را از دست خواهد داد. طی دو دهه گذشته، مسیر ریلی باکو- تفلیس- قارص، خط لوله نفت باکو- تفلیس- جیحان و دو خط لوله گاز یعنی خط لوله باکو- تفلیس- ارزروم با اتصال به خط لوله گاز ترانس آدریاتیک (تاناپ)، نقش بسیار مهمی در ترانزیت و انتقال انرژی از منطقه قفقاز جنوبی به ترکیه و اروپا داشته است. لذا کاملاً روشن و منطقی است که گرجستان مخالف اجرایی شدن «کریدور زنگه زور» و نیز توافق اخیر برای اجرایی شدن دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان باشد.

با این وجود، طی پنج سال گذشته یعنی پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، گرجستان موضعی بسیار مبهم، دو پهلو و محافظه‌کارانه در رابطه با «کریدور زنگه‌زور» اتخاذ کرد و نه مانند ایران و ارمنستان به مخالفت آشکار با این کریدور ترانزیتی پرداخت و نه مانند ترکیه به حمایت آشکار از آن روی آورد. در واقع، منافع و ملاحظات سیاسی و اقتصادی گرجستان برای حفظ روابط متوازن با جمهوری آذربایجان، ترکیه و ارمنستان موجب شد که تفلیس چنین رویکرد میانه و محافظه‌کارانه‌ای را اتخاذ کند. ضمن این‌که پس از جنگ اوت ۲۰۰۸ میلادی بین روسیه و گرجستان در مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی که به قطع روابط دو کشور منجر شد، شرکت نفت دولتی سوکار جمهوری آذربایجان، در بازار گاز گرجستان، جایگزین گازپروم روسیه شده است و همین وابستگی شدید به گاز وارداتی

از جمهوری آذربایجان (تقریباً ۹۰ درصد) نقش مهمی در سکوت و عدم مخالفت علنی گرجی‌ها با پروژه «کریدور زنگه‌زور» در سال‌های اخیر داشته است. هرچند به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان و نیز ترکیه - دست کم در کوتاه مدت - به واسطه ریسک‌های احتمالی مسیر نخجوان از جمله با سقوط دولت نیکول پاشینیان و به قدرت رسیدن مخالفان، احتیاط لازم را در قبال مسیر ترانزیتی و انتقال انرژی از مسیر گرجستان مدنظر قرار خواهند داد و در کوتاه مدت از انتقال کامل ترانزیت، تجارت و انتقال انرژی از مسیر گرجستان به مسیر نخجوان خودداری خواهند کرد.

۲- ترکیه

بدون تردید، ترکیه یکی از ذی‌نفعان و برندگان توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان و به ویژه اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان است که به این کشور اجازه خواهد داد از طریق مرز کوتاه صدرک با نخجوان، بتواند ۳۵ سال پس از فروپاشی شوروی، بدون عبور از مسیر گرجستان، با جمهوری آذربایجان، ارتباط مستقیم برقرار کند که از چند منظر برای ترکیه بسیار حیاتی است. نخست، از نظر ژئوپلیتیکی به ترکیه این امکان را خواهد داد که پس از تقویت محور باکو- آنکارا متعاقب جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، نقش‌آفرینی و تاثیرگذاری بیشتری را در معادلات قفقاز جنوبی خواهد داد و فضا را برای قدرت مانور رقاباتی مانند ایران و روسیه تنگ‌تر خواهد کرد. به ویژه این که پس از سقوط بشار اسد در سوریه، ترکیه دست بالا را در تحولات سوریه و منطقه شامات پیدا کرده است و لذا با اعتماد به نفس بیشتری اقدام به نقش‌آفرینی و تاثیرگذاری بیشتری در معادلات قفقاز جنوبی خواهد نمود. هرچند ترکیه بازیگر بلامنازع در صحنه تحولات سوریه پس از اسد نیست و با چالش‌های متعددی به ویژه با کردهای سوریه مواجه است و از ژانویه ۲۰۲۵ میلادی (پس از سقوط بشار اسد) تا کنون نیز درگیری‌ها و چالش‌های متعددی با اسرائیل در سوریه داشته است.

از نظر فرهنگی و هویتی نیز دسترسی مستقیم ترکیه به جمهوری آذربایجان از طریق منطقه نخجوان و با عبور از خاک ارمنستان، به معنی پیوستگی سرزمینی و جغرافیایی «جهان تُرک» مورد نظر ترکیه است که تا کشورهای ترک آسیای مرکزی و حتی استان سین‌کیانگ چین (با اکثریت ترک‌های اویغور) را در

بر می‌گیرد. بیش از دو دهه است که ترکیه نقش محوری و رهبری را «سازمان کشورهای ترک»^۱ برعهده دارد که یکی از اهداف مهم آن پیوستگی سرزمینی و جغرافیایی، هویتی و فرهنگی و نیز اقتصادی و تجاری بین کشورهای ترک است. به همین دلیل است که بارها الهام علی‌اف و رجب طیب اردوغان، یکی از اهداف مهم «کریدور زنگه‌زور» را وحدت و یکپارچگی جهان ترک دانستند. از نظر اقتصادی، تجاری و ترانزیتی و انتقال انرژی نیز دسترسی مستقیم ترکیه به جمهوری آذربایجان از طریق منطقه نخجوان و با عبور از خاک ارمنستان، نیز نقش و جایگاه ترکیه در «کریدور میانی» برای ارتباط با دریای خزر، منطقه آسیای مرکزی و نیز چین تقویت خواهد شد و این امکان را به ترکیه خواهد داد که علاوه بر مسیر زمینی و دریایی با گرجستان، از طریق منطقه نخجوان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان در «کریدور میانی» ایفای نقش کند.

در این فرایند، عادی‌سازی روابط ترکیه با ارمنستان و بازگشایی مرزهای دو کشور پس از سه دهه نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. چنانچه در بخش‌های قبلی اشاره شد، پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، روبن روبینیان (معاون رئیس پارلمان ارمنستان) و سردار کلیچ (سفیر سابق ترکیه در آمریکا) به عنوان نمایندگان ویژه دو کشور تعیین شدند و در پنج سال اخیر دیدارها و مذاکرات متعددی بین رهبران و مقامات مختلف دو کشور برگزار شده است. هرچند تاکنون این کوشش‌ها به برقراری روابط دیپلماتیک و گشایش مرزهای ارمنستان و ترکیه منجر نشده است. در واقع، روشن بود که انعقاد موافقتنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه، دو موضوع به هم پیوسته است و به موازات پیشرفتی که در روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان صورت می‌گیرد، می‌توان انتظار پیشرفت در عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه و بازگشایی مرزهای دو کشور را داشت. ضمن این‌که، این موضوع

عملاً از سوی ترکیه به عنوان اهرم فشاری علیه ارمنستان نیز در سال‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفت. بدین صورت که اگر دولت نیکول پاشینیان خواستار خروج ارمنستان از انزوای اقتصادی، قرار

۱. سازمان کشورهای ترک که شورای ترک هم نامیده می‌شود، در سال ۲۰۰۹ میلادی در نخجوان تأسیس شد و در حال حاضر کشورهای ترکیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان به عنوان اعضای این سازمان و کشورهای ترکمنستان، مجارستان و قبرس شمالی (فاقد شناسایی بین‌المللی) به عنوان ناظر در این سازمان حضور دارند.

گرفتن در مسیرهای انتقال انرژی و کریدورهای ترانزیتی و دسترسی به آبهای آزاد مدیترانه است، نخست باید تکلیف موافقتنامه صلح با آذربایجان و دسترسی مستقیم زمینی به منطقه نخجوان را مشخص کند. بنابراین فرایند اجرایی شدن توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و آذربایجان و دسترسی آذربایجان به نخجوان، نقش بسیار مهمی در عادی سازی روابط ترکیه با ارمنستان و نیز بازگشایی مرزهای دو کشور خواهد داشت که از سال ۱۹۹۳ میلادی در حمایت از آذربایجان در جریان مناقشه قره باغ بسته شد.

به نظر می رسد تا زمانی که دولت نیکول پاشینیان و گفتمان حاکم بر این کشور در ارمنستان در قدرت باشند، مسائل و اختلافات تاریخی به ویژه موضوع قتل عام ارمنه مانعی در سر راه عادی سازی روابط دو کشور نیست و اقدام اخیر دولت پاشینیان در حذف تصویر کوه آرارات از مهرهای ورود و خروج مورد استفاده در مرزهای رسمی دو کشور گویای آن است که دولت کنونی ارمنستان، علی رغم همه مخالفت ها و اعتراضات جریانات سیاسی ملی گرا و محافظه کار ارمنی در صدد عادی سازی روابط و گشایش مرزها با ترکیه است. لذا تنها سقوط دولت نیکول پاشینیان در نتیجه اعتراض، شوروش و کودتا و یا شکست حزب حاکم «پیمان شهروندی» در انتخابات پارلمانی می تواند این معادلات را به کلی تغییر بدهد.

۳- فدراسیون روسیه

انعقاد توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجی گری دونالد ترامپ در امریکا در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۴، نشانه دیگری از کاهش نفوذ و جایگاه سنتی روسیه در قفقاز جنوبی است که پیامد مهم و مستقیم درگیری نظامی این کشور در جنگ اوکراین و تحریم های گسترده غرب علیه این کشور است. در واقع به نظر می رسد روس ها تاوان جنگ اوکراین را در قفقاز می پردازند. روسیه تحت تحریم گسترده غرب به دلیل نیازهای ترانزیتی، تجاری، بانکی و مالی و نیز واردات محصولات کشاورزی و غذایی، انعطاف هایی در مقابل محور جمهوری آذربایجان و ترکیه در قفقاز جنوبی نشان داد که در نهایت از نظر ژئوپلیتیکی به ضرر روس ها تمام شد. حتی پیش از جنگ اوکراین نیز عدم حمایت موثر روسیه از متحد سنتی خود در قفقاز یعنی ارمنستان در مقابل

جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ میلادی - حتی اگر با هدف تنبیه و مجازات نیکول پاشینیان صورت گرفته باشد - در نهایت به ضرر روس‌ها تمام شد. لذا در شرایطی که دورنمای روشنی برای پایان جنگ اوکراین دیده نمی‌شود، انتظار می‌رود با اجرایی‌شدن موافقتنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان و به ویژه دسترسی مستقیم به منطقه نخجوان که قطعاً تقویت هرچه بیشتر محور باکو - آنکارا در قفقاز جنوبی خواهد انجامید، نفوذ و جایگاه روسیه در معادلات این منطقه بیش‌تر از گذشته تضعیف خواهد شد.

در حالی که براساس توافقات ارمنستان و روسیه در سال‌های اخیر، بخش مهمی از نیروهای مرزبانی روسی از پست مرزی در استان‌های مجاور ارمنستان با جمهوری آذربایجان یعنی تاووش، گغارکونیک، وایتس جور و سیونیک خارج شده‌اند و نیروهای مرزبانی روسی، فرودگاه بین‌المللی زوارتوتس ایروان و مرز مشترک ارمنستان با ایران (گذرگاه مرزی آگاراک در جنوب استان سیونیک) و نیز مرز مشترک ارمنستان با ترکیه (گذرگاه مرزی مارگارا در غرب استان آرماویر) را نیز ترک کرده‌اند، قرار است متعاقب توافقتنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، نیروهای امنیتی شرکت‌های خصوصی آمریکایی در مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان در خاک ارمنستان برای تامین امنیت و نظارت بر این مسیر مستقر شوند. در حالی که براس توافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی که با میانجی‌گری روسیه بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان به امضاء رسید، قرار بود نیروهای مرزبانی روسی (اف. اس. بی) امنیت مسیر آذربایجان به نخجوان در داخل خاک ارمنستان را برعهده بگیرند. همین امر یعنی جایگزینی نیروهای امنیتی خصوصی آمریکایی با نیروهای مرزبانی روسی به روشنی نشان می‌دهد که چگونه روند تحولات در منطقه قفقاز در پنج سال گذشته به ضرر روس‌ها پیش رفته است.

این روند می‌تواند با تعطیلی دو پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان (نیروی هوایی در پایگاه اربونی در ایروان و پایگاه گیومری در مرز ارمنستان و ترکیه) تشدید شود که در این صورت روسیه به جز دو پایگاه نظامی در مناطق جدا شده گرجستان (مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی) دیگر هیچ پایگاه نظامی در منطقه قفقاز جنوبی نخواهد داشت. اگر چنین اتفاقی روی دهد که چندان دور از ذهن نیز به

نظر نمی‌رسد، ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی به رهبری روسیه نیز رسماً خارج خواهد شد. با توجه به این‌که آذربایجان و گرجستان در سال ۱۹۹۹ میلادی از این سازمان خارج شدند، خروج ارمنستان باعث خواهد شد که سازمان پیمان امنیت دسته جمعی دیگر در منطقه قفقاز جنوبی، هیچ‌گونه حضور و فعالیتی نداشته باشد که این امر ضربه بسیار بزرگی به جایگاه و نفوذ روسیه در این منطقه خواهد بود. نکته بسیار مهم این است که خروج کامل ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، راه را برای گسترش همکاری و در آینده حتی عضویت در پیمان ناتو فراهم خواهد نمود.

در حوزه اقتصادی نیز دولت ارمنستان با ملی‌کردن شبکه برق این کشور در اوایل مرداد ۱۴۰۴ نخستین گام را برای خارج شدن از انحصار و سلطه اقتصادی روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی ارمنستان برداشت. در صورتی که دولت پاشینیان موفق به ادامه این روند در حوزه مخابرات، راه‌آهن و به ویژه گاز شود که فرایندی بسیار سخت و پرچالش است، روسیه یکی از مهم ترین اهرم های نفوذ و فشار خود را در ارمنستان از دست خواهد داد. ضمن این‌که این شرایط را برای خروج ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و افزایش سطح همکاری و یا حتی عضویت در اتحادیه اروپا فراهم خواهد کرد. خروج احتمالی ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز باعث خواهد شد که این اتحادیه دیگر در منطقه قفقاز جنوبی حضور و فعالیتی نداشته باشد و این امر نیز ضربه دیگری بر اقتدار و نفوذ سنتی روسیه در این منطقه وارد خواهد ساخت.

در حوزه ترانزیت و تجارت نیز روند اوضاع به نفع روس‌ها نیست. جنگ اوکراین و تحریم گسترده روسیه از سوی غرب، تقویت قابل توجه «کریدور میانی» را به دنبال داشته است که این امر باعث تقویت هر چه بیشتر جمهوری آذربایجان و ترکیه به عنوان مسیر ترانزیت و تجارت بین چین و آسیای مرکزی با اروپا شده است. در صورتی که توافقنامه صلح ارمنستان و آذربایجان نهایی شود و مسیر دسترسی آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان نیز عملیاتی شود، قابل پیش‌بینی است که «کریدور میانی» با عبور از مسیری کوتاه‌تر و سریع‌تر از مسیر فعلی در قفقاز جنوبی (آذربایجان- گرجستان- ترکیه) بیشتر از قبل تقویت شود. در حوزه انرژی نیز هدفگذاری اروپا برای کاهش واردات گاز طبیعی از روسیه موجب تقویت قابل توجه جمهوری آذربایجان در کریدور جنوبی انتقال انرژی به اروپا شده

است. در این بین، اجرایی شدن احتمالی مسیر انتقال انرژی ترانس خزر برای انتقال گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان به جمهوری آذربایجان و عبور آن از مسیر آذربایجان-ارمنستان-نخجوان به ترکیه و اروپا، ضربه دیگری به جایگاه و نقش روسیه در صادرات انرژی به اروپا خواهد بود.

بنابراین روند کلی اوضاع در قفقاز جنوبی به نفع روسیه نیست. ارمنستان از زمان به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در سال ۲۰۱۸ در مسیر واگرایی از روسیه و نزدیکی به غرب قرار گرفته است و در ۷ سال گذشته، این روند بدون وقفه ادامه داشته و تشدید نیز شده است. روابط جمهوری آذربایجان و روسیه نیز از ابتدای سال ۲۰۲۵ میلادی در بدترین وضعیت خود پس از فروپاشی شوروی قرار دارد. گرجستان نیز هرچند متعاقب انتخابات پارلمانی پاییز ۲۰۲۴ میلادی پس از دو دهه از غرب فاصله گرفته است، اما به دلیل شناسایی یک جانبه استقلال مناطق جدانشده آبخازیا و اوستیای جنوبی از سوی روسیه، به مسکو نیز نزدیک نشده است.

در چنین شرایطی، در صورتی که جنگ اوکراین به پایان برسد، بازگشت روسیه به سیاست‌ها و رویکردهای سنتی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی بسیار محتمل خواهد بود که در این صورت دیگر روسیه انعطاف‌های چند سال اخیر را در قبال ترکیه و جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی نشان نخواهد داد. اما اگر جنگ اوکراین همچنان ادامه پیدا کند که قرائن و شواهد کنونی نیز این گزاره را تایید می‌کند، روس‌ها احتمالاً به تغییر و تحولات در صحنه سیاسی داخلی ارمنستان چشم خواهند دوخت. چرا که سقوط دولت نیکول پاشینیان در نتیجه اعتراض، شورش و کودتا و یا شکست حزب حاکم «پیمان شهروندی» در انتخابات پارلمانی می‌تواند معادلات کنونی را به کلی تغییر بدهد و با به قدرت رسیدن احزاب ملی‌گرا و محافظه‌کار ارمنی که به صورت سنتی به روسیه نزدیک هستند، روابط ارمنستان و روسیه نیز به شرایط قبل از ۲۰۱۸ میلادی (مقطع به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان) بازخواهد گشت. در چنین شرایطی، با احیای موازنه قوای سنتی و ژئوپلیتیک در قفقاز جنوبی، مانعی جدی در محور جمهوری آذربایجان-ترکیه ایجاد خواهد شد.

۴- اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا یکی از یکی از ذی‌نفعان و برندگان توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان و



به ویژه اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان است که به اروپا اجازه می‌دهد با عبور «کریدور میانی» از این مسیر، دسترسی سریع‌تر و کم هزینه‌تری به قفقاز جنوبی، دریای خزر، آسیای مرکزی و چین پیدا کند که در میانه تنش و درگیری اروپا با روسیه در جنگ اوکراین از اهمیت بسیار بالایی برای اروپایی‌ها از نظر ترانزیت و تجارت برخوردار است. همچنین با اجرایی‌شدن طرح انتقال انرژی ترانس خزر، اروپا این امکان را پیدا خواهد کرد که علاوه بر منابع انرژی جمهوری آذربایجان به منابع نفت قزاقستان و گاز ترکمنستان نیز دسترسی پیدا کنند که این امر در راستای کاهش وابستگی اروپا به گاز وارداتی از روسیه بسیار استراتژیک و حائز اهمیت است.

علاوه بر این، در یک رویکرد کلان، اتحادیه اروپا همواره قفقاز جنوبی را بخشی از جغرافیا و هویت اروپایی تعریف کرده است و در سه دهه اخیر در جهت نزدیکی و ادغام گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان در ساختارها و ارزش‌های اروپایی تلاش کرده است و برنامه‌های مختلفی مانند «برنامه مشارکت شرقی»^۱ را در این منطقه با هدف تقویت حکمرانی و دموکراسی، حمایت از اصلاحات سیاسی و افزایش شفافیت در حکومت، ترویج حقوق بشر و حکومت قانون، تقویت جامعه مدنی و رسانه‌های آزاد و نیز حمایت از همگرایی اقتصادی با بازار واحد اتحادیه اروپا به اجرا گذاشته است. اتخاذ این رویکرد، یک تعارض منافع جدی را بین اتحادیه اروپا با فدراسیون روسیه به دنبال داشته است. لذا در شرایطی که گرجستان متعاقب انتخابات پارلمانی پاییز ۲۰۲۴ میلادی پس از دو دهه از غرب فاصله گرفته است، اتحادیه اروپا سردی و تنش در روابط ارمنستان و جمهوری آذربایجان با روسیه و همچنین توافقنامه صلح اخیر بین دو کشور را با میانجی‌گیری آمریکا (نه روسیه) روی داده است، گامی مهم و مثبت در نزدیکی هر چه بیشتر ارمنستان و جمهوری آذربایجان به سمت غرب ارزیابی می‌کنند و لذا کاملاً از روند کنونی حمایت می‌کنند. نکته بسیار مهم این است که به نظر می‌رسد توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان برخی اختلاف‌نظرها و سیاست‌های متفاوت بین کشورهای اروپایی در قبال ارمنستان و جمهوری آذربایجان را نیز برطرف کرده است.

طی سال‌های اخیر، فرانسه حمایت آشکار و قاطعی را از ارمنستان نشان داده است و بخش مهمی از نیازهای دفاعی و نظامی این کشور را تامین کرده است و همین امر روابط فرانسه با جمهوری آذربایجان را بسیار سرد و پرتنش ساخته بود. به گونه‌ای که در نشست جنبش عدم تعهد که در پنجم ژوئیه ۲۰۲۳ در باکو برگزار شد، الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، فرانسه را به عنوان یکی از کشورهای که به سیاست استعمار نوین خود ادامه می‌دهد، متهم کرد و از امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه خواست تا از کشورهای آسیب‌دیده از استعمار فرانسه عذرخواهی کند. در همین فضای پرتنش، دولت فرانسه، جمهوری آذربایجان را به حمایت از آشوبگران علیه سلطه فرانسه در کالدونیای جدید، قلمرو فرانسه در جنوب اقیانوس آرام متهم کرده بود.

اما برخلاف فرانسه، کشورهای دیگر اروپایی مانند ایتالیا، آلمان و نیز کشورهای اروپای شرقی مانند رومانی و بلغارستان که وابستگی بیشتری به گاز آذربایجان و ترانزیت و تجارت از کریدور میانی دارند، روابط نزدیکی با جمهوری آذربایجان برقرار کردند؛ هرچند از ورود به تنش و اختلاف با ارمنستان نیز خودداری کردند. در این بین، بریتانیا نیز به واسطه حضور و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ این کشور مانند بریتیش پترولیوم و شل در میدان نفت و گاز جمهوری آذربایجان، روابط نزدیک تری با باکو- در مقایسه با ارمنستان- ایجاد کرده بود. با این وجود، به نظر می‌رسد توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، فرانسه و سایر کشورهای اروپایی را در رابطه با این دو کشور منطقه قفقاز جنوبی بیشتر به هم نزدیک ساخته است. نمونه بارز این امر، دیدار الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در حاشیه هفتمین اجلاس اتحادیه سیاسی اروپا در کپنهاگ در ۲ اکتبر ۲۰۲۵ میلادی بود که پس از چندین سال تنش و اختلاف نظر شدید بین رهبران دو کشور، بسیار شایان توجه بود.

همچنین به نظر می‌رسد اشاره ماده ۷ توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان به این موضوع که «طرفین هیچ نیروی نظامی کشور ثالثی را در امتداد مرز مشترک خود مستقر نخواهند کرد» نیز در کاهش تنش و اختلاف بین جمهوری آذربایجان با اروپا به ویژه فرانسه بسیار موثر بود. طی سال‌های اخیر، دولت آذربایجان به شدت مخالف و منتقد استقرار ناظران اتحادیه اروپا در مرز

مشترک ارمنستان با جمهوری آذربایجان بود و استقرار این نیروها را که بنا به درخواست ارمنستان صورت گرفته بود را رویکرد یک جانبه و حمایتی اتحادیه اروپا از ارمنستان، باعث ایجاد تنش در منطقه و همچنین فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی علیه جمهوری آذربایجان می‌دانست. لذا ماده ۷ توافقنامه صلح نه تنها باعث خروج ناظران اتحادیه اروپا در مرز مشترک ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواهد شد، بلکه به خروج کامل نیروهای مرزبانی روسی در مرزهای مشترک ارمنستان با آذربایجان، ایران و ترکیه نیز رسمیت می‌بخشد و به نوعی تضمینی است که این نیروها در آینده به این مرزها برنگردند؛ اقدامی که اگر از ناحیه هر نیروی خارجی صورت گیرد، نقض ماده ۷ توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواهد بود. با این وجود، در صورت شکست حزب حاکم «پیمان شهروندی» در انتخابات پارلمانی آتی و به قدرت رسیدن مخالفان در ارمنستان که می‌تواند چرخش مجدد این کشور به سمت روسیه را به دنبال داشته باشد، شرایط برای اتحادیه اروپا بسیار دشوار خواهد شد و حتی این احتمال وجود دارد که شکاف‌ها و اختلاف نظرهای گذشته در بین کشورهای اروپایی در قبال ارمنستان و جمهوری آذربایجان یک بار دیگر احیا شود.

۵- ایالات متحده آمریکا

امضاء توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجی‌گری دونالد ترامپ در کاخ سفید یک نقطه عطف در سیاست خارجی آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی پس از فروپاشی شوروی محسوب می‌شود. از این جهت که آمریکا در ۳۵ سال گذشته، در قالب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا و یا مذاکرات سه جانبه با ارمنستان و آذربایجان نتوانسته بود در مناقشه قره‌باغ کوهستانی نقش موثری در ایجاد آتش‌بس و یا انعقاد یک موافقتنامه صلح ایفا کند. چنانچه هر دو جنگ اول و دوم قره‌باغ با میانجی‌گری روسیه در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۲۰ میلادی به پایان رسید. در مناقشه آبخازیا و اوستیای جنوبی نیز همین شرایط حاکم بود و جنگ اوت ۲۰۰۸ بین روسیه و گرجستان با میانجی‌گری فرانسه به پایان رسید. علاوه بر این، طی ۳۵ سالی که از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های قفقاز جنوبی می‌گذرد، فقط یک رئیس جمهور آمریکا- جرج بوش پسر- در سال ۲۰۰۵ میلادی به گرجستان سفر کرد و هنوز هیچ رئیس جمهوری چه دموکرات و چه جمهوری

خواه به ارمنستان و جمهوری آذربایجان سفر نکرده است.

با توجه به چنین واقعیات و پیشینه‌ای است که امضاء توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و به ویژه دسترسی آذربایجان به نخجوان که «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه جهانی» یا به طور خلاصه «پل ترامپ» نامیده می‌شود، رویداد و تحول بسیار مهمی است. به نظر می‌رسد امضاء این توافقنامه در این مقطع زمانی، بسیار تحت تاثیر شخصیت و روحیات خاص دونالد ترامپ و در راستای نهادینه‌شدن عنوان و برند «رئیس جمهور صلح»^۱ و همواره نمودن مسیر دستیابی دونالد ترامپ به جایزه «صلح نوبل» در سال ۲۰۲۵ میلادی صورت گرفته است. در واقع، پس از چالش‌ها و ناکامی‌های ترامپ در حل و فصل جنگ روسیه و اوکراین و پرونده هسته‌ای ایران، رئیس جمهور آمریکا امیدوار بود با موفقیت در انعقاد موافقتنامه صلح بین رواندا و کنگو، آتش‌بس بین هند و پاکستان، آتش‌بس بین تایلند و کامبوج، موافقتنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و به ویژه با امضاء توافقنامه صلح بین اسرائیل و حماس در شرم الشيخ مصر بتواند کارنامه و سوابق خود را در حل و فصل مناقشات بین‌المللی، پربارتر کند و بدین ترتیب مسیر به جایزه «صلح نوبل» در سال ۲۰۲۵ میلادی را هموارتر نماید. با این وجود، ترامپ در تحقق این هدف ناکام بود و جایزه صلح نوبل به خانم ماریا کورینا ماچادو، رهبر اپوزسیون ونزئلا رسید.

علاوه بر این، اگر «پل ترامپ» بین جمهوری آذربایجان و نخجوان با عبور از خاک ارمنستان توسط شرکت‌های آمریکایی ساخته و اجرایی شود و شرکت‌های خصوصی امنیتی آمریکایی نیز مسئولیت تامین امنیت، نظارت و کنترل بر این مسیر (تحت قوانین ارمنستان) را برعهده بگیرند، این امر به موازات خروج نیروهای مرزبانی روسی از مرزهای مشترک ارمنستان با جمهوری آذربایجان، ایران و ترکیه، گام بسیار مهمی در افزایش ضریب نفوذ آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی به شمار می‌رود. حتی این احتمال وجود دارد که در آینده، برای حفظ و تامین امنیت این شرکت‌ها و کارکنان و نیروهای آن، آمریکا اقدام به استقرار پایگاه نظامی نیز در ارمنستان کند که این امر نیز اگر با تعطیلی دو پایگاه نظامی روسی در ارمنستان و خروج این کشور از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی همراه شود،

حضور نظامی و امنیتی آمریکا در این منطقه به مراتب افزایش خواهد یافت و می‌تواند باعث تسهیل و تقویت همکاری‌ها و یا حتی عضویت ارمنستان در پیمان ناو در بلندمدت شود. از دیدگاه اقتصادی، تجاری، ترانزیتی و انتقال انرژی نیز نزدیکی ارمنستان به غرب و اجازه دسترسی مستقیم به جمهوری آذربایجان برای اتصال به نخجوان باعث خواهد شد با تقویت «کریدور میانی» و احیای طرح‌هایی مانند «ترانس خزر»، روند همکاری‌های اقتصادی و تجاری با آسیای مرکزی و نیز چین - بدون حضور و مشارکت روسیه - شتاب بیشتری بگیرد.

تردیدی نیست که آمریکا همانند اتحادیه اروپا در رقابت ژئوپولیتیکی که با روسیه از همان ابتدای فروپاشی شوروی آغاز شد و در ۳۵ سال گذشته ادامه پیدا کرده است و با آغاز جنگ اوکراین تشدید نیز شده است، خواستار واگرایی و جدایی مناطق پیرامونی روسیه به عنوان حوزه نفوذ سنتی این کشور است. این اتفاق پس از فروپاشی شوروی در اروپای شرقی (کشورهای مولداوی، اسلواکی، مجارستان، رومانی، بلغارستان و چکسلواکی)^۱ و حوزه بالتیک (لیتوانی، لتونی و استونی) روی داد و این کشورها در «موج اول گسترش غرب» از سلطه و نفوذ روسیه خارج شده و در ساختارهای یورو-آتلانتیکی مانند اتحادیه اروپا و پیمان ناتو ادغام شدند. «موج دوم گسترش غرب» به سمت شمال شرق اروپا و به طور مشخص اوکراین بود که باعث واکنش شدید روسیه شد و نگرانی‌های استراتژیک روس‌ها از عضویت اوکراین در پیمان ناتو باعث آغاز جنگ علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ میلادی شد و بزرگ‌ترین تهدید و چالش نظامی و امنیتی را برای اروپا و مجموعه جهان غرب پس از پایان جنگ جهانی دوم پدید آورد و چشم‌انداز روشنی هم برای پایان آن دیده نمی‌شود.

اما «موج سوم گسترش غرب» به سمت منطقه قفقاز جنوبی است که معمولاً در ادبیات و اصلاحات سیاسی جهان غرب این منطقه به عنوان بخشی از «منطقه بزرگ‌تر دریای سیاه»^۲ تعریف می‌شود. در این راستا، افزایش سطح همکاری و در نهایت ادغام جمهوری‌های قفقاز جنوبی در ساختارهای یورو-آتلانتیکی مانند اتحادیه اروپا و پیمان ناتو یک هدف بلندمدت و استراتژیک

۱. جمهوری فدرال چکسلواکی در ۱ ژانویه ۱۹۹۳ میلادی، به صورت داوطلبانه به دو کشور مستقل جمهوری چک و اسلواکی تقسیم شد.

محسوب می‌شود که جایگاه، نقش و نفوذ سنتی روسیه در یکی از مهم‌ترین مناطق پیرامونی‌اش را - همانند اروپای شرقی و حوزه بالتیک- پایان خواهد داد. از دیدگاه آمریکا و اتحادیه اروپا، جنگ روسیه علیه اوکراین و تحریم گسترده غرب علیه روسیه، این فرصت و امکان را فراهم کرده است که قفقاز جنوبی را «موج سوم گسترش غرب» هرچه بیشتر از روسیه دور نموده و به غرب نزدیک‌تر نمایند. از این منظر، توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجی‌گری دونالد ترامپ می‌تواند یک گام بسیار مهم در این فرایند باشد.

با این وجود، در صورتی که جنگ اوکراین به هر ترتیبی به پایان برسد و روسیه مجدداً به سیاست موازنه سنتی ژئوپلیتیکی و مقابله با نفوذ و گسترش غرب در قفقاز جنوبی و مهار محور جمهوری آذربایجان- ترکیه برگردد و یا اگر با شکست حزب حاکم «پیمان شهروندی» در انتخابات پارلمانی در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵، دولت نیکول پاشینیان سقوط کند و مخالفان به قدرت برسند، تمامی این معادلات برهم خواهد خورد. در صورت تحقق چنین سناریویی، همان‌گونه که گرجستان پس از فاصله گرفتن از غرب در انتخابات پارلمانی پاییز ۲۰۲۴ میلادی، مورد تحریم و فشار اتحادیه اروپا و آمریکا قرار گرفته است، ارمنستان نیز احتمالاً با فشارهای سیاسی و تحریمی به ویژه از سوی دونالد ترامپ مواجه خواهد شد که توافقنامه صلح با میانجی‌گری او به امضاء رسیده است. در چنین حالتی، ارمنستان همانند قبل از ۲۰۱۸ میلادی (مقطع به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان) مجدداً زیر چتر حمایتی روسیه قرار خواهد گرفت.

۶- شامات (اسرائیل و سوریه)

اسرائیل در کنار ترکیه یکی دیگر از ذی‌نفعان و برندگان توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان و به ویژه اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان است که اجازه می‌دهد اسرائیل از طریق ترکیه ارتباط و دسترسی سریع‌تری (در مقایسه با مسیر گرجستان) با متحد نزدیک خود یعنی جمهوری آذربایجان برقرار نماید. مسیر کنونی انتقال نفت آذربایجان به اسرائیل از مسیر خط لوله باکو- تفلیس- جیهان است که می‌تواند با حذف مسیر گرجستان، مسیر نخجوان جایگزین آن شود. علاوه بر این، مسیر نخجوان می‌تواند از نظر تجاری،

ترانزیتی و به ویژه انتقال تجهیزات نظامی و دفاعی که بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد نیازهای دفاعی جمهوری آذربایجان را شامل می‌شود، از مسیر نخجوان منتقل شود. ضمن این‌که این روند به افزایش ضریب نفوذ سیاسی، اقتصادی و به ویژه نظامی - اطلاعاتی اسرائیل در مجاورت مرزهای شمال غربی ایران نیز کمک شایانی خواهد نمود. نکته مهم این است که پس از به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان در سال ۲۰۱۸ میلادی، ارمنستان اقدام به توسعه مناسبات با اسرائیل نموده است و به جز مقطع کوتاه پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی که سفیر ارمنستان در اسرائیل در اعتراض به حمایت اطلاعاتی - نظامی اسرائیل از جمهوری آذربایجان فراخوانده شد، این روابط برقرار و رو به گسترش بوده است. لذا با توجه به روابط راهبردی و بسیار نزدیک اسرائیل با جمهوری آذربایجان و نیز روابط نسبتاً نزدیک و باثباتی که بین اسرائیل و گرجستان وجود دارد، توافقنامه اخیر صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان و به ویژه اجرایی شدن توافق ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان می‌تواند از نظر دسترسی سریع‌تر اسرائیل به منطقه قفقاز باعث افزایش ضریب نفوذ این بازیگر در منطقه شود. مگر این‌که با شکست حزب حاکم «پیمان شهروندی» در انتخابات پارلمانی، دولت نیکول پاشینیان سقوط کند و مخالفان به قدرت برسند و دولت ارمنستان به سیاست روابط بسیار محدود قبل از ۲۰۱۸ با اسرائیل برگردد و اجرای موافقتنامه صلح با جمهوری آذربایجان نیز متوقف شود. از سویی دیگر سوریه پس از بشار اسد نیز در این تحولات بسیار مهم است. اگر توافقنامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان زمانی روی می‌داد که نظام سیاسی بشار اسد در قدرت بود، به دلیل روابط بسیار نزدیک سوریه با ارمنستان و نیز روابط سرد و پرتنش سوریه با ترکیه و جمهوری آذربایجان، این توافقنامه عملاً تاثیر چندانی بر معادلات بین قفقاز جنوبی و منطقه شامات نداشت. اما تحولات پس از ۷ اکتبر در خاورمیانه و به ویژه در سوریه پس از سقوط بشار اسد، شرایط و معادلات بسیار تغییر کرده است. در حالی که سفارت ارمنستان همانند ایران و روسیه، در جریان جنگ داخلی سوریه (۲۰۱۱-۲۰۲۴) در دمشق فعال بود، سفارت ترکیه و جمهوری آذربایجان از همان ابتدای جنگ داخلی به بیروت منتقل شد. اما پس از سقوط ناگهانی رژیم بشار اسد، شرایط به کلی تغییر کرده است و سفارت ارمنستان در دمشق تعطیل و به بیروت منتقل شده است و سفارتخانه‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان پس از ۱۳

سال در دمشق بازگشایی شده‌اند. به نظر می‌رسد، جمهوری آذربایجان قصد دارد در کنار متحد سستی خود یعنی ترکیه نقش مهم‌تری در سوریه پس از اسد ایفا کند. روابط نزدیک ترکیه با رهبران جدید سوریه و همچنین عدم حضور و تضعیف ارمنستان در سوریه پس از اسد، فرصت خوبی را برای باکو فراهم کرده است.

دیدار الهام علی‌اف با احمد الشرع (جولانی)، رئیس‌جمهور موقت سوریه، در حاشیه چهارمین نشست دیپلماتیک در آنتالیا در ۱۱ آوریل ۲۰۲۵ میلادی و متعاقب آن، سفر رسمی احمد الشرع (جولانی) در ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵ میلادی به باکو و دیدار مجدد با الهام علی‌اف و به ویژه توافق دو طرف برای صادرات سالانه ۱/۲ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از میدان شاه‌دنیز به سوریه به روشنی‌گویای تغییر و تحولات جدیدی است که در روابط باکو و دمشق در یک سال اخیر روی داده است. در چنین شرایطی، سوریه می‌تواند از طریق ترکیه و مسیر نخجوان-ارمنستان (در صورتی که اجرایی شود)، دسترسی مستقیمی به جمهوری آذربایجان پیدا کند که از نظر ترانزیت، تجارت و انتقال انرژی برای هر دو طرف بسیار حائز اهمیت است و به افزایش ضریب نفوذ جمهوری آذربایجان در کنار ترکیه در سوریه پس از بشار اسد نیز کمک شایانی خواهد نمود.

۷- چین و آسیای مرکزی

چین و آسیای مرکزی نیز در کنار اروپا و آمریکا، ترکیه و اسرائیل، از ذی‌نفعان و برندگان این توافقنامه صلح محسوب می‌شوند. در واقع، چین و آسیای مرکزی در سمت شرق و ترکیه و اروپا در سمت غرب، از مهم‌ترین ذی‌نفعان اجرایی‌شدن توافقنامه صلح و عملیاتی‌شدن مسیر دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان در دو سوی «کریدور میان» هستند که با دورزدن مسیرهای شمالی (روسیه) و جنوبی (ایران) شکل گرفته است و پس از جنگ اوکراین نیز به مراتب تقویت شده است. علاوه بر ترانزیت و تجارت، احیای طرح انتقال انرژی ترانس خزر برای انتقال نفت قزاقستان و گاز ترکمنستان به جمهوری آذربایجان، ترکیه و اروپا و همچنین کابل‌گذاری فیبر نوری و انتقال دیتا بین بندر آکائو قزاقستان و بندر باکو از بستر دریای خزر نیز از جمله موضوعاتی است که کشورهای آسیای مرکزی را جزء ذی‌نفعان توافقنامه صلح ساخته است. ضمن این‌که بین کشورهای ترک آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان،

قرقیزستان و ازبکستان) با جمهوری آذربایجان و ترکیه در قالب «سازمان کشورهای ترک» نیز نوعی همسویی و همبستگی وجود دارد و به همین دلیل است که کشورهای آسیای مرکزی پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، صراحتاً به حمایت از پروژه «کریدور زنگه‌زور» مدنظر جمهوری آذربایجان و ترکیه برخاستند و تحقق آن را به منزله تقویت کریدور میانی و افزایش حجم ترانزیت، تجارت و همکاری‌های اقتصادی بین شرق و غرب اعلام نمودند.

با این وجود، رویکرد چین متأثر از سبک و نوع رفتار و سیاست خارجی این کشور- از همان ابتدا به پروژه «کریدور زنگه‌زور» با احتیاط و ملاحظه همراه بود و ترکیبی از حمایت ضمنی از اهداف آذربایجان در حوزه اتصال منطقه‌ای و تأکید بر احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی ارمنستان را در بر می‌گرفت. در واقع، هرچند چین اتصال جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان را به عنوان بخشی از کریدور میانی، در راستای منافع کلان تجاری و ترانزیتی خود در «طرح یک کمر بند- یک راه» می‌دانست، اما با این وجود تلاش می‌کرد وارد اختلافات منطقه قفقاز جنوبی نیز نشود و حساسیتی را در ارمنستان و نیز ایران ایجاد نکند. لذا عموماً در موضع‌گیری‌های خود به جملات کلی و بسیار محافظه کارانه بسنده می‌کرد از جمله این که «چین علاقمند است که مسیرهای ترانزیتی جدید در منطقه قفقاز جنوبی توسعه یابند، که کریدور زنگه‌زور می‌تواند یکی از این مسیرها باشد». لذا با این احتیاط و ملاحظه، چین از توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان و ایجاد مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان حمایت می‌کند و آن را در راستای منافع کلان اقتصادی، تجاری و ترانزیتی در این منطقه و نیز با ترکیه و اروپا می‌بیند.

ایران و توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان

از نظر جغرافیایی، ایران در موقعیتی در جنوب منطقه قفقاز قرار گرفته است که آن را کاملاً متمایز از سایر کشورها و بازیگران ساخته است. ایران تنها کشوری است که با هر دو بخش جمهوری آذربایجان یعنی سرزمین اصلی این کشور و منطقه نخجوان همسایه است. همچنین ایران تنها کشور همسایه منطقه قفقاز جنوبی است که طی ۳۵ سال گذشته در مجاورت مستقیم جغرافیای جنگ و درگیری بین طرف‌های ارمنی و آذری مناطق پیرامونی قره‌باغ به ویژه مناطق جبرائیل، فیضولی و زنگیلان در مجاورت

رود ارس در مرزهای شمال غربی کشور قرار داشته است. در جنگ اول قره‌باغ ایران کمک‌های قابل توجه انسانی، دارویی و پزشکی به آسیب‌دیدگان هر دو طرف درگیری نمود و در تامین سوخت، برق، آرد و سایر اقلام ضروری در منطقه نخجوان نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای داشت. ضمن این‌که ایران به جمهوری آذربایجان اجازه دسترسی زمینی از پایانه مرزی بیله سوار در شمال اردبیل و با عبور از استان آذربایجان شرقی به منطقه نخجوان را داد که نقش مهمی در تردد شهروندان و ترانزیت بین سرزمین اصلی این کشور و منطقه نخجوان را داد.

همچنین، ایران در راستای سیاست همسایگی، کوشش نمود روابط متوازنی را با هر دو کشور همسایه ارمنستان و جمهوری آذربایجان شکل دهد. در این راستا، ایران از همان ابتدای فروپاشی شوروی و آغاز درگیری‌ها، قره‌باغ کوهستانی و مناطق پیرامونی آن را بخشی از سرزمین و حاکمیت جمهوری آذربایجان اعلام نمود؛ هرچند بر حفظ حقوق و امنیت ارامنه این مناطق نیز تاکید داشت. از سویی دیگر، ایران برخلاف کشورهای مانند ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان، روابط دیپلماتیک خود را با ارمنستان حفظ نمود. ضمن این‌که ایران کوشش دیپلماتیک و میانجی‌گریانه‌ای را برای پایان بخشیدن به جنگ اول قره‌باغ صورت داد که متأسفانه برخلاف تجربه موفق میانجی‌گری ایران در پایان بخشیدن به جنگ داخلی تاجیکستان، تجربه میانجی‌گری ایران در جنگ قره‌باغ بین طرف‌های ارمنی و آذری بنا به دلایل و ملاحظات مختلفی از داخل و خارج از منطقه، تجربه موفق‌تری نبود و به نتیجه نرسید.

در چنین شرایطی، تداوم تنش و اختلاف بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، آسیب‌های مختلفی را برای ایران به همراه داشت. با قطع ارتباط زمینی و ریلی بین جمهوری آذربایجان و نخجوان در جنگ اول قره‌باغ، ارتباط ریلی ایران با منطقه قفقاز و روسیه نیز پس از نزدیک به هفتاد سال قطع شد که یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت و تجارت ایران با اتحاد جماهیر شوروی بود. متأسفانه پس از گذشت ۳۵ سال این وضعیت همچنان ادامه دارد و ایران تنها کشوری در منطقه است که فاقد هرگونه ارتباط ریلی با قفقاز جنوبی است. همچنین تصرف مناطق پیرامونی قره‌باغ توسط ارامنه در جنگ اول قره‌باغ باعث شد که افتتاح و بهره‌برداری از سد خداآفرین با یک تاخیر تقریباً ۲۰ ساله همراه شود که می‌توانست نقش مهمی در توسعه و رشد اقتصادی مناطق روستایی و شهری در مجاورت مرزهای شمال غربی کشور داشته



باشد. تنها پس از جنگ دوم قره باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ بود که ایران توانست با همکاری و مشارکت جمهوری آذربایجان، سد خداآفرین و نیز سد قیز قلعه سی را مورد بهره‌برداری قرار دهد. ضمن این‌که در جریان جنگ دوم قره‌باغ نیز مجدداً مناطق مرزی شمال غربی ایران به طور مستقیم در مجاورت جنگ و درگیری بین طرف‌های ارمنی و آذری قرار گرفت و در استان آذربایجان شرقی، در بخش خداآفرین، چندین روستا از جمله «شرف»، «محمد صالح‌لو»، «همراه‌لو» و «قلی بگ‌لو» در معرض گلوله‌های توپ و یا سقوط پهبادها قرار گرفتند که آسیب‌هایی به برخی از مناطق مسکونی نیز به دنبال داشت؛ هرچند خوشبختانه این حوادث تلفات جانی و انسانی برجای نگذاشت. دولت ایران به دلیل این اسابت‌ها و آسیب‌ها، اعتراض رسمی به جمهوری آذربایجان و ارمنستان ارسال کرد و خواستار احترام به تمامیت ارضی ایران و حفاظت از اتباعش در مناطق مرزی شد. بنابراین، ایران به دلیل مجاورت جغرافیایی با مناطق جنگ و درگیری در مناطق پیرامونی قره‌باغ و نیز همسایگی با سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان، ارمنستان و نخجوان در موقعیتی متمایز و منحصر به فرد قرار گرفت که کاملاً با شرایط کشورهایمانند گرجستان، ترکیه و روسیه متفاوت بود.

در چنین شرایطی، ایران در جنگ دوم قره‌باغ (۶ مهر تا ۲۰ آبان ۱۳۹۹) که به بازگشت هفت منطقه پیرامونی شامل مناطق جبرائیل، زنگیلان، فیضولی، قبادلی، آغدام، لاجین، کلیج‌ر و همچنین شوشا (شوشی) در قره‌باغ کوهستانی به حاکمیت جمهوری آذربایجان شد، در راستای سیاست اصولی خود که از همان ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی دنبال می‌کرد، این روند را به رسمیت شناخت و در عین حال باز هم بر حفظ امنیت و حقوق ارامنه این مناطق تاکید کرد. همین رویکرد و موضع در جنگ سوم قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی / شهریور ۱۴۰۲ نیز تکرار شد که «خان‌کندی» (به تعبیر ارامنه استپاناکرت)، مرکز منطقه قره‌باغ کوهستانی و نیز مناطقی مانند خوجالی، خوجاوند، آغدره و عسگران به حاکمیت جمهوری آذربایجان بازگشت. در عین حال، ایران یک بار دیگر بر حفظ حقوق و امنیت بیش از ۱۲۰ هزار ارمنی که مجبور به ترک این منطقه و پناهندگی در ارمنستان شدند، تاکید کرد.

در راستای همین رویکرد کلان و اصولی، ایران از توافقنامه آتش‌بس قره‌باغ در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی / ۲۰ آبان ۱۳۹۹ حمایت کرد و آن را به نفع صلح، ثبات و امنیت منطقه قفقاز جنوبی دانست.

ایران همچنین پیشنهاد شکل‌گیری الگوی ۳+۳ برای همکاری منطقه‌ای در قفقاز جنوبی را با مشارکت سه کشور این منطقه (ارمنستان، گرجستان، آذربایجان) و سه کشور همسایه (ایران، روسیه، ترکیه) داد که با الگوی پیشنهادی فرمت همکاری‌های شش جانبه ترکیه نیز هم‌پوشانی داشت. هرچند گرجستان به دلیل اختلافات نظر با روسیه در مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی، در این الگوی منطقه‌ای شرکت نکرد، اما تاکنون سه نشست بین نمایندگان پنج کشور در مسکو (آذر ۱۴۰۰)، تهران (آبان ۱۴۰۲) و استانبول (مهر ۱۴۰۳) برگزار شد. همچنین ایران و سایر کشورهای منطقه از بند ۹ موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ حمایت کردند که در آن اشاره شده بود «کلیه فعالیت‌های اقتصادی و حمل و نقل در منطقه بلامانع است. جمهوری ارمنستان ایمنی ارتباطات حمل و نقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به منظور سازماندهی حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت تضمین می‌کند». در این راستا، احیای شبکه ریلی دوره شوروی در جنوب قفقاز یعنی مسیر ریلی جلفا- نخجوان به ارمنستان و جمهوری آذربایجان نیز مورد توجه قرار گرفت که فرصت بسیار ارزشمندی برای ایران بود که بتواند پس از سه دهه، ارتباط ریلی خود را با منطقه قفقاز جنوبی و نیز روسیه برقرار کند.

اما در چنین شرایطی، طرح پروژه «کریدور زنگه‌زور» از سوی جمهوری آذربایجان برای دسترسی مستقیم به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، در حالی که هیچ‌گونه اشاره‌ای به چنین واژه و اصطلاحی در بند ۹ موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ نشده بود، تبدیل به چالش و بحران جدی در منطقه شد و جمهوری آذربایجان و ترکیه را در مقابل ایران و ارمنستان قرار داد که به شدت با اجرایی‌شدن پروژه «کریدور زنگه‌زور» مخالف بودند. در واقع ایران و ارمنستان هیچ‌گونه مشکل و مخالفتی با دسترسی زمینی و ترانزیتی جمهوری آذربایجان به نخجوان نداشتند، اما تاکید داشتند که کنترل و نظارت بر این مسیر باید تحت حاکمیت دولت ارمنستان باشد و تهدیدی نیز متوجه مرز مشترک ۴۰ کیلومتری ایران و ارمنستان صورت نگیرد.

این نگرانی نیز از آنجا شروع شد که جمهوری آذربایجان، بخش جنوبی ارمنستان یعنی «استان سیونیک» و به طور مشخص شهرها و مناطق «گوریس»، «سیسیان»، «کاپان» و «مقری» را از نظر تاریخی



«زنگه‌زور غربی» می‌خواند و بر این اساس، بحث مالکیت تاریخی جمهوری آذربایجان بر «زنگه‌زور غربی» و پیوستگی سرزمینی این منطقه با «زنگه‌زور شرقی» را مطرح می‌کرد که نقش بسیار مهمی در افزایش سوءظن و تنش در موضوع کریدور زنگه‌زور، نقض حاکمیت ارمنستان، تهاجم احتمالی جمهوری آذربایجان به استان سیونیک، تغییر مرزهای بین‌المللی و تهدید یا انسداد مرز مشترک ایران و ارمنستان در پنج سال گذشته ایفا نمود و باعث تقویت این نگرش و برداشت در ارمنستان و نیز ایران شد که موضوع کریدور زنگه‌زور بسیار فراتر از مفاد بند نهم موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ و رفع انسداد مسیرهای ارتباطی و مواصلاتی است. در این راستا، ایران با طرح «کریدور ارس» برای اتصال جاده‌ای و ریلی از منطقه زنگیلان جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از استان آذربایجان شرقی و ارمنستان نیز با طرح «چهار راه صلح» که رفع موانع از مسیرهای ترانزیتی و حمل و نقل در همه کشورهای منطقه را مطرح می‌کرد، کوشش نمود طرح‌های ترانزیتی جایگزینی را برای پروژه «کریدور زنگه‌زور» ارائه نمایند.

در چنین شرایطی، متعاقب مذاکرات صلح و دیدارهای مختلفی که بین رهبران ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر در مسکو، سوچی، بروکسل، پراگ و ابوظبی صورت گرفت و همچنین مذاکرات فنی و کارشناسی که برای تحدید حدود نقاط مرزی برگزار شد، با توافقنامه صلحی که بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان، رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۸ اوت ۲۰۲۵ میلادی / ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ به امضاء رسید، دو کشور برای نخستین بار پس از ۳۵ سال تجربه «جنگ» و «آتش‌بس»، توانستند وارد مرحله انعقاد «توافق‌نامه صلح» شوند که تحولی بسیار مهم به شمار می‌رود. با این وجود، این توافقنامه صلح هنوز نهایی نیست و تحقق آن نیازمند برآورده‌شدن پیش شرط‌های مختلفی از جمله تعیین حدود مرزی و اصلاح قانون اساسی ارمنستان است. هرچند انحلال گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در مناقشه قره‌باغ کوهستانی که به رهبری مشترک روسیه، فرانسه و آمریکا در سال ۱۹۹۲ شکل گرفت، یکی دیگر از پیش شرط‌ها بود که متعاقب امضاء توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در آمریکا و درخواست مشترک دو کشور، گروه مینسک در ۱ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی / ۱۰ شهریور ۱۴۰۴ منحل شد و بدین ترتیب نخستین گام در تحقق پیش شرط‌های امضاء توافقنامه نهایی صلح برداشته شد.

علاوه بر این، در توافقی جداگانه و بسیار مهم، دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان مورد توافق قرار گرفت. در این راستا، تحت حاکمیت و مقررات ارمنستان، شرکت‌های آمریکایی مسئولیت ساخت مسیرهای جاده ای و ریلی و نیز خطوط نفت و گاز، فیبر نوری و انتقال برق را در طول این مسیر ۴۳ کیلومتری در استان سیونیک، در جنوب ارمنستان و در مجاورت مرز ایران، برعهده خواهند گرفت. هرچند هنوز تا زمان تهیه و تنظیم این گزارش، اسامی شرکت‌های آمریکایی طرف قرارداد در این پروژه اعلام نشده است.

بنابراین، با توجه به میانجی‌گری آمریکا و نیز طرح مشارکت شرکت‌های آمریکایی در ساخت، نظارت و کنترل مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان، موقعیت و شرایط جدیدی در مجاورت مرزهای مشترک ایران و ارمنستان در حال شکل‌گیری است که بسیار مهم و شایان توجه است. وزارت امور خارجه ایران با استقبال از نهایی‌شدن متن توافق صلح توسط دو کشور، این تحول را گامی مهم در تحقق صلح پایدار در منطقه ارزیابی نمود و در عین حال نگرانی خود را از پیامدهای منفی هرگونه مداخله خارجی به هر شیوه و شکلی، به ویژه در مجاورت مرزهای مشترک، که مخل امنیت و ثبات پایدار منطقه باشد نیز ابراز کرد. علاوه بر این، در سطح سیاسی، کارشناسی و رسانه‌ای کشور نیز مباحث بسیار مختلفی در رابطه با پیامدهای این توافقنامه صلح به ویژه ساخت، نظارت و کنترل مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان موسوم به «پل ترامپ» توسط شرکت‌های آمریکایی و استقرار نیروهای امنیتی شرکت‌های خصوصی آمریکایی در این مسیر بر ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی، مرزهای مشترک ایران و ارمنستان و نیز ترانزیت، تجارت و مسیرهای ارتباطی دو کشور مطرح شد.

ملاحظات و نکات کلیدی برای اتاق ایران

با عنایت به همه مباحثی که در این پژوهش به آن اشاره شده است، نکات و ملاحظات مهمی در رابطه با آثار و پیامدهای توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و به ویژه دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان موسوم به «پل ترامپ» وجود دارد که از ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی برخوردار است که در این بخش صرفاً به ملاحظات و نکاتی که از نظر اقتصادی، تجاری و ترانزیتی برای کشورمان مهم است، اشاره خواهد شد.

۱- قطعی نبودن توافقنامه صلح بین ارمنستان و آذربایجان

کاربرد واژه Agreement در عنوان این توافقنامه به جای استفاده از واژگانی مانند Treaty یا Pact نشان می‌دهد توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان هنوز یک پیمان صلح قطعی و نهایی نیست و نیازمند تحقق پیش شرط‌های مهمی از جمله تعیین حدود مرزی و اصلاح قانون اساسی ارمنستان (حذف بند ارجاع به اعلامیه استقلال ارمنستان در رابطه با اتحاد ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی) است. هرچند انحلال گروه مینسک یکی دیگر از پیش شرط‌ها بود که متعاقب امضاء توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان منحل شد و بدین ترتیب نخستین گام در تحقق پیش شرط‌های امضاء توافقنامه نهایی صلح برداشته شد. با توجه به برگزاری انتخابات پارلمانی ارمنستان در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ که رفراندوم اصلاحات قانون اساسی پس از آن برگزار خواهد شد، این احتمال می‌رود که توافقنامه نهایی و قطعی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۶ میلادی / ۱۴۰۵ و یا حتی ۲۰۲۷ میلادی / ۱۴۰۶ امضاء شود.

۲- عامل تعیین‌کننده و حفظ توافقنامه صلح: پیروزی مجدد حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان در انتخابات پارلمانی ارمنستان در ۶ ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ در صورتی که حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان که از سال ۲۰۱۸ میلادی، قدرت را در ارمنستان در دست دارد، به پیروزی مجدد دست یابد، گفتمان حاکم بر این کشور یعنی صلح و عادی‌سازی روابط با جمهوری آذربایجان و ترکیه، کاهش نفوذ روسیه در ارمنستان و نزدیکی هرچه بیشتر ارمنستان به جهان غرب، ادامه خواهد یافت و این امر راه را برای رای مثبت و تصویب رفراندوم اصلاحات قانون اساسی ارمنستان (حذف بند ارجاع به اعلامیه استقلال ارمنستان در رابطه با اتحاد ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی) فراهم خواهد نمود که یکی از مهم‌ترین پیش شرط‌ها و مطالبات جمهوری آذربایجان برای امضاء توافقنامه نهایی صلح با ارمنستان است. اما در صورت شکست حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان در انتخابات پارلمانی سال آینده شرایط به کلی تغییر خواهد کرد. حتی این احتمال نیز وجود دارد که مخالفان از طریق شورش و اعتراض عمومی بتوانند دولت نیکول پاشینیان را از قدرت برکنار کنند؛ چنانچه پاشینیان نیز با یک جنبش اعتراضی در سال

۲۰۱۸ میلادی به قدرت رسید. در صورتی که احزاب سیاسی مخالف، ملی‌گرا و محافظه‌کار ارمنی به قدرت برسند روند توافقنامه نهایی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز سایر توافقات به ویژه دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان به احتمال بسیار متوقف خواهد شد و برگزاری رفراندوم اصلاحات قانون اساسی ارمنستان نیز عملاً منتفی خواهد شد. در صورتی که چنین سناریویی محقق شود، احتمال تحریم و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی از سوی غرب علیه ارمنستان وجود خواهد داشت. در چنین شرایطی، ارمنستان به همان وضعیت قبل از سال ۲۰۱۸ میلادی بازخواهد گشت و به موازات تداوم تنش و اختلاف با جمهوری آذربایجان و ترکیه، مرزهای ارمنستان با این دو کشور همچنان بسته باقی خواهد ماند و ارمنستان یک بار دیگر به مدار سیاست خارجی، اقتصادی و دفاعی - نظامی روسیه در منطقه قفقاز جنوبی بازخواهد گشت. بنابراین، نتایج انتخابات پارلمانی ارمنستان برای تداوم و یا تغییر روند فعلی توافقنامه صلح و نیز سایر توافقات، بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

۳- مشارکت شرکت‌های آمریکایی در ساخت، بهره‌برداری، نظارت و تامین امنیت مسیر آذربایجان به نخجوان در استان سیونیک ارمنستان

توافق دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان برای دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان که به «پل ترامپ» یا «جاده ترامپ» نیز مشهور شده است، در متن توافقنامه صلح نیامده است و حاصل توافقنامه جداگانه‌ای است. طبق اطلاعات منتشر شده، یک شرکت مشترک ارمنی - آمریکایی به ثبت خواهد رسید که از نظر حقوقی، اختیارات دو طرف یکسان خواهد بود و هرکدام از طرفین برای انتخاب طرف سوم، از حق وتو برای عدم پذیرش و رد همکاری و مشارکت برخوردار خواهند بود. این شرکت مشترک ارمنی - آمریکایی مسئولیت ساخت، بهره‌برداری، نظارت و کنترل امنیتی و گمرگی این مسیر ارتباطی تقریباً ۴۳ کیلومتری را تحت قوانین و مقررات ارمنستان، برعهده خواهند گرفت. همچنین احتمال تعریف عرض ۵ کیلومتری (چند برابر عرض معمول و متداول بزرگراه‌ها و کریدورهای ترانزیتی) برای این مسیر ۴۳ کیلومتری وجود دارد؛ چرا که این مسیر تنها برای تردد شهروندان و یا ترانزیت نیست و قرار است پروژه‌های دیگری مانند خط راه‌آهن، خطوط نفت و

گاز، فیبر نوری و خطوط انتقال برق نیز اجرایی شود. به احتمال بسیار زیاد، مسیر ریلی زودتر از مسیر جاده‌ای آماده بهره برداری خواهد شد که البته ساخت و بهره برداری از مسیر ریلی نیز حداقل دو سال زمان خواهد برد. طبیعی است که چنین حجم بالایی از طرح های ترانزیتی و انتقال انرژی، به لحاظ اجرایی و فنی - مهندسی در عرض کم امکان پذیر نخواهد بود. با توجه به نگرانی های امنیتی که از طرف جمهوری آذربایجان و ترکیه برای عبور از بخشی از خاک ارمنستان وجود دارد و الهام علی اف، رئیس جمهور آذربایجان نیز دو هفته قبل از امضاء توافقنامه صلح در آمریکا تاکید کرده بود که «در این مسیر نمی خواهیم هیچ ارمنی را ببینیم»، این احتمال وجود دارد که از نظر فنی و مهندسی، با هدف جلوگیری از تداخل یا تقابل شهروندان ارمنی و آذری، تمهیدات و تدابیر خاصی اندیشیده شود و بخشی از این مسیر ۴۳ کیلومتری در تقاطع با مسیر اصلی عبوری و ترانزیتی در استان سیونیک ارمنستان به صورت روگذر طراحی و اجرا شود و یا این که به منظور تامین امنیت، بزرگراه مورد نظر با دیواره های بلند بتنی از دو طرف محصور شود. هرچند یک شرکت مشترک ارمنی - آمریکایی مسئولیت نظارت و تامین امنیت عبور و تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و نخجوان و نیز کنترل گذرنامه های بیومتریک، اظهارنامه آنالین، اسکن محموله ها و دریافت حق ترانزیت را طبق قوانین و مقررات ارمنستان در دو سوی مسیرهای ورودی و خروجی برعهده خواهند گرفت. در ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ اولین نشست اجرایی و فنی مربوط به اجرای این مسیر ارتباطی و ترانزیتی با حضور هیئتی از آمریکا در باکو برگزار شد. همچنین تیمی از سرویس گمرک و حفاظت مرزی ایالات متحده در ۸ مهر وارد ایروان شد و با مرزبانان ارمنستان برای ارزیابی ظرفیت ها و شناسایی حوزه های نیازمند بهبود همکاری خواهد کرد. همچنین طبق اعلام آارات میرزویان، وزیر خارجه ارمنستان، یک «کنسرسیوم ارمنی - آمریکایی» شکل خواهد گرفت که سازنده و اپراتور اصلی راه آهن پروژه «مسیر ترامپ» در جنوب استان سیونیک ارمنستان خواهد بود. همین شرکت، طرف های ثالثی را که قرار است در محل کار کرده و خدمات ارائه دهند، تعیین خواهد کرد. وزیر خارجه ارمنستان با استناد به نظر کارشناسان گفت که ساخت راه آهن حداقل دو سال زمان خواهد برد، اما تأکید کرد که ایروان علاقه مند است این ارتباطات در سریع ترین زمان ممکن برقرار شود.

۴- تلاقی و تداخل مسیر آذربایجان به نخجوان با مسیر ترانزیتی ایران-ارمنستان در استان سیونیک یکی از مهم‌ترین ملاحظات و نگرانی‌هایی که پس از جنگ دوم قره‌باغ در رابطه با پروژه «کریدور زنگه زور» مد نظر باکو و نیز با توافقنامه ایجاد «پل ترامپ» بین جمهوری آذربایجان و نخجوان در ایران و نیز ارمنستان ایجاد شده است، تلاقی و تداخل این مسیر با مسیر ترانزیتی ایران-ارمنستان است که از منطقه مرزی نوردوز در شمال استان آذربایجان شرقی ایران و شهر مرزی مَقری در جنوب استان سیونیک ارمنستان آغاز شده و به ایروان، پایتخت و سایر مناطق این کشور و همچنین گرجستان می‌رسد. در حال حاضر ۴ جاده و مسیر ارتباطی اصلی و فرعی در داخل استان سیونیک ارمنستان وجود دارد:

۱- مسیر اصلی از مرز (نوردوز-مَقری) تا ایروان (۳۷۰ کیلومتر): از استان سیونیک (آگاراک،^۱ مَقری، کاجاران،^۲ کاپان^۳ و روستاهای خودانان، دانزاور، آقوانی، لدزن، شامب، نوراوان، سارناگونک و گوارایر)، ابتدای استان وایوتس دزور، روستاهای ساراوان، مالیشکا، وایک، یقیکنادزور، روستاهای آرپی، آرنی و دیگراناشن، ابتدای استان آرارات، یراسخ، آراداشات، ماسیس و در نهایت ایروان.

۲- مسیر اصلی دوم از مرز (نوردوز-مَقری) تا ایروان (۳۷۰ کیلومتر): این مسیر عملاً همان مسیر نخست و اصلی است، با این تفاوت که پس از گذر از روستای شامپ در استان سیونیک می‌توان وارد شهر سیسیان و سپس استان وایوتس دزور شد و مابقی مسیر شماره ۱ را تا ایروان طی کرد.

۳- مسیر مرز (نوردوز-مَقری) تا گوریس^۴ (۱۵۴ کیلومتر): استان سیونیک (آگاراک، مَقری، کاجاران، کاپان، روستاهای خودانان، دانزاور، داتو، هالیدزور و شینوهایر، و در نهایت شهر گوریس. بنابراین، انتهای این مسیر شهر گوریس است که تا قبل از جنگ دوم قره باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی،

۱ آخرین شهر در میان راه شهر مَقری ارمنستان به سوی ایران، شهر کوچک آگاراک است که در سال ۱۹۴۹ ساخته شده است. در آنجا یک پل ماشین‌رو و یک پل پیاده‌رو بر روی دوخانه ارس، ایران و ارمنستان را به هم می‌پیوندد.

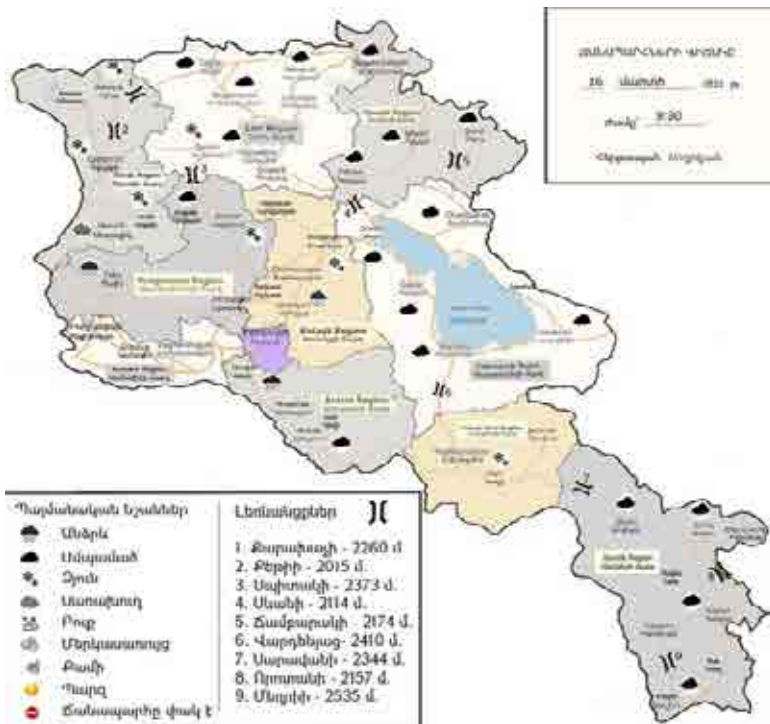
۲ کاجاران در ۲۶ کیلومتری جنوب غربی کاپان، مرکز استان سیونیک واقع شده است. مرکز اداری استان سیونیک و نیز یکی از بزرگ‌ترین شهرهای منطقه و مرکز صنعت معدن‌کاری، به‌ویژه معادن مس است.

۳ کاپان در جنوب غربی ارمنستان و مرکز استان سیونیک و در ۳۱۶ کیلومتر جنوب پایتخت ایروان واقع شده است.

۴ گوریس دومین شهر بزرگ سیونیک از نظر جمعیت است و در ۶۷ کیلومتری جنوب کاپان، مرکز استان سیونیک واقع شده است و فاصله آن از ایروان ۲۴۰ کیلومتر است. گوریس مقر اسقف‌نشین سیونیک کلیسای حواری ارمنی است و به همین دلیل، این شهر یکی از مهم‌ترین مکان‌های تاریخی و فرهنگی ارمنستان به حساب می‌آید. اغلب به عنوان مرکز فرهنگی سیونیک در نظر گرفته می‌شود.

مسیر ورودی به منطقه قره باغ تحت کنترل ارامنه بود. اما پس از جنگ دوم قره باغ و تصرف ۲۱ کیلومتر از مسیر ارتباطی گوریس - کاپان، در حال حاضر تنها مسیر دسترسی به شهر گوریس، مسیری است که به آن اشاره شده است.

۴- **مسیر مرز (نوردوز - مقری) به شهر کاپان:** این مسیر از ادامه حاشیه مرزی رود ارس شروع می شود و قبل از ورود به شهر مقری، در ادامه حاشیه رودخانه در یک مسیر فرعی از روستاهای شوایدزور، شیشگرت، هاند، دز او، سِراشِن، شیگاهوق و جاگادِن عبور کرده به شهر کاپان و در نهایت به ایروان می رسد. خطوط قهوه ای رنگ در نقشه زیر گویای مسیرهای ارتباطی یاد شده از مرز ایران تا ایروان، پایتخت ارمنستان است.



نقشه شماره ۲۱: مسیرهای ارتباطی یاد شده (به رنگ قهوه ای) از مرز ایران (نوردوز - مقری) تا ایروان، پایتخت

ارمنستان

بنابراین، با اجرایی شدن مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان، این مسیر عبوری و ترانزیتی که بستگی دارد دقیقاً از کدام بخش از استان سیونیک ارمنستان عبور کند، می‌تواند با برخی از جاده‌ها و مسیرهای یاد شده به ویژه جاده اصلی از مرز (نوردوز-مقری) تا ایروان (۳۷۰ کیلومتر) که از شهرهای آگاراک، مقری، کاجاران و کاپان در استان سیونیک عبور می‌کند و به پایتخت ارمنستان می‌رسد، تلاقی پیدا کند؛ مسیری که بخشی از مسیر در حال ساخت «بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان» است و نقش بسیار مهمی در تردد شهروندان ایران و ارمنستان و نیز تجارت و ترانزیت بین دو کشور دارد.

نگرانی اصلی، ایجاد هرگونه اختلال و محدودیت در مسیر ترانزیتی و عبوری ایران و ارمنستان و همچنین بازرسی، کنترل و نظارت بر کامیون‌ها و شهروندان ایرانی در این مسیر از سوی شرکت‌های آمریکایی است که مسئولیت ساخت، نظارت و تامین امنیت مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان را برعهده دارند. ایران یک بار تجربه تقریباً مشابهی را در این منطقه داشته است. بعد از جنگ دوم قره‌باغ و بازگشت مناطق پیرامونی قره‌باغ به حاکمیت جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹، نیروهای مرزبانی و امنیتی این کشور کنترل کامل بخش ۲۱ کیلومتری بزرگراه اصلی که شهرهای گوریس و کاپان در استان سیونیک ارمنستان را به هم وصل می‌کرد، به دست گرفتند. در چنین شرایطی، دولت آذربایجان با این استدلال که کامیون‌های ایرانی در این مسیر از خاک این کشور عبور می‌کنند، خواستار دریافت عوارض ۱۳۰ دلاری شد که ممانعت و مخالفت با این درخواست منجر به بازداشت برخی از رانندگان ایرانی در آن مقطع شد. دولت ایران به فاصله زمانی کوتاهی اقدام به تعریف دو مسیر زمینی و دریایی جایگزین کرد تا ترانزیت ایران به ارمنستان، گرجستان و اتحادیه اقتصادی اوراسیا دچار وقفه و اختلال نشود. به این ترتیب که دولت‌های ایران و ارمنستان در صدد بازسازی مسیر قدیمی و به‌جامانده از دوره شوروی در جنوب ارمنستان یعنی «جاده تاتو» برآمدند تا مسیر زمینی دیگری را جایگزین آن بخش از مسیر گوریس-کاپان کنند. تعریف و تنظیم شش مسیر دریایی جدید در دریای خزر از بنادر ایران در دریای خزر برای تسریع در روند تجارت با روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تصمیم دیگری بود که از سوی ایران در آن مقطع برای جلوگیری از اختلال در روند تجارت از مسیر زمینی در منطقه قفقاز جنوبی از مسیر ارمنستان اتخاذ شد. بنابراین، با توجه به چنین تجربیاتی است که این نگرانی پیش آمده



است اجرایی شدن مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان، باعث اختلال و محدودیت در مسیر ترانزیتی و عبوری ایران و ارمنستان و همچنین بازرسی، کنترل و نظارت بر کامیون‌ها و شهروندان ایرانی در این مسیر از سوی شرکت‌های آمریکایی شود. هرچند دولت ارمنستان معتقد است که چنین مشکلاتی و محدودیت‌هایی با اجرایی شدن این مسیر ایجاد نخواهد شد.

۵- نگرانی از تهدید، انسداد و یا تهدید مرز مشترک ایران و ارمنستان

یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌هایی که پس از جنگ دوم قره‌باغ در رابطه با پروژه «کریدور زنگه‌زور» مد نظر باکو و نیز با توافقنامه ایجاد «مسیر ترامپ» یا «پل ترامپ» بین جمهوری آذربایجان و نخجوان در ایران و نیز ارمنستان ایجاد شده است، نگرانی از انسداد و یا تهدید مرز مشترک ۴۰ کیلومتری ایران و ارمنستان است. این نگرانی نیز بدون دلیل ایجاد نشد. طرح برخی ادعاهای سرزمینی و تاریخی مبتنی بر یکپارچگی سرزمینی «زنگه‌زور شرقی» (مناطق غرب قره‌باغ) و «زنگه‌زور غربی» (استان سیونیک ارمنستان) از سوی جمهوری آذربایجان، نقش بسیار مهمی در تشدید فضای تنش و سوءظن در منطقه ایفا نمود. در واقع، مشکل از جایی شروع شد که جمهوری آذربایجان بخش جنوبی ارمنستان یعنی استان سیونیک و به طور مشخص شهرها و مناطق گوریس، سیسیان، کاپان و مِقری را نیز از نظر تاریخی «زنگه‌زور غربی» یا «آذربایجان غربی» می‌خواند و بر این اساس، بحث مالکیت تاریخی جمهوری آذربایجان بر «زنگه‌زور غربی» و پیوستگی سرزمینی این منطقه با «زنگه‌زور شرقی»، نقش بسیار مهمی در افزایش سوءظن و تنش در موضوع کریدور زنگه‌زور، نقض حاکمیت ارمنستان، تهاجم احتمالی جمهوری آذربایجان به استان سیونیک، تغییر مرزهای بین‌المللی و تهدید یا انسداد مرز مشترک ایران و ارمنستان در سال‌های اخیر ایفا نموده است. لذا با چنین پیشینه‌ای، متعاقب توافقنامه اخیر صلح ارمنستان و آذربایجان در آمریکا و توافق دو کشور برای ساخت مسیر دسترسی به نخجوان توسط شرکت‌های آمریکایی این نگرانی مجدداً مطرح شد که این تحولات می‌تواند انسداد و یا تهدید مرز مشترک ۴۰ کیلومتری ایران و ارمنستان را به دنبال داشته باشد. هرچند دولت ارمنستان به ویژه در جریان سفر دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران به ایروان در ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ و همچنین سفر آرمن گریگوریان، دبیر شورای امنیت ملی ارمنستان به تهران در ۹ شهریور ۱۴۰۴ اطمینان داد که اجرای چنین طرح‌هایی

تهدید و یا چالشی برای مرز مشترک دو کشور و همچنین ترانزیت و تردد شهروندان ایران و ارمنستان ایجاد نخواهد کرد. هرچند رقع کامل این نگرانی نیازمند برخی تمهیدات و تدابیری در فرایند طراحی و اجرای مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان در جنوب استان سیونیک در مجاورت مرز ایران و ارمنستان است که در بخش پیشنهادها و توصیه‌ها به آن اشاره خواهد شد.

۶- کاهش اهمیت و ضرورت مسیر عبوری و ترانزیتی از پایانه مرزی بيله‌سوار در شمال اردبیل و کریدور ارس برای ارتباط جمهوری آذربایجان و نخجوان

در صورت عملیاتی شدن دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، از اهمیت و ضرورت مسیر شمالی (گرجستان) برای ترانزیت، تجارت و انتقال انرژی به ترکیه و اروپا کاسته خواهد شد و در مسیر جنوبی (ایران) نیز مسیر عبوری و ترانزیتی از پایانه مرزی بيله‌سوار در شمال اردبیل با عبور از استان آذربایجان شرقی و همچنین «کریدور ارس» که در حال ساخت است، برای اتصال و ارتباط بین جمهوری آذربایجان و نخجوان اهمیت و ضرورت پیشین خود را از دست خواهد داد که این امر به معنی پایان وابستگی ترانزیتی منطقه نخجوان به ایران و همچنین از دست دادن منابع مالی حاصل از حق ترانزیت عبور شهروندان، خودروها و کامیون‌های ترانزیتی از خاک ایران خواهد بود.

طبق آمار منتشر شده، در چهار ماه نخست سال ۱۴۰۴ حدود ۶۵ هزار دستگاه کامیون از پایانه مرزی بيله‌سوار تردد داشتند و ارزش دلاری صادرات از گمرک بيله‌سوار هم در همین بازه زمانی نسبت به مدت مشابه قبل، ۹۶ درصد افزایش داشته و در همان بازه زمانی ۶۵۶ هزار تن حجم کالای ورودی و خروجی گمرک بيله‌سوار اعلام و صادرات قطعی ایران در این ۴ ماه ۸۸ میلیون دلار ارزش‌گذاری شده است. همچنین ۲۵ هزار نفر در این تاریخ از باکو به نخجوان و برعکس تردد کرده‌اند. مدیرعامل گمرکات اردبیل میانگین تردد کامیون‌ها را نیز ۵۰۰ دستگاه در روز اعلام کرده است. همچنین به گفته مدیر کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی وزارت راه و شهرسازی، مسیر بيله‌سوار تا نخجوان از داخل ایران حدود «۳۰۰ کیلومتر» است. در رویه جاری، گمرکی ایران از ناوگان خارجی بابت «مابه‌التفاوت سوخت/عوارض عبور» حدود «۲۵ یورو به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر پیمایش» اخذ شود؛ بنابراین، عوارض

تقریبی هر کامیون برای مسیر ۳۰۰ کیلومتری داخل ایران حدوداً ۷۵ یورو خواهد بود. اگر همواره تردد «روزانه ۵۰۰ کامیون مربوط به ترانزیت آذربایجان به نخجوان» باشد، عایدی سالانه ایران حدوداً در ازای ۱۸۲ هزار و ۵۰۰ کامیون سالانه با نرخ ۷۵ یورو «۱۳/۷ میلیون یورو» خواهد بود؛ اما چون این میزان تردد مربوط به تابستان و آب‌وهوای مطلوب برای رانندگی است، می‌توان با رعایت حدی از احتیاط علمی، سناریوهای دیگری را نیز محاسبه کرد؛ برای مثال، نیمی از این مقدار تردد را با توجه به شرایط آب‌وهوایی نیمه دوم سال محاسبه کرد و به رقم حدوداً ۶/۵ میلیون یورو رسید که این رقم با اعلام رسمی مدیرکل حمل‌ونقل و راهداری جاده‌ای استان اردبیل همخوانی دارد. این مقام رسمی میزان عادی گمرکات استان در سال ۲۰۲۴ میلادی را ۳۳ هزار و ۲۰۰ برگ پروانه تردد به صورت یک‌طرفه و دوطرفه به ارزش ۶ میلیون و ۶۴۰ هزار دلار در بین رانندگان پایانه مرزی بيله‌سوار اعلام کرده است که معادل ۵ میلیون و ۶۴۴ هزار یورو است. براساس داده‌های فعلی پایانه بيله‌سوار، اگر سهم سالانه ۶/۵ میلیون یورو از دست برود، این مقدار از نظر ملی درصد بسیار کمی از عواید ترانزیتی ایران است (حدود ۰/۴ درصد)، ولی از منظر سیاست داخلی و تنوع راه‌ها، اهمیت استراتژیک دارد. این مسیر می‌تواند رقابتی برای مسیر ایران ایجاد کند و درآمدهای ترانزیتی ایران را کاهش دهد، مخصوصاً اگر حمل‌ونقل زمینی ارزان‌تر و سریع‌تر باشد. کاهش ترانزیت از پایانه بيله‌سوار، کاهش فعالیت‌های تجاری و خدمات لجستیکی محلی را به دنبال خواهد داشت.^۱

با این وجود، به نظر می‌رسد تنها احتمالی که همچنان جمهوری آذربایجان بخواهد به عبور از مسیر شمالی (گرجستان) و همچنین مسیر عبوری ایران (از پایانه مرزی بيله‌سوار در شمال اردبیل با عبور از آذربایجان شرقی به نخجوان) و نیز ساخت پروژه «کریدور ارس» ادامه دهد - دست کم در کوتاه مدت - نگرانی و احتیاط این کشور از بابت شکست و یا چالش‌های اجرایی شدن مسیر ۴۳ کیلومتری بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان در استان سیونیک ارمنستان به ویژه در صورت تغییر دولت در ارمنستان خواهد بود. چنانچه در بندهای قبلی نیز اشاره شد، حتی این احتمال نیز وجود دارد که

۱. سالار سیف‌الدینی، «تحلیل کمی ریسک امنیتی - اقتصادی کریدور زنگزور در اقتصاد استان اردبیل»، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، ۹ مهر ۱۴۰۴.

مخالفان از طریق شورش و اعتراض عمومی بتوانند دولت نیکول پاشینیان را از قدرت برکنار کنند. لذا با توجه به این ملاحظات است که جمهوری آذربایجان دست کم تا آینده نزدیک، هر دو مسیر شمالی (گرجستان) و همچنین مسیر جنوبی (ایران) و همچنین «کریدور ارس» که در حال ساخت است، را برای ارتباط و دسترسی به نخجوان حفظ خواهد کرد.

۷- تشدید رقابت «کریدور میانی» در مسیر شرقی - غربی با «کریدور شمال - جنوب» در مسیر شمالی - جنوبی

دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان در صورتی که اجرایی و عملیاتی شود، پیامدهای بسیار مهمی را از نظر ترانزیتی و تجارت به دنبال خواهد داشت. به احتمال بسیار زیاد، وضعیت خودمختاری منطقه نخجوان (جمهوری خودمختار نخجوان) لغو خواهد شد و این منطقه مستقیماً زیر نظر نظام سیاسی و متمرکز جمهوری آذربایجان قرار خواهد گرفت، مسیر ترانزیت و تجارت در «کریدور میانی» بین چین و آسیای مرکزی با جمهوری آذربایجان، ترکیه و اروپا و نیز اسرائیل از مسیری کوتاه‌تر و سریع‌تر - در مقایسه با مسیر کنونی گرجستان - صورت خواهد گرفت. همه این بازیگران از جمله ذی‌نفعان کریدور میانی هستند و در سال‌های اخیر به صورت ضمنی یا صریح از پروژه «کریدور زنگه‌زور» مورد نظر جمهوری آذربایجان به عنوان بخشی از «کریدور میانی» حمایت کرده‌اند. در این بین، سقوط نظام سیاسی بشار اسد موجب شده است رهبران جدید سوریه روابط بسیار نزدیکی با ترکیه و جمهوری آذربایجان برقرار کنند و همین امر سوریه را نیز به یکی دیگر از ذی‌نفعان جدید کریدور میانی و دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، با توجه به این که چشم‌انداز روشنی برای پایان جنگ اوکراین و لغو تحریم‌های روسیه از سوی غرب نیز مشاهده نمی‌شود، این امر به معنی تشدید رقابت «کریدور میانی» در مسیر شرقی - غربی با «کریدور شمال - جنوب» در مسیر شمالی - جنوبی به محوریت ایران و روسیه خواهد بود.

۸- اجرایی شدن طرح انتقال انرژی ترانس خزر: انتقال گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان به آذربایجان، ترکیه و اروپا

در صورت عملیاتی شدن دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان،



احتمال اجرایی شدن طرح قدیمی انتقال انرژی ترانس خزر بسیار افزایش خواهد یافت. در این طرح که از سال ۱۹۹۶ میلادی مطرح است، قرار است گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان با عبور از بستر دریای خزر به جمهوری آذربایجان منتقل شود. در حالی که تا قبل از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، قرار بود ادامه این مسیر انتقال انرژی همانند خطوط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان و خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزروم از گرجستان عبور کند و به ترکیه و اروپا برسد، پس از طرح «کریدور زنگه‌زور» مورد نظر جمهوری آذربایجان این موضوع مطرح شد که مسیر دسترسی به نخجوان به عنوان بخشی از «کریدور میانی» می‌تواند تبدیل به مسیر جدید انتقال انرژی به اروپا باشد. در این راستا، تبلیغات سیاسی و رسانه‌ای نیز در پنج سال اخیر از سوی جمهوری آذربایجان و نیز ترکیه صورت گرفته است. از سویی دیگر، وقوع جنگ اوکراین، تحریم گسترده روسیه از سوی غرب و تلاش اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی به گاز وارداتی از روسیه موجب شده است احتمال اجرایی شدن طرح قدیمی انتقال انرژی ترانس خزر به صورت قابل توجهی افزایش یابد که می‌تواند در کنار منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان یک منبع جایگزین (آلترناتیو) مناسب برای تامین گاز اروپا باشد.

لذا با چنین پیشینه‌ای، پس از اجرایی شدن دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان، مسیر خطوط انتقال انرژی ترانس خزر به جای گرجستان از جنوب ارمنستان و منطقه نخجوان عبور خواهد کرد و به ترکیه و اروپا خواهد رسید. ضمن این‌که این احتمال نیز وجود دارد که مسیر خط لوله باکو-تفلیس-جیهان که نقش بسیار مهمی در تامین نفت اسرائیل دارد و همچنین صادرات گاز جمهوری آذربایجان به سوریه پس از سقوط بشار اسد که اخیراً آغاز شده است نیز به جای مسیر گرجستان، می‌تواند از مسیر ارمنستان-نخجوان-ترکیه به سوریه منتقل شود. برآیند این تحولات، تقویت نقش و جایگاه جمهوری آذربایجان در صادرات گاز خواهد بود. این کشور در سال ۲۰۲۴ میلادی، بیش از ۲۵ میلیارد متر مکعب صادرات گاز داشت که نیمی از آن از طریق ترکیه راهی ۱۰ کشور اروپایی و بقیه تحویل بازار داخلی ترکیه و گرجستان شد و اخیراً سوریه نیز به این جمع اضافه شده است.

بنابراین در مجموع، اجرایی شدن طرح انتقال انرژی ترانس خزر یعنی صادرات گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان به ترکیه و اروپا، یک آلترناتیو و رقیب جدی را در حوزه انرژی برای ایران و روسیه وارد

معادلات ژئواکونومیکی منطقه خواهد نمود که می‌تواند بر صادرات گاز روسیه به اروپا و نیز صادرات گاز ایران به ترکیه تاثیر منفی به دنبال داشته باشد و قرارداد سه جانبه سوآپ گاز بین ترکمنستان، ایران و جمهوری آذربایجان را نیز عملاً منتفی خواهد ساخت. علاوه بر این، ارمنستان نیز این امکان را پیدا خواهد کرد که بخشی از حجم عظیم انتقال گاز از خاک خود را به عنوان حق ترانزیت دریافت کند که این امر در کاهش وابستگی گاز ارمنستان به روسیه بسیار مهم و تاثیرگذار خواهد بود.

۹- پایان وابستگی نخجوان به گاز وارداتی از ایران

قرارداد سوآپ گاز میان دولت باکو و تهران در سال ۲۰۰۵ میلادی/ ۱۳۸۳ امضا شد و ایران سالانه حدود ۴۰۰ میلیون متر مکعب گاز جمهوری آذربایجان را در منطقه آستارا دریافت می‌کرد و با کسر ۱۵ درصد از آن (۶۰ میلیون متر مکعب) به عنوان حق سوآپ، گاز خود را از منطقه جلفا تحویل نخجوان می‌داد. اما تنها یک ماه پس از پایان جنگ دوم قره‌باغ، جمهوری آذربایجان و ترکیه در دسامبر ۲۰۲۰ میلادی/ آذر ۱۳۹۹ به منظور کاهش وابستگی آذربایجان به سوآپ انرژی با ایران در منطقه نخجوان قرارداد ساخت خط لوله گاز طبیعی ایغدیر- نخجوان را امضا کردند. عملیات احداث این خط لوله در دسامبر ۲۰۲۴ میلادی/ آذر ۱۴۰۳ به اتمام رسید و در مارس ۲۰۲۵ میلادی/ اسفند ۱۴۰۳ توسط الهام علی‌اف و رجب طیب اردوغان رسماً افتتاح شد. پرویز شاهی‌بازف، وزیر انرژی جمهوری آذربایجان ظرفیت انتقال خط لوله ایغدیر-نخجوان را روزانه ۲ میلیون متر مکعب گاز و سالانه تقریباً ۷۵۰ میلیون متر مکعب عنوان کرد که قابلیت افزایش به دو برابر سطح کنونی را دارد. از سویی دیگر، بر اساس توافق‌نامه‌ای که در سال ۲۰۲۴ میان جمهوری آذربایجان و ترکمنستان امضاء شد، مقرر شد گاز از ترکمنستان نیز از طریق شبکه گاز ایران به نخجوان منتقل می‌شود. این انتقال انجام می‌شود. از ابتدای سال ۲۰۲۴، گازرسانی به نخجوان طبق این توافق‌نامه آغاز شده است.

بنابراین در شرایطی که ساخت و افتتاح خط لوله گاز طبیعی ایغدیر- نخجوان، یک گام بسیار مهم در کاهش وابستگی منطقه نخجوان به گاز وارداتی از ایران و نیز ترکمنستان بود، اجرایی‌شدن «پل ترامپ»، گام مکمل و پایانی برای پایان بخشیدن به وابستگی منطقه نخجوان به گاز وارداتی از ایران و نیز ترکمنستان از ایران خواهد بود. در واقع پس از ۳۵ سال، جمهوری آذربایجان این امکان را پیدا

خواهد کرد که علاوه بر صادرات گاز به ترکیه و اروپا، مستقیماً گاز را به منطقه نخجوان منتقل کند که این امر به موازات پایان وابستگی نخجوان به واردات برق از ایران و نیز کاهش وابستگی منطقه نخجوان به مسیر ترانزیتی و عبوری از ایران، تحول بسیار مهم و شایان توجهی است.

۱۰- فرصت‌های اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران در فرایند ملی شدن زیرساخت‌های اقتصادی تحت کنترل روسیه در ارمنستان

فدراسیون روسیه در دوره ریاست جمهوری روبرت کوچاریان در ارمنستان، در سال ۲۰۰۳ میلادی، در ازای به دست آوردن کنترل پنج شرکت دولتی ارمنستان، بدهی ۱۰۰ میلیون دلاری این کشور را بخشید. بدین ترتیب، زیرساخت‌های اصلی ارمنستان مانند گاز، برق، مخابرات و راه آهن در اختیار روسیه قرار گرفت که نقش بسیار مهمی در وابستگی شدید ارمنستان به روسیه و نیز شکل‌گیری شبکه گسترده‌ای از فساد، الیگارش و اقتصاد در سایه در ارمنستان شد و در مواردی نیز به ضرر ایران تمام شد. چنانچه وابستگی شدید ارمنستان به گاز وارداتی روسیه (در حدود ۹۰ درصد) و منافع روسیه برای حفظ این بازار مهم انحصاری موجب شد متعاقب قرارداد گازی ایران و ارمنستان، با فشار گازپروم روسیه در ارمنستان، قطر خط لوله ایران گاز ایران به ارمنستان در سال ۲۰۰۹ میلادی از ۱۴۲۰ به ۷۰۰ میلی‌متر (از ۵۶ به ۲۸ اینچ) کاهش پیدا کند تا مانع از افزایش ظرفیت گاز صادراتی ایران به ارمنستان و نیز گرجستان شود که تهدیدی برای منافع گازپروم روسیه در قفقاز جنوبی به شمار می‌رفت. کنترل و منافع انحصاری روسیه در شبکه راه‌آهن ارمنستان نیز نقش بسیار مهمی در عدم تحقق مسیر ریلی «مرند-نوردوز-مقري-ایروان» با دولت ارمنستان داشت. قرار بود مسیر ریلی ایران از شهر مرند در استان آذربایجان شرقی به طول ۶۰ کیلومتر به شهر مرزی نوردوز متصل شود و از شهر مرزی مقري به ایروان نیز یک مسیر ریلی به طول ۴۱۰ کیلومتر ساخته شود. اما با توجه به کوهستانی بودن مسیر ریلی در داخل ارمنستان و نیاز به احداث ۸۶ پل و ۶۰ تونل، هزینه ساخت این مسیر ریلی ۴۷۰ کیلومتری در حدود ۳/۵ میلیارد دلار برآورد شده بود که تامین آن از توان دولت ارمنستان خارج بود. هرچند دولت وقت ارمنستان (سرژ سارگسیان) مذاکرات متعددی را با دولت چین برای مشارکت و سرمایه‌گذاری چینی‌ها در مسیر ریلی «نوردوز-مقري-ایروان» صورت داد، اما این مذاکرات در عمل به نتیجه خاصی

نرسید و لذا کوشش ایران برای اتصال مجدد ریلی به منطقه قفقاز از طریق مسیر ریلی «مرند-نوردوز-مقري-ایروان» ناکام ماند و شبکه راه آهن ارمنستان نیز همچنان در کنترل و انحصار روسیه باقی ماند. اما دولت نیکول پاشینیان که درصدد کاهش نفوذ روسیه در ارمنستان است، نخستین گام را با ملی کردن شبکه برق این کشور برداشته است و واهانگ خاچاطوریان، رئیس جمهور ارمنستان در ۹ جولای ۲۰۲۵ میلادی/ ۱۸ تیر ۱۴۰۴ لایحه‌ای را امضاء کرد که به موجب آن، امکان ملی سازی شرکت شبکه‌های برق این کشور را فراهم می‌کند. هرچند این امر با بازداشت سامول کاراپتیان، میلیارد ارمنی و مالک شبکه توزیع برق ارمنستان (ENA) که از چهره‌های نزدیک به کلیسا و مخالفان دولت و همچنین نزدیک به روسیه است، ابعاد سیاسی نیز به خود گرفته است. اگر دولت پاشینیان بتواند فرایند ملی شدن زیرساخت‌های اقتصادی تحت کنترل روسیه در ارمنستان را در در سایر حوزه‌ها مانند مخابرات، راه آهن و گاز نیز اجرایی کند که فرایند بسیار دشوار و پرچالشی است به ویژه در حوزه گاز که ارمنستان از نظر واردات و زیرساخت‌ها وابستگی شدیدی به گاز پروم روسیه دارد، فضا و فرصت بیشتری برای توسعه همکاری‌های اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران با ارمنستان فراهم خواهد شد. چنانچه یک تحلیلگر نزدیک به دولت در ارمنستان نیز ملی سازی خط لوله گاز ایران-ارمنستان و خارج کردن کنترل آن از دست گازپروم را پیشنهاد داده بود. به نظر می‌رسد در یک رویکرد بلندمدت که مشروط به تداوم نیکول پاشینیان و گفتمان حاکم در ارمنستان است، دولت ارمنستان درصدد است پس از اجرایی شدن توافق اخیر صلح، بخش مهمی از گاز وارداتی خود را به جای روسیه از جمهوری آذربایجان- به عنوان حق ترانزیت انتقال گاز از آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان- دریافت کند و به همان میزان سهم واردات گاز از ایران را نیز افزایش دهد تا بدین ترتیب ارمنستان بتواند از سه منبع یعنی روسیه، جمهوری آذربایجان و ایران، گاز مورد نیاز خود را تامین کند.

۱۱- خروج احتمالی ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نزدیکی این کشور به اتحادیه اروپا

در حالی که خروج نیروهای مرزبانی روسی از مرزهای مشترک ارمنستان با جمهوری آذربایجان، ایران و ترکیه و همچنین فرودگاه بین‌المللی زوارتنوتس در ایروان، احتمال خروج ارمنستان از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی به رهبری روسیه و افزایش همکاری و یا حتی عضویت ارمنستان را در پیمان ناتو-

پس از نهایی شدن توافقنامه صلح بین ارمنستان- و جمهوری آذربایجان- افزایش داده است، در صورتی که فرایند ملی شدن زیرساخت‌های اقتصادی تحت کنترل روسیه در ارمنستان در حوزه‌هایی مانند گاز، مخابرات و راه‌آهن اجرایی و محقق شود، احتمال خروج ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نزدیکی این کشور به اتحادیه اروپا نیز بسیار محتمل خواهد بود. طی سال‌های اخیر، مقامات روسیه و ارمنستان بارها به زبان‌های تهدید و البته با اهداف متفاوت به این موضوع اشاره داشته‌اند که ارمنستان باید بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اتحادیه اروپا یکی را انتخاب کند.

در این راستا، پارلمان ارمنستان که حزب حاکم «پیمان شهروندی» به رهبری نیکول پاشینیان اکثریت آن را برعهده دارد، بدون درخواست یا دعوتی از سوی اتحادیه اروپا، در مارس ۲۰۲۵ میلادی / اسفند ۱۴۰۳ لایحه عضویت این کشور در اتحادیه اروپا را به تصویب رساند. این لایحه با ۶۳ رای موافق و ۷ رای مخالف به تصویب رسید و در فروردین ۱۴۰۴ نیز واهانگن خاچاتوریان، رئیس جمهور ارمنستان، این لایحه را امضاء کرد و تبدیل به قانون شد. متعاقب تصویب این قانون، مقامات فدراسیون روسیه اعلام کردند که عضویت هم‌زمان در اتحادیه اروپا و اتحادیه اقتصادی اوراسیا ممکن نیست و ارمنستان باید بین این دو ساختار یکی را انتخاب کند. با این وجود، در یک رویکرد واقع بینانه، باید گفت احتمال و امکان خروج ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا امکان‌پذیر نیست و تحقق آن نیازمند دو پیش شرط اساسی است: نخست، دولت ارمنستان بتواند به انحصار و مالکیت روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی ارمنستان در حوزه‌هایی مانند گاز، مخابرات و راه‌آهن پایان بدهد و دوم، نیکول پاشینیان و گفتمان حاکم در ارمنستان در انتخابات پارلمانی ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / خرداد ۱۴۰۵ در این کشور مجدداً به پیروزی دست یابند. به عبارت دیگر، با تداوم انحصار و مالکیت روسیه بر زیرساخت‌های اقتصادی ارمنستان، این کشور اساساً امکان خروج از اتحادیه اقتصادی اوراسیا را نخواهد داشت و در صورت اتخاذ چنین تصمیمی با مجازات و اقدامات تنبیهی مسکو به ویژه با افزایش چند برابری قیمت گاز صادراتی روسیه به ارمنستان مواجه خواهد شد. به قدرت رسیدن مخالفان و احزاب محافظه‌کار و ملی‌گرای ارمنی در در انتخابات پارلمانی ژوئن ۲۰۲۶ میلادی / خرداد ۱۴۰۵ که به شدت مخالف موافقتنامه صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان هستند نیز از اساس این فرایند را متوقف خواهد کرد.

با این وجود، خروج احتمالی ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نزدیکی این کشور به اتحادیه اروپا یکی از احتمالاتی است که آثار و نتایج آن برای ایران بسیار شایان توجه خواهد بود. ارمنستان تنها کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که ایران با آن دارای مرز زمینی مشترک است و طی سال‌های اخیر بارها از ارمنستان به عنوان «دروازه» و «پل ارتباطی» ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا یاد شده است. لذا خروج احتمالی ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند باعث گسست پیوندهای تجاری، تعرفه‌ای و گمرکی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در قفقاز جنوبی شود. هرچند این امر قطعاً به معنی پایان روابط اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران با کشور همسایه‌ای مانند ارمنستان نخواهد بود، اما بدون تردید خروج احتمالی ارمنستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و افزایش سطح همکاری‌های این کشور با اتحادیه اروپا که پذیرش بسیاری از پیش شرط‌ها، قوانین و مقررات مالی، بانکی، گمرکی و تجاری اتحادیه اروپا را به دنبال خواهد داشت، قطعاً بر روند همکاری‌های ایران و ارمنستان تأثیرات خاص خود را به دنبال خواهد داشت. هرچند تحقق چنین تحولاتی نیازمند تحقق دو پیش شرط اساسی است که در پاراگراف قبلی به آن اشاره شد.

توصیه‌ها و راهکارهای پیشنهادی به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

توافقنامه صلحی که میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان به امضاء رسید و همچنین دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان تحول بسیار مهمی است که ۳۵ سال پس از فروپاشی شوروی در منطقه قفقاز جنوبی به وقوع پیوسته است. هرچند این توافقنامه صلح هنوز نهایی نیست و تحقق آن نیازمند برآورده شدن پیش شرط‌های مختلفی است از جمله تحدید حدود مرزهای مشترک ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز اصلاح قانون اساسی ارمنستان و حذف عبارت «اتحاد ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی» در ارجاع به اعامیه استقلال ارمنستان در مقدمه قانون اساسی این کشور، همچنین بقا، تداوم و اجرایی شدن موافقتنامه صلح و دسترسی مستقیم جمهوری آذربایجان به نخجوان، نیازمند پیروزی مجدد نیکول پاشینیان است و در صورتی که مخالفان و احزاب محافظه‌کار و ملی‌گرای ارمنی که به شدت مخالف موافقتنامه صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان و نیز عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه هستند، به قدرت برسند، تمامی این توافقات و معادلات فرو خواهد پاشید و ارمنستان

در حوزه سیاست داخلی و خارجی به شرایط قبل از سال ۲۰۱۸ میلادی - قبل از به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان - باز خواهد گشت.

با این وجود، نفس این تحولات بسیار مهم است و نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت و صرفاً بر احتمالات تکیه نمود. لذا در رابطه با تحولی که در مجاورت مرزهای شمال غربی ایران در حال شکل‌گیری است، ضرورت دارد در یک رویکرد واقع‌بینانه، جامع و عمل‌گرایانه، از هرگونه «اغراق‌گویی» و «بزرگ‌نمایی» و یا در مقابل «کوچک‌انگاری» و «ساده‌سازی» پرهیز نمود. تجربیات گذشته ایران در قبال تحولات قفقاز جنوبی به ویژه در حوزه ژئواکونومیک، اهمیت توجه به چنین رویکردی را به ما یادآور می‌شود. حدود دو دهه قبل، زمانی که ساخت مسیرهای انتقال انرژی در قفقاز جنوبی مانند خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان و خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزروم مطرح بود، اکثریت برداشت‌ها و تحلیل‌ها در ایران در آن مقطع بر این استدلال استوار بود که این طرح‌ها بنا به دلایل مخالف اجرایی نخواهد شد. جمهوری آذربایجان به لحاظ فنی و سرمایه‌ای این امکان را ندارد، روس‌ها مانع خواهند شد، امکان انفجار و خرابکاری در طول مسیر خطوط لوله توسط چچنی‌ها و یا کردهای ترکیه وجود دارد و در نهایت جمهوری آذربایجان باید به جای گاز، «هوا» صادر کند. اما در عمل این‌گونه نشد و این طرح‌های انتقال انرژی و حتی طرح‌های دیگر نیز اجرایی و عملیاتی شد که منابع مالی و درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز جمهوری آذربایجان به ترکیه، اروپا و اسرائیل نقش بسیار مهمی در تغییر معادلات در قفقاز جنوبی داشت. نقطه عطف این روند، «جنگ دوم قره‌باغ» در سال ۲۰۲۰ میلادی بود. در واقع، در فاصله تقریباً ۲۰ سال از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی، «ژئواکونومیک» توانست «ژئوپلیتیک» را در قفقاز جنوبی تغییر بدهد. بنابراین، در این مواجهه با تحولات اخیر نیز باید از «اغراق‌گویی» و «بزرگ‌نمایی» و یا در مقابل «کوچک‌انگاری» و «ساده‌سازی» پرهیز نمود و این واقعیت را پذیرفت که تحولات مهمی در مجاورت مرزهای شمال غربی ایران در حال وقوع است.

آنچه ضرورت توجه به این تحولات را مضاعف می‌کند، شرایط خاص کشور پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و همچنین فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تمامی قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل متحد پیش از توافق برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی است که به موازات تحریم‌های یک

جانبه و فراگیر آمریکا، فشار سنگینی را به اقتصاد، تجارت خارجی و شبکه مالی، پولی و بانکی کشور وارد ساخته است. در چنین شرایطی، همسایگان و مناطق پیرامونی ایران از جمله قفقاز جنوبی، از اهمیت بسیار بالایی در حفظ و تداوم ترانزیت و تجارت خارجی ایران و افزایش تاب‌آوری کشور در مقابله با فشارهای تحریمی برخوردار است. لذا با عنایت به کلیه ملاحظات و نکات یاد شده، توصیه‌ها و راهکارهای پیشنهادی زیر می‌تواند از سوی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و زیرمجموعه آن در سراسر کشور و همچنین نهادها و دستگاه‌های متولی در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و ترانزیتی قرار گیرد.

۱- تمرکز بر فرایند طراحی، اجرایی و مختصات فنی - مهندسی احداث مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در استان سیونیک در جنوب ارمنستان

متعاقب امضاء توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان، در ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ اولین نشست اجرایی و فنی مربوط به احداث مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان با حضور هیئتی از آمریکا در باکو برگزار شد و تیمی از سرویس گمرک و حفاظت مرزی ایالات متحده نیز در ۸ مهر ۱۴۰۴ وارد ایروان شد و طبق اظهارات آارات میرزویان، وزیر خارجه ارمنستان، قرار است یک «کنسرسیوم ارمنی-آمریکایی» ایجاد شود که سازنده و اپراتور اصلی راه‌آهن پروژه «مسیر ترامپ» در جنوب استان سیونیک ارمنستان خواهد بود. این تحرکات به موازات ساخت و تکمیل مسیرهای جاده‌ای و ریلی «هورادیز-جبرائیل-زنگیلان-آق‌بند» توسط جمهوری آذربایجان در جنوب منطقه قره‌باغ و مجاورت مرز ایران به روشنی گویای آن است که

فرایند طراحی و تعریف مختصات فنی - مهندسی احداث مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان آغاز شده است. در چنین شرایطی، حق طبیعی و منطقی ایران است که در جریان فرایند طراحی، اجرایی و مختصات فنی - مهندسی احداث مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان قرار گیرد. در این راستا، ایران می‌تواند حداقل سه انتظار و درخواست مهم از دو کشور آذربایجان و ارمنستان داشته باشد که در راستای سیاست اصولی، ثابت و منطقی ایران در سه دهه گذشته در رابطه با عدم تغییر مرزهای بین‌المللی و احترام به استقلال و حاکمیت کشورهای منطقه است. این

سه انتظار و درخواست مهم عبارتند از:

۱- نخستین انتظار ایران این است که برای حفظ حریم و امنیت مرز مشترک ایران و ارمنستان، مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در استان سیونیک در جنوب ارمنستان، تا جایی که امکان دارد از مرز ایران فاصله داشته باشد و در مناطقی بالاتر از مرز مشترک ایران و ارمنستان طراحی و احداث شود. جنوب استان سیونیک در ارمنستان از نظر جغرافیایی و وجود مناطق خالی از جمعیت، از نظر فنی و مهندسی کاملاً این امکان را دارد که مسیرهای ریلی و جاده‌ای، خطوط انتقال نفت و گاز، فیبرنوری و انتقال برق، کیلومترها بالاتر و دورتر از مرز مشترک ایران و ارمنستان احداث شود که نفس این امر به عنوان یک اقدام اعتمادساز، می‌تواند در عمل - نه در لفظ و اعلام مواضع - نشان دهد که این مسیر ترانزیتی و ارتباطی تهدیدی برای مرز مشترک ایران و ارمنستان نخواهد بود.

۲- دومین انتظار و درخواست مهم ایران این است که طراحی و مختصات فنی - مهندسی این مسیر به گونه‌ای باشد که جاده و مسیر ترانزیتی ایران به ارمنستان را قطع و یا دچار انسداد و اختلال نکند. در این راستا، شاید ساخت «روگذر» و یا «پل» در نقطه تلاقی مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان با مسیر ترانزیتی ایران و ارمنستان می‌تواند تا حد زیادی نگرانی‌های فعلی را کاهش دهد. این «روگذر» و یا «پل» می‌تواند بخشی از مسیر جاده‌ای و ریلی و حتی خطوط انتقال برق، فیبر نوری و خطوط انتقال نفت و گاز را از بالای مسیر ترانزیتی و ارتباطی ایران به ارمنستان عبور دهد و باعث کاهش نگرانی‌ها شود. با توجه به کوهستانی بودن منطقه، شرایط خاک و نزدیکی منطقه به رود ارس، احتمال ساخت «زیرگذر» بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد و لذا به نظر می‌رسد محتمل‌ترین گزینه همان ساخت «روگذر» و یا «پل» در نقطه تلاقی مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان با مسیر ترانزیتی ایران و ارمنستان باشد.

۳- دامنه فعالیت و اختیارات شرکت مشترک ارمنی - آمریکایی که مسئولیت نظارت، کنترل و تامین امنیت مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان را طبق قوانین و مقررات حاکمیتی ارمنستان برعهده دارند، باید محدود به همین مسیر باشد و نباید دامنه آن به مسیر ارتباطی و ترانزیتی ایران و ارمنستان به ویژه در نقطه تلاقی دو مسیر تعمیم و گسترش پیدا کند تا هیچ‌گونه مزاحمت،

محدودیت و کنترلی از سوی شرکت‌های آمریکایی مستقر در این مسیر بر روی عبور و رفت و آمد شهروندان ایرانی، کنترل گذرنامه‌ها و همچنین عبور کامیون‌ها و ترانزیت ایران به ارمنستان در مرز نوردوز-مقري در استان سیونیک تا ایروان و نیز سایر نقاط این کشور ایجاد نشود.

ضرورت دارد سه ملاحظه، انتظار و درخواست یاد شده به عنوان «خطوط قرمز» ایران به هر دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان منتقل، تشریح و تبیین شود تا در نتیجه اجرای توافقات بین این دو کشور همسایه، آسیب و زیانی متوجه منافع اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران نشود. در این راستا، «کمیسیون خدمات فنی مهندسی و احداث اتاق ایران» با همراهی و مشارکت «اتاق تبریز»، «اتاق مشترک بازرگانی ایران و جمهوری آذربایجان» و «اتاق مشترک بازرگانی ایران و ارمنستان» می‌توانند در ارتباط و رایزنی مستمر با مجموعه‌های مشابه فنی-مهندسی در جمهوری آذربایجان و ارمنستان و بازدید میدانی از فرایند طراحی، اجرایی و مختصات فنی-مهندسی احداث مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان در استان سیونیک در جنوب ارمنستان و در مجاورت مرز ایران، در جریان آخرین تحولات منطقه قرار گیرند و نتایج این بازدید میدانی و پیشنهادها، ملاحظات و نقطه نظرات اتاق بازرگانی را در اختیار نهادهای دولتی و حاکمیتی قرار دهند که می‌تواند نقش بسیار مهمی در فرایند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در این حوزه ایفا کند.

۲- تسریع در فرایند تکمیل و عملیاتی‌شدن بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان

به موازات طراحی و احداث مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان در مسیر «شرقی-غربی»، ضرورت دارد فرایند ساخت و عملیاتی‌شدن «بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان» نیز سرعت و شتاب بیشتری گیرد. این بزرگراه یک کریدور بزرگ حمل و نقلی است و «باورا» (نزدیک مرز گرجستان) را به مغری (نزدیک مرز ایران) متصل می‌کند. این پروژه بزرگ‌ترین پروژه حمل و نقل و ترانزیت در تاریخ ارمنستان پس از استقلال است. ساخت آن از سال ۲۰۰۹ میلادی / ۱۳۸۸ با هدف اتصال جنوب ارمنستان به شمال این کشور آغاز شد. تاریخ اتمام این پروژه برای سال ۲۰۳۰ برنامه‌ریزی شده است، با ۲ سال اضافی برای اصلاح نواقص آن. پروژه بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان به پنج بخش تقسیم شده است. در حالی که بخش‌های شمالی در اطراف ایروان و گیومری در حال

تکمیل شدن است، بخش‌های قابل توجهی از بزرگراه در جنوب همچنان در حال ساخت است. مناطق کوهستانی جنوب ارمنستان روند ساخت بزرگراه‌ها و تونل‌ها را پرهزینه و طولانی کرده است. نقشه زیر مسیر بزرگراه شمال- جنوب ارمنستان را نشان می‌دهد که از استان شیراک در شمال تا استان سیونیک در جنوب ارمنستان امتداد دارد.



نقشه شماره ۲۲: مسیر بزرگراه شمال - جنوب ارمنستان، از استان شیراک در شمال (گرجستان) تا استان سیونیک در جنوب (ایران)

هدف این کریدور راهبردی کاهش مسافت مواصلاتی مرزهای ارمنستان با ایران و گرجستان از ۵۶۰ کیلومتر به حدود ۴۶۰ کیلومتر است و پس از تکمیل آن، انتظار می‌رود این بزرگراه به طور قابل توجهی زمان حمل و نقل را کوتاه کند و هزینه‌های لجستیکی را کاهش دهد. بر اساس برآوردهای منتشر شده در رسانه‌های ارمنستان، زمان ترانزیت کالاهای ایرانی از طریق ارمنستان از ۹ ساعت به حدود ۵ ساعت کاهش می‌یابد. در عین حال پیش‌بینی می‌شود هزینه حمل یک تن بار در هر کیلومتر نیز بین ۱/۵ تا ۲ دلار کاهش پیدا کند. علاوه بر این، به گفته وزیر سابق اداره ارضی و زیرساخت ارمنستان، در جاده فعلی سیسیان به کاجاران در استان سیونیک، میانگین سرعت رانندگی حدود ۵۰ کیلومتر در ساعت است. اما در بزرگراه جدید شمال- جنوب ارمنستان، این سرعت می‌تواند به ۱۰۰

کیلومتر در ساعت افزایش پیدا کند و زمان سفر در این بخش را تقریباً دو ساعت کاهش دهد. در این راستا، با حوادث تونل کاجاران به عنوان بخشی از پروژه شمال-جنوب، نیازی به عبور از گردنه کوه مغری نخواهد بود که حمل و نقل ایمن تر و مطمئن تر به ویژه در ماه های زمستان را تضمین می کند. علاوه بر حمایت بین‌المللی برای تامین مالی این پروژه،^۱ ایران و ارمنستان نیز در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی/ ۱ آبان ۱۴۰۲ توافقنامه‌ای را برای ساخت بخش جنوبی بزرگراه شمال به جنوب و همچنین لغو عوارض جاده‌ای امضا کردند. بر اساس این قرارداد، طرف ایرانی مسئولیت ساخت قطعه ۳۲ کیلومتری تونل آگراک (از مرز ایران) - واردانیدزور - تونل کاجاران را برعهده گرفته است که شامل ساخت ۵ تقاطع جدید، ۶ روگذر، ۲ تونل و ۱۷ پل خواهد بود. در این راستا، شرکت‌های مهندسی ایرانی در چارچوب قطعه چهارم برنامه سرمایه‌گذاری بزرگراه شمال به جنوب ارمنستان، بازسازی اساسی جاده آگراک-وردانیزور (حدود ۲۱ کیلومتر) و ساخت جاده واردانیدزور تا خروجی تونل (حدود ۱۱ کیلومتر) را انجام می‌دهند. اهمیت بزرگراه شمال-جنوب، فراتر از تجارت دوجانبه بین ایران و ارمنستان است. این پروژه می‌تواند نقش مهمی در «کریدور خلیج فارس-دریای سیاه» ایفا کند که شبکه‌ای چند وجهی و ترکیبی از کشتی‌ها و مسیرهای ریلی و جاده‌ای است که ایران، ارمنستان، گرجستان، بلغارستان و یونان را به هم متصل می‌کند.^۲

بنابراین، در چنین شرایطی که طراحی و احداث مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان در جنوب ارمنستان در مسیر «شرقی - غربی» با مشارکت شرکت‌های آمریکایی در دستور کار قرار گرفته است، ساخت و تکمیل بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان از اهمیت مضاعفی برخوردار شده است. این بزرگراه می‌تواند تضمین مناسبی برای حفظ ترانزیت و تجارت با ارمنستان و همچنین گرجستان باشد که به موازات «کریدور شمال- جنوب» بین روسیه، جمهوری آذربایجان و ایران، باعث تقویت «کریدور

۱. برای تامین هزینه مالی این پروژه، دولت ارمنستان در ۹ ژانویه ۲۰۲۵ میلادی، توافقنامه مالی بزرگی را با بانک سرمایه گذاری اروپا برای ساخت بخش مهم راهبردی بزرگراه سیسیان-کاجاران تصویب کرد. علاوه بر بانک سرمایه‌گذاری اروپا، بانک اروپایی بازسازی و توسعه و بانک توسعه آسیایی هر کدام ۲۳۶ میلیون یورو به این طرح زیرساختی و ترانزیتی کمک مالی خواهند کرد.

۲. ولی کالجی و ژانا واردانیان، «نقش بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان در ترانزیت و تجارت بین ایران و ارمنستان»، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴.

خلیج فارس - دریای سیاه» بین ایران، ارمنستان و گرجستان خواهد شد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود ریاست محترم اتاق ایران همراه با ریاست و اعضای کمیسیون خدمات فنی مهندسی و احداث اتاق و نیز اتاق مشترک بازرگانی ایران و ارمنستان، از روند ساخت این بزرگراه و به ویژه شرکت‌های مهندسی ایرانی که در این پروژه مشغول فعالیت هستند، بازدید میدانی داشته باشند و در این راستا به دلیل اهمیت موضوع از نظر ترانزیت و تجارت خارجی ایران، طبق هماهنگی و توافقی که می‌تواند بین مدیریت این شرکت‌ها و اتاق بازرگانی ایران صورت می‌گیرد، با برگزاری جلسات مشترک، گزارش روند پیشرفت این پروژه صورت مستمر در اختیار اتاق ایران قرار گیرد.

۳- تکمیل و بهره‌برداری از پل دوم روگذر در ارس در مرز مشترک ایران و ارمنستان

اقدام مهم دیگری که مکمل ساخت و تکمیل بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان خواهد بود، تکمیل و بهره‌برداری از پل دوم روگذر در ارس در مرز مشترک ایران و ارمنستان است که باعث کاهش بار ترافیکی در پایانه مرزی نوردوز به مقری، تسهیل رفت و آمد شهروندان و ترانزیت کامیون‌ها و اتوبوس‌ها در دو سوی مرز خواهد شد. تجربه ساخت و افتتاح پل جدید مرزی اتومبیل‌رو آستاراچای بین ایران و جمهوری آذربایجان به موازات پل فلزی و قدیمی این مسیر نشان داد که ساخت و عملیاتی شدن پل دوم تا چه میزان می‌تواند موجب روان‌سازی و تسهیل ترانزیت و تجارت در پایانه‌های مرزی شمال غربی کشور باشد. در سال ۲۰۲۴ میلادی بیش از ۱۲۶ هزار کامیون بدون احتساب اتوبوس و خودرو از مرز مشترک ایران و ارمنستان عبور کرده‌اند و با توجه به لغو متقابل ویزا بین ایران و ارمنستان و همچنین ارتقاء توافقنامه تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به «توافقنامه تجارت آزاد» که از اردیبهشت ۱۴۰۴ اجرایی شده است، تکمیل و بهره‌برداری از پل دوم روگذر در ارس در مرز مشترک ایران و ارمنستان از اهمیت مضاعفی برخوردار شده است تا بتواند پاسخگوی حجم رو به افزایش تردد و ترانزیت از این مسیر باشد. نکته بسیار مهم، طراحی و احداث مسیر جمهوری آذربایجان به نخجوان در استان سیونیک در جنوب ارمنستان و مجاورت مرز ایران است که ضرورت تکمیل و بهره‌برداری از پل دوم روگذر در ارس در مرز مشترک ایران و ارمنستان را دو چندان کرده است. در واقع، ساخت و تکمیل بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان، احداث پل دوم روگذر و نیز تقویت

و توسعه پایانه مرزی نوردوز، تقویت حضور اقتصادی، ترانزیتی و تجاری ایران در استان سیونیک ارمنستان را به دنبال خواهد داشت. لذا ضرورت دارد با یک نگرش ویژه و با اولویت به این طرح‌های ترانزیتی توجه لازم و مناسبی صورت گیرد.

۴- ساخت و تکمیل بزرگراه وَرزقان - نوردوز در استان آذربایجان شرقی

اقدام مهم دیگری که مکمل احداث پل دوم روگذر و نیز تقویت و توسعه پایانه مرزی نوردوز و نیز ساخت و تکمیل بزرگراه شمال-جنوب ارمنستان است، تسریع در روند ساخت و تکمیل بزرگراه وَرزقان - نوردوز در استان آذربایجان شرقی است. خوشبختانه پروژه بزرگراه ترانزیتی تبریز - وَرزقان در استان آذربایجان شرقی پیش از این اجرایی و عملیاتی شده است و لذا در حال حاضر تکمیل این مسیر ارتباطی و ترانزیتی، بزرگراه وَرزقان به نوردوز به طول ۶۶ کیلومتر در مرز با ارمنستان در دست اجراست. برای اجرای این پروژه، مبلغ ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار از سوی شرکت ملی صنایع مس ایران تخصیص یافته است. این پروژه با مشارکت مجتمع مس سونگون، راهداری استان و بسیج سازندگی سپاه عاشورا در حال اجراست. بر اساس آخرین گزارش‌ها، پروژه بزرگراه وَرزقان به نوردوز بیش از ۹۰ درصد پیشرفت داشته است و طبق پیش‌بینی‌ها، قرار است تا پایان سال ۱۴۰۴ تکمیل و اجرایی شود. اتصال بزرگراه تبریز - وَرزقان - نوردوز در ایران به بزرگراه شمال - جنوب در ارمنستان و نیز بزرگراه شرقی - غربی در گرجستان می‌تواند نقش مهمی در کریدور خلیج فارس - دریای سیاه ایفا کند. از این طریق، بنادر ایران در خلیج فارس و دریای عمان می‌توانند به بنادر پوتی و باتومی گرجستان در دریای سیاه متصل شوند و از آنجا کامیون‌ها و کانتینرها می‌توانند با کشتی‌های رو-رو با عبور از دریای سیاه به بنادر بلغارستان از جمله بنادر بورگاس و وارنا حمل شوند.

۵- توسعه متوازن و هماهنگ پایانه مرزی نوردوز (ایران) و مِقری (ارمنستان)

مسیر ارتباطی و ترانزیتی جمهوری آذربایجان به نخجوان موسوم به «مسیر ترامپ» در صورتی که جنبه اجرایی و عملیاتی پیدا کند، از مجاورت مرز مشترک ایران و ارمنستان عبور خواهد کرد که دو پایانه مرزی مهم یعنی پایانه مرزی نوردوز (در شهرستان جلفا، استان آذربایجان شرقی) و پایانه مرزی مِقری (در جنوب استان سیونیک ارمنستان) در دو سوی این مرز مشترک واقع شده‌اند. واقعیت این است

که علی‌رغم طرح‌ها و برنامه‌های مختلف دولت‌های ایران و ارمنستان برای تقویت و توسعه پایانه‌های مرزی نوردوز و مِقری، این دو پایانه مرزی همچنان با مشکلات متعددی مواجه هستند. در حالی که پایانه مرزی مِقری از مشکلاتی مانند ضعف زیرساختی، تراکم در پذیرش و کمبود منابع انسانی رنج می‌برد، پایانه مرزی نوردوز نیز با چالش‌هایی مانند ظرفیت پایین پذیرش و مشکلات فنی مواجه است. چنانچه علیرضا نظیف، دبیر میز تجاری ارمنستان در اتاق تبریز اشاره می‌کند، «پایانه مرزی نوردوز ظرفیت پذیرش روزانه ۷۰ تا ۸۰ کامیون را دارد، در حالی که تقاضا برای عبور بیش از ۵۰۰ کامیون در روز وجود دارد و این ظرفیت پایین نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای رو به رشد تجاری باشد. ایران تنها از یک گیت استفاده می‌کند که باید برای توسعه آن اقدام فوری صورت گیرد».^۱ در جریان بازدید اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی از پایانه مرزی نوردوز در ۲۸ مرداد ۱۴۰۴ نیز این موضوع مطرح شد که بر اساس گزارش مسئولان، روزانه حدود ۲۰۰۰ نفر مسافر از این پایانه مرزی تردد کرده و حدود ۴۰۰ الی ۴۵۰ کامیون عبور می‌کنند. در حالی که در ایام تعطیل، تعداد مسافران عبوری از این پایانه مرزی به ۷ الی ۸۰۰۰ نفر می‌رسد. ضمن این‌که سالانه یک میلیون تن صادرات ترانزیتی به وزن ۵۰ هزار تن از پایانه مرزی نوردوز انجام می‌شود.^۲

به منظور کاهش چالش‌ها و مشکلات این دو پایانه مرزی، دولت ارمنستان «طرح توسعه پایانه مرزی مِقری» را در دستور کار قرار داده است و در طرف ایران نیز «طرح توسعه پایانه مرزی نوردوز» نیز به تصویب رسیده است و در این راستا، طبق اظهارات ابراهیم جلیلی، معاون اقتصادی منطقه آزاد ارس، این سازمان با هدف تسهیل فرایندهای اجرایی و توسعه زیرساخت‌ها، با واگذاری چهار هکتار به پایانه، فضای عملیاتی پایانه را از ۸ هکتار به ۱۲ هکتار توسعه داد و در اقدامی دیگر فاز نخست سایت لجستیک نوردوز را در مساحتی حدود هفت هکتار عملیاتی کرد که فرایندهای تخلیه و بارگیری کالا، انبارداری، پارکینگ توقف کامیون‌ها و نوبت‌دهی گذر مرزی در آن انجام می‌شود که در تسهیل تردد مرزی و روان سازی ترافیک داخل پایانه و توسعه صادرات بسیار موثر بود. همچنین در برنامه آینده

۱. توسعه پایانه مرزی نوردوز طرحی برای روان‌سازی تجارت با اوراسیا، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴.

۲. حضور اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس در پایانه مرزی نوردوز، خبرگزاری خانه ملت، ۲۸ مرداد ۱۴۰۴.

این سازمان اجرای فاز دوم سایت مذکور و احداث ساختمان‌های خدماتی و رفاهی برای رانندگان و ساختمان‌های اداری و عملیاتی برای گمرک جهت تجمیع خدمات گمرکی در سایت لجستیک نوردوز قرار دارد.^۱

با این وجود، به نظر می‌رسد سرعت و فرایند اجرای طرح‌های توسعه پایانه‌های مرزی نوردوز و مقری متناسب با تحولات کنونی از جمله اجرایی شدن «توافقنامه تجارت آزاد» بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اردیبهشت ۱۴۰۴ و همچنین توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و طرح دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان در خاک ارمنستان و در مجاورت مرز ایران نیست. در واقع، اگر ایران و ارمنستان مصمم به حفظ و تقویت روابط ترانزیتی و تجاری بین دو کشور هستند، ضرورت دارد با توجه و فوریت بیشتری به فرایند اجرایی‌شدن طرح‌های توسعه پایانه‌های مرزی مقری و نوردوز نگریسته شود. واقعیت این است که تمامی طرح‌های دیگر در دست اقدام از جمله بزرگراه شمال - جنوب ارمنستان، پل دوم روگذر در ارس و بزرگراه ورزقان - نوردوز، زمانی معنی پیدا می‌کند و می‌توان انتظار بهره‌برداری مناسب از آن‌ها را داشت که روند عبور شهروندان و نیز ترانزیت از پایانه‌های مرزی مقری و نوردوز با سرعت و حجم به مراتب بیشتری صورت گیرد. در این راستا، ضرورت دارد دولت اختیارات ویژه‌ای به استانداران استان‌های مرزی از جمله استانداری آذربایجان شرقی تفویض نموده تا در خصوص مدیریت مرزها و پایانه‌های مرزی به ویژه پایانه مرزی نوردوز تصمیمات در محل گرفته شود. تامین و تخصیص اعتبار طرح‌های توسعه این پایانه مرزی در شرایط کنونی حاکم بر منطقه قفقاز جنوبی، از ضرورت و فوریت برخوردار است و باید با یک نگاه ملی به آن نگریسته شود. همچنین اقداماتی مانند هوشمندسازی، الکترونیکی کردن فرایندهای اداری، افزایش تعداد ایکس ری کامیونی، افزایش محدوده تخلیه، انبار و بارگیری کالا و توسعه زیرساخت‌ها و تقویت ظرفیت‌های پایانه مرزی نوردوز از جمله اقداماتی است که لازم است به آن توجه ویژه‌ای صورت گیرد.

نکته بسیار مهم این است که تمامی این اقدامات بدون اقدامات مشابه از سوی طرف ارمنی در

۱. توسعه پایانه مرزی نوردوز طرحی برای روان‌سازی تجارت با اوراسیا، خبر صبح، ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴.

پایانه مرزی مقری، نتیجه مورد انتظار را نخواهد داشت و نیاز است این دو پایانه مرزی، به صورت متوازن و هماهنگ توسعه پیدا کند تا شاهد کاهش بار ترافیک در دو سوی مرز و همچنین تسهیل و روان سازی جریان ترانزیت و عبور شهروندان باشیم. در این راستا، ضرورت دارد اتاق بازرگانی ایران، اتاق بازرگانی تبریز و اتاق مشترک ایران و ارمنستان بازدیدهای میدانی و جلسات مشترکی را با طرف ارمنی برای تسریع و هماهنگی در روند اجرای طرح های توسعه پایانه های مرزی نوردوز و مقری برگزار نمایند تا براساس پیشنهادها، ملاحظات و نقطه نظرانی که از سوی اتاق بازرگانی ایران را در اختیار نهادهای دولتی و حاکمیتی قرار می گیرد، روند توسعه این دو پایانه مهم مرزی، به صورت متوازن و هماهنگ پیگیری و اجرایی شود که با توجه به اجرایی شدن «توافقنامه تجارت آزاد» بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اردیبهشت ۱۴۰۴ و همچنین توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و طرح دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان در خاک ارمنستان و در مجاورت مرز ایران، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

۶- تقویت همکاری های مشترک منطقه آزاد اقتصادی ارس (ایران) و منطقه آزاد مقری (ارمنستان)

گام مهم دیگری که مکمل سایر اقدامات و طرح های در دست اقدام مانند ساخت بزرگراه شمال - جنوب ارمنستان، پل دوم روگذر در ارس، بزرگراه ورزقان - نوردوز و توسعه پایانه های مرزی نوردوز و مقری خواهد بود، تقویت همکاری های مشترک منطقه آزاد اقتصادی ارس (ایران) و منطقه آزاد مقری (ارمنستان) در دو سوی مرز مشترک دو کشور است. واقعیت این است که متأسفانه رشد و توسعه زیرساخت های منطقه آزاد مقری به موازات رشد و توسعه منطقه آزاد ارس صورت نگرفته است و همین امر یک روند نامتوازن را بین دو این منطقه آزاد اقتصادی در دو سوی مرز ایران و ارمنستان ایجاد کرده است. لذا در شرایط کنونی، توسعه زیرساخت های اقتصادی منطقه آزاد مقری، به توجه و حمایت بیشتری از سوی دولت ارمنستان نیاز دارد و در این فرایند همانند بزرگراه در حال ساخت شمال - جنوب ارمنستان، شرکت های ایرانی به ویژه منطقه آزاد اقتصادی ارس می توانند نقش مهمی ایفا کنند.

خوشبختانه در حاشیه برگزاری هفدهمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری های اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان در اردیبهشت ۱۴۰۱، یادداشت تفاهم همکاری مشترک بین منطقه آزاد ارس و منطقه آزاد مغری در ایروان به امضای مشترک دو مدیرعامل رسید. در این راستا ضرورت دارد با توجه به توجه به اجرایی شدن «توافقتنامه تجارت آزاد» بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اردیبهشت ۱۴۰۴ و همچنین توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و طرح دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان در خاک ارمنستان و در مجاورت مرز ایران، اجرای مفاد این یادداشت تفاهم از جمله یکپارچه‌سازی و اعمال مشوق‌ها و تعرفه‌های مورد توافق طرفین، تکمیل زیر ساخت‌های ترانزیت و ترانشیپ کالا و خدمات فی مابین ارس و مغری، ایجاد نهادهای پولی و مالی بین‌المللی جهت استقرار در هر دو منطقه و تاسیس شرکت‌های مشترک ایرانی-ارمنی با جدیت بیشتری از سوی کارگروه‌های تخصصی این دو منطقه آزاد اقتصادی پیگیری و اجرایی شود. در این فرایند، همکاری و هماهنگی مناطق آزاد اقتصادی ارس و مغری با اتاق ایران، اتاق آذربایجان شرقی و اتاق مشترک ایران و ارمنستان قطعاً می‌تواند به پیشبرد سریع‌تر طرح‌ها و برطرف نمودن موانع و چالش‌های موجود کمک شایانی نماید.

۷- ضرورت ادامه ساخت و تکمیل «کریدور ارس» بین آذربایجان و نخجوان با عبور از استان آذربایجان شرقی

زمانی که توافقنامه ساخت «کریدور ارس» بین ایران و جمهوری آذربایجان برای ساخت دو مسیر جاده‌ای و ریلی به امضاء رسید تا جایگزین مسیر قدیمی از پایانه مرزی بیله سوار در شمال اردبیل با عبور از آذربایجان شرقی به نخجوان شود، برخی امیدها و انتظارات غیر واقع بینانه‌ای در ایران وجود داشت که «کریدور ارس» می‌تواند جایگزین (آلترناتیو) «کریدور زنگه‌زور» شود. اما در عرصه واقعیت روشن بود که جمهوری آذربایجان و نیز ترکیه از پروژه مهم و استراتژیک «کریدور زنگه‌زور» دست نخواهند کشید و روند تحولات نیز نشان داد «کریدور زنگه‌زور» قرار است با نام و عنوان جدیدی در قالب «مسیر ترامپ» اجرایی شود. با این وجود، این تحولات و توافقات اخیر بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان نباید باعث کاهش انگیزه و یا کندی و توقف ساخت «کریدور ارس» شود. از یک سو، توافقنامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان هنوز نهایی و قطعی نیست و در صورتی

که مخالفان و احزاب محافظه‌کار و ملی‌گرای ارمنی که به شدت مخالف موافقتنامه صلح ارمنستان با جمهوری آذربایجان و نیز عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه هستند، در انتخابات پارلمانی ژوئن ۲۰۲۶ میلادی/ خرداد ۱۴۰۵ به قدرت برسند، تمامی این توافقات و معادلات فرو خواهد پاشید. از سویی دیگر، حتی اگر این توافقات و معادلات پابرجا باقی بماند و مسیر ارتباطی آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، اجرایی شود نیز بسیار بعید به نظر می‌رسد دولت آذربایجان این ریسک را بپذیرد که تمامی خطوط انتقال انرژی، ترانزیت و تردد شهروندان خود را از مسیر گرجستان و نیز مسیر ایران به مسیر ارمنستان منتقل کند. لذا به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان با هدف تنوع بخشی به مسیرهای ارتباطی و جلوگیری از هرگونه وابستگی و یا ریسک احتمالی، حتی پس از اجرایی شدن «مسیر ترامپ» نیز دو مسیر ترانزیتی و عبوری از گرجستان و ایران را برای دسترسی به ترکیه و منطقه نخجوان حفظ خواهد کرد. لذا ضرورت دارد عملیات ساخت کریدور ارس با قدرت و جدیت ادامه پیدا کند و به این نکته بسیار مهم توجه داشت که حتی اگر تمامی بار ترانزیت و عبور شهروندان بین جمهوری آذربایجان و نخجوان به مسیر ارمنستان نیز منتقل شود، زیر ساخت‌های جاده‌ای و ریلی کریدور ارس برای ایران باقی خواهد ماند و می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و ترانزیت در مناطق مرزی شمال غربی ایران به ویژه استان آذربایجان شرقی ایفا کند.



نقشه شماره ۲۳: مسیر جاده‌ای و ریلی کریدور ارس که نخجوان را از خاک ایران به جمهوری آذربایجان متصل می‌کند.^۱

۸- ضرورت احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان / جلفا- نخجوان- مِقری- زنگیلان- باکو- مسکو

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند باعث حفظ و تقویت نقش و جایگاه اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران در قفقاز جنوبی شود، احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان است که دارای دو شاخه است. شاخه نخست، مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان است که ارتباط ریلی ایران با ارمنستان و همچنین گرجستان را فراهم می‌کند و شاخه دوم نیز مسیر ریلی جلفا- نخجوان- مِقری- زنگیلان- باکو- مسکو است که باعث اتصال شبکه ریلی ایران به جنوب ارمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه می‌شود. چنانچه در ابتدای این پژوهش نیز اشاره شد، متأسفانه ایران تنها کشوری بود که در نتیجه جنگ اول قره‌باغ، ارتباط ریلی آن با قفقاز قطع شد، چرا که ارمنستان، جمهوری آذربایجان، روسیه و گرجستان می‌توانستند همچنان از مسیر شمالی شبکه ریلی قفقاز استفاده کنند و تنها ایران بود که در جنوب قفقاز، ارتباط ریلی

۱. «راه‌آهن قفقاز؛ برگ برنده ایران برای خنثی‌سازی تهدید کریدور زنگزور»، مشرق نیوز، ۹ مهر ۱۴۰۴.



تاریخی خود با منطقه را از دست داد که پس از گذشت سه دهه هنوز تغییری در این وضعیت ایجاد نشده است. ساخت مسیر ریلی «مرند-نوردوز-مقري-ایروان» بین ایران و ارمنستان نیز که از دو دهه قبل مطرح بود، بنا به دلایل مختلف از جمله ناتوانی ارمنستان در تامین مالی این پروژه و تعارض منافع روس‌ها که مالکیت شبکه راه آهن روسیه را در اختیار دارند، به نتیجه نرسید. مسیر ریلی رشت-آستارا نیز به عنوان تنها بخش ریلی باقیمانده در کریدور شمال-جنوب، در مراحل اولیه تملک و خریداری اراضی کشاورزی و ساخت است که به دلایل شرایط خاص زیست محیطی این منطقه از استان گیلان، پروژه‌ای پرهزینه و زمان‌بر است که با مشارکت و سرمایه‌گذاری روسیه قرار است تا سه سال آینده به بهره‌برداری برسد.

خوشبختانه پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی / ۱۳۹۹ طرح احیای مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب منطقه قفقاز مجدداً مطرح شد و پس از جنگ سوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ میلادی / ۱۴۰۲ با جدیت بیشتری به ویژه از سوی ایران در چهارچوب الگوی همکاری منطقه ای ۳+۳ در قفقاز جنوبی پیگیری شد. از یک سو، جمهوری آذربایجان ساخت مسیر ریلی «هورادیز-آغ‌بند» را در جنوب منطقه قره‌باغ و در مجاورت مرز ایران آغاز کرد و از سویی دیگر دولت ارمنستان نیز بارها آمادگی این کشور برای اتصال مسیر ریلی یراسخ - جلفا - اردوباد - مقري - هورادیز را اعلام نمود. با این وجود، اختلافات ارمنستان و جمهوری آذربایجان در تفسیر بند نهم موافقتنامه آتش‌بس قره‌باغ به ویژه در رابطه با موضوع «کریدور زنگه‌زور» موجب شد احیای مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب قفقاز محقق نشود و لذا این امید و انتظار وجود دارد که در صورت توافق نهایی صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، این مسیر مهم ارتباطی و ترانزیتی پس از سه دهه احیاء و اجرایی شود. نقشه زیر گویای مسیرهای ریلی و جاده‌ای برای احیای مسیرهای عبوری و ترانزیتی دوره شوروی در جنوب قفقاز پس از جنگ دوم قره‌باغ است.



نقشه شماره ۲۴: مسیرهای ریلی (رنگ سبز) و جاده‌ای (رنگ قرمز) برای احیای مسیرهای عبوری و ترانزیتی دوره شوروی در جنوب قفقاز پس از جنگ دوم قره‌باغ

لذا در چنین شرایطی، احیای مسیر ریلی دوره شوروی در جنوب قفقاز یعنی مسیر ریلی جلفا-نخجوان-ایروان و همچنین جلفا-نخجوان-مقري-زنگیلان-باکو-مسکو یکی از سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین پروژه‌های ریلی است که پس از ۳۵ سال می‌تواند مجدداً زمینه اتصال ریلی ایران به ارمنستان، گرجستان، جمهوری آذربایجان و روسیه را فراهم کند. برای چندین دهه در دوره شوروی، این مسیرهای ریلی، مسیر اصلی ترانزیت و تجارت ایران و شوروی بود و به ویژه در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، نقش بسیار مهم و حیاتی در واردات کشور و تامین نیازهای حیاتی و اساسی داشت. به همین دلیل، جلفا تا سال ۱۳۷۰ به واسطه انبارها و تنها خط آهن برقی کشور، بزرگ‌ترین پایانه صادراتی و وارداتی، و یکی از پرتددترین مسیرهای جاده‌ای و ریلی کشور با جابجایی سالانه چهار میلیون تن بار از خط آهن جلفا - نخجوان را در اختیار داشت و با فعالیت و تردد بیش از ۲۰ هزار دستگاه خودروی ترانزیتی و تخلیه ۴۰۰ واگن بار در انبارهای عمومی گمرک جلفا، این منطقه به عنوان مجهزترین منطقه با زیرساخت‌های



ریلی و گمرکی و بزرگ‌ترین مرکز انبارداری و ناوگان ترانزیتی ایران مطرح بود.^۱

لذا احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان می‌تواند جایگاه گذشته ترانزیتی و گمرکی جلفا را به این منطقه برگردانند و باعث رونق و توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی در این نقطه مرزی شود و توسعه قابل توجه فعالیت‌های مناطق آزاد اقتصادی ارس و ماکو در شمال غرب کشور را نیز به دنبال داشته باشد. علاوه بر این، در شرایط کنونی که ایران با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی مواجه شده است، احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان می‌تواند نقش بسیار مهمی در توسعه ترانزیت و تجارت بین ایران با قفقاز جنوبی، روسیه و حتی بلاروس داشته باشد و زمینه را برای اتصال ریلی مستقیم بندر ایران در خلیج فارس و دریای عمان به بندر گرجستان در دریای سیاه فراهم کند. در واقع، این دو مسیر ریلی باعث اتصال ریلی و ترانزیتی ایران در هر دو «کریدور شمال- جنوب» و «کریدور خلیج فارس- دریای سیاه» خواهد شد.

از سویی دیگر، امکان ترانزیت و تجارت بین روسیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان به عراق و کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس را از مسیر ایران- در مقایسه با مسیر ترکیه- را بسیار تسریع و تسهیل خواهد کرد. علاوه بر این، اتصال شبکه ریلی ایران به قفقاز جنوبی در هر دو مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان/ جلفا- نخجوان- مِقری- زنگیلان- باکو- مسکو می‌تواند آثار و پیامدهای منفی ناشی از اجرایی شدن مسیر جاده‌ای و ریلی جمهوری آذربایجان به نخجوان را نیز تا حد بسیار زیادی کاهش دهد. در واقع، احیای این مسیرهای ریلی به ایران اجازه می‌دهد وارد معادلات ترانزیتی و تجاری منطقه قفقاز جنوبی شود که نتایج آن نه تنها به نفع ایران بلکه به سود کلیه کشورهای منطقه است.

نکته بسیار مهم این است که مسیر ریلی جلفا - نخجوان تنها نیاز به ۶۲ کیلومتر ریل‌گذاری دارد. بخش عمده‌ای از خطوط ریلی و زیرساخت‌های مسیر جلفا نیز هم‌اکنون موجود است و در صورتی که توافقنامه صلح میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان نهایی و قطعی شود و همچنین مسیر دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان از خاک ارمنستان نیز جنبه اجرایی و عملیاتی پیدا کند، می‌توان انتظار

۱. «خط آهن جلفا - نخجوان چشم و چراغ تجارت ایران»، روزنامه قدس، ۲۰ آبان ۱۴۰۳.

احیای مسیر ریلی- نخجوان را داشت. نقشه زیر گویای مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان است که می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط مجدد ریلی ایران با منطقه نخجوان، ارمنستان و نیز گرجستان پس از ۳۵ سال شود. نقشه زیر گویای مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان است.



نقشه شماره ۲۵: مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان^۱

بنابراین یکی از مهم‌ترین اولویت‌های ایران، پیگیری و اجرایی شدن احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان و همچنین جلفا- نخجوان- مِقری- زنگیلان- باکو- مسکو است که ضرورت دارد از سوی اتاق ایران، اتاق مشترک ایران و جمهوری آذربایجان و نیز اتاق مشترک بازرگانی ایران و ارمنستان در تعامل و هماهنگی با وزارت امور خارجه، وزارت راه و شهرسازی و راه آهن جمهوری اسلامی ایران، به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، می‌توان نشست مشترکی را با مقامات و کارشناسان مربوطه در ارمنستان و جمهوری آذربایجان به میزبانی ایران با دستور کار احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان برگزار نمود تا مقدمات فنی و اجرایی این طرح مهم ترانزیتی فراهم شود که تحقق آن به نفع همه کشورهای منطقه خواهد بود.

۱. «ضرورت بازخوانی اهمیت کریدور جلفا - نخجوان - ایروان»، خبرگزاری تسنیم، ۱ شهریور ۱۴۰۱.

۹- ضرورت رویکرد متوازن ایران به «کریدور شمال- جنوب» و «کریدور خلیج فارس- دریای سیاه» در قفقاز جنوبی

با توجه به اجرایی شدن «توافقنامه تجارت آزاد» بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اردیبهشت ۱۴۰۴ و همچنین توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و طرح دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان که بدون تردید به تقویت هرچه بیشتر نقش و جایگاه «کریدور میانی» خواهد انجامید، ضرورت دارد رویکرد متوازنی از سوی ایران به «کریدور شمال- جنوب» و «کریدور خلیج فارس- دریای سیاه» در قفقاز جنوبی صورت گیرد. واقعیت این است که طی سالهای اخیر عوامل مختلفی مانند جنگ اوکراین و تحریم فراگیر روسیه از سوی جهان غرب، تنگنای اقتصادی، ترانزیتی و تجاری روسیه، تداوم تحریمها و فشارهای اقتصادی علیه ایران، توافقنامه تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا که از اردیبهشت ۱۴۰۴ به سطح «توافقنامه تجارت آزاد» ارتقاء یافته است و توسعه مناسبات اقتصادی، تجاری و پولی- بانکی ایران و روسیه موجب رشد و پویایی قابل توجه «کریدور شمال- جنوب» بین هند، ایران، جمهوری آذربایجان و روسیه در هر سه مسیر شرقی (آسیای مرکزی)، میانی (دریای خزر) و غربی (جمهوری آذربایجان) شده است که اساساً قابل مقایسه با وضعیت کریدور شمال- جنوب در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی نیست.

اما متأسفانه در «کریدور خلیج فارس- دریای سیاه» که از سال ۲۰۱۶ میلادی بین ایران، ارمنستان، گرجستان، بلغارستان و یونان شکل گرفته است،^۱ شاهد چنین تحرک، رشد و پویایی نبوده ایم. عدم توجه لازم در سطح کشورهای عضو و ضعف زیرساختهای ارتباطی و جادهای ارمنستان که به ویژه در فصل زمستان مشکلات جدی را برای ترانزیت ایجاد می کند، عدم تکمیل و بهره برداری کامل از بزرگراه شمال- جنوب ارمنستان و همچنین بزرگراه شرقی- غربی گرجستان و همچنین برخی مسائل حقوقی و گمرکی به ویژه در رابطه با گرجستان مانع از رشد و پویایی قابل انتظار در کریدور خلیج فارس- دریای سیاه در سالهای اخیر شده است. با وجود همه چالشهای یاد شده، ضرورت دارد

۱. جمهوری آذربایجان و ارمنستان عضو هر کریدور شمال- جنوب و کریدور خلیج فارس- دریای سیاه هستند. اما به واسطه اختلافات دو کشور، کریدور شمال جنوب عملاً با مشارکت جمهوری آذربایجان و کریدور خلیج فارس- دریای سیاه نیز عملاً با مشارکت ارمنستان شکل گرفته است.

به منظور ایجاد توازن کريدوری و ترانزيتی در منطقه قفقاز جنوبی، توجه بيشتری از سوی ايران و نیز ارمنستان و گرجستان به کريدور خلیج فارس - دریای سیاه صورت گیرد و نباید اجازه داد این کريدور ترانزيتی در سایه پویایی و تحرک بالای کريدور شمال - جنوب و همچنین کريدور میانی قرار گیرد. تمامی پیشنهادات و توصیه‌هایی که در بندهای قبلی اشاره شد از جمله ساخت بزرگراه شمال - جنوب ارمنستان، پل دوم روگذر در ارس، بزرگراه ورزقان - نوردوز و توسعه پایانه‌های مرزی نوردوز و مقری، تقویت همکاری‌های مشترک منطقه آزاد اقتصادی ارس (ایران) و منطقه آزاد مقری (ارمنستان) و احیای مسیر ریلی جلفا - نخجوان - ایروان، در صورتی که جنبه اجرایی و عملیاتی پیدا کند می‌تواند به رشد و پویایی کريدور خلیج فارس - دریای سیاه منجر شود. در این راستا، پیشنهاد می‌شود متعاقب توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و طرح دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان از خاک ارمنستان، با همکاری اتاق ایران و نیز اتاق مشترک ایران و ارمنستان و اتاق مشترک ایران و گرجستان و نیز طرف‌های ارمنی و گرجی، نشست مشترکی در رابطه با آخرین وضعیت طرح‌ها و برنامه‌های در دست اقدام در کريدور خلیج فارس - دریای سیاه برگزار شود.

سخن پایانی

توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و طرح دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان از خاک ارمنستان در حالی صورت گرفته است که پس از تجربه جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، با فعال شدن مکانیسم ماشه، مجدداً تمامی قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل قبل از توافق برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی علیه ایران اعمال شده است. طبیعی است که این تحولات آثار و نتایج منفی، محدودکننده و بازدارنده‌ای بر تجارت خارجی ایران، جریان آزاد انتقال کالا و مبادلات مالی و بانکی بر جای گذاشته است. در چنین شرایطی، حفظ و تقویت مناسبات اقتصادی، تجاری و ترانزيتی ایران با کشورهای همسایه و مناطق پیرامونی از جمله ضرورت‌هایی است که باعث تاب‌آوری کشور در مقابله فشارهای تحریمی و اقتصادی می‌شود. در این روند، منطقه قفقاز جنوبی نه تنها می‌تواند نقش مهمی در حفظ و تقویت مناسبات اقتصادی، تجاری و ترانزيتی ایران با جمهوری آذربایجان،



ارمنستان و گرجستان ایفا کند، بلکه پل ارتباطی بسیار مهمی برای توسعه روابط ایران با فدراسیون روسیه، بلاروس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ترکیه و نیز مجموعه اقتصادی و تجاری دریای سیاه در شرق اروپا محسوب می‌شود.

لذا متعاقب توافقنامه اخیر صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که در داخل کشور در رابطه با پیامدهای ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ترانزیتی طرح دسترسی مستقیم آذربایجان به نخجوان از خاک ارمنستان ایجاد شده است، با پرهیز از رویکردهای منفعلانه و یا رویکردهای انتقادی و تقابلی، باید درصدد توسعه هرچه بیشتر تقویت مناسبات دوجانبه و چندجانبه با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی و نیز فدراسیون روسیه برآمد تا در نتیجه درهم تنیدگی اقتصادی، تجاری و ترانزیتی که ایجاد می‌شود، نقش و جایگاه ایران در اقتصاد، تجارت و ترانزیت این منطقه، حفظ و تضمین شود. بنابراین، در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری در ۳۵ سالی که از فروپاشی شوروی می‌گذرد، نیازمند روابط اقتصادی دو جانبه و چندجانبه با هر سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان هستیم. هریک از این کشورها از ظرفیت‌ها و امکاناتی برخوردار هستند که بهره‌گیری مناسب از آن‌ها می‌تواند به افزایش ضریب نفوذ اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران در منطقه کمک شایانی نماید و موجب ناکامی برخی اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی برای حذف یا کاهش نقش ایران در معادلات منطقه شود. مروری کوتاه بر وضعیت مناسبات اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران با سه کشور منطقه قفقاز جنوبی، به روشنی گویای این واقعیت است.

در حالی که در سال ۲۰۲۳ میلادی صادرات ایران به جمهوری آذربایجان ۵۷۰ میلیون دلار و واردات ایران از این کشور نیز ۹/۱۲ میلیون دلار بوده است و موازنه تجاری به صورت قابل توجهی به نفع ایران، «مثبت» است و بیش از ۱۶۰۰ شرکت ایرانی در جمهوری آذربایجان فعالیت دارند، اجرایی شدن «توافقنامه تجارت آزاد» بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ۱۵ می ۲۰۲۵ میلادی / ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، هماهنگی با این کشور را به عنوان مسیر اصلی «کریدور شمال- جنوب» در تجارت و ترانزیت ایران با روسیه و همچنین اجرایی شدن «کریدور ارس»، «مسیر ریلی رشت- آستارا» و توسعه «حمل و نقل دریایی در دریای خزر» ضرورت بیشتری بخشیده است. صادرات و

واردات ایران با جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان از طریق چهار پایانه مرزی آستارا (گیلان)، بيله سوار (اردبیل)، جلفا (آذربایجان شرقی) و صنم بلاغی (آذربایجان غربی) صورت می‌گیرد که نقش بسیار مهمی در ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی چهار استان شمال غربی ایران ایفا می‌کند. علاوه بر این، توافق ایران و روسیه برای انتقال و صادرات سالانه ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز (معادل حدود ۱۵۰ میلیون مترمکعب در روز) از مسیر جمهوری آذربایجان نیز موضوع جدید دیگری است که در روابط اقتصادی تهران و باکو مطرح شده است. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان نقشی کلیدی در احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان دارد که با احیای دو مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان و همچنین جلفا- نخجوان- مِقری- زنگیلان- باکو- مسکو می‌تواند پس از ۳۵ سال، زمینه ارتباط مجدد شبکه ریلی ایران با سه کشور منطقه قفقاز جنوبی و نیز فدراسیون روسیه را فراهم کند. هرچند انسداد مرزهای زمینی دو کشور که از سوی دولت آذربایجان در سال‌های اخیر به دلیل وضعیت ویژه رژیم قرنطینه و مقابله با گسترش ویروس کرونا- علی‌رغم پایان یافتن این بیماری در تمامی نقاط جهان- تاثیر منفی بر رفت و آمد شهروندان دو کشور، توسعه پایانه‌های مرزی، توسعه گردشگری، رونق بازارچه‌های مرزی و رشد و توسعه اقتصادی در شهرها و روستاهای مرزی در هر دو سوی مرز ایران و جمهوری آذربایجان شده است که انتظار می‌رود با توجه به پایان وضعیت ویژه رژیم قرنطینه و مقابله با گسترش ویروس کرونا در همه کشورها از جمله ایران و جمهوری آذربایجان، مرزهای زمینی دو کشور پس از چند سال به روی شهروندان دو کشور باز شود. همچنین در حالی که ایران سال‌هاست به صورت یک جانبه اقدام به لغو ویزا برای شهروندان جمهوری آذربایجان نموده است، اقدام متقابلی از سوی دولت آذربایجان صورت نگرفته است. طبیعی است که لغو متقابل ویزا و بازگشایی مرزهای زمینی می‌تواند ضمن گسترش روابط اقتصادی، تجاری و ترانزیتی، آمار مثبت و قابل توجه گردشگری سیاحتی، زیارتی و سلامت (گردشگری سلامت و پزشکی) را بین دو کشور مجدداً احیا کند. در نهایت ایران همچنان که طی ۳۵ سال گذشته تنها مسیر ارتباطی برای تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و نخجوان از پایانه مرزی بيله سوار در شمال استان اردبیل و مناطق شمالی استان آذربایجان شرقی بوده است، مخالفتی با دسترسی مستقیم این کشور به



منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان ندارد. درخواست و انتظار مشروع و منطقی ایران رعایت «خطوط قرمز» مانند حفظ حریم مرزهای ایران، عدم تغییر مرزهای بین‌المللی و نیز جلوگیری از هرگونه تهدید، انسداد، اختلال و یا محدودیتی برای مرز مشترک ایران و ارمنستان و نیز مسیرهای عبوری و ترانزیتی بین دو کشور در فرایند طراحی و ساخت مسیر زمینی و ریلی جمهوری آذربایجان به نخجوان با عبور از خاک ارمنستان است.

حجم تجارت دو جانبه بین ایران و ارمنستان نیز در سال ۲۰۲۴ میلادی حدود ۷۳۷/۴ میلیون دلار بوده است، که همانند تجارت دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان، باز هم موازنه مثبت تجاری به نفع ایران است. هدف طرفین ارتقای حجم تجارت به ۱ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۵ میلادی و در بلندمدت تا ۳ میلیارد دلار تعیین شده است که البته تحقق آن نیازمند برنامه‌ریزی و توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی و تجاری بین دو کشور است. همچنین ارمنستان تنها کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که ایران با آن دارای مرز زمینی مشترک است و طی سال‌های اخیر بارها از ارمنستان به عنوان «دروازه» و «پل ارتباطی» ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا یاد شده است. لغو متقابل ویزا بین دو کشور نیز به افزایش ارتباط و سفر شهروندان دو کشور و همچنین رشد ترانزیت و تجارت کمک شایانی نموده است. همان‌گونه که جمهوری آذربایجان توانسته است به عنوان حلقه ارتباطی در کریدور شمال- جنوب بین هند، ایران و روسیه نقش فعالی ایفا کند، ارمنستان نیز می‌تواند همین نقش را در کریدور خلیج فارس- دریای سیاه داشته باشد که تحقق آن نیازمند ساخت و تکمیل بزرگراه شمال- جنوب ارمنستان، توسعه پایانه‌های مرزی نوردوز و مقری، تقویت همکاری‌های مشترک منطقه آزاد اقتصادی ارس (ایران) و منطقه آزاد مقری (ارمنستان) و احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان است که ضرورت دارد به صورت جدی از سوی هر دو کشور ایران و ارمنستان مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این به موازات افتتاح کنسولگری ایران در شهر کاپان- مرکز استان سیونیک ارمنستان- انتظار می‌رود که دولت این کشور در روند افتتاح کنسولگری ارمنستان در شهر تبریز با جدیت بیشتری عمل کند که می‌تواند بسیاری از فرایندهای اداری، حقوقی و کنسولی شهروندان ایران و ارمنستان را در شمال غربی کشور بدون مراجعه به سفارت و کنسولگری

ارمنستان در تهران، رفع و رجوع کند. ارمنستان همچنین نقشی کلیدی در فرایند طراحی و ساخت مسیر دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان در جنوب استان سیونیک و در مجاورت مرز ایران دارد و این انتظار می‌رود که طراحی، ساخت، نظارت و کنترل امنیتی این مسیر که قرار است توسط شرکت‌های آمریکایی صورت گیرد، هیچ گونه تهدید، انسداد، اختلال و یا محدودیتی برای مرز مشترک ایران و ارمنستان و نیز مسیرهای عبوری و ترانزیتی بین دو کشور ایجاد نکند.

روابط اقتصادی و تجاری ایران و گرجستان نیز هر چند در سطح روابط اقتصادی و تجاری ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیست، اما طی دو دهه اخیر روند رو به رشد و صعودی داشته است. لغو متقابل ویزا بین دو کشور، شفافیت اقتصادی و اداری و تسریع در فرایندهای اداری خرید ملک، ثبت شرکت و سایر فعالیتهای اقتصادی نیز به افزایش ارتباط و سفر شهروندان دو کشور و همچنین رشد ترانزیت و تجارت کمک شایانی نموده است. به طور مشخص از سال ۲۰۱۲ میلادی که حزب «رویای گرجستان» (رویای گرجی) در این کشور به قدرت رسید که در مقایسه با دوران ریاست جمهوری میخائیل ساکشویلی، روابط متوازن‌تری را با روسیه و کشورهای منطقه به موازات توسعه روابط با غرب دنبال می‌کرد، تجارت دوجانبه با ایران تقریباً سه برابر شده و از ۱۱۹ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ به ۳۲۲ میلیون دلار در سال ۲۰۲۴ رسید. با توجه به تحولات سیاسی گرجستان پس از انتخابات پارلمانی پاییز ۲۰۲۴ میلادی که به تثبیت جایگاه حزب «رویای گرجستان» (رویای گرجی)، فاصله گرفتن بیشتر این کشور از غرب و حتی تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه گرجستان منجر شده است، می‌توان انتظار داشت که روابط اقتصادی، تجاری و ترانزیتی ایران و گرجستان همچنان به روند رو به رشد خود ادامه دهد. هر چند همچنان سطح مناسبات اقتصادی و تجاری دو کشور پایین است و گرجستان می‌تواند در همکاری و هماهنگی بیشتر با ارمنستان و ایران، نقش مهم‌تری در کریدور خلیج فارس - دریای سیاه ایفا نماید که باعث پیوند و ارتباط تجاری و ترانزیتی بین بنادر جنوبی ایران در خلیج فارس و دریای عمان با بنادر گرجستان در دریای سیاه خواهد شد. ضمن این‌که دسترسی مستقیم این کشور به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، آثار و نتایج مشابه ترانزیتی و تجاری برای ایران و گرجستان به دنبال دارد و لذا به نفع هر دو کشور است که در



مسیر ترانزیتی و تجاری شمالی- جنوبی در کریدور خلیج فارس- دریای سیاه، سطح همکاری‌های متقابل را افزایش دهند. ضمن این‌که احیای مسیر ریلی جلفا- نخجوان- ایروان نیز موجب اتصال شبکه ریلی ایران به ارمنستان و گرجستان، ۳۵ سال پس از فروپاشی شوروی، خواهد شد و بنابراین انتظار می‌رود دولت گرجستان نیز همسو با ایران با جدیت بیشتری احیای این مسیر ریلی را به عنوان یکی از مطالبات مهم در سطح منطقه قفقاز جنوبی دنبال نماید.



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

تهران، خیابان طالقانی،

نوبت خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

تلفن: ۰۲۱ ۸۵۷۳۰۰۰۰

ICCIMA.IR